



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشانه هايي از دولت موعود

نويسنده:

نجم الدين طبسي

ناشر چاپي:

بوستان كتاب قم (انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم)

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	نشانه هایی از دولت موعود
۱۵	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۰	فهرست موضوعات
۳۷	مقدمه مؤلف
۳۹	پیش گفتار
۴۳	بخش اول: دورنمایی از جهان پیش از ظهور
۴۳	اشاره
۴۷	فصل اول: حکومت
۴۷	اشاره
۴۷	الف) استبداد حکومت ها
۴۹	ب) ترکیب دولت ها
۵۰	ج) نفوذ زنان بر حکومت ها
۵۰	د) فرمانروایی کودکان
۵۱	ه) تزلزل حکومت ها
۵۱	و) ناتوانی قدرت ها از اداره کشورها
۵۳	فصل دوم: وضعیت دینی مردم
۵۳	اشاره
۵۳	الف) اسلام و مسلمانان
۵۴	ب) مساجد
۵۴	ج) فقیهان
۵۵	د) خروج از دین
۵۵	ه) دین فروشی

۵۷	فصل سوم: اخلاق پیش از ظهور
۵۷	اشاره
۵۷	الف) سردی عواطف انسانی
۵۸	ب) فساد اخلاقی
۵۹	ج) گسترش اعمال منافی عفت
۶۰	د) آرزوی کمی تعداد فرزندان
۶۱	ه) افزایش خانواده های بی سرپرست
۶۳	فصل چهارم: امنیت پیش از ظهور
۶۳	الف) هرج و مرج و ناامنی
۶۴	ب) ناامنی راه ها
۶۵	ج) جنایات هولناک
۶۷	د) آرزوی مرگ زندگان
۶۸	ه) به اسارت رفتن مسلمانان
۶۹	و) فرورفتن در زمین
۷۰	ز) افزایش مرگ های ناگهانی
۷۰	ح) ناامیدی جهانیان از نجات
۷۱	ط) نداشتن دادرس و پناه
۷۲	ی) جنگ، کشتار و فتنه ها
۷۹	فصل پنجم: وضعیت اقتصادی جهان در عصر ظهور
۷۹	اشاره
۷۹	الف) کمبود باران و باریدن باران های بی موقع
۸۰	ب) خشک شدن دریاچه ها و رودها
۸۱	ج) شیوع گرانی، گرسنگی، فقر و کساد تجارت
۸۳	د) مبادله زنان در مقابل مواد غذایی
۸۵	فصل ششم: روزنه های امید
۸۵	اشاره

- الف) مؤمنان حقیقی ۸۵
- ب) نقش عالمان و دانشمندان (شیعه) ۸۶
- ج) نقش شهر قم در آخر الزمان ۸۷
- اشاره ۸۷
- قم حرم اهل بیت ۸۸
- شهر قم حجت بر دیگران ۸۹
- مرکز نشر فرهنگ اسلامی ۹۰
- د) تأیید خط فکری قم ۹۱
- اشاره ۹۱
- یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه ۹۲
- ایران، کشور امام زمان ۹۳
- تمجید از ایرانیان ۹۳
- زمینه سازان ظهور ۹۴
- بخش دوم: انقلاب جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه ۹۷
- اشاره ۹۷
- فصل اول: قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۹۹
- اشاره ۹۹
- الف) اعلان ظهور ۱۰۱
- ب) شعار پرچم قیام ۱۰۲
- ج) خرسندی جهانیان از قیام ۱۰۲
- د) نجات محرومان ۱۰۴
- ه) نقش زنان در قیام امام علیه السلام ۱۰۵
- اشاره ۱۰۵
- بررسی سابقه زنان عصر ظهور در کتاب های تاریخی ۱۰۷
- اشاره ۱۰۷
۱. صیانه ۱۰۷

۱۰۹	۲.ام ایمن
۱۰۹	۳.زبیده
۱۱۰	۴.سمیه مادر عمار یاسر
۱۱۰	۵.ام خالد
۱۱۰	۶.حبابه والبيه
۱۱۳	۷.قنواء دختر رشید هجرى
۱۱۴	نقش زنان در دوران پیامبر صلی الله علیه و اله
۱۱۹	فصل دوم: رهبر قیام
۱۱۹	اشاره
۱۱۹	الف) خصوصیات جسمی
۱۱۹	۱.سن و چهره
۱۲۱	۲.مشخصات بدنی
۱۲۲	ب) کمالات اخلاقی
۱۲۲	اشاره
۱۲۲	۱.ترس از خدا
۱۲۳	۲.زهد
۱۲۴	ج) لباس
۱۲۵	د) اسلحه
۱۲۶	ه) چهره شناسی امام
۱۲۷	و) کرامات
۱۲۷	اشاره
۱۲۹	۱.سخن گفتن پرنده
۱۲۹	۲.جوشش آب و آذوقه از زمین
۱۳۱	۳.طی الارض و نداشتن سایه
۱۳۱	۴.وسیله انتقال
۱۳۲	۵.کندی حرکت زمان

- ۱۳۲ ۶. قدرت تکبیر
- ۱۳۴ ۷. عبور از آب
- ۱۳۴ ۸. شفای بیماران
- ۱۳۴ ۹. عصای موسی در دست
- ۱۳۵ ۱۰. ندای ابر
- ۱۳۷ فصل سوم: سپاهیان امام عجل الله تعالی فرجه
- ۱۳۷ اشاره
- ۱۳۷ الف) فرماندهان سپاه
- ۱۳۷ اشاره
- ۱۳۷ ۱. حضرت عیسی علیه السلام
- ۱۳۸ ۲. شعیب بن صالح علیه السلام
- ۱۳۹ ۳. اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام و عبد الله بن شریک
- ۱۴۰ ۴. عقیل و حارث
- ۱۴۰ ۵. جبیر بن خابور
- ۱۴۱ ۶. مفضل بن عمر
- ۱۴۱ ۷. اصحاب کهف
- ۱۴۱ ب) ملت سپاهیان
- ۱۴۱ اشاره
- ۱۴۲ ۱. ایرانیان
- ۱۴۲ اشاره
- ۱۴۹ قم
- ۱۴۹ خراسان
- ۱۵۰ طالقان
- ۱۵۰ ۲. عرب ها
- ۱۵۱ ۳. پیروان ادیان گوناگون
- ۱۵۴ ۴. جابلقا و جابرسا

۱۵۷	ج) تعداد سپاهیان
۱۵۷	اشاره
۱۵۷	۱. نیروهای مخصوص
۱۶۰	۲. ارتش مهدی عجل الله تعالی فرجه
۱۶۱	۳. گارد حفاظت
۱۶۲	د) اجتماع سپاهیان
۱۶۴	ه) شرایط پذیرش و آزمایش سپاهیان
۱۶۶	و) ویژگی های سپاهیان
۱۶۶	اشاره
۱۶۶	۱. عبادت و پارسایی
۱۶۷	۲. عشق به امام و فرمانبرداری از او
۱۶۸	۳. سپاهیان قدرتمند و جوان
۱۷۱	۴. سپاهیان محبوب
۱۷۱	۵. عاشقان شهادت
۱۷۲	فصل چهارم: جنگ های حضرت
۱۷۲	اشاره
۱۷۲	الف) پاداش مجاهدان و شهیدان
۱۷۳	ب) تجهیزات جنگی
۱۷۵	ج) جهان گشایی امام برای نجات بشر
۱۸۴	د) سرکوبی شورش ها
۱۸۶	ه) پایان جنگ ها
۱۸۸	فصل پنجم: امدادهای غیبی
۱۸۸	اشاره
۱۸۸	الف) رعب و ترس، سلاح امام
۱۸۹	ب) فرشتگان و جنیان
۱۹۲	ج) فرشتگان زمین

۱۹۵	-----	د)تابوت موسی علیه السلام
۱۹۸	-----	فصل ششم: شیوه رفتار امام علیه السلام با دشمنان
۱۹۸	-----	اشاره
۱۹۹	-----	الف)قاطعیّت امام علیه السلام در رویارویی با دشمنان
۱۹۹	-----	اشاره
۱۹۹	-----	۱.جنگ و کشتار
۲۰۱	-----	۲.اقدام و تبعید
۲۰۲	-----	۳.قطع دست
۲۰۳	-----	ب)برخورد با گروه های مختلف
۲۰۳	-----	اشاره
۲۰۳	-----	۱.قوم عرب
۲۰۴	-----	۲.اهل کتاب
۲۰۷	-----	۳.فرقه های باطل و منحرف
۲۰۹	-----	۴.مقدس نماها
۲۱۰	-----	۵.ناصبی ها
۲۱۱	-----	۶.منافقان
۲۱۲	-----	۷.شیطان
۲۱۴	-----	فصل هفتم: احیای سنت محمدی صلی الله علیه و اله
۲۱۴	-----	اشاره
۲۱۷	-----	الف)احکام جدید
۲۱۷	-----	۱.اقدام زناکار و منع کننده از زکات
۲۱۸	-----	۲.قانون ارث
۲۱۹	-----	۳.کشتن دروغگویان
۲۱۹	-----	۴.پایان حکم جزیه
۲۲۰	-----	۵.انتقام از بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام
۲۲۱	-----	۶.حکم رهن و وثیقه

- ۲۲۱ سود تجارت ۷
- ۲۲۲ کمک برادران دینی به یک دیگر ۸
- ۲۲۲ حکم قطایع ۹
- ۲۲۲ حکم ثروت ها ۱۰
- ۲۲۳ (ب) اصلاحات اجتماعی و تجدید ساختمان مساجد
- ۲۲۳ ۱. تخریب مسجد کوفه و تعدیل قبله آن
- ۲۲۴ ۲. تخریب مساجد در مسیر جاده و مشرف
- ۲۲۴ ۳. ویران کردن مناره ها
- ۲۲۵ ۴. تخریب سقف مساجد و منبرها
- ۲۲۶ ۵. بازگرداندن مسجد الحرام و مسجد النبی به اندازه اصلی
- ۲۲۶ (ج) قضاوت
- ۲۲۸ (د) حکومت عدل
- ۲۲۸ اشاره
- ۲۲۸ نظر مرحوم طبرسی
- ۲۳۲ بخش سوم: حکومت
- ۲۳۲ اشاره
- ۲۳۴ فصل اول: دولت حق
- ۲۳۴ اشاره
- ۲۳۷ الف) حکومت بر دل ها
- ۲۳۹ ب) پایتخت حکومت
- ۲۴۱ ج) کارگزاران دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه
- ۲۴۶ د) مدت حکومت
- ۲۵۰ فصل دوم: رشد دانش و فرهنگ اسلامی
- ۲۵۰ اشاره
- ۲۵۲ الف) شکوفایی دانش و صنعت
- ۲۵۶ ب) گسترش فرهنگ اسلامی

۲۵۶	اشاره
۲۵۷	۱.آموزش قرآن و معارف اسلامی
۲۵۷	۲.ساختن مساجد
۲۵۹	۳.رشد معنویت و اخلاق
۲۶۴	فصل سوم: امنیت
۲۶۴	اشاره
۲۶۴	الف)امنیت عمومی
۲۶۸	ب)امنیت راه ها
۲۷۰	ج)امنیت قضایی
۲۷۴	فصل چهارم: اقتصاد
۲۷۴	اشاره
۲۷۵	الف)شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی
۲۷۵	اشاره
۲۷۵	۱.تقسیم اموال و بخشش دارایی ها
۲۷۷	۲.ریشه کن شدن فقر از جامعه
۲۷۹	۳.رسیدگی به محرومان و مستضعفان
۲۸۰	ب)عمران و آبادانی
۲۸۲	ج)کشاورزی
۲۸۲	اشاره
۲۸۳	۱.فراوانی باران
۲۸۵	۲.فراوانی محصولات کشاورزی
۲۸۵	اشاره
۲۸۷	۳.گسترش دام پروری
۲۸۸	۴.بازرگانی
۲۹۰	فصل پنجم: بهداشت و درمان
۲۹۰	اشاره

۲۹۱	الف) گسترش بیماری ها و مرگ های ناگهانی
۲۹۲	ب) بهداشت
۲۹۴	ج) درمان
۲۹۶	فصل ششم: رحلت
۲۹۶	شهادت یا رحلت امام علیه السلام
۲۹۷	چگونگی شهادت امام علیه السلام
۳۰۰	فهرست منابع
۳۱۷	نمایه
۳۱۷	اشاره
۳۱۹	آیات
۳۲۱	روایات
۳۵۶	معصومین علیهم السلام
۳۵۹	اعلام (اشخاص، مکان ها، کتاب ها)
۳۸۳	درباره مرکز

نشانه هایی از دولت موعود

مشخصات کتاب

سرشناسه: طبسی، نجم الدین، 1334 -

عنوان و نام پدیدآور: نشانه هایی از دولت موعود / نجم الدین طبسی.

مشخصات نشر: قم: بوستان کتاب قم، 1389.

مشخصات ظاهری: 319 ص.

فروست: بوستان کتاب قم؛ 1261. اهل بیت (ع)؛ 113. تاریخ؛ 214.

شابک: 52000 ریال 9789640906057؛ 100000 ریال (چاپ ششم)

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Signs of the promised government.

یادداشت: ص.ع. به عربی: نجم الدین الطبسی. من علائم الدوله الموعوده.

یادداشت: چاپ چهارم.

یادداشت: چاپ ششم: 1392.

یادداشت: کتابنامه: ص. [275]-285.

یادداشت: نمایه.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

موضوع: آخر الزمان

مهدویت-- انتظار

شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. بوستان کتاب قم

رده بندی کنگره: 5/224/BP ط23 ن5 1389

رده بندی دیویی: 297/462

شماره کتابشناسی ملی: 1101993

ص: 1

اشاره

نشانه‌هایی از دولت موعود

نجم‌الدین طوسی.

بوستان کتاب قم

ص: 3

فهرست موضوعات

مقدمه مؤلف 15

پیش گفتار 17

بخش اول: دورنمایی از جهان پیش از ظهور

فصل اول: حکومت 25

الف) استبداد حکومت ها 25

ب) ترکیب دولت ها 27

ج) نفوذ زنان بر حکومت ها 28

د) فرمانروایی کودکان 28

ه) تزلزل حکومت ها 29

و) ناتوانی قدرت ها از اداره کشورها 29

فصل دوم: وضعیت دینی مردم 31

الف) اسلام و مسلمانان 31

ب) مساجد 32

ج) فقیهان 32

د) خروج از دین 33

ه) دین فروشی 33

ص: 5

فصل سوم: اخلاق پیش از ظهور 35

الف) سردی عواطف انسانی 35

ب) فساد اخلاقی 36

ج) گسترش اعمال منافی عفت 37

د) آرزوی کمی تعداد فرزند 38

ه) افزایش خانواده های بی سرپرست 39

فصل چهارم: امنیت پیش از ظهور 41

الف) هرج و مرج و ناامنی 41

ب) ناامنی راه ها 42

ج) جنایات هولناک 43

د) آرزوی مرگ زندگان 45

ه) به اسارت رفتن مسلمانان 46

و) فرورفتن در زمین 47

ز) افزایش مرگ های ناگهانی 48

ح) ناامیدی جهانیان از نجات 48

ط) نداشتن دادرس و پناه 49

ی) جنگ، کشتار و فتنه ها 50

فصل پنجم: وضعیت اقتصادی جهان در عصر ظهور 57

الف) کمبود باران و باریدن باران های بی موقع 57

ب) خشک شدن دریاچه ها و رودها 58

ج) شیوع گرانی، گرسنگی، فقر و کساد تجارت 59

د) مبادلهٔ زنان در مقابل مواد غذایی 61

فصل ششم: روزنه های امید 63

الف) مؤمنان حقیقی 63

ص: 6

ب) نقش عالمان و دانشمندان (شیعه) 64

ج) نقش شهر قم در آخر الزمان 65

قم حرم اهل بیت 66

شهر قم حجّت بر دیگران 67

مرکز نشر فرهنگ اسلامی 68

د) تأیید خط فکری قم 69

یاوران مهدی 70

ایران، کشور امام زمان 71

تمجید از ایرانیان 71

زمینه سازان ظهور 72

بخش دوم: انقلاب جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه

فصل اول: قیام امام زمان 77

الف) اعلان ظهور 79

ب) شعار پرچم قیام 80

ج) خرسندی جهانیان از قیام 80

د) نجات محرومان 82

ه) نقش زنان در قیام امام علیه السلام 83

بررسی سابقه زنان عصر ظهور در کتاب های تاریخی 85

1. صبّانه 85

2. امّ ایمن 87

3. زبیده 87

4. سمیہ مادر عمار یاسر 88

5. امّ خالد 88

ص: 7

6. حبابه والیه 88

7. قنواء دختر رشید هجری 91

نقش زنان در دوران پیامبر صلی الله علیه و اله 92

فصل دوم: رهبر قیام 97

الف) خصوصیات جسمی 97

1. سن و چهره 97

2. مشخصات بدنی 99

ب) کمالات اخلاقی 100

1. ترس از خدا 100

2. زهد 101

ج) لباس 102

د) اسلحه 103

ه) چهره شناسی امام 104

و) کرامات 105

1. سخن گفتن پرنده 107

2. جوشش آب و آذوقه از زمین 107

3. طی الارض و نداشتن سایه 109

4. وسیله انتقال 109

5. کندی حرکت زمان 110

6. قدرت تکبیر 110

7. عبور از آب 112

8. شفای بیماران 112

9. عصای موسی در دست 112

10. ندای ابر 113

ص: 8

فصل سوم: سپاهیان امام 115

الف) فرماندهان سپاه 115

1. حضرت عیسی علیه السّلام 115

2. شعیب بن صالح علیه السّلام 116

3. اسماعیل فرزند امام صادق علیه السّلام و عبد الله بن شریک 117

4. عقیل و حارث 118

5. جبیر بن خابور 118

6. مفضل بن عمر 119

7. اصحاب کهف 119

ب) ملّیت سپاهیان 119

1. ایرانیان 120

قم 127

خراسان 127

طالقان 128

2. عرب ها 128

3. پیروان ادیان گوناگون 129

4. جابلقا و جابرسا 132

ج) تعداد سپاهیان 134

1. نیروهای مخصوص 134

2. ارتش مهدی عجل الله تعالی فرجه 137

3. گارد حفاظت 138

د) اجتماع سپاهیان 139

ه) شرایط پذیرش و آزمایش سپاهیان 141

و) ویژگی های سپاهیان 143

ص: 9

1. عبادت و پارسایی 143
2. عشق به امام و فرمانبرداری از او 144
3. سپاهیان قدرتمند و جوان 145
4. سپاهیان محبوب 148
5. عاشقان شهادت 148
- فصل چهارم: جنگ های حضرت 149
- الف) پاداش مجاهدان و شهیدان 149
- ب) تجهیزات جنگی 150
- ج) جهان گشایی امام برای نجات بشر 152
- د) سرکوبی شورش ها 161
- ه) پایان جنگ ها 163
- فصل پنجم: امدادهای غیبی 165
- الف) رعب و ترس، سلاح امام 165
- ب) فرشتگان و جتیان 166
- ج) فرشتگان زمین 169
- د) تابوت موسی علیه السلام 172
- فصل ششم: شیوه رفتار امام علیه السلام با دشمنان 175
- الف) قاطعیت امام علیه السلام در رویارویی با دشمنان 176
1. جنگ و کشتار 176
2. اعدام و تبعید 178
3. قطع دست 179

ب) برخورد با گروه های مختلف 180

1. قوم عرب 180

2. اهل کتاب 181

ص: 10

3.فرقه های باطل و منحرف 184

4.مقدس نماها 186

5.ناصبی ها 187

6.مناققان 188

7.شیطان 189

فصل هفتم:احیای سنت محمدی صلی الله علیه و اله 191

الف)احکام جدید 194

1.اعدام زناکار و منع کننده از زکات 194

2.قانون ارث 195

3.کشتن دروغگویان 196

4.پایان حکم جزیه 196

5.انتقام از بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام 197

6.حکم رهن و وثیقه 198

7.سود تجارت 198

8.کمک برادران دینی به یک دیگر 199

9.حکم قطایع 199

10.حکم ثروت ها 199

ب)اصلاحات اجتماعی و تجدید ساختمان مساجد 200

1.تخریب مسجد کوفه و تعدیل قبله آن 200

2.تخریب مساجد در مسیر جاده و مشرف 201

3.ویران کردن مناره ها 201

4. تخریب سقف مساجد و منبرها 202

5. بازگرداندن مسجد الحرام و مسجد النبی به اندازه اصلی 203

ج(قضاوت 203

ص: 11

د) حکومت عدل 205

نظر مرحوم طبرسی 205

بخش سوم: حکومت

فصل اول: دولت حق 211

الف) حکومت بر دل ها 214

ب) پایتخت حکومت 216

ج) کارگزاران دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه 218

د) مدّت حکومت 222

فصل دوم: رشد دانش و فرهنگ اسلامی 225

الف) شکوفایی دانش و صنعت 227

ب) گسترش فرهنگ اسلامی 231

1. آموزش قرآن و معارف اسلامی 232

2. ساختن مساجد 232

3. رشد معنویت و اخلاق 234

فصل سوم: امنیّت 239

الف) امنیّت عمومی 239

ب) امنیّت راه ها 243

ج) امنیّت قضایی 245

فصل چهارم: اقتصاد 249

الف) شکوفایی اقتصاد و رفاه اجتماعی 250

1. تقسیم اموال و بخشش دارایی ها 250

2. ریشه کن شدن فقر از جامعه 252

3. رسیدگی به محرومان و مستضعفان 254

ص: 12

ب) عمران و آبادانی 255

ج) کشاورزی 257

1. فراوانی باران 258

2. فراوانی محصولات کشاورزی 260

3. گسترش دام پروری 262

4. بازرگانی 263

فصل پنجم: بهداشت و درمان 265

الف) گسترش بیماری ها و مرگ های ناگهانی 266

ب) بهداشت 267

ج) درمان 269

فصل ششم: رحلت 271

شهادت یا رحلت امام علیه السلام 271

چگونگی شهادت امام علیه السلام 272

فهرست منابع 275

نمایه

آیات 289

روایات 291

معصومین علیهم السلام 309

اعلام 311

ص: 13

کتاب «چشم اندازی به حکومت جهانی...» پس از انتشار با استقبال فراوانی روبه رو گردید و بیش از هفت بار به زبان فارسی و عربی تجدید چاپ، و به اردو و آلمانی ترجمه شد.

دوستان و کسانی که این اثر را خوانده بودند بارها تماس گرفتند و پیشنهاد می کردند که متن روایات نیز در کتاب، اگرچه در پاورقی، آورده شود. البته ما در چاپ اول، همین روش را به کار برده بودیم، ولی سازمان تبلیغات مؤسسه ای که چاپ اول آن را به عهده گرفته بود به هنگام مسافرت مؤلف به خارج از کشور برای تقلیل حجم کتاب آنها را حذف کرد و ما را در برابر عمل انجام شده قرار داد. ولی تذکراتی در پی عزیزان، ما را بر آن داشت با مراجعه به منابع اصلی، متون روایات بار دیگر گرد آوریم و در پاورقی جای دهیم. در ضمن با بررسی دوباره به خود اثر، بعضی از نکات و مطالب مناسب افزوده شد که با نام «نشانه هایی از دولت موعود» تقدیم می گردد. برای مخاطبان اصلی (عمومی) نیز چاپ تلخیص کتاب «چشم اندازی به حکومت جهانی...» ادامه خواهد یافت. البته کوشیده ایم سطح کتاب همچنان برای عموم نیز قابل استفاده باشد و در آن تغییر زیادی از این نظر به وجود نیاید. ان شاء الله پاره ای از بحث های تحقیقی و تخصصی مربوط به مهدویت در آینده در کتابی دیگر در اختیار عزیزان قرار خواهد گرفت.

در پایان از مؤسسه بوستان کتاب قم، به ویژه مسئول محترم آن، عالم فاضل، حضرت حجه الاسلام جناب آقای سید محمد کاظم شمس، که منتهای کوشش خود را در نشر فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مبذول می دارند و بی وقفه می کوشند، صمیمانه تشکر می کنیم.

امیدواریم که خداوند عزّ و جلّ بر توفیقات ایشان و سایر اعضای محترم بیفزاید. والسلام

قم مقدس، نجم الدین طوسی

83/12/14

ص: 15

منطقه شوش دانیال تازه از چنگال کافران بعثی آزاد شده بود و مردم کم‌کم به شهر باز می‌گشتند. من که در آن زمان افتخار حضور در جمع عزیزان رزمنده را داشتم، در آن فرصت در مسجد جامع آن شهر تاریخی، درس‌هایی را درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه براساس کتاب بحار الأنوار علامه مجلسی بیان کردم.

در آن هنگام بدین نکته توجه کردم که درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه گرچه مباحث گوناگونی، مانند:

راز طول عمر، فلسفه غیبت، عوامل ظهور و... مطرح شده است، ولی درباره چگونگی قیام، سیستم حکومتی و شیوه زمامداری آن حضرت، آن چنان که شایسته است، تحقیق و پژوهشی به عمل نیامده است. از این رو، بر آن شدم تحقیقی در این زمینه داشته باشم؛ شاید بتوانم برای سؤالاتی که کم‌وبیش برای همگان مطرح است، پاسخی بیابم.

یکی از پرسش‌هایی که ذهن بیش‌تر انسان‌ها را به خود مشغول داشته، آن است که امام عجل الله تعالی فرجه چگونه نظام‌های سیاسی گوناگون را-که دارای افکار و توانایی‌های مختلفی هستند-از میان برمی‌دارد و نظام واحد جهانی تشکیل می‌دهد؟

سیستم و برنامه حکومتی آن حضرت چگونه است که در آن ظلم و ستمی در جهان نخواهد بود؛ فساد صورت نمی‌گیرد و گرسنه‌ای یافت نمی‌شود؟

این اندیشه چهار سال مرا به تحقیق و پژوهش در موضوع یادشده واداشت و نتیجه آن، کتابی شد که در پیش‌روی دارید.

در بخش نخست این کتاب، اوضاع جهان پیش از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه-که آکنده از جنگ و کشتار،

ویرانی و قحطی، مرگ و بیماری، ظلم و ستم و ناامنی و تجاوز است- مورد بررسی قرار گرفته، نتیجه گیری می شود که مردم در آن هنگام از مرام ها، مکتب ها و حکومت های گوناگون- که هر کدام ادعای رعایت حقوق بشر، سعادت انسان و نجات آنان را داشته اند- مأیوس شده، از بهبود اوضاع نابسامان جهان ناامید گشته اند و در انتظار ظهور مصلحی به سر می برند تا نجات بخش آنان باشد.

بخش دوم کتاب، به چگونگی قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می پردازد؛ نهضتی که از کنار کعبه با اعلام آن حضرت آغاز می گردد. یاران و پیروان حقیقی از سراسر جهان به او می پیوندند. ستاد فرماندهی شکل می گیرد، سپاهیان منظم شده، فرماندهان منصوب می شوند و عملیات در سطح وسیعی آغاز می گردد.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند و به ریشه کن کردن ستم و ستمگر از جامعه می پردازد. این جامعه، محدود به سرزمین حجاز، خاورمیانه و آسیا نیست؛ بلکه به وسعت کره زمین است.

اصلاح چنین جامعه ای که پر از ظلم و فساد است، کاری بس دشوار و مدعی- آن در حقیقت- ادعای معجزه ای بزرگ دارد و این معجزه به دست او تحقق می یابد.

سومین بخش کتاب، به حکومت آخرین امام علیه السلام اشاره دارد. آن حضرت برای اداره جهانی رهیده از ستم و فساد و نیز تحقق حاکمیت اسلام، دولتی قوی و کارآمد، از یاران توانمند زمان خویش و بزرگانی چون حضرت عیسی علیه السلام، سلمان فارسی، مالک اشتر، صالح و... از سلف صالح تشکیل می دهد. هر چند نقش آنان را در براندازی حکومت های جور نمی توان نادیده گرفت، ولی نقش اصلی آنان در سازندگی و اصلاح جهان در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است.

آن چه در این پیش گفتار به اختصار ذکر شد، با بهره گیری از ده ها کتاب از- شیعه و سنی- و بررسی صدها روایت، به صورت مبسوط و مستدل در کتابی که در پیش رو دارید، آمده است.

امید است این کتاب که دورنمایی- هر چند نارسا- از جامعه اسلامی پس از ظهور عدالت گستر آل محمد صلی الله علیه و اله را ترسیم کرده است، مقبول امام زمان عجل الله تعالی فرجه و مورد استفاده مسلمانان ایران و منتظران واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه قرار گیرد و آنان را برای فراهم کردن زمینه ظهور آن حضرت آماده سازد.

از خداوند بزرگ خواهانیم که مرجع بزرگوار امام خمینی رحمه الله را که جلوه ای از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه را در ایران به ما نشان داد با انبیا و معصومین محشور فرماید و خادمان به اهل بیت و مملکت اهل بیت را موفق و در حراست از این امّ القرای اسلام مؤید بدارد. در این جا تذکر چند نکته ضروری است:

1. ما مدّعی آن نیستیم که در این کتاب مطلب تازه ای ارائه کرده ایم؛ زیرا روایات آن را عالمان گذشته جمع آوری نموده، در برخی موارد، نتیجه گیری نیز کرده اند؛ امّا ویژگی این کتاب، در این است که سعی شده به دور از اصطلاحات خاص و نزاع های دینی، مطالب را در قالبی نو، ساده و در خور فهم عموم ارائه کند.

2. برداشت هایی که از روایات صورت گرفته و به جایی استناد داده نشده است، نظر شخصی نویسنده می باشد. از این رو، ممکن است که با دقت و تحقیق بیش تر و مقایسه روایات با یک دیگر، مطالب دیگری برداشت شود.

3. هم چنین مدّعی نیستیم که تمامی روایات مورد استناد در این کتاب، صحیح و غیر قابل خدشه است؛ بلکه سعی بر این بوده است که آن چه محدّثان و مؤلّفان معتبر در کتاب های شان آورده اند، نقل شود. هم چنین جز در پاره ای از موارد، از سند روایات بحثی به میان نیامده است؛ زیرا در مقام اثبات یا نفی آن نبوده ایم. علاوه بر آن که در بسیاری از موارد، با تواتر اجمالی به صدور روایت قطع پیدا می کنیم؛ به ویژه در روایاتی که از طریق اهل بیت علیهم السّلام رسیده است.

4. روایات این کتاب پیش از تألیف و تدوین کتاب معجم احادیث (1) الامام المهدی علیه السّلام جمع آوری شده است. از این رو، مشتاقان به تحقیق بیش تر در این زمینه را، به آن کتاب که بحمد الله پس از این کتاب موفق به جمع آوری و تألیف و نشر آن شدم ارجاع می دهیم.

5. در بسیاری از روایات کلمه «الساعة» و «القیامة» به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تفسیر شده است. از این رو، روایاتی که به عنوان شرایط یا علائم الساعة و القیامة آمده، در این کتاب به عنوان علائم ظهور آورده شده است.

6. برخی از مطالب کتاب نیاز به تحقیق بیش تری دارد؛ هر چند سعی شده درباره آنها توضیحت.

ص: 19

1- این جانب با همکاری چندتن از فضلاهی حوزه این کتاب را در پنج جلد تألیف کردیم و بنیاد معارف اسلامی قم آن را در 1411 قمری به چاپ رساند و در آینده نزدیک- إن شاء الله- به بازنگری آن خواهیم پرداخت.

داده شود. امید است با عنایات الهی کتاب را در چاپ های بعدی با تحقیق بیش تری منتشر نماییم.

در خاتمه به مصداق من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق، لازم است از برادران و دوستان به ویژه از دو برادر بزرگووارم، حجج اسلام محمد جواد و محمد جعفر طبسی برای رهنمودهای شان و از حجج اسلام علی رفیعی و سید محمد حسینی شاهرودی برای بازنویسی و تنظیم مطالب کتاب، تشکر و قدردانی کنم.

قم-نجم الدین طبسی

1373 ه.ش

ص: 20

بخش اول: دورنمایی از جهان پیش از ظهور

اشاره

ص: 21

آن گاه که در روشنائی قرار داریم، از ارزش آن کم تر آگاه می گردیم و زمانی به ارزش واقعی آن پی می بریم که در ظلمت و تاریکی قرار گرفته باشیم.

هنگامی که خورشید جهان افروز در پهنه آسمان می درخشد، کم تر بدان توجه داریم، ولی آن گاه که در پس ابرها قرار گیرد و برای مدتی نور و گرما را از موجودات دریغ ورزد، به ارزش آن، آگاه می گردیم.

ضرورت ظهور خورشید ولایت را آن گاه احساس خواهیم کرد که از شرایط و اوضاع نابسامان پیش از ظهور آگاه شویم و شرایط سخت روانی آن دوران را درک کنیم. ترسیمی کلی از آن دوران- که برگرفته از روایات است- به شرح زیر می باشد:

پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه فتنه و آشوب، هرج و مرج، نابسامانی، ناامنی و ظلم و بیداد، نابرابری و اجحاف، قتل و کشتار و تجاوز، همه جا را فرا می گیرد و زمین سرشار از ستم و بی عدالتی می شود.

جنگ های خونین میان ملت ها و کشورهای جهان آغاز شده، زمین از کشته ها انباشته می گردد. کشتار ناحق به حدی زیاد است که هیچ خانه و خانواده ای یافت نمی شود که یک یا چند عزیز خود را از دست ندهد. مردان و جوانان بر اثر جنگ ها از بین می روند، تا آن جا که از هر سه نفر، دو نفر کشته می شوند.

امنیت مالی و جانی از میان ملت ها رخت برمی بندند، راه ها و جاده ها ناامن می گردد، ترس، وحشت و هراس بشر را فرا می گیرد، مرگ های زودرس و ناگهانی فراوان می شود.

کودکان معصوم با بدترین شکنجه ها، به دست فرمانروایان ستمگر کشته می شوند، در خیابان ها و معابر عمومی به زنان باردار تجاوز می گردد، بیماری های واگیر و مرگ بار

-شاید بر اثر تعفن پیکر کشته شدگان یا به کارگیری سلاح های میکربی و شیمیایی - گسترش می یابد. کمبود مواد غذایی، گرانی و قحطی، زندگی مردم را فلج می کند و زمین از پذیرش بذر و رشد و شکوفایی سر باز می زند. باران ها قطع شده، یا بی هنگام فرومی آید و زیان می رساند. بر اثر قحطی، زندگی چنان سخت می شود که برخی از مردم برای تأمین قوت لا یموت خود، زنان و دختران خود را در برابر اندکی غذا واگذار می کنند.

در آن شرایط دشوار، ناامیدی، بشر را فرامی گیرد و مرگ بهترین هدیه الهی به انسان ها تلقی می شود و تنها آرزوی مردم، پایان یافتن زندگی است. در آن هنگام چون شخصی از میان پیکر کشته شدگان و از کنار گورستان ها بگذرد، آرزو می کند: کاش یکی از آنان بود تا از زندگانی ذلت بار آسوده می گشت.

در آن هنگام هیچ قدرت و سازمان و تشکیلاتی وجود ندارد که بتواند آن همه نابسامانی، تجاوز و کشتار را مهار کند و ستمکاران و قدرتمندان را به سزای کردار ننگینشان برساند. هیچ فریادی برای رهایی مردم به گوش نمی رسد. همه مدعیان نجات بشر، خائن و دروغ گواز کار درمی آیند و انسان ها تنها ظهور مصلحی الهی و معجزه ای خدایی را انتظار می کشند.

در آن هنگام که ناامیدی همه را فراگرفته است، لطف و رحمت الهی، مهدی موعود را، پس از سال ها غیبت و انتظار، برای نجات انسانیت ظاهر می کند و سرورش آسمانی در همه جهان به گوش می رسد که: «ای اهل عالم! دوران فرمانروایی ستمگران به سر آمد و حکومت عدل الهی فرارسید و مهدی ظهور کرد». این ندای آسمانی، روح امید را در پیکره بی رمق انسان ها می دمد و به محرومان و ستمدیدگان مژده رهایی می دهد.

آری، با درک این زمینه هاست که می توان، به ضرورت ظهور مصلح الهی پی برد، و اهمیت و ارزش حکومت عدالت گستر مهدی عجل الله تعالی فرجه را درک کرد.

در این جا اوضاع نابسامان پیش از ظهور امام علیه السلام را در پنج فصل، از دیدگاه روایات بررسی می کنیم.

قوانین ادیان و مکتب‌ها، هنگامی در جامعه اجرا می‌شود که حکومتی از آن پشتیبانی کند. از این رو، هر گروهی در پی به دست آوردن حکومت، برای اجرای اهداف خویش است. اسلام نیز - که برترین آیین آسمانی است - در پی تشکیل حکومت اسلامی بوده، ایجاد و حفظ حکومت حق را از بزرگ‌ترین فرایض می‌داند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله همه کوشش‌های خویش را برای تشکیل حکومت اسلامی به کار گرفت و در شهر مدینه به پایه‌ریزی آن پرداخت. پس از رحلت آن حضرت - هر چند امامان معصوم علیهم السلام و عالمان، آرزوی تشکیل حکومت اسلامی را داشته‌اند - جز در موارد انگشت‌شماری، حکومت‌ها الهی نبوده‌اند و تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز بیش‌تر حکومت‌ها بر باطل خواهند بود.

در روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و اله و ائمه علیهم السلام به ما رسیده است، چشم‌انداز عمومی حکومت‌ها، پیش از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه ترمیم شده است که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

الف) استبداد حکومت‌ها

یکی از مسائلی که جامعه بشری پیش از ظهور امام علیه السلام از آن رنج می‌برد، بیدادگری و ستمی است که به وسیله حکومت‌ها بر مردم می‌رود. رسول خدا صلی الله علیه و اله در این باره می‌فرماید: «زمین از ستم و بیداد پر می‌شود؛ تا جایی که در هر خانه‌ای ترس و جنگ

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «زمین پر از ستم و بیداد می گردد؛ تا آن که ترس و اندوه در هر خانه ای وارد شود». (2)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم علیه السلام قیام نمی کند، مگر در دورانی پر از بیم و هراس». (3)

این بیم و ترس چیزی است که غالباً از حکومت زمامداران ستمگر و خودسر جهان سرچشمه می گیرد؛ زیرا پیش از ظهور آن حضرت، ستمگران بر جهان فرمانروایی می کنند.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «مهدی علیه السلام هنگامی قیام می کند که زمام کارهای جامعه در دست ستمکاران باشد».

(4)

ابن عمر می گوید: مرد شرافتمند و دارای مال و فرزند (در آخر الزمان) به سبب رنج ها و گرفتاری هایی که از سوی فرمانروایان می بیند، آرزوی مرگ می کند. (5)

نکته قابل توجه این است که پیروان پیامبر صلی الله علیه و اله تنها از تجاوز و هجوم قدرت های بیگانه رنج نمی برند، بلکه از سوی حکومت های خودکامه و مستبد خودشان نیز در فشار و رنجند؛ آن چنان که زمین با همه گستردگی اش بر آنان تنگ می شود و به جای احساس آزادی، خود را در زندانی بزرگ احساس می کنند. هم اکنون در جهان اسلام جز ایران-که 3.

ص: 26

-
- 1- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم «تمتلئ الأرض ظلماً و جوراً حتى يدخل كل بيت خوف و حرب فيسألون در همین فلا يعطونه». المصنّف لابن أبي شيبة، ج 15، ص 89؛ كنز العمال، ج 14، ص 584.
 - 2- عن عليّ عليه السلام «تملأ الأرض ظلماً و جوراً حتى يدخل كل بيت خوف و حزن» كنز العمال، ج 14، ص 584؛ إحقاق الحق، ج 13، ص 317.
 - 3- عن أبي حمزة الثمالي، قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: «لا يقوم القائم إلا على خوف شديد». أمالي الشجری، ج 2، ص 156. انظر الغيبة للنعماني، ص 253؛ الغيبة للطوسي؛ ص 274؛ إعلام الوری، ص 428؛ مختصر بصائر الدرجات، ص 212؛ إثبات الهداه، ج 3، ص 540؛ حلیه الأبرار، ج 2، ص 626؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 230؛ بشاره الإسلام، ص 82؛ عقد الدرر، ص 64؛ القول المختصر، ص 26؛ البرهان للمتقی، ص 74؛ لوائح الأنوار البهیه، ج 2، ص 8.
 - 4- عن أبي جعفر عليه السلام: «لا يخرج المهديّ حتى يرقى الظلمه» ملاحم ابن طاوس، ص 77.
 - 5- عن ابن عمر: يتمنى ذو الشرف و المال و الولد، الموت بما يرى من البلاء من ولاتهم. عقد الدرر، ص 333.

با عنایت خداوند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آن فقیه عادل حکومت می کند-باقی رهبران کشورهای اسلامی با اسلام و مسلمانان میانه خوبی ندارند و با آنان بیگانه اند.

در روایات، در این زمینه چنین آمده است:

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله می فرماید: «در آخر الزمان بلائی شدیدی-که سخت تر از آن شنیده نشده باشد-از سوی فرمانروایان اسلامی بر امت من وارد خواهد شد؛ به گونه ای که فراخنای زمین بر آنان تنگ خواهد گشت و زمین از بیداد و ستم لبریز گردد؛ آن چنان که مؤمن برای رهایی از ستم، پناهگاهی که بدان پناهنده شود، نمی یابد». (1)

در پاره ای از روایات به ابتلای مسلمانان به رهبران خودکامه تصریح گشته، در پی حکمرانی آن فرمانروایان ستمگر، ظهور مصلح کل، نوید داده شده است. در این دسته از روایات، از سه گونه حکومت-که پس از رسول گرامی اسلام بر سر کار می آیند-سخن به میان آمده است. این سه گونه حکومت عبارتند از: خلافت، امارت و ملوک و پس از آن، جباران حاکم می شوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «پس از من خلفایی بر سر کار خواهند آمد؛ بعد از خلفاء، امرایی و پس از امرای، پادشاهان و پس از آنان جباران و ستمگران؛ سپس مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند». (2)

ب) ترکیب دولت ها

هنگامی مردم در آسایش و راحتی به سر می برند که کارگزاران حکومت، افرادی صالح و کارداران باشند؛ ولی وقتی که افراد ناشایست بر مردم فرمانروا شدند، طبیعی است که

ص: 27

1- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «ینزل بأمتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع ببلاء أشد منه حتی یضیق علیهم الأرض الرحبه حتی تملأ الأرض جوراً و ظلماً، لا یجد المؤمن ملجأً یتجئ إلیه من الظلم». المستدرک علی الصحیحین، ج 4، ص 465؛ عقد الدرر، ص 43؛ إحقاق الحق، ج 19، ص 664.

2- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم: «سیکون من بعدی خلفاء، و من بعد الخلفاء أمراء، و من بعد الأمراء ملوک، و من بعد الملوک جبابره، ثم ینخرج رجل من أهل بیتی یملاً الأرض عدلاً کما ملئت جوراً». المعجم الکبیر، ج 22، ص 375؛ الاستیعاب، ج 1، ص 221؛ فردوس الاخبار، ج 5، ص 456؛ کشف الغمّه، ج 3، ص 264؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 596.

انسان ها از رنج و عذاب به ستوه آیند؛ درست همان وضعیتی که پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پیش می آید. در این هنگام، دولت ها را افرادی خیانتکار، فاسق و ستمکار تشکیل می دهند.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «زمانی خواهد آمد که فرمانروایان، ستم پیشه؛ فرماندهان، خیانتکار؛ قاضیان، فاسق و وزیران، ستمگر می گردند». (1)

ج) نفوذ زنان بر حکومت ها

یکی دیگر از مسائلی که در حکومت های آخر الزمان مطرح است، سلطه و نفوذ زنان می باشد که یا به گونه مستقیم بر مردم فرمانروایی می کنند و یا فرمانروایان را به زیر سلطه خود می برند. این مطلب، پیامدهای ناگواری را به دنبال دارد. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «زمانی خواهد رسید که افراد فاسد و زناکار به ناز و نعمت می رسند و فرومایگان مقام و موقعیتی پیدا می کنند و انسان های باانصاف ضعیف می شوند».

سؤال شد: این دوره در چه وقت خواهد بود؟ فرمود: «هنگامی که زنان و کنیزان بر امور مردم مسلط گردند و خردسالان به فرمانروایی برسند». (2)

د) فرمانروایی کودکان

حاکمان باید افرادی باتجربه و مدیر باشند تا مردم در راحتی و آسایش قرار گیرند. اگر به جای آنان، کودکان یا کوته فکران، سرپرستی کارها را در دست گیرند، باید از شر فتنه ای که رخ می دهد، به خدا پناه می برد.

ص: 28

-
- 1- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم «یکون ولاء جوره، و أمراء خونه، و قضاه فسقه، و وزراء ظلمه». الأملی للشجری، ج 2، ص 228.
 - 2- قال أمير المؤمنين عليه السلام: «ليأتين على الناس زمان يطرف (يطرف) فيه الفاجر، و يقرب فيه الماجن، و يضعف فيه المنصف». قال: فقیل له: متى ذلك يا أمير المؤمنين؟ فقال: «إذا اتخذت الأمانه مغنما، و الزكاه مغرما، و العباده استطاله، و الصلّه منّا». قال: فقیل: متى ذلك يا أمير المؤمنين؟ فقال: «إذا تسلطن النساء، و سلطن الإمام، و أمر الصبيان». الكافي، ج 8، ص 69؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 265-278.

در این باره به ذکر دو روایت بسنده می کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «از اول سال هفتاد و حکومت کودکان، به خدا پناه ببرید». (1)

سعید بن مسیب می گوید: «فتنه ای رخ می دهد و ابتدای آن بازی کودکان خواهد بود». (2)

ه) تزلزل حکومت ها

حکومتی قادر است به مردم کشورش خدمت کند که دارای ثبات سیاسی باشد؛ زیرا در صورتی که در حال تغییر باشد، قادر به انجام کارهای بزرگ در کشور نیست.

حکومت ها در آخر الزمان در حال تزلزلند و گاهی حکومتی در آغاز روز بر سر کار می آید، ولی هنگام غروب از کار برکنار می شود. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«چگونه خواهید بود، هنگامی که بدون امام هدایتگر و بدون نشانه راهنما بمانید و از یک دیگر بیزاری جوید؟ [و این زمانی باشد که آزمایش شوید و افراد خوب و بد شما از هم جدا گردند و غربال و زیر و رو شوید. آن وقت که شمشیرها در رفت و آمد باشد و جنگ شعله ور. حکومتی در آغاز روز، روی کار می آید و با کشتار در آخر روز برکنار و سرنگون می شود». (3)

و) ناتوانی قدرت ها از اداره کشورها

پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه حکومت های ستمگر به ضعف می گریند و این زمینه ای می شود تا حکومت جهانی حضرت مهدی را بپذیرند. امام سجاد علیه السلام درباره آیه شریفه حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقْلَبُ عَدَدًا؛ (4) تا آن گاه که ببینند، آن چه

ص: 29

1- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «تعوذوا بالله من رأس السبعين، و إماره الصبيان». مسند أحمد، ج 2، ص 326، 355، 448.

2- عن سعيد بن المسيب: «تكون فتنه كان أولها لعب الصبيان» ملاحم ابن طاوس، ص 60.

3- عن أبي عبد الله عليه السلام «كيف أنتم إذا بقيتم بلا إمام هدى و لا علم، يتبرأ بعضكم من بعض، فعند ذلك تميزون و تمحصون و تغربلون، و عند ذلك اختلاف السيفين. و إماره من أول النهار، و قتل و خلع من آخر النهار». كمال الدين، ص 348.

4- جن (72) آية 24.

وَعِدَّة دَادَةٌ شَدِيدَةٌ وَبِهِ زُودِي خَوَاهِنْد دَانَسْت چِه كَسِي ياوران كم تری دارد و ناتوان تر است.، فرمود: «وَعِدَّة اِي كِه در اَيْن آيَه دَادَةٌ شَدِيدَةٌ اَسْت، مَرْبُوطٌ بِه حَضْرَتِ قَائِمِ عَلِيهِ السَّلَامِ وَاصْحَابِ وَ ياوران و دشمنانش است. آن گاه كه امام زمان عليه السَّلَام قِيَام كُنْد، دَشْمَنَانَش نَاتَوَان تَرِين دَشْمَنَان خَوَاهِنْد بُوْد وَ كَم تَرِين نِيروها و تجهيزات را خواهند داشت». (1)2.

ص: 30

1- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا- قَالَ: «مَا يُوْعَدُونَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ، الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ وَأَصْحَابَهُ وَأَنْصَارَهُ وَأَعْدَاؤَهُ تَكُونُ أَضْعَفَ نَاصِرًا وَأَقْلَّ عَدَدًا، إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ». يَنْبِيعُ الْمَوْدَّةِ، ص 429. وَرَوَاهُ فِي الْكَافِي، ج 1، ص 434، عَنْ الْإِمَامِ الْكَاسِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ نُورِ الثَّقَلَيْنِ، ج 5، ص 441؛ إِحْقَاقِ الْحَقِّ، ج 13، ص 329؛ الْمَحَجَّةِ فِيْمَا نَزَلَ فِي الْحَجَّةِ، ص 132.

در این فصل به بررسی وضعیت دینی مردم پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه می پردازیم.

از روایات فهمیده می شود که در آن روزگار، از اسلام و قرآن جز نامی برجای نمی ماند، مسلمانان تنها به نام، مسلمان هستند. مساجد، دیگر جای ارشاد و موعظه مردم نیست.

فقههای آن زمان بدترین فقههای روی زمینند و دین با کالای کم ارزش و بهای اندکی معاوضه می شود.

الف) اسلام و مسلمانان

اسلام به معنای تسلیم بودن در برابر دستورات الهی است. اسلام برترین و بهترین ادیان است که خوش بختی بشر را در دنیا و آخرت تضمین می کند؛ ولی آن چه ارزش دارد، عمل کردن به دستورات اسلام و قرآن است. در آخر زمان همه چیز برعکس می شود؛ یعنی از اسلام جز نامی برجای نمی ماند. قرآن در جامعه حضور دارد؛ ولی تنها خطوطی است که بر برگ ها نقش بسته است و مسلمانان تنها از نام مسلمانان برخوردارند و از اسلام نشانی ندارند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله می فرماید: «دورانی بر امت من می آید که در آن، از اسلام جز نامی نماند و از قرآن اثری جز نقش و تصویری نباشد. مسلمانان به نام، مسلمان خوانده می شوند؛ ولی نسبت به اسلام از هرکس بیگانه ترند». (1)

ص: 31

1 - قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «سیأتی علی أمتی لا ینقی من القرآن إلا رسمه، و لا من الإسلام إلا اسمه، یسمون به و هم أبعد الناس». ثواب الاعمال، ص 301؛ جامع الاخبار، ص 129؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 190.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «به زودی دورانی فرارسد که مردم خدا را نشناسند و معنای توحید را ندانند تا این که دجال خروج کند».

(1)

ب) مساجد

مسجد جای پرستش خداوند و تبلیغات دینی و ارشاد و هدایت مردم است. در صدر اسلام، حتی کارهای مهم حکومتی در مساجد انجام می شد. جهاد در مساجد برنامه ریزی می شد و انسان از مسجد به معراج می رفت؛ ولی در آخر الزمان مساجد ماهیت خود را از دست می دهند و به جای آموزش و تبلیغات و ارشاد دینی، بر تعداد مساجد و تجملات آن افزوده می شود. در صورتی که مساجد از مؤمنان تهی است. پیامبر خدا می فرماید:

«مسجدهای آن زمان آباد و زیباست؛ ولی از هدایت و ارشاد در آن خبری نیست». (2)

ج) فقیهان

عالمان و دانشمندان اسلامی، حافظان دین خدا در روی زمینند و راهنمایی و ارشاد مردم در دست آنان است. آنان با تحمّل زحمات، مسائل دینی را از منابع شرعی استخراج کرده، در دسترس مردم قرار می دهند؛ ولی در آخر الزمان وضع دگرگون می شود و عالمان آن روزگار بدترین عالمان خواهند بود. رسول خدا صلی الله علیه و اله در این باره می فرماید: «فقیهان آن روزگار، بدترین فقیهانی اند که در زیر آسمان به سر می برند. فتنه و آشوب، از آنان آغاز می شود و به آنان نیز باز می گردد». (3) شاید بتوان گفت: منظور، عالمان درباری و وابسته ای هستند که جنایات پادشاهان ستمگر و فرمانروایان خودسر را توجیه می کنند و به آن رنگ اسلامی می دهند؛ آنانی که حاضرند با هر مجرم و جنایت پیشه ای، کنار آیند؛ مانند

ص: 32

1- عن أبي جعفر عليه السلام...: «يا خيثمه؛ سيأتي على الناس زمان لا يعرفون الله و ما هو التوحيد حتى يكون خروج الدجال...». تفسير فرات، ص 139.

2- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «سيأتي زمان على أمتي... مساجدهم عامره، و هي خراب من الهدى...» بحار الأنوار، ج 52، ص 190.

3- عن النبي عليه السلام: «سيأتي زمان... فقهاء ذلك الزمان شرّ فقهاء تحت السماء، منهم خرجت الفتنة، وإليهم تعود». بحار الأنوار، ج 52، ص 19.

وعاظ السلاطين وابسته به وهابیت، که مبارزه با آمریکا و اسرائیل را خلاف شرع می دانند. آنان که در برابر جنایات اسرائیل دم برنیاوردند و جنایات وهابیان را در کشتن زائران خانه خدا توجیه کردند و برایش آیه و روایت آوردند. آری، باید گفت: آنان بدترین فقیهانند که فتنه ها از آنان شروع شده، به آنان نیز بازمی گردد.

د) خروج از دین

یکی دیگر از علائم آخر الزمان این است که مردم از دین خارج می شوند. روزی امام حسین علیه السلام به نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد. گروهی در گرداگرد حضرت علیه السلام نشسته بودند.

ایشان به آنان فرمود: «حسین پیشوای شماست. چنانکه رسول خدا او را سید و سرور نامیده است. از نسل او مردی ظهور خواهد کرد که در اخلاق و چهره، شبیه من است. او دنیا را پر از عدل و داد می کند؛ چنان که [پیش از آن] پر از ستم و جور شده است».

سؤال شد: این قیام در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: «افسوس! هنگامی که از دین خارج شوید؛ هم چنان که زن برای شوهرش از لباسش خارج می شود». (1)

ه) دین فروشی

انسان مکلف است که اگر جانش به خطر افتاد، از مالش بگذرد تا جانش محفوظ بماند و اگر دینش را خطری تهدید کرد، از جانش مایه بگذارد تا خطر متوجه دینش نشود؛ ولی در آخر الزمان دین را به بهای کمی می فروشند و انسان هایی که صبح مؤمن بوده اند، بعد از ظهر کافر می گردند.

رسول خدا صلی الله علیه و اله در این باره فرموده است: «وای بر عرب از شری که به آنان نزدیک شده است. فتنه هایی چون پاره های شب تاریک و ظلمانی. صبح گاهان مرد مؤمن است و به

ص: 33

1- دخل الحسين بن علي عليه السلام على بن أبي طالب عليه السلام وعنده جلساؤه، فقال: «هذا سيدكم، سمّاه رسول الله صلى الله عليه و اله و سلمّ سيّدا، و ليخرجنّ رجل من صلبيه، شبهي شبهه في الخلق و الخلق، يملأ الأرض عدلا. و قسطا كما ملئت ظلما و جورا، قيل له: و متى ذلك يا امير المؤمنين؟ فقال: هيهات إذا خرجتم عن دينكم كما تخرج المرأة عن وركيها لبعليها». ملاحم ابن طاوس، ص 144.

هنگام غروب کافر. گروهی دین خود را به بهای ناچیز و متاع اندک می فروشند. کسی که در آن روز به دین خود چنگ زده و پای بند است، همانند کسی است که گلوله ای از آتش را در دست گرفته یا بوته ای از خار را در دست می فشرد». (1)

این روایت به ضعف آگاهی مردم آن دوران دلالت دارد. 9.

ص: 34

1- قال رسول الله صَلَّى الله عليه و اله و سلم: «ويل للعرب من شرّ قد اقترب فتنا كقطع الليل المظلم، يصبح الرجل مؤمنا و يمسي كافرا، يبيع قوم دينهم بعرض من الدنيا قليل، المتمسك يومئذ بدينه كالقابض على الجمره- أو قال: على الشوك». مسند أحمد، ج 2، ص 39.

سست شدن بنیان خانواده، خویشاوندی، دوستی، و سردی عواطف انسانی و بی مهری از ویژگی های بارز آخر الزمان است.

الف) سردی عواطف انسانی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله وضعیت آن روزگار را از نظر عاطفی چنین بیان می دارد:

«در آن روزگار، بزرگ تران به زیردستان و کوچک تران رحم نمی کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی نماید. در آن هنگام، خداوند به او (مهدی) اذن قیام و ظهور می دهد». (1) نیز آن حضرت می فرماید: «قیامت برپا نمی شود تا آن که زمانی فرارسد که مردی (از شدت فقر) به اقوام و بستگان خود مراجعه کند و آنان را به خویشاوندی سوگند دهد تا بلکه به او کمک کنند؛ ولی چیزی به او نمی دهند. همسایه از همسایه خود کمک می طلبد و او را به حق همسایگی سوگند می دهد؛ ولی همسایه کمکش نمی کند». (2)

نیز آن حضرت می فرماید: «از نشانه های قیامت، بدرفتاری با همسایه و گسستن پیوندهای خویشاوندی است». (3)

ص: 35

-
- 1- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «... فلا الكبير يرحم الصغير، ولا القوي يرحم الضعيف، فحينئذ يأذن الله له بالخروج». بحار الأنوار، ج 52، ص 380 و ج 36، ص 335.
 - 2- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «ان الساعة لا تقوم حتى يدخل الرجل على ذي رحمه، يسأله برحمه فلا يعطيه، و الجار على جاره يسأله بجواره فلا يعطيه». الأمالی للشجرى، ج 2، ص 271.
 - 3- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «من أشراط الساعة سوء الجوار، و قطيعه الأرحام». اخبار اصبهان، ج 1، ص 274؛ فردوس الاخبار، ج 4، ص 5؛ الدر المنثور، ج 6، ص 50؛ جمع الجوامع، ج 1، ص 845؛ كنز العمال، ج 14، ص 240.

از آن جا که در برخی از روایات «الساعه» به ظهور حضرت تأویل شده است (1)، روایات «اشراط الساعه» را به نشانه های ظهور تفسیر کردیم.

ب) فساد اخلاقی

هرگونه انحراف و فسادی ممکن است به گونه ای قابل تحمل باشد، جز فساد جنسی که برای انسان های غیرتمند و شرافتمند، بسیار ناگوار و غیر قابل تحمل است. از انحراف های بسیار زشت و خطرناکی که جامعه پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه به آن گرفتار می شود، بی امنیتی خانوادگی و ناموسی است.

در آن روزگار، فساد و بی بندوباری اخلاقی، به طور گسترده ای گسترش می یابد. قبح و زشتی کردارهای حیوانی گروهی انسان نما، بر اثر گسترش فساد و تکرار آن از بین می رود و حالت عادی و طبیعی به خود می گیرد. فساد چنان فراگیر می شود که کم تر کسی می تواند و یا می خواهد از آن جلوگیری کند.

جشن های دو هزار و پانصد ساله سلطنتی در سال 1350 شمسی و در زمان سلطنت محمد رضا پهلوی، با عنوان جشن هنر شیراز که در آن صحنه های بسیار زشتی از زندگی حیوانی نمایش داده شد، اعتراض و خشم جامعه اسلامی ایران را برانگیخت؛ ولی در روزگار پیش از ظهور، خبری از این اعتراض ها نیست و تنها اعتراض، این است که چرا در وسط چهارراه ها چنین اعمال زشتی صورت می گیرد. این بالاترین نهی از منکری است که انجام می شود و چنین شخصی، عابدترین فرد زمان خود است.

اینک نظری به روایات می افکنیم تا عمق فاجعه از بین رفتن ارزش های اسلامی و گسترش فساد در آن روزگار را درک کنیم. رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «قیامت برپا نمی شود تا آن که زنی را در روز روشن و به طور آشکار (و در پیش روی همگان از چنگ صاحبش) گرفته، در وسط راه به او تعدی کنند؛ ولی احدی این کار را نکوهش نکند و از

ص: 36

-
- 1- ر. ک: تفسیر قمی، ج 2، ص 340؛ کمال الدین، ج 2، ص 465؛ تفسیر صافی، ج 5، ص 99؛ نور الثقلین، ج 5، ص 175؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 553؛ کشف الغمّه، ج 3، ص 280؛ شافعی، البیان، ص 528؛ الصواعق المحرقة، ص 162. برای بررسی واژه های یوم الظهور، یوم الکرّه و یوم القیامه به تفسیر المیزان، ج 2، ص 108 رجوع کنید.

آن جلوگیری ننماید. بهترین آن مردم، کسی است که می گوید: ای کاش کمی از وسط راه کنار می رفتی و کارت را انجام می دادی». (1)

هم چنین حضرت می فرماید: «سوگند به آن که جان محمد صلی الله علیه و اله در دست اوست، این امت از بین نمی روند تا آن که مرد بر سر راه زنان می ایستد (و چون شیر درنده) به آن تجاوز می کند. بهترین آن مردم، کسی است که می گوید: ای کاش او را پشت این دیوار پنهان می کردی و در ملاً عام، این عمل را انجام نمی دادی». (2)

در بیانی دیگر می فرماید: «آن مردمان چون حیوانات، در وسط راه برهم می شورند و باهم می ستیزند و آن گاه یکی از آنان به مادر، خواهر و دختر او در وسط راه و در حضور همگان تجاوز می کند، سپس آنان را در معرض تعدی دیگران قرار می دهد و یکی پس از دیگری عمل زشت را انجام می دهند؛ ولی کسی این کردار زشت را نکوهش نمی کند و تغییر نمی دهد. بهترین آنان کسی است که می گوید: اگر از جاده و از نظر مردم دور می شدید، بهتر بود». (3)

ج) گسترش اعمال منافی عفت

محمد بن مسلم می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ امام فرمود: «هنگامی که مردها خود را شبیه زنان کنند و زنان شبیه مردان شوند. آن گاه که مردان به مردان اکتفا کنند [یعنی لواط کنند] و زنان به زنان». (4)

ص: 37

- 1- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «لا تقوم الساعه حتی تؤخذ المرأه نهاراً چهارا فی وسط الطريق (تنکح) لا ینکر ذلک أحد و لا ینکره، فیکون أمثلهم یومئذ الذی یقول: لو نَحِیتُها عن الطريق قلیلاً». عقد الدرر، ص 333؛ حاکم، مستدرک، ج 4، ص 495.
- 2- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «و الذی نفس محمّد بیده؛ لا- تقنی هذه الأُمَّه حتی یقوم الرجل إلی امرأه فیفترشها فی الطريق، فیکون خیارهم یومئذ من یقول: لو واریتها وراء هذا الحائط». المعجم الكبير، ج 9، ص 119؛ فردوس الاخبار، ج 5، ص 91؛ مجمع الزوائد، ج 7، ص 217.
- 3- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «یتهارجون فی الطريق تهارج البهائم، ثم یقوم أحدهم بأُمَّه و أخته و ابنته فینکحها فی وسط الطريق، یقوم عنها واحد و ینزو علیها آخر، لا- ینکر و لا- ینکر، فأفضلهم یومئذ من یقول: لو تنحّیتم عن الطريق کان أحسن». ملاحم ابن طاوس، ص 101.
- 4- عن محمّد بن مسلم، قلت لأبی جعفر علیه السلام: یا بن رسول الله؛ متى ینخرج قائمکم؟ قال: «إذا تشبه الرجال بالنساء، و النساء بالرجال و اکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء». کمال الدین، ج 1، ص 331.

روایت دیگری به همین مضمون از امام صادق علیه السلام نقل شده است. (1) ابو هریره نیز از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل می کند: «قیامت برپا نمی گردد تا آن که مردان برای انجام عمل زشت بر یک دیگر سبقت بگیرند؛ چنان که نسبت به زنان چنین می کنند». (2)

روایات دیگری نیز به همین مضمون آمده است. (3)

د) آرزوی کمی تعداد فرزند

پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله می فرماید: «رستاخیز برپا نمی شود، تا آن که کسی که پنج فرزند دارد، آرزوی چهار فرزند کند و آن که چهار فرزند دارد، می گوید: کاش سه فرزند داشتم و صاحب سه فرزند آرزوی دو فرزند دارد و آن که دو فرزند دارد، آرزوی یک فرزند نماید و کسی که یک فرزند دارد، آرزو کند که: کاش فرزندی نداشت». (4)

در روایت دیگری می فرماید: «روزگاری خواهد آمد که غبطه مرد کم فرزند را بخورید، چنان که امروز غبطه فرزند و ثروت زیادتر را می خورید؛ تا آن جا که یکی از شما، از کنار قبر برادرش می گذرد و خود را بر قبر او می غلطاند؛ آن گونه که حیوانات

ص: 38

1- مختصر اثبات الرجعه، ص 216؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 570؛ مستدرک الوسائل، ج 12، ص 335.

2- عن ابی هریره: «لا- تقوم الساعه حتی یتغایرون علی الغلام کما یتغایرون علی المرأه». فردوس الاخبار، ج 5، ص 226؛ کنز العمال، ج 14، ص 249.

3- الف) عن الصادق علیه السلام: «إذا رأیت الرجل یعیّر علی إتیان النساء» کافی، ج 8، ص 39؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 257؛ بشاره الاسلام، ص 133. ب) «إذا صار الغلام یعطی کما تعطی المرأه، و یعطی قفاه لمن ابتغی» کافی، ج 8، ص 38؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 257. ج) «یزف الرجال للرجال کما تزف المرأه لزوجها» بشاره الاسلام، ص 76؛ الزام الناصب، ص 121. د) قال الصادق علیه السلام: «یتمشط الرجل کما تتمشط المرأه لزوجها، و یعطی الرجال الأموال علی فروجهم و یتنافس فی الرجل و یغار علیہ من الرجال، و یبذل فی سبیله النفس و المال» کافی، ج 8، ص 38؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 257. ه) قال الصادق علیه السلام: «تکون معیشة الرجل من دبره، و معیشة المرأه من فرجها» کافی، ج 8، ص 38. و قال الصادق علیه السلام: «عندها یغار علی الغلام کما یغار علی الجاریه (الشابه) فی بیت أهلها». بشاره الاسلام، ص 36، 133، 76. ز) قال النبی صلی الله علیه و اله: «کأنک بالدنیا لم تکن إذا ضیعت أمتی الصلاه و اتبعت الشهوات و غلت الأسعار و کثر اللواط». بشاره الاسلام، ص 23؛ الزام الناصب، ص 181.

4- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «لا- تقوم الساعه حتی یحسب أبو الخمسه أنهم أربعة، و أبو الأربعة أنهم ثلاثة، و أبو الثلاثة أنهم اثنان، و أبو الاثنین أنهما واحد، و أبو الواحد لیس له ولد». فردوس الاخبار، ج 5، ص 227.

خود را بر خاک چراگاه می غلطانند و می گوید: ای کاش من به جای او بودم و این سخن نه به سبب شوق دیدار خداوند و یا به دلیل اعمال نیکی است که از پیش فرستاده است؛ بلکه به جهت بلاها و گرفتاری هایی است که بر او فرود می آید». (1)

نیز آن حضرت می فرماید: «قیامت برپا نمی شود، مگر آن که فرزند کم گردد». (2) در این روایت «الولد غیضا» آمده است که معنای آن نقص و حبس (3) و شاید به معنای سقط جنین و جلوگیری از بارداری نیز باشد؛ ولی کلمه «غیضا» که در روایت دیگری آمده است به معنای غم و مشقت و محنت و جوشش غضب است.

یعنی مردم در آن دوران با سقط جنین و جلوگیری از افزایش فرزند، مانع زیاد شدن فرزندان می شوند. یا فرزند داشتن موجب غم و اندوه و خشم خواهد بود و شاید این به علت مشکلات سخت اقتصادی، گسترش بیماری ها در کودکان و نبودن امکانات، تبلیغ و تشویق به کنترل جمعیت و یا عامل دیگر باشد.

ه) افزایش خانواده های بی سرپرست

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «از نشانه های قیامت این است که مردان کم می شوند و زنان بسیار. تا آن جا که هر پنجاه زن یک سرپرست خواهند داشت». (4)

شاید این وضعیت بر اثر افزایش تلفات جانی مردان باشد که در جنگ های پی درپی و طولانی صورت می گیرد.

نیز آن حضرت می فرماید: «قیامت برپا نمی شود، مگر آن که روزگاری فرارسد که

ص: 39

1- عن ابن مسعود قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم يقول: «لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَغْبُطُونَ فِيهِ الرَّجُلَ بِخَفِّهِ الْحَالِ، كَمَا تَغْبُطُونَهِ الْيَوْمَ بِكَثْرَةِ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ حَتَّى يَمُرَّ أَحَدُكُمْ بِقَبْرِ أَخِيهِ فَيَتَمَعَّكَ عَلَيْهِ كَمَا تَتَمَعَّكَ الدَّابَّةُ فِي مَرَاعِهَا، وَ يَقُولُ: يَا لَيْتَنِي مَكَانَهُ، مَا بِهِ شَوْقٌ إِلَى اللَّهِ وَ لَا عَمَلٌ صَالِحٌ قَدَّمَهُ إِلَّا مِمَّا يَنْزِلُ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ». المعجم الكبير، ج 10، ص 12.

2- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَكُونَ الْوَلَدُ غِيظًا» الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 151؛ فردوس الاخبار، ج 5، ص 221؛ المعجم الكبير، ج 10، ص 281؛ بحار الأنوار، ج 34، ص 241.

3- جوهری، صحاح اللغة، مادة «غیض».

4- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «مَنْ أَشْرَاطُ السَّاعَةِ أَنْ يَقِلَّ الرِّجَالُ وَ يَكْثُرَ النِّسَاءُ حَتَّى يَكُونَ فِي خَمْسِينَ امْرَأَةً قِيمَ وَاحِدٍ». طيالسی، مسند، ج 8، ص 266؛ احمد، مسند، ج 3، ص 120؛ ترمذی، سنن، ج 4، ص 491؛ ابویعلی، مسند، ج 5، ص 273؛ حلیه الاولیاء، ج 6، ص 280؛ دلائل النبوه، ج 6، ص 543؛ الدر المنثور، ج 6، ص 50.

به دنبال یک مرد، حدود سی زن به راه افتد و هرکدام از او تقاضا کند که با او ازدواج نماید». (1)

حضرت در روایت دیگری می فرماید: «خداوند دوستان و برگزیدگان خود را از دیگران جدا می کند تا این که زمین از منافقان و گمراهان و فرزندان آنان پاک شود. زمانی فرارسد که پنجاه زن با یک مرد روبه رو شده، یکی می گوید: ای بنده خدا! مرا بخر و دیگری می گوید: به من پناه ده». (2)

انس می گوید: پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «قیامت برپا نمی شود، مگر آن که زمانی فرارسد که (بر اثر تلفات مردان و کثرت زنان) زنی کفشی را در راه بیابد و (از روی دریغ و افسوس) گوید: این کفش از آن مردی بوده است؛ در آن روزگار، برای هر پنجاه زن، یک سرپرست خواهد بود». (3)

انس می گوید: آیا نمی خواهید حدیثی را که از پیامبر صلی الله علیه و اله شنیدم، نقل کنم؟ پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «مردان از بین خواهند رفت و زنان باقی می مانند». (4) 7.

ص: 40

1- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «لا تقوم الساعة حتى يتبع الرجل قريب من ثلاثين امرأة كلهن تقول: أنكحني: أنكحني». فردوس الاخبار، ج 5، ص 509.

2- عن رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «يُمَيِّزُ اللَّهُ أَوْلِيَاءَهُ وَأَصْفِيَاءَهُ حَتَّى يَطَهَّرَ الْأَرْضَ مِنَ الْمُنَافِقِينَ وَالضَّالِّينَ وَأَبْنَاءِ الضَّالِّينَ. وَ حَتَّى تَلْتَقِيَ بِالرَّجُلِ يَوْمَئِذٍ خَمْسُونَ امْرَأَةً، هَذِهِ تَقُولُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ؛ اشترني، و هَذِهِ تَقُولُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ؛ آوِنِي». مفيد، امالي، ص 144؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 250.

3- عن أنس، قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «لا تقوم الساعة حتى أن المرأة لتمرّ بالنعل فترفعها و تقول: قد كانت هذه لرجل، و حتى يكون في خمسين امرأة القيم الواحد» عقد الدرر، ص 232؛ فردوس الاخبار، ج 5، ص 225.

4- عن أنس قال: ألا أحدثكم بحديث سمعته عن رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم قال: «يذهب الرجال و يبقى النساء». احمد، مسند، ج 3، ص 377.

بر اثر تجاوز قدرت های بزرگ، امنیت از میان حکومت های کوچک و ملت های ضعیف رخت بر خواهد بست و دیگر آزادی و امنیت مفهومی نخواهد داشت.

قدرت های حاکم بر جهان آن چنان عرصه را بر ملل ضعیف تنگ می کنند و تجاوز به حقوق ملت ها را تا آن جا گسترش می دهند که مردم اجازه نفس کشیدن هم نمی یابند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله آن دوران را چنین ترسیم می کند: «به زودی امت ها (پیروان دیگر آیین ها و مکاتب) بر ضد شما وارد عمل خواهند شد؛ آن گونه که گرسنگان به ظروف غذا حمله ور می شوند». شخصی گفت: از آن جهت که در آن زمان در اقلیت به سر می بریم، این گونه مورد هجوم قرار خواهیم گرفت؟ پیامبر فرمود: «تعداد شما در آن زمان بسیار خواهد بود، ولی چون خس و خاشاک روی سیل خواهید بود. خداوند، مهابت و عظمت شما را از دل دشمنانتان خارج ساخته، بر دل های تان سستی خواهد افکند». کسی پرسید:

ای رسول خدا! این وهن و سستی به علت چیست؟ فرمود: «دنیا دوستی و ناخوش داشتن مرگ». (1)

این دو خصلت زشت که رسول مکرم از آن یاد کرده است، کافی است که ملتی را

ص: 41

1- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «یوشک أن تداعی علیکم الأمم کما تداعی القوم إلی قصعتهم». قال: قیل: من قلّه؟ قال: «لا، و لکنّه غناء کغناء السیل یجعل الوهن فی قلوبکم، و ینزع الرعب من قلوب عدوّکم بحبکم الدنیا و کراحتکم الموت». طیالسی، مسند، ص 133؛ ابی داود، سنن، ج 4، ص 111؛ المعجم الکبیر، ج 2، ص 101.

از رسیدن به آزادی و دفاع از ارزش های خود بازدارد و آنان را به زندگی ذلت بار تحت هر شرایطی انس دهد؛ هرچند با از دست دادن دین و اصول مکتب باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه هنگامی خواهد بود که دنیا آشفته و پر از هرج و مرج گردد و گروهی به گروه دیگر یورش برند؛ (1) نه بزرگ به کوچک رحم کند و نه نیرومند بر ضعیف ترحم نماید. در چنین هنگامی خداوند به او اجازه قیام می دهد.» (2)

ب) ناامنی راه ها

دامنه هرج و مرج و ناامنی به راه ها نیز کشیده خواهد شد و بی رحمی گسترش می یابد.

در این زمان خداوند، مهدی را برخواهد انگیخت و دژهای گمراهی را به دست توانمند او فتح می کند. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، تنها به گشودن قلعه های استوار نمی پردازد؛ بلکه دل های بسته به روی حقایق و معنویت را نیز می گشاید و برای قبول حقایق آماده می سازد.

رسول خدا صلی الله علیه و اله خطاب به دختر گران قدرش می فرماید: «سوگند به آن خدایی که مرا به حق برانگیخت، به راستی مهدی این امت از نسل حسنین علیهما السلام است. هنگامی که جهان را هرج و مرج و نابسامانی فراگیرد و فتنه ها (یکی پس از دیگری) آشکار گردد. جاده ها و راه ها ناامن شود و برخی بر عده ای هجوم برند؛ نه بزرگ بر کوچک ترحم کند و نه کوچک بر بزرگ احترام گذارد؛ در چنین هنگامه ای خداوند، شخصی از نسل این دو (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) را برمی انگیزد تا دژهای گمراهی را (درهم شکند و) فتح کند و دل هایی را که پرده جهل و ناآگاهی آنها را فروپوشانده (و از درک حقایق محجوب ساخته است) بگشاید. او در آخر الزمان به پا می خیزد- همان گونه که من در اول زمان به پا خاستم- و دنیا را پر از عدل و داد می کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.» (3)

ص: 42

1- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «و ذلک عند ما یصیر الدنیا هرجا و مرجا، و یغار بعضهم علی بعض، فلا الکبیر یرحم الصغیر، و لا القوی یرحم الضعیف، فحینئذ یأذن الله له بالخروج». بحار الأنوار، ج 36، ص 335؛ ج 52، ص 380.

2- همان، ج 52، ص 154.

3- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «یا فاطمه؛ و الذی بعثنی بالحق؛ إنَّ منهما-أی الحسن و الحسین علیهما السلام- مهدی هذه الأمه، إذا صارت الدنیا هرجا و مرجا، و تظاهرت الفتن، و تقطعت السبل، و أغار بعضهم علی بعض، فلا کبیر یرحم صغیرا، و لا صغیر یوقر کبیرا، فیبعث الله عزّ و جل عند ذلک منهما من یفتح حصون الضلاله، و قلوبا غلفا، یقوم بالمدین فی آخر الزمان کما قمت به فی أول الزمان، و یملا الدنیا عدلا کما ملئت جورا». عقد الدرر، ص 152؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 266؛ احقاق الحق، ج 13، ص 116؛ الاربعون حدیثا، (ابو نعیم) ذخائر العقبی، ص 135؛ ینابیع المودّه، ص 426.

جنایات ستمگران و جلادان در طول تاریخ بسیار سهمگین و وحشتناک بوده است.

صفحات تاریخ پر از ستم ها و ظلم ها و جنایاتی است که فرمانروایان ستمگر و خون آشام بر ملت های محروم روا داشته اند که چنگیز، هیتلر و آتیلا نمونه هایی از آنان هستند.

اما جنایاتی که پیش از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در جهان رخ می دهد، از هولناک ترین جنایاتی است که می توان تصور کرد. اعدام کودکان خردسال به وسیله چوبه های دار، سوزاندن کودکان و فروردن آنان در مایعات گداخته، قطعه قطعه کردن آدم ها با اره و میله های آهنی و آسیاب ها، حوادث تلخی است که پیش از برپایی حکومت عدل جهانی، به وسیله حکومت هایی که خود را مدافع حقوق بشر می دانند، رخ می دهد. با بروز چنین وحشی گری هایی است که اهمیت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه - که به تعبیر روایات، پناه محرومان است - آشکار می گردد.

علی علیه السلام حوادث تلخ آن روزگار را چنین ترسیم می کند: «همانا سفیانی، گروهی را مأمور می کند تا کودکان را در محلی جمع کنند؛ آن گاه روغن را برای سوزاندن آنان داغ می کند؛ کودکان می گویند: اگر پدران ما با تو مخالفت کردند، گناه ما چیست، که باید سوزانده شویم؟ او دو تن به نام های حسن و حسین را از میان کودکان بیرون می کشد و به دار می آویزد. پس از آن به سوی کوفه می رود و همان رفتار (وحشتناک پیشین) را با کودکان آن جا انجام می دهد و دو کودک به همان نام ها را بر در مسجد کوفه به دار می زند و از آن جا بیرون می رود و باز جنایت می کند و در حالی که در دستش نیزه ای قرار دارد، زنی باردار را دستگیر می کند و آن را به یکی از یارانش می سپارد و فرمان می دهد که در وسط

خیابان به او تجاوز کند. او پس از تجاوز، شکم زن را می درد و جنینش را بیرون می آورد و هیچ کس نمی تواند چنین وضعیت هولناکی را تغییر دهد». (1)

امام صادق علیه السلام در خبر لوح می فرماید: «... خداوند رحمت خویش را به وسیله فرزند دختر پیامبر صلی الله علیه و اله کامل می گرداند؛ همان کسی که کمال موسی، ابهت عیسی و صبر و استقامت ایوب پیامبر را داراست. دوستان من، در دوران (پیش از ظهور) او خوار و ذلیل باشند و سرهای شان، همانند سرهای اهالی ترک و دیلم (برای حکام و ظالمان) هدیه برده می شود. آنان کشته شوند و سوزانده گردند و ترسان، وحشت زده و هراسناک باشند.

زمین از خونشان رنگین شود و ناله و فریاد در میان زنانشان زیاد گردد. آنان دوستان واقعی من هستند. او به وسیله آنان هر فتنه کور و تاریکی را دفع می کند و زلزله ها (و ناآرامی ها) را برطرف می سازد و زنجیرها و بندهای اسارت را از ایشان برمی دارد.

درود خداوند بر آنان باد که ایشان همان هدایت شدگانند». (2)

ابن عباس می گوید: «سفیانی و فلانی خروج می کنند و باهم می جنگند؛ به گونه ای که (سفیانی) شکم زنان را می درد و کودکان را در دیگ های بزرگ می گدازد و می سوزاند». (3)

ارطات می گوید: سفیانی هرکس را که با او مخالفت کند، می کشد. با اره ها مخالفش را 1.

ص: 44

1- قال أمير المؤمنين عليه السلام: «ثم يبعث -أي السفیانی- فيجمع الأطفال، ويغلي لهم الزيت، فيقولون: إن كان أبؤنا عصوك، فما ذنبنا، فيأخذ منهم اثنين اسمهما حسنا و حسينا فيصلبهما، ثم يسير إلى الكوفة، فيفعل بهم كما فعله بالأطفال، و يصلب على باب مسجدها طفلين اسمهما حسن و حسين... و يخرج السفیانی و بيده حربيه، فيأخذ امرأه حاملا فيدفعها إلى بعض أصحابه و يقول: افجر بها في وسط الطريق، فيفعل ذلك و يقر بطنها فيسقط الجنين من بطن أمه، فلا يقدر أحد أن يغير ذلك». عقد الدرر، ص 94؛ الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 155.

2- عن أبي عبد الله عليه السلام في خبر اللوح: «ثم أكمل ذلك بابنه رحمه للعالمين، عليه كمال موسی، و بهاء عیسی، و صبر أيوب، استدلل أولیائی فی زمانه، و يتهادون رؤوسهم، كما تهادی رؤوس الترك و الدیلم، فيقتلون و يحرقون، و يكونون خائفين مرعوبين و جليين، تصيغ الارض من دمائهم، و يفسو الويل و الرّنين في نساءهم. أولئك أولیائی حقًا، بهم أدفع كل فتنه عمياء حنّس، و بهم أكشف الزلازل، و أرفع عنهم الآصار و الأعلال، أولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمه و أولئك هم المهتدون». كمال الدين، ج 1، ص 311؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج 2، ص 297؛ اعلام الوری، ص 371؛ اثبات الوصیه، ص 226. اقول: كل ذلك في زمان الغيبه، لا- في أيام ظهوره عليه السلام؛ لأنّ المؤمنین فی أيامه فی كمال العزّه.

3- عن ابن عباس: ثم يخرج السفیانی و الفلانی فيقتلان حتى يقر بطون النساء، و يغلي الأطفال في المراجل. ابن حمّاد، فتن، ص 83؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 51.

به دو نیم می کند و با دیگ ها آنان را نابود می سازد. این ستم ها، شش ماه به طول می انجامد. (1)

د) آرزوی مرگ زندگان

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، دنیا به پایان نمی رسد تا آن که زمانی فرارسد که مرد به هنگام عبور از گورستان، خود را روی قبر انداخته، می گوید: ای کاش من به جای صاحب این قبر بودم. درحالی که مشکل او بدهکاری نیست؛ بلکه گرفتاری ها و فشار روزگار و ظلم و جور است». (2)

از ذکر کلمه رَجُل در روایت، دو مطلب استفاده می شود: یکی این که گرفتاری ها و مشکلات آن دوران و به دنبال آن آرزوی مرگ، به طایفه، ملت و گروه خاصی اختصاص ندارد و همه از حوادث ناگوار در رنج و عذاب خواهند بود. دوم این که تعبیر مرد نشان دهنده شدت فشار و سختی آن روزگار است؛ زیرا غالباً مرد در برابر مشکلات و نابرابری ها بیش تر از زن مقاومت می کند و از این که مردان تاب و تحمل مشکلات و رنج های آن روزگار را ندارند، استفاده می شود که مشکل بسیار بزرگ و کمرشکن است.

ابو حمزه ثمالی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «ای ابا حمزه! حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام نمی کند، مگر در دورانی که خوف و ترس شدید و مصیبت ها و فتنه ها (بر جامعه) حاکم باشد و گرفتاری و بلا دامنگیر مردم شود و پیش از آن، بیماری طاعون شیوع یابد، درگیری شدید و مهلکی میان عرب اتفاق افتد، اختلاف شدیدی بین مردم حاکم شود، از هم گسیختگی در دین و آیین آنان رخ دهد و وضعیت مردم تغییر کند تا جایی که هر

ص: 45

-
- 1- عن أرطاه: يقتل السفیانی کلّ من عصاه، و ینشرهم بالمناشیر، و یطحنهم بالقدور سنّه أشهر. حاکم، مستدرک، ج 4، ص 520، الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 65؛ منتخب کنز العمال، ج 6، ص 31 (حاشیه مسند احمد)؛ احقاق الحق، ج 13، ص 293.
 - 2- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «و الذی نفسی بیده؛ لا تذهب الدنیا حتّی یمّر الرجل علی القبر فیمرغ علیه و یقول: یا لیتنی کنت مکان هذا القبر و لیس به الدین إلاّ البلاء...». احمد، مسند، ج 2، ص 636؛ مسلم، صحیح، ج 4، ص 2231؛ المعجم الکبیر، ج 9، ص 410؛ مصابیح السنه، ج 2، ص 139؛ عقد الدرر، ص 236.

آرزومندی هر شب و روز-از آن چه که از درنده خوبی مردم و تجاوز آنان به حقوق یک دیگر می بیند-آرزوی مرگ می کند». (1)

حذیفه صحابی، از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل می کند: «به یقین زمانی بر شما فرامی رسد که انسان در آن روزگار، آرزوی مرگ می کند؛ بدون آن که از جهت فقر و تنگ دستی در فشار باشد». (2)

ابن عمر می گوید: به یقین زمانی بر مردم بیاید که مؤمن در اثر شدت گرفتاری ها و بلاهای روی زمین، آرزو کند که ای کاش که خود و خانواده اش بر کشتی سوار می شدند و در دریا به سر می بردند. (3)

ه) به اسارت رفتن مسلمانان

حذیفه بن الیمان می گوید: پیامبر صلی الله علیه و اله ضمن برشمردن مشکلاتی که مسلمانان با آن رو به رو خواهند شد، فرمود: «در اثر فشارهایی که بر آنان وارد می شود، آزاده ها را می فروشند و زنان و مردان به بردگی اقرار می کنند. مشرکان، مسلمانان را به استخدام و مزدوری خود در می آورند و آنان را در شهرها می فروشند و کسی بر این امر دل گیر نمی شود؛ نه نیکان و نه بدان و فاجران.

ای حذیفه! گرفتاری بر اهل آن دوران ادامه می یابد؛ به گونه ای که مایوس می شوند و به فرج و گشایش گمان بد می برند. در این موقع خداوند، مردی از پاکان عترت من و نیکان

ص: 46

1- عن ابی حمزه الثمالی، قال: سمعت أبا جعفر محمد بن علی یقول: «...یا أبا حمزه؛ لا یقوم القائم إلا علی خوف شدید، و زلازل، و فتنه، و بلاء یریب الناس، و طاعون قبل ذلک، و سیف قاطع بین العرب، و اختلاف شدید بین الناس، و تشتت فی دینهم، و تغیر من حالهم حتی یتمنی المتمنی الموت صباحا و مساء من عظم ما یری من کلب الناس، و أکل بعضهم بعضا». نعمانی، غیبیه، ص 235؛ طوسی، غیبیه، ص 274؛ اعلام الوری، ص 428؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 348؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 540؛ حلیه الابرار، ج 2، ص 626؛ بشاره الاسلام، ص 82.

2- حذیفه عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم: «لیأتین علیکم زمان یتمنی الرجل الموت من غیر فقر». ابن ابی شیبیه، مصنف، ج 15، ص 91؛ مالک، موطأ، ج 1، ص 241؛ مسلم، صحیح، ج 8، ص 182؛ احمد، مسند، ج 2، ص 236؛ بخاری، ج 9، ص 73؛ فردوس الاخبار، ج 5، ص 221.

3- عن ابن عمر: «لیأتین علی الناس زمان یتمنی فیہ المؤمن لو أنه فی فلک مشحون هو و أهله یموج فی البحر من شدّه ما فی الارض من البلاء». عقد الدرر، ص 334.

فرزندنام را که عادل، مبارک و پاک می باشد، می فرستد و از ذره ای چشم پوشی و اغماض نمی کند. خداوند دین، قرآن، اسلام و اهل آن را به کمک او، عزیز و شرک را ذلیل می کند.

او همواره از خداوند بیمناک است و هرگز به خویشاوندی خود [با من] مغرور نمی شود؛ سنگی را روی سنگ نمی گذارد و احدی را شلاق نمی زند، مگر به حق و برای اجرای حد.

خداوند به سبب او، بدعت ها را محو و فتنه ها را نابود می کند و در حق را باز و درهای باطل را می بندد و اسیران مسلمان را -در هر نقطه ای که هستند- به وطن خودشان بازمی گرداند». (1)

(و) فرورفتن در زمین

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «به یقین، بر این امت، روزگاری فرارسد که روز را به شب رسانند، در حالی که از یک دیگر پرسند، زمین امشب چه کسانی را فروربرد، هم چنان که از یک دیگر می پرسند از فلان قبیله چه کسانی زنده مانده اند و آیا از فلان خاندان کسی زنده مانده است؟». (2)

شاید این سخنان کنایه از جنگ و کشتار در آخر زمان باشد که با استفاده از سلاح های پیشرفته و کشتار جمعی، هر روز تعداد زیادی کشته می شوند و شاید بر اثر کثرت گناه، زمین اهلش را فرومی برد. و یا به علل دیگری که ما آن را نمی دانیم.

ص: 47

1- عن حذیفه بن الیمان قال: قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم - فذكر الملاحم و قال في اخرها: - «و يباع الأحرار للجهد الذي يحلّ بهم، يقرّون بالعبودية الرجال و النساء، و يستخدم المشركون المسلمين، و يبيعونهم في الأمصار، لا يتحاشى لذلك برّ و لا فاجر، يا حذيفه؛ لا يزال ذلك البلاء على أهل ذلك الزمان حتى إذا أيسوا و قنطوا و ساؤوا الظنّ ألاّ يفرّج عنهم-؛ اذ بعث الله رجلا من أطائب عترتي و أبرار ذريّتي، عدلا، مباركا، زكيا لا يغادر مثقال ذره، يعزّ الله به الدين، و القرآن، و الإسلام و أهله، و يدلّ به الشرك و أهله، يكون من الله على حذر، لا- يغترّ بقربته، لا- يضع حجرا على حجر، و لا- يقرع أحدا في ولايته بسوط إلاّ- في حدّ يمحو الله به البدع كلّها، و يميت به الفتن كلّها، يفتح الله به باب [كلّ] حقّ، و يغلق به كل باب باطل، يردّ الله به سبي المسلمين لأمتك و ذريّتك افعال: -اسمه كاسمي، و اسم أبيه كاسم أبي، لو لم يبق من الدنيا إلاّ يوم واحد، لجعل الله مقدار ما يكون فيه ما ذكرت». ملاحم ابن طاوس، ص 132. نقلا عن فتن السليلي. و كتاب التشریف بالمنن في التعريف بالفتن 246 ح 384: «فيه جميع ما ذكرت».

2- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «ليأتينّ على هذه الأُمَّه يوم يمسون يتسائلون بمن خسف الليلة كما يتسائلون بمن بقي من آل فلان، و هل بقي من آل فلان». المطالب العالیه، ج 4، ص 348.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «از نشانه های رستاخیز، بیماری فلج و مرگ ناگهانی است». (1)

نیز می فرماید: «قیامت برپا نمی گردد، تا این که مرگ سفید ظاهر شود». گفتند:

یا رسول الله! مرگ سفید چیست؟ فرمود: «مرگ ناگهانی». (2)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «پیش از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه مرگ سرخ و سفید وجود دارد...»

مرگ سفید طاعون است». (3)

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «قائم عجل الله تعالی فرجه قیام نمی کند، مگر در روزگاری که ترس شدید حاکم باشد و پیش از آن

نیز طاعون شیوع یابد». (4)

ح) ناامیدی جهانیان از نجات

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرمود: «ای علی! ظهور مهدی در هنگامی است که شهرها دگرگون شده، بندگان خدا ضعیف می شوند و

از فرج و ظهور مهدی مأیوس می گردند. در این هنگام مهدی قائم از فرزندان من ظاهر می گردد». (5)

ابو حمزه ثمالی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «قیام و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه به هنگام ناامیدی و یأس مردم از گشایش

در کارها و فرج حضرتش می باشد». (6)

ص: 48

1- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «من أشرط الساعه: الفالج، و موت الفجاء» شجری، امالی، ج 2، ص 277.

2- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «لا تقوم الساعه حتى يظهر الموت الأبيض»، قالوا: یا رسول الله، و ما الموت الأبيض؟ قال: «موت الفجاء» الفائق، ج 1، ص 141.

3- قال أمير المؤمنين عليه السلام: «بين يدي القائم موت أحمر و موت أبيض. و أمّا الموت الأبيض، فالطاعون». عماني، غيبه، ص 277؛ طوسی، غيبه، ص 267؛ اعلام الوری، ص 427؛ خرائج، ج 3، ص 1152؛ عقد الدرر، ص 65؛ الفصول المهمه، ص 301؛ صراط المستقیم، ج 2، ص 249؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 211.

4- عن أبي جعفر الباقر عليه السلام: «لا يقوم القائم إلا على خوف شديد، و طاعون قبل ذلك». بحار الأنوار، ج 52، ص 348.

5- قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «یا علیّ و ذلك حين تغيّرت البلاد، و ضعف العباد، و اليأس من الفرج، فعند ذلك يظهر القائم المهدي من ولدي». ينابيع الموده، ص 440؛ احقاق الحق، ج 13، ص 125.

6- عن أبي حمزه، قال سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: «... و خروجه إذا خرج عن اليأس و القنوط». بحار الأنوار، ج 52، ص 348.

علی علیه السلام در این باره می فرماید: «به یقین از اهل بیت من، کسی به جانشینی من خواهد نشست و جانشینی او پس از دورانی سخت و مصیبت بار خواهد بود؛ دورانی که بلا و گرفتاری در آن شدت می یابد و امیدها از بین می رود». (1)

(ط) نداشتن دادرسی و پناه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «بلا و گرفتاری چنان بر این امت فرود می آید که انسان هیچ پناهگاهی که از ظلم به آن پناه برد، نمی یابد». (2)

نیز می فرماید: «در آخر الزمان بلائی شدیدی بر امت من از سوی حکومت های شان نازل می شود؛ به گونه ای که مؤمن پناهی نمی یابد که از ستم به آن پناه آورد». (3)

در روایت دیگری می فرماید: «بر شما بشارت باد به مهدی از فرزندان فاطمه. وی از جانب مغرب ظاهر می شود و زمین را از عدل پر می کند». گفته شد: ای رسول خدا! (این ظهور) در چه زمانی خواهد بود؟ حضرت فرمود: «هنگامی که قاضیان رشوه گیر و مردم فاجر شوند». عرض شد: مهدی چگونه خواهد بود؟ فرمود: «از اهل و خاندان خود (جدا شده) تنهایی اختیار می کند و از وطن خود دور می باشد و در غربت زندگی می کند». (4)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «آن چه که به انتظارش هستید، نخواهید دید، مگر زمانی که چون (ماده) بز مرده ای شوید که در زیر چنگال های درنده ای قرار گرفته است که برایش

ص: 49

1- قال علیّ علیه السلام: «و لیکوننّ من یخلفنی فی اهل بیته، و ذلک بعد زمان کلح مصفح یشتدّ فیہ البلاء، و ینقطع فیہ الرجاء». ابن المنادی، ملاحم، ص 64؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 276؛ المسترشد، ص 75؛ مفید، ارشاد، ص 128؛ کنز العمال، ج 14، ص 592؛ غایه المرام، ص 208؛ بحار الأنوار، ج 32، ص 9؛ احقاق الحق، ج 13، ص 314؛ منتخب کنز العمال، ج 6، ص 35.

2- عن النّبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «بلاء یشیب هذه الأمّة حتی لا یجد الرجل ملجأً یلجأُ إلیه من الظلم». شافعی، بیان، ص 108.

3- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «ینزل بأمتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم، لا یجد المؤمن ملجأً یتجئ إلیه من الظلم». عقد الدرر، ص 43.

4- عن النّبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «أبشروا بالمهدیّ من ولد فاطمه، ینظر من جهة المغرب، فیملأ الأرض عدلاً، فقیل: یا رسول الله؛ و متى یکون ذلک؟ فقال: «إذا ارتشی القضاء، و فجرت الأمه» و هو الفرید الغریب قیل: و کیف ذلک یا رسول الله؟ قال: «ینفرد من أهله، و یتغرّب عن وطنه». احقاق الحق، ج 19، ص 679

فرق نمی کند بر کجا دست گذارد. در آن هنگام نه محلی دوردست از تجاوز دارید که به سوی آن بالا روید و نه پناهی دارید که به آن تکیه دهید». (1)

ی) جنگ، کشتار و فتنه ها

از روایات استفاده می شود که پیش از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه جنگ و کشتار همه جا را فرامی گیرد. برخی از روایات سخن از فتنه ها دارد، تعدادی از روایات، از جنگ های پیاپی خبر می دهد و روایاتی درباره کشتار انسان ها به وسیله جنگ و بیماری های ناشی از آن چون طاعون، سخن به میان می آورد.

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «پس از من چهار فتنه به شما خواهد رسید: در فتنه اول، خون ها مباح شمرده می شود و کشتار زیاد می گردد. در فتنه دوم، خون ها و اموال حلال می شود و قتل و غارت اموال بسیار می گردد. در فتنه سوم، خون ها و مال ها و نوامیس مردم مباح شمرده می شود و علاوه بر قتل و غارت، ناموس انسان ها نیز در امان نمی ماند.

در فتنه چهارم، - که فتنه ای است کر و کور و بسیار سخت و چون کشتی متلاطم و مضطرب در دریا- هیچ کس از آن فتنه پناهی نمی یابد. فتنه از شام به پرواز درمی آید و عراق را فرامی گیرد و دست و پای جزیره- حجاز- به آن آغشته می شود. گرفتاری ها مردم را از پای درمی آورد و چنان می شود که کسی توانایی چون و چرا ندارد و از هر سوایی که فروکش می کند از سوی دیگر شعله ور می گردد». (2)

در حدیث دیگری می فرماید: «پس از من فتنه هایی پدید می آید که راه نجاتی از آن

ص: 50

1- قال الباقر علیه السلام: «لا ترون الذی تنتظرون حتی تكونوا کالمعزی الموات التي لا یبالی الخابس این یضع یده فیها، لیس لکم شرف ترقونه، و لا سناد تسندون إلیه أمرکم». کافی، ج 8، ص 213؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 246.

2- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «لتأتیکم بعدی أربع فتن: الأولى: یستحل فیها الدماء. و الثانیه: یستحل فیها الدماء و الأموال. و الثالثه: یستحل فیها الدماء و الأموال و الفروج. و الرابعه: صماء عمیاء، مطبقه تمور مور السفینه فی البحر حتی لا یجد أحد من الناس منها ملجأ تطیر بالشام، و تغشی العراق، و تخبط الجزیره، یدها و رجلها یرک الأنام فیها البلاء عرک الأدم، لا یستطیع من الناس یقول. مه؟ مه؟ لا ترفعونها من ناحیه إلا انفتقت من ناحیه آخری». ابن طاووس، ملاحم، ص 21؛ کمال الدین، ج 2، ص 371.

نخواهد بود. در آنها جنگ، فرار و آوارگی است. پس از آن فتنه‌هایی خواهد بود که از فتنه‌های پیشین شدیدتر است. هنوز فتنه‌ای فروکش نکرده که فتنه دیگری شعله‌ور می‌شود تا جایی که هیچ‌کس از خانه‌های خود خارج نشود. این فتنه‌ها باقی نمی‌ماند که این آتش در آن نرفته باشد و هیچ مسلمانی نمی‌ماند که آن فتنه به او نرسیده باشد. آن‌گاه مردی از خاندان من ظهور می‌کند». (1)

نیز می‌فرماید: «به زودی پس از من فتنه‌ای رخ خواهد داد که اگر از هرسو آرام گیرد، از دو سوی دیگر گسترش می‌یابد تا این که منادی از آسمان فریاد می‌زند: امیر و فرمانده شما حضرت مهدی است». (2)

در این روایات سخن از فتنه‌ای است که پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه فراگیر خواهد شد، ولی در روایات دیگر با صراحت از جنگ‌های خانمان سوز سخن به میان آمده است که به ذکر آن می‌پردازیم.

عمار یاسر می‌گوید: پیام و دعوت اهل بیت پیامبرتان در آخر الزمان این است که از هرگونه درگیری پرهیز کنید تا زمانی که رهبران از اهل بیت را ببینید؛ آن‌گاه که ترک‌ها با رومیان مخالفت کنند و جنگ‌ها در زمین بسیار شود». (3)

تعدادی از روایات، از قتل و کشتاری سخن می‌گویند که پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه به وقوع می‌پیوندد. برخی از این روایات، تنها کشتار را یادآور می‌شود و برخی وسعت کشتار را نیز مشخص می‌کند.

امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: «پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه کشتارهای پیاپی و 2.

ص: 51

1- قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «ستكون بعدى فتن منها فتن الأحماس، يكون فيها هرب و حرب، ثم من بعدها فتن أشد منها، كلما قيل: انقطعت تمادت، حتى لا يبقى بيت من العرب إلا دخلته، و لا مسلم إلا وصلته حتى يخرج رجل من عترتي». عقد الدرر، ص 50.

2- قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «ستكون فتنه لا يهدأ منها جانب إلا جاش منها جانبان حتى ينادى مناد من السماء إن أميركم فلان. أى المهدي». احقاق الحق، ج 13، ص 295؛ احمد، مسند، ج 2، ص 371.

3- قال عمّار بن ياسر: دعوه أهل بيت نبيكم فى اخر الزمان، فالزموا الأرض، و كفوا حتى تروا قاداتها؛ فإذا خالف الترك الروم، و كثرت الحروب فى الأرض؛ ينادى مناد على سور دمشق: ويل من شرّ قد اقترب». طوسى، غيبه، چاپ جديد، ص 441؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 212.

ابو هریره می گوید: در شهر مدینه کشتاری خواهد شد که در آن، منطقه «احجار الزیت» (2) از هم می پاشد و فاجعه «حرّه» (3) در برابر آن، مانند ضربه تازیانه ای بیش نیست؛ آن گاه که - پس از کشتار - به اندازه دو فرسنگ از مدینه دور شوند، با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بیعت می شود. (4)

ابو قبیل می گوید: شخصی از بنی هاشم زمام حکومت را به دست می گیرد و تنها بنی امیه را قتل عام می کند؛ به طوری که جز عده اندکی، کسی از آنان برجای نمی ماند. پس از آن، فردی از بنی امیه خروج می کند و در مقابل هر نفر، دو تن را می کشد؛ چنان که جز زنان کسی باقی نمی ماند. (5)

رسول خدا صلی الله علیه و اله چنین می فرماید: «سوگند به خدایی که جانم در دست (قدرت) اوست، دنیا پایان نمی یابد تا این که زمانی فرارسد که نه قاتل بداند برای چه دست به قتل زده است و نه علت کشته شدن مقتول مشخص باشد و هرج و مرج همه جا را فرامی گیرد؛ در چنان زمانی، قاتل و مقتول به جهنم می روند». (6)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «پیش از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه جهان دچار دو نوع مرگ می شود: 1.

ص: 52

1- قال الرضا عليه السلام: «قدّام هذا الأمر قتل بيوح». قلت و ما البيوح؟ قال: «دائم لا يفتّر» قرب الاسناد، ص 170؛ نعماني، غيبة، ص 271.

2- محلّه ای در شهر مدینه که محلّ اقامه نماز استسقا (باران) بود؛ معجم البلدان، ج 1، ص 109.

3- پس از شهادت امام حسین علیه السلام و قیام مردم مدینه علیه یزید، اهل مدینه به دستور یزید قتل عام شدند و در آن واقعه بیش از ده هزار نفر کشته شدند و این محل همان «حرّه و اقم» است؛ معجم البلدان، ج 2، ص 249.

4- عن أبي هريره: «تكون بالمدينة وقعه تفرق فيها أحجار الزيت، ما الحرّه عندها إلا كضربه سوط، فينتحى عن المدينة قدر بریدين، ثم يبایع المهديّ». ابن طاووس، ملاحم، ص 58.

5- عن أبي قبيل: «يملك رجل من بنی هاشم، فيقتل بنی أمیه حتى لا يبقى منهم إلا اليسير، لا يقتل غيرهم، ثم يخرج رجل من بنی أمیه يقتل بكلّ رجل اثنين حتى يبقى إلا النساء ثم يخرج المهديّ». ملاحم ابن طاووس، ص 59. اقول هذا كناية عن كثره وقوع القتل في الرجال: و أبو قبيل هذا، اسمه حي بن هاني المعافري توفي عام 128 هـ قيل: كان له علم بالملاحم والفتن. وذكره الساجي في الضعفاء. وحكي عن ابن معين: أنه ضعّفه، وأورده ابن حبان في الثقات وقال: كان يخطئ. تهذيب الكمال، ج 5، ص 313؛ تهذيب التهذيب، ج 3، ص 64؛ سير أعلام النبلاء، ج 5، ص 214.

6- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلّم: «والذي نفسي بيده؛ لا تذهب الدنيا حتى يأتي على الناس يوم لا يدري القاتل فيم قتل، ولا المقتول فيم قتل، يكون الهرج، القاتل والمقتول في النار». فردوس الاخبار، ج 5، ص 91.

مرگ سفید و سرخ. مرگ سرخ با شمشیر (اسلحه) است و مرگ سفید با طاعون است». (1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «برای قائم آل محمد، دو غیبت است که یکی طولانی تر از دیگری است. در آن دوران، مردم را مرگ و کشتار فرامی گیرد». (2) جابر می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: در چه زمانی این امر (قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه) روی خواهد داد؟ امام در پاسخ فرمود: «ای جابر! چگونه این امر تحقق یابد در حالی که هنوز بین حیره (3) و کوفه تعداد کشته ها زیاد نشده است». (4)

امام صادق علیه السلام فرمود: «پیش از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه دو نوع مرگ پدیدار می گردد: مرگ سرخ و مرگ سفید. به اندازه ای از انسان ها کشته می شوند که از هر هفت نفر، پنج تن نابود می گردند». (5)

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور نمی کند، مگر این که یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم بمیرند و یک سوم باقی بمانند». (6)

از امیر المؤمنین علیه السلام پرسیدند: «آیا برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه علامت و نشانه ای است؟ فرمود: «نعم، قتل فظیح و موت سریع و طاعون شنیع». (7) 1.

ص: 53

1- قال أمير المؤمنين عليه السلام: «...بين يدي القائم موت أحمر و موت أبيض، فالموت الأحمـر فالسيف، و أمّا الموت الأبيض: فالطاعون» نعماني، غيبه، ص 277؛ مفيد، ارشاد، ص 359؛ طوسي، غيبه، ص 267. صراط المستقيم، ج 2، ص 249؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 211.

2- قلت لأبي عبد الله عليه السلام كان أبو جعفر الباقر عليه السلام يقول: لقائم آل محمد غيبتان: أحدهما أطول من الأخرى؟-قال: «نعم... ويشمل الناس موت و قتل». نعماني، غيبه، ص 173؛ دلائل الامامه، ص 293؛ تقريب المعارف، ص 187؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 156.

3- شهری در سه میلی (شش کیلومتری) کوفه است؛ معجم البلدان، ج 2، ص 328.

4- عن جابر، قلت لأبي جعفر عليه السلام: متى يكون هذا الأمر؟ فقال: «أنتى يكون ذلك يا جابر، و لَمَّا تكثر القتلى بين الحيره و الكوفه». طوسي، غيبه، چاپ جدید، ص 446؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 728؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 209.

5- الصادق عليه السلام: «قدّام القائم موتان: موت أحمر و موت أبيض حتى يذهب من كلّ سبعة خمسة». كمال الدين، ج 2، ص 665؛ العدد القويّه، ص 66؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 207.

6- أمير المؤمنين عليه السلام: «لا- يخرج المهدي حتى يقتل ثلث، و يموت ثلث و يبقى ثلث». ابن حماد، ص 91؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 58.

7- عن مدلج بن هارون بن سعيد قال: سمعت أمير المؤمنين على عليه السلام يقول لعمر-في ضمن كلام طويل إلى أن قال...: فبكي عمر، و قال: إني أعوذ بالله ممّا تقول: قال: فهل لذلك علامه؟ قال: «نعم، قتل فظيح، و موت سريع، و طاعون شنيع». حصيني، هدايه، ص 31.

و به نقل ارشاد القلوب (1): «قتل ذریع» یعنی با سرعت و عالمگیر.

و به نقل مدینه المعاجز (2): «قتل رضیع» یعنی لثیم و پست.

و به نقل حلیه الابرار (3): قتل «فضیع» یعنی ناگوار.

معنای روایت چنین است:

«آری، برای ظهور حضرت علیه السلام نشانه‌هایی است، از جمله کشتارهای عالمگیر و ناگوار و پست و مرگ‌هایی سریع و پی‌درپی و شیوع طاعون».

محمد بن مسلم می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «امام زمان ظهور نمی‌کند، مگر این که دوسوم مردم جهان از بین بروند». عرض شد: اگر دو سوم مردم کشته شوند، پس چه تعداد خواهند ماند؟ فرمود: «آیا راضی نیستید (و دوست ندارید) از یک سوم باقی مانده باشید؟».

(4)

امام صادق علیه السلام فرموده است: «امر (ظهور) تحقق نمی‌یابد تا این که نه دهم (9/10) مردم نابود شوند». (5)

علی علیه السلام می‌فرماید: «... در آن روزگار از مردم جز یک سوم (1/3) آنان، کسی بر جای نمی‌ماند». (6)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله فرمود: «از هر ده هزار نفر، نه هزار و نه صد تن به قتل می‌رسند و جز تعداد اندکی، جان سالم به در نمی‌برند». (7) 8.

ص: 54

1- ارشاد القلوب، ص 286.

2- مدینه المعاجز، ص 133.

3- حلیه الابرار، ص 601.

4- عن محمد بن مسلم و أبي بصير قالوا: سمعنا أبا عبد الله يقول: «لا يكون هذا الأمر حتى يذهب ثلثا الناس، فقلنا له: فإذا ذهب ثلثا الناس فمن يبقى؟ فقال: «أما ترضون أن تكونوا في الثلث الباقي» طوسی، غیبه، چاپ جدید، ص 339؛ کمال الدین، ج 2، ص 655؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 510؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 207؛ الزام الناصب، ج 2، ص 136؛ ابن حمّاد، فتن، ص 91؛ کنز العمّال، ج 14، ص 587؛ متقی هندی، برهان، ص 111.

5- عن الصادق عليه السلام: «لا يكون هذا الأمر حتى يذهب تسعة أعشار الناس». الزام الناصب، ج 2، ص 187، 136؛ عقد الدرر، ص 63، 59، 54-237، 65؛ نعمانی، غیبه، ص 274؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 242.

6- عن علی علیه السلام: «و لا يبقى من الناس فی ذلك الوقت إلاّ ثلثهم». حصینی، هدایه، ص 31؛ ارشاد القلوب، ص 286.

7- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «يقتل من كلّ عشرة آلاف تسعة آلاف و تسعمائه، لا ينجو منها إلاّ اليسير». مجمع الزوائد، ج 5، ص 188.

ابن سیرین می گوید: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور نمی کند تا این که از هر نه نفر، هفت تن کشته شوند. (1)

از مجموع روایات نکات زیر استفاده می شود:

1. پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه کشتارهایی رخ می دهد و تعداد زیادی از انسان ها کشته می شوند و افرادی که باقی می مانند کمتر از کشته شدگان هستند.

2. تعدادی از کشته شدگان در جنگ کشته می شوند و تعدادی دیگر به واسطه بیماری های مسری که به احتمال قوی از کشته های به جامانده جنگ، تولید شده است، جان می سپارند. هم چنین احتمال دارد که این گروه به وسیله سلاح های شیمیایی و میکروبی که بیماری تولید می کنند، جان دهند.

3. در میان اقلیتی که باقی می مانند، شیعیان و دوست داران امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستند؛ زیرا آنان هستند که با مهدی عجل الله تعالی فرجه بیعت می کنند. نیز در سخن امام صادق علیه السلام آمده بود که آیا راضی نیستید از یک سوم باقی مانده باشید؟ 8.

ص: 55

1- ابن سیرین: «لا یخرج المهدی حتی یقتل من کل تسعه سبعه». ابن طاووس، ملاحم، ص 78.

از روایات این فصل استفاده می شود، که بر اثر گسترش فساد و تباهی ها و از بین رفتن رحم و عاطفه و ایجاد جنگ، جهان از نظر اقتصادی در وضعیت بدی به سر خواهد برد؛ به طوری که آسمان نیز بر آنان رحم نمی کند و نزول باران که رحمت الهی است نیز برای آنان به غضب تبدیل شده، ویرانگر می شود.

آری، در آخر الزمان باران کم می شود و یا در غیر موسم فرود می آید و باعث نابودی کشاورزی می گردد. دریاچه ها و رودخانه ها خشک می گردد و زراعت ها به بار نمی نشیند و تجارت از رونق می افتد. فقر و گرسنگی گسترش می یابد تا آن جا که افراد برای سیر کردن شکم خود، دختران و زنانشان را به بازار می آورند و آنان را با کمی غذا عوض می کنند.

الف) کمبود باران و باریدن باران های بی موقع

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله می فرماید: «زمانی بر مردم فرارسد که خداوند آنان را از باران در فصل و موسمش محروم می گرداند و باران نازل نمی شود و آن را در غیر موسمش فرومی فرستد». (1)

ص: 57

1- عن رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «يأتي على الناس زمان... فعند ذلك يحرمهم الله قطر السماء في أوانه، وينزله في غير أوانه». جامع الاخبار، ص 150؛ مستدرک الوسائل، ج 11 ص 375.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «... باران در فصل گرما و تابستان می بارد». (1)

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «پیش از ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه سالی خواهد بود که باران های بسیاری می بارد و میوه ها را از بین می برد و خرماها را بر نخل ها فاسد می کند؛ پس در آن دوران دچار شک و شبهه نشوید». (2)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «... باران ها کم می شود تا جایی که نه زمین بذری را می رویاند و نه آسمان بارانی می بارد؛ در این هنگام مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند». (3)

عطاء بن یسار می گوید: «از نشانه های قیامت این است که باران می بارد، ولی زراعتی نخواهد روید». (4)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «... زمانی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و اصحابش قیام کنند، آب بر روی زمین نایاب است و مؤمنان با ناله و زاری از درگاه الهی، آب طلب می کنند تا آن که خداوند بر آنان آب نازل می کند و آنان می نوشند». (5)

ب) خشک شدن دریاچه ها و رودها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «شهرهای مصر در اثر خشکی رود نیل، ویران می شوند». (6)

ارطاط می گوید: «در آن هنگام، فرات، رودخانه ها و چشمه ها خشک می شوند». (7)

نیز آمده است: «آب دریاچه طبرستان خشک می شود و نخل های خرما ثمر نمی دهد و

ص: 58

-
- 1- عن علی علیه السلام: «و یكون المطر قیضا». دوحه الأنوار، ص 150؛ الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 151؛ کنز العمال، ج 14، ص 241.
 - 2- عن الصادق علیه السلام: «إنَّ قَدَامَ القائم سنه غیداقه، کثیره المطر تفسد فیها الثمار، و التمر فی النخل، فلا تشکوا فی ذلک». مفید، ارشاد، ص 361؛ طوسی، غیبه، ص 272؛ اعلام الوری، ص 428؛ خرائج، ج 3، ص 1164؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 125؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 214.
 - 3- عن علی علیه السلام: «و یقلّ المطر، فلا أرض تنبت، و لا سماء تنزل، ثم ینخرج المهدی». ابن طاووس، ملاحم، ص 134.
 - 4- عطاء بن یسار: «من أشرط الساعه مطر و لا نبات». عبد الرزاق، مصنف، ج 3، ص 155.
 - 5- عن الصادق علیه السلام: «... إذا قام القائم و أصحابه فقد الماء الذی علی وجه الأرض حتی لا یوجد ماء، فیضج المؤمنون إلی الله بالدعاء، فیبعت الله لهم هذا الماء فیشربونه». دلائل الإمامه، ص 545. أقول: لعل المراد قبیل ظهور المهدی علیه السلام، و أمّا بعد ظهوره: فالبرکات تنهال علی المؤمنین. دلائل الإمامه، ص 245.
 - 6- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «و خراب مصر من جفاف النیل». بشاره الاسلام، ص 28.
 - 7- عن أراطه: «و تیسس الفرات و العیون و الأنهار». ابن حمّاد، فتن، ص 148.

آب چشمه (زعر) - که در شام است - به زمین فرومی رود». (1)

هم چنین آمده است: «...رودخانه ها خشک می شوند و گرانی و قحطی سه سال، به درازا می کشد». (2)

ج) شیوع گرانی، گرسنگی، فقر و کساد تجارت

مردی از پیامبر صلی الله علیه و اله پرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه و اله اقیامت چه وقت برپا خواهد شد؟ فرمود: «کسی که مورد سؤال قرار گرفته (خود پیامبر) از سؤال کننده (آن مرد) در این زمینه آگاه تر نیست، ولی قیامت دارای نشانه هایی است: یکی از آنها تقارب بازارهاست».

پرسید: تقارب بازارها چیست؟ فرمود: «کساد بازارها و تجارت و بارش باران بدون آن که گیاهان و محصولات بروید». (3)

امیر مؤمنان علیه السلام به ابن عباس فرمود: «تجارت و معاملات زیاد می شود، ولی بهره ای اندک نصیب مردم می گردد و پس از آن قحطی سختی رخ می دهد». (4)

محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «پیش از ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه هایی است». گفتم: خدا مرا فدای تو گرداند؛ آن نشانه ها کدام است؟ فرمود: «آنها همان گفته خداوند است که فرمود: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشِدَائٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (5) و شما (مؤمنان) را (پیش از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه) به چیزی از ترس و گرسنگی و کمی دارایی ها و جان ها و میوه ها می آزماییم؛ پس صابران را مژده ده» آن گاه فرمود: «خداوند مؤمنان را به سبب

ص: 59

- 1- عن أبي عبد الله عليه السلام: «يجفّ ماء بحيره طبريا، ويتوقف النخيل عن الثمر، وتنضب عين زعر» الواقعة في الجانِب القبلي من الشام. بشاره الاسلام، ص 191؛ الزام الناصب، ص 161.
- 2- و عنه عليه السلام: «...و يكون جفاف الأنهار... و يقع القحط و الغلاء ثلاث سنين». بشاره الاسلام، ص 98.
- 3- قال رجل: متى قيام الساعة يا رسول الله؟ قال: «ما المسئول عنها بأعلم من السائل، و لكن لها أشرط: و تقارب أسواق». قالوا يا رسول الله: ما تقارب أسواقها؟ قال: «كسادها و مطر و لا نبات». الترغيب و التهيب، ج 3، ص 442.
- 4- عن عليّ عليه السلام: «و تجارات كثيره و ربح قليل، ثمّ قحط شديد». ابن طاووس، ملاحم، ص 125.
- 5- بقره (2) آية 155.

ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومت شان می آرماید و مراد از گرسنگی، گرانی قیمت هاست و منظور از کمی دارایی ها، کساد تجارت و کمبود درآمد است و مقصود از نقصان جان ها، مرگ های فراوان و سریع و پی در پی است و مراد از کمبود میوه ها، کمبود عایدات و محصولات کشاورزی است. پس صابران را بشارت باد به تعجیل ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه در آن هنگام». (1)

و به نقل از اعلام الوری، قلّه المعاملات به معنای کساد بازار و کمی دادوستد است. (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «...در آن هنگام که سفیانی خروج می کند، مواد غذایی کم شده، قحطی به مردم می آورد و باران کم می بارد». (3)

ابن مسعود می گوید: هنگامی که تجارت ها از بین برود و راه ها ویران گردد، مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند. (4)

شاید وضعیت بد بازار در آن زمان، معلول ویرانی مراکز تولید و صنعت، کم شدن نیروی انسانی، کاهش قدرت خرید، قحطی، ناامنی راه ها و... باشد.

در مسند احمد آمده است: پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه سه سال مردم دچار گرسنگی شدید می شوند. (5) 3.

ص: 60

1- عن محمد بن مسلم: سمعت أبا عبد الله يقول: «إِنَّ قَدَامَ الْقَائِمِ عِلَامَاتُ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ» قلت: و ما هي -جعلني الله فداك- قال: «ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَنْبَلُوكُمْ يَعْنِي الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشَرِ الصَّابِرِينَ الْبَقْرَةَ، الْآيَةَ 155. قال: «يَلُوهُمُ بَشْيَاءٌ مِنَ الْخَوْفِ مِنْ مَلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ، وَ الْجُوعِ بِغَلَاءِ أَسْعَارِهِمْ». «وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ، قال: «كِسَادُ التِّجَارَاتِ وَ قَلَّةُ الْفَضْلِ». «وَ نَقْصِ مِنَ الْأَنْفُسِ». قال: «مُوتُ ذُرَيْعٍ». «وَ نَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ». قال: «قَلَّةُ رِيْعِ مَا يَزْرَعُ». «وَ بَشَرِ الصَّابِرِينَ». «عِنْدَ ذَلِكَ بِتَعْجِيلِ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ». كمال الدين، ج 2، ص 650؛ نعماني، غيبه، ص 250؛ مفيد، ارشاد، ص 361؛ اعلام الوری، ص 456؛ عياشي، تفسير، ج 1، ص 68.

2- اعلام الوری، ص 456.

3- الصادق عليه السلام: «...و عند ذلك خروج السفیانی، و یقلّ الطعام، و یقحط الناس، و یقلّ المطر». ابن طاووس، ملاحم، ص 133.

4- عن ابن مسعود: «...إذا انقطعت التجارات و الطرق». الفتاوی الحدیثیه، ص 30، متقی هندی، برهان، ص 142؛ عقد الدرر، ص 132.

5- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم: «إِنَّ قَبْلَ خُرُوجِ الدِّجَالِ ثَلَاثَ سِنَوَاتٍ، یَصِيبُ النَّاسَ فِيهَا جُوعٌ شَدِيدٌ». مسند أحمد، ج 3، ص

286؛ سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1362؛ فتن، ص 33.

ابو هریره می گوید: وای بر اعراب از شری که به آنان نزدیک می شود؛ گرسنگی شدیدی رخ می دهد و مادران از گرسنگی فرزندان خود، به گریه می افتند. (1)

(د) مبادله زنان در مقابل مواد غذایی

عمق فاجعه قحطی و گرسنگی پیش از ظهور به اندازه ای است که گروهی مجبور می شوند دختران خود را برای خوراک اندکی معامله کنند.

ابو محمد از مردی از اهل مغرب روایت می کند: مهدی ظهور نمی کند تا آن که شخص (از شدت فقر و تنگ دستی) دختر یا کنیز زیبای خود را به بازار می آورد و می گوید:

کیست که این دختر را از من بخرد و در برابر آن خوراک بدهد؟ در این شرایط است که مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند. (2)

ص: 61

-
- 1- عن أبي هريره: «...ويل للعرب من شرّ قد اقترب، والجوع الفظيع، وباكیه تبکی من جوع اولادها». كنز العمال، ج 11، ص 249.
 - 2- عن أبي محمد عن رجل من أهل المغرب: «لا يخرج المهدی حتی يخرج الرجل بالجاریه الحسناء الجميله، و يقول: من يشتري هذه بوزنها طعاما؟ ثم يخرج المهدی». ملاحم: ص 59. ولا يخفى ما في السند من الضعف.

اشاره

در بحث های گذشته با بخشی از روایات درباره وضعیت جهانی پیش از ظهور امام عصر علیه السلام آشنا شدیم. هرچند در این روایات سخن از نابسامانی ها و مشکلات است - به حدی که شاید انسان هایی را به یأس بکشاند - اما روایات دیگری نیز وجود دارد که به نکات روشن و روزنه های امید برای شیعیان و انسان های مؤمن و متعهد اشاره دارد.

برخی از این روایات درباره مؤمنانی است که هیچ گاه زمین از آنان خالی نمی شود و آنان در شرایط سخت پیش از ظهور نیز در سراسر جهان حضور دارند.

تعدادی از روایات به نقش دانشمندان اسلامی و عالمان در زمان غیبت اشاره می کند که هرچندگاه باعث دگرگونی در جامعه می شوند و آنان را به عنوان حافظان دین معرفی می کند. در بعضی از سخنان معصومین علیهم السلام از نقش ویژه شهر قم پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه یاد شده است و روایاتی نیز از حضور فعال ایرانیان، پیش و پس از ظهور امام سخن می گوید.

الف) مؤمنان حقیقی

گاهی با روایاتی روبه رو می شویم که در پاسخ کسانی آمده است که گمان می کرده اند، روزگاری پیش خواهد آمد که جامعه از وجود انسان های مؤمن تهی می شود. امام علیه السلام این گمان را نفی کرده، از وجود مؤمنان در هر روزگاری خبر داده است.

زید زراء می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: می ترسم ما از مؤمنان نباشیم.

امام فرمود: «چرا چنین فکر می کنید؟» گفتم: زیرا می بینم در میان ما کسی نیست که برادرش را بر درهم و دینار مقدم دارد؛ ولی این را می بینم که درهم و دینار را بر برادر دینی - که ولایت امیر مؤمنان علیه السلام ما را دور یک دیگر گردآورده - ترجیح می دهیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «این چنین نیست که می گویی، شما اهل ایمان هستید؛ اما ایمان شما کامل نمی شود مگر هنگامی که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه قیام کند؛ در آن هنگام خداوند خرد شما را کامل می کند و شما مؤمنان کامل می شوید.

سوگند به آن خدایی که جانم در دست قدرت اوست، در سراسر جهان، انسان هایی هستند که همه دنیا در نظرشان با پر پشه ای برابری نمی کند». (1)

(ب) نقش عالمان و دانشمندان (شیعه)

در هر روزگاری که پرده های سیاهی و جهل، سایه خود را بر جوامع بشری می گستراند این دانشمندان و عالمان دینی بودند که مسؤولیت خود را در جهت زدودن جهل و نادانی از اندیشه ها و فساد و تباهی از دامن مردمان به خوبی انجام می دادند و از روایات فهمیده می شود که عالمان در آخر الزمان نیز این نقش را به خوبی ایفا می کنند.

امام هادی علیه السلام می فرماید: «اگر در دوران غیبت قائم آل محمد صلی الله علیه و اله دانشمندانی نبودند که مردم را به سوی او هدایت و راهنمایی کنند و با حجت های الهی از دین دفاع نمایند و شیعیان ضعیف را از دام های شیطان و پیروانش رهایی و از شر ناصبی ها (و دشمنان اهل بیت) نجات بخشند، کسی در دین خدا پابرجا نمی ماند و همه مرتد می شدند؛ ولی آنان رهبری دل های شیعیان ضعیف را با قدرت در دست می گیرند و حفظ می کنند؛

ص: 64

1- کتاب زید الزراد. قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام نخشى أن لا نكون مؤمنين، قال: «و لم ذلك؟» فقلت: و ذلك أنا لا نجد فينا من يكون أخوه عند اثر من درهمه و دیناره، و نجد الدینار و الدرهم اثر عندنا من أخ قد جمع بیننا و بینة موالاه أمير المؤمنین علیه السلام، قال علیه السلام: «كأن إناکم مؤمنون، و لكن لا تکملون إیمانکم حتی یخرج قائمنا، فعندها یجمع الله أحلامکم، فتكونون مؤمنین کاملین، و الذی نفسی بیده... إن فی الأرض فی أطرافها ما قدر الدنیا کلها عندهم تعدل جناح بعوضه». الأصول الستة عشر، ص 6؛ بحار الأنوار، ج 67، ص 351.

چنان که ناخدای کشتی، سکان و فرمان کشتی را نگاه می دارد. بنابراین، آنان نزد خدا، والاترین انسان ها هستند». (1)

رسول خدا صلی الله علیه و اله درباره زنده کننده دین در هر قرن می فرماید: «خداوند بزرگ برای امت اسلام در آغاز هر قرن، شخصی را برمی انگیزاند تا دین را زنده نماید». (2)

این دو روایت و روایاتی از این گونه، باصراحت به نقش عالمان در روزگار غیبت اشاره دارد و خنثا شدن، توطئه شیطان ها و تجدید حیات دین را به دست دانشمندان می داند.

البته اثبات این مطلب در روزگار ما به دلیل و برهان نیازی ندارد؛ زیرا نقش حضرت امام خمینی رحمه الله برای از بین بردن نقشه های شوم دشمنان- که اساس دین را در جهان معاصر در معرض خطر قرار داده بودند- بر کسی پوشیده نیست.

بدون شک عزتی که اسلام در این عصر یافته است، به برکت انقلاب اسلامی ایران و بنیان گذار آن، حضرت امام خمینی رحمه الله بوده است.

ج) نقش شهر قم در آخر الزمان

اشاره

آن گاه که جامعه بشری به سوی انحطاط و تباهی پیش می رود، روزنه امیدی نمایان می گردد و مردمی پرچمدار نور در دل آن تاریکی ها می گردند؛ شهر قم در آخر الزمان این نقش را به عهده دارد.

روایات بسیاری وجود دارد که این شهر مقدس و انسان های وارسته آن را- که وجود

ص: 65

1- روى عن على بن محمّد الهادى عليه السلام: أنه قال: «لو لا من يبقى بعد غيبه قائمكم عليه السلام من العلماء الداعين إليه، و الدالّين عليه، و الذابّين عن دينه بحجج الله، و المنقذين لضعفاء عباد الله من شبّاك إبليس و مردته، و من فخاخ النواصب، لما بقى أحد إلا ارتدّ عن دين الله، و لكنّهم الذين يمسكون أزمتهم قلوب ضعفاء الشيعة كما يمسك صاحب السفينه سگانها، اولئك هم الأفضلون عند الله عزّ و جلّ». تفسير امام عسکری عليه السلام، ص 344؛ احتجاج، ج 2، ص 260؛ منیه المريد، ص 35؛ محجّه البيضاء، ج 1، ص 32؛ حليه الابرار، ج 2، ص 455؛ بحار الأنوار، ج 2، ص 6؛ العوالم، ج 3، ص 295.

2- عن النبي صلی الله علیه و اله: «إنّ الله تعالى يبعث لهذه الأمّة على رأس كل مائه سنه من يجدّد لها دينها» ابی داود، سنن، ج 4، ص 109، حاکم، مستدرک، ج 4، ص 522؛ تاريخ بغداد، ج 2، ص 61؛ جامع الاصول، ج 12، ص 63؛ کنز العمال، ج 12، ص 193 و تا آن جا که تتبّع کردم مدرکی از کتاب های شیعه برای آن نیافتم.

خود را از چشمه زلال مکتب اهل بیت سیراب کرده و رسالت ابلاغ پیام را به عهده گرفته اند- می ستایید.

امامان معصوم علیهم السّلام سخنان گوناگونی درباره قم و نقش آن در نهضت فرهنگی زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه دارند که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

قم حرم اهل بیت

از برخی روایات استفاده می شود که قم و اهل آن رمز و الگوی تشیع و ولایت می باشند.

از این رو، هرکس را که می خواستند، دوست دار اهل بیت و علاقه مند به آنان معرفی کنند، او را قمی خطاب می کردند.

گروهی خدمت امام صادق علیه السّلام مشرف شدند و گفتند: ما از مردم ری هستیم.

حضرت فرمود: «آفرین به برادرانمان از اهل قم». آنان چندبار تکرار کردند. ما از ری خدمت شما رسیده ایم و حضرت نیز سخن نخست خود را تکرار کرد. آن گاه فرمود:

خداوند حرمی دارد که در مکه است و برای رسول خدا صلی الله علیه و اله نیز حرمی است و آن در مدینه است. کوفه حرم امیر المؤمنین علیه السّلام است و حرم ما (اهل بیت) شهر قم است و به زودی دختری از فرزندانم به نام فاطمه، در آن دفن می شود. هرکس او را (بامعرفت) زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود».

راوی گوید: امام صادق علیه السّلام این سخن را هنگامی بیان کرد که هنوز امام کاظم علیه السّلام متولد نشده بود. (1) از این روایت استفاده می شود که مفهوم قم وسیعتر از محدوده شهر قم است بلکه منظور پیرو مذهب اهل بیت علیهم السّلام است.

صفوان می گوید: روزی نزد ابا الحسن - امام کاظم علیه السّلام - بودم و سخن از مردم قم و علاقه

ص: 66

1 - روی عن عدّه من أهل الری أنّهم دخلوا علی ابي عبد الله علیه السّلام وقالوا: نحن من أهل الری، فقال: «مرحبا یاخواننا من أهل قم» فقالوا: نحن من أهل الری، فأعاد الکلام. قالوا ذلك مرارا، وأجابهم بمثل ما أجب به أولا، فقال: «إنّ لله حرما وهو مکه، وإنّ للرسول حرما وهو المدینه، وإنّ لأمیر المؤمنین حرما وهو الکوفه، وإنّ لنا حرما وهو بلده قم، وستدفن فیها امرأه من أولادی تسمی فاطمه، فمن زارها وجبت له الجنه». قال الراوی: وکان صدر الکلام منه قبل أن یولد الکاظم علیه السّلام بحار الأنوار، ج 60، ص 217.

و میل آنان به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به میان آمد؛ امام هفتم علیه السلام فرمود:

«خداوند آنان را رحمت کند و از آنان خشنود باشد. آن گاه ادامه داد، بهشت هشت در دارد که یکی از آن ها برای مردم قم است. در میان شهرها و کشورها، آنان نیکان و نخبگان شیعیان ما هستند. خداوند ولایت و دوستی ما را، با طینت و سرشت آنان آمیخته است.» (1)

از این روایت استفاده می شود که ائمه معصومین علیهم السلام شهر قم را پایگاه عاشقان اهل بیت و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می دانسته اند و شاید دری از بهشت که به شهر قم اختصاص دارد، باب المجاهدین یا باب الاخیار (درب نیکان) باشد، چنان که در روایت نیز به اهل قم، نیکان شیعه گفته شده است.

شهر قم حجت بر دیگران

خداوند در هر زمان، انسان هایی دارد که بر دیگران حجت می باشند و چون آنان در راه خدا قدم برداشته، برای اعتلای کلمه الله مبارزه می کنند، خداوند یاور آنان خواهد بود و شر دشمنان را از آنان دور می کند. در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه قم و مردم آن بر دیگر انسان ها حجت هستند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «گرفتاری ها و مشکلات از قم و مردمش به دور است و روزگاری خواهد رسید که قم و مردم آن، حجت بر همه مردمان باشند و آن هنگام در زمان غیبت قائم ما تا به هنگام ظهور حضرتش می باشد و اگر چنین نبود، زمین اهلش را فرومی برد.»

به یقین فرشتگان، گرفتاری ها را از قم و مردمانش دور می کنند و هیچ ستمگری قصد قم را نمی کند، مگر آن که خداوند، کمرش را می شکند و او را گرفتار درد، مصیبت یا دشمن می گرداند. خداوند نام قم و مردم آن را از یاد ستمگران می برد؛ چنان که آنان

ص: 67

1- عن صفوان بن يحيى، قال: كنت يوماً عند أبي الحسن عليه السلام، فجرت ذكر أهل قمّ و ميلهم إلى المهدي عليه السلام فترحم عليهم و قال: «رضى الله عنهم» ثم قال: «إنّ للجنّة ثمانية أبواب واحد منها لأهل قمّ و هم خيار شيعتنا من بين سائر البلاد خمر الله تعالی ولايتنا في طينتهم». همان، ص 216.

یکی دیگر از موارد قابل توجه در روایات این است که شهر قم در روزگار غیبت به عنوان مرکزی برای رساندن پیام اسلام به گوش مستضعفان زمین در خواهد آمد و عالمان و دانشمندان دینی آن، حجّتی بر جهانیان خواهند شد.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «به زودی شهر کوفه از مؤمنان تهی می گردد و علم و دانش از آن جا رخت برمی بندند و چون ماری که در گوشه ای چنبره زده است، محدود می گردد و از شهری که آن را قم می نامند، ظهور می کند و آن جا پایگاه علم و فضیلت و معدن دانش و کمال می گردد؛ به گونه ای که روی زمین هیچ مستضعف (فکری) نمی ماند که از دین آگاهی نداشته باشد؛ حتی زنان پرده نشین، و این زمان، نزدیک به زمان ظهور قائم ما خواهد بود.

خداوند، قم و مردمش را جانشین حضرت حجّت قرار می دهد و اگر چنین نبود، زمین اهلس را فرومی برد و حجّتی بر زمین نمی ماند. بنابراین، علم و دانش از شهر قم به شرق و غرب جهان سرازیر می شود و حجّت بر جهانیان تمام می گردد؛ به گونه ای که هیچ شخصی نمی ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد و آن گاه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند و عذاب الهی بر کافران به دست آن حضرت فرود می آید؛ زیرا خداوند، از بندگان انتقام نمی گیرد، مگر هنگامی که حجّت بر آنان تمام شده باشد». (2)

ص: 68

- 1- عن الصادق عليه السلام: «و إنّ البلیا مدفوعه عن قمّ و أهله، و سیأتی زمان تكون قمّ و أهلها حجّه علی الخلاق، و ذلك فی زمان غیبه قائمنا إلى ظهوره، و لو لا ذلك لساخت الأرض بأهلها، و إنّ الملائکه لتدفع البلیا عن قمّ و أهله، و ما قصده جبار بسوء إلاّ قصمه قاصم الجبارین، و شغله عنهم بدهیه أو مصیبه أو عدوّ، و ینسی الله الجبارین فی دولتهم ذکر قمّ و أهله، كما نسوا ذکر الله». همان، ص 213.
- 2- عن الصادق عليه السلام: «ستخلو کوفه من المؤمنین، و یأزر عنها العلم كما تآزر الحیّه فی جحرها، ثم ینظر العلم ببلده یقال لها: قمّ، و تصیر معدنا للعلم و الفضل حتی لا ینقی فی الأرض مستضعف فی الدین حتی المخدّرات فی الحجال و ذلك عند قرب ظهور قائمنا، فیجعل الله قمّ و أهله قائمین مقام الحجّه، و لو لا ذلك لساخت الأرض بأهلها، و لم یبق فی الأرض حجّه، فیفیض العلم منه إلى سائر البلاد فی المشرق و المغرب فیتّم حجّه الله علی الخلق حتی لا ینقی أحد علی الأرض لم یبلغ إليه الدین و العلم، ثم ینظر القائم و یسیر سببا لبقمه الله و سخطه علی العباد، لأنّ الله لا ینتقم من العباد إلاّ بعد إنکارهم حجّه». همان، ج 60، ص 213؛ سفینه البحار، ج 7، ص 356.

در روایت دیگری آمده است: «اگر مردم قم نبودند، دین از بین می رفت». (1)

د) تأیید خط فکری قم

اشاره

از برخی روایات فهمیده می شود که، ائمه معصومین علیهم السلام، شیوه عالمان قم را مورد تأیید قرار داده اند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «بر فراز قم فرشته ای است که دو بال خود را بر آن به حرکت درمی آورد و هیچ ستمگری به آن قصد سوئی نمی کند؛ مگر آن که خداوند، او را همانند نمک در آب ذوب می کند».

حضرت آن گاه به عیسی بن عبد الله قمی اشاره کرد و فرمود: «درود خداوند بر قم! پروردگار جهان، سرزمینشان را از باران سیراب و برکاتش را بر آنان نازل می گرداند و گناهانشان را به حسنات مبدل می سازد. آنان اهل رکوع، سجود، قیام و قعودند؛ چنان که آنان فقیه، دانشمند و اهل درک و فهم هستند. آنان اهل درایت و روایت و بینش عبادت کنندگان نیکی هستند». (2)

هم چنین آن امام در پاسخ شخصی که گفت: می خواهم از تو چیزی بپرسم که کسی پیش از من نپرسیده باشد و پس از من نخواهد پرسید، می فرماید: «شاید می خواهی از حشر و نشر سؤال کنی؟»

گفت: آری، سوگند به آن که محمد صلی الله علیه و اله را بشارتگر و هشداردهنده، مبعوث کرد.

حضرت فرمود: «حشر همه مردمان به سوی بیت المقدس است؛ مگر بقعه ای در سرزمین جبل که آن را قم می نامند و آمرزش الهی شامل حالشان می گردد».

ص: 69

1- روی عن الأئمة: «لولا القميون لضاع الدين» سفینه البحار، ج 2، ص 445.

2- عن الصادق عليه السلام: «إنَّ لعلی قمّ ملكاً رفرف علیها بجناحیه لا یریدها جبار بسوء إلاّ أذابه الله، كذوب الملح فی الماء، ثم أشار إلى عیسی بن عبد الله، فقال سلام الله على أهل قمّ، یسقی الله بلادهم الغیث: وینزل الله علیهم البركات، ویدلّ الله سیئاتهم حسنات، هم أهل ركوع و سجود، و قیام و قعود، هم الفقهاء، العلماء الفهماء، هم أهل الدرايه و الروایه، و حسن العباده». بحار الأنوار، ج 60، ص 217.

آن مرد، در حالی که نیم خیز شد، گفت: ای فرزند رسول خدا! آیا این اختصاص به مردم قم دارد؟

امام پاسخ داد: «آری؛ آنان و هرکس که هم عقیده ایشان باشد و سخن آنان را بگوید». (1)

یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه

نکته قابل توجه و دقت، این است که در روایات از مردم قم به یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه و کسانی که برای گرفتن حق اهل بیت قیام می کنند، نام برده شده است.

عفان بصری می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا می دانی، چرا قم را قم نامیده اند؟» گفتم: خداوند و رسولش و شما بهتر می دانید. فرمود: «قم را بدین جهت به این اسم نامیدند که اهل آن گرد قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه جمع می گردند و با حضرتش قیام می کنند و در این راه، پایداری از خود نشان می دهند و آن حضرت را یاری می نمایند». (2)

صادق آل محمد علیه السلام در روایت دیگری در این باره چنین می فرماید: «خاک قم، مقدس است و اهل قم از ما و ما از آنان هستیم. ستمگری قصد بد به آن نمی کند، مگر این که در کيفر او تعجیل می گردد. البته این تا زمانی است که به برادران خود خیانت نکنند و اگر چنین کردند، خداوند، ستمکاران بدکردار را بر آنان مسلط می کند؛ اما مردم قم، یاران قائم ما و دعوت کنندگان به حق ما هستند».

آن گاه امام علیه السلام سر به آسمان بلند کرد و چنین دعا فرمود: «خداوند! آنان را از هر فتنه ای حفظ فرما و از هر هلاکتی نجات بخش».

(3)

ص: 70

1- عن أبي عبد الله عليه السلام: إن رجلا- دخل عليه فقال: يا ابن رسول الله إني أريد أن أسألك عن مسألة لم يسألك أحد قبلي، ولا يسألك أحد بعدى، فقال: «عساک تسألني عن الحشر و النشر»؟ فقال الرجل: أي و الذي بعث محمداً بالحق بشيرا و نذيرا، ما أسألك إلا عنه، فقال: «محشر الناس كلهم إلى بيت المقدس إلا بقعه بأرض الجبل يقال لها: قم». مغفور لهم، قال: فوثب الرجل على رجله، وقال يا ابن رسول الله، هذا خاصه لأهل قم؟ فقال: «نعم، و من يقول بمقاتلتهم». بحار الأنوار، ج 60، ص 218.

2- عفان البصری: قال لی أبو عبد الله عليه السلام: «أتدري لم سمی قم؟» قلت: الله و رسوله و أنت أعلم. قال: «إنما سمی قم لأن أهله يجتمعون مع قائم آل محمد صلی الله عليه و اله و سلم، و يقومون معه، و يستقيمون عليه، و ينصرونه». همان، ص 216.

3- عن الصادق عليه السلام قال: «تربه قم مقدسه، و أهلها متا، و نحن منهم لا يريدهم جبار بسوء إلا عجلت عقوبته ما لم يخونوا إخوانهم فإذا فعلوا ذلك سلط الله عليهم جباره سوء، أما انهم أنصار قائمنا، و دعاه حقنا، ثم رفع رأسه إلى السماء، و قال: «اللهم اعصمهم من كل فتنه، و نجهم من كل هلكه». همان، ص 218.

روایاتی که درباره شهر قم گفته شد، تا اندازه ای نقش ایرانیان را، پیش و هنگام ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه روشن می سازد؛ ولی با کمی دقت در سخنان معصومین علیهم السلام به این نتیجه می رسیم که آنان، نسبت به ایران و مردم آن توجه خاصی داشتند و در موقعیت های مختلف از نقش آنان در یاری رساندن به دین و زمینه سازی برای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه سخن گفته اند.

در این جا به ذکر چند روایت درباره تمجید از ایرانیان و زمینه سازان ظهور، بسنده می کنیم:

تمجید از ایرانیان

ابن عباس می گوید: خدمت پیامبر صلی الله علیه و اله از فارسیان، سخن به میان آمد، آن حضرت فرمود: «اهل فارس- ایرانیان- جمعی از ما اهل بیت هستند». (1)

هنگامی که از موالی یا اعاجم (2)، نزد پیامبر صلی الله علیه و اله یاد شد، حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود:

«سوگند به خدا که من به آنان بیش تر از شما اطمینان دارم». (3)

ص: 71

- 1- عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: و ذكرت عنده فارس فقال: «عصبتنا اهل البيت». ذكر اصبهان، ص 11.
- 2- موالی و مولی، در لغت شناسی، واژه های گوناگونی دارد. علامه امینی در جلد اول الغدير، بیست و دو واژه را نقل فرموده اند و در اصطلاح، در آیه و حدیث، پنج معنا دارد: ولاء عتق، ولاء اسلام، ولاء حلف، ولاء قبیله، ولاء، در برابر عرب و مراد غیر عرب است و این معنا غالباً مقصود عالمان علم رجال است؛ ر.ک: التقريب و التيسير، ج 2، ص 333. راز این که این کلمه را بر ایرانیان تطبیق می دهند، شاید به حکم غلبه وجودی و یا استعمالی باشد. چنان که بعضی این معنا را مدعی شده اند. علاوه بر این در نوشته های عالمان قدیم و معاصر، این چنین تفسیر شده است و ما به پیروی از آنان چنین تفسیر کرده ایم، ولی بر آن پافشاری نداریم. «فارس» به سرزمین هایی می گفتند که در برابر کشور روم بود و شامل ایران امروز و بخش دیگری از سرزمین هایی بود که جزء قلمرو ایران آن زمان بود.
- 3- عن أبي هريره: «ذكرت الموالی أو الأعاجم عند رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: فقال: «و الله لأتيا أوثق بهم منكم أو من بعضكم»». ذكر اصبهان، ص 12؛ ر.ک: الجامع الصحيح، ج 5، ص 382.

ابن عباس می گوید: «زمانی که پرچم های سیاه به سوی شما روی آورند، فارسیان را گرامی بدارید؛ زیرا دولت شما با آنهاست» (1).

روزی اشعث به علی علیه السلام با اعتراض گفت: ای امیر المؤمنین! چرا این عجم ها پیرامون تو گرد آمده، بر ما پیشی گرفته اند؟ حضرت خشمگین شد و در پاسخ فرمود: «چه کسی مرا معذور می دارد که در مقابل این آدم های بزرگ جثه بی خیر که هرکدام از آنان چون درازگوش بر بستر خود می غلظند و به خاطر آوازه و فخرفروشی از قومی روی گردان می شوند؛ آیا به من فرمان می دهید تا آنان را از خود دور سازم؟ هرگز، من آنان را کنار نمی زنم (2) تا از جاهلان مردم سوگند به خدایی که دانه را شکافت و آفریدگان را آفرید، آنان برای بازگرداندن شما به دین اسلام، با شما به نبرد برمی خیزند؛ چنان که شما برای اسلام آوردن در میانشان شمشیر کشیدید» (3).

زمینه سازان ظهور

بخش عمده ای از روایاتی که درباره رویدادهای پیش از ظهور و یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه آمده است، درباره ایران و ایرانیان است که با تعبیرات گوناگونی مانند: اهل فارس، عجم، اهل خراسان، اهل قم، اهل طالقان، اهل ری و... بیان شده است.

ص: 72

1- عن ابن عباس أو أبي هريره، ولم يسنده إلى النبي: «إذا أقبلت الرايات السود فأكرموا الفرس؛ فإنّ دولتكم معهم». راموز الاحاديث، ص 33.

2- با توجه به این که بازار کوفه اکثراً فارس و ایرانی بودند و با زبان فارسی سخن می گفتند (چنان که از مستدرک الوسائل، ج 13، ص 250، حدیث 4، فهمیده می شود.) به خوبی روشن می شود، که موالی مورد اعتراض اشعث و مورد دفاع امیر مؤمنان، همان ایرانیان بودند.

3- عن عباد بن عبد الله الأسدي، قال: كنت جالسا يوم الجمعة وعلی علیه السلام یخطب علی منبر من آجر و ابن صوحان جالس، فجاء الأشعث، فقال: یا امیر المؤمنین؛ غلبتنا هذه الحمراء علی وجهک، فغضب. فقال: لیبیننّ الیوم من أمر العرب ما کان یخفی، فقال علی علیه السلام: «من یعدرنی عن هؤلاء الضیاطره، یقبل أحدهم یتقلّب علی حشایاه، و یهجّر قوم لذكر الله فیأمرنی أن أطردهم، فأكون من الظالمین، و الذی فلق الحبه و برأ الخمسه لقد سمعت محمدا یقول: لیضربنکم -والله- علی الدین عودا کما ضربتموهم علی بدوا» الغارات، ج 2، ص 498؛ سفینه البحار، ج 8، ص 605؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 284. بتفاوت سیر و دلالة علی قلّه الأدب و سوء الأخلاق من أشعث بن قیس.

با بررسی مجموع این روایات، به این نتیجه می‌رسیم که در کشور ایران، پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه، نظامی الهی و مدافع ائمه معصومین علیهم السلام برپا می‌گردد که مورد نظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه است و نیز مردم ایران، نقش عمده ای در قیام آن حضرت دارند که در بخش قیام به آن می‌پردازیم. در این جا به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم:

رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌فرماید: «مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی علیه السلام فراهم می‌سازند». (1)

نیز می‌فرماید: «پرچم‌های سیاهی از سمت مشرق خواهد آمد که دل‌های آنان همانند پاره‌های آهن است؛ پس هرکس از حرکت آنان، آگاهی یافت، به سوی آنان برود و با آنان بیعت کند؛ هر چند لازم باشد که بر روی یخ حرکت کند». (2)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «گویا قومی را می‌بینم که در مشرق قیام کرده‌اند و حق را می‌طلبند؛ ولی حق را به آنان نمی‌دهند. بار دیگر طلب می‌کنند؛ ولی باز به آنان واگذار نمی‌کنند. در این حالت، شمشیرها را از نیام کشیده، بر شانه می‌گذارند که در این هنگام، دشمن خواسته آنان را می‌پذیرد؛ ولی آنان نمی‌پذیرند و قیام می‌کنند و حق را واگذار نمی‌کنند، مگر به صاحب‌امر. کشتگان آنان شهید هستند و اگر من آنان را درک می‌کردم، خودم را برای صاحب‌این امر آماده می‌کردم». (3)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «یاران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه سی صد و سیزده نفر و از فرزندان 4.

ص: 73

1- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «يخرج ناس من المشرق يوطنون للمهدى». ابن ماجه، سنن، ج 2، ص 1368؛ المعجم الاوسط، ج 1، ص 200؛ مجمع الزوائد، ج 7، ص 318-كشاف الغمّه، ج 3، ص 268؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 599؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 87.

2- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «تجئ الرايات السود من قبل المشرق كأنّ قلوبهم زبر الحديد، فمن سمع بهم فليأتهم فيبايعهم و لو حبوا على الثلج». عقد الدرر، ص 129؛ شافعي، بيان، ص 490؛ ينابيع المودّه، ص 491؛ كشاف الغمّه، ج 3، ص 263؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 596؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 84.

3- الباقر عليه السلام: «كأنّي بقوم قد خرجوا بالمشرق يطلبون الحقّ فلا يعطونه، ثم يطلبونه فلا يعطونه، فإذا رأوا ذلك وضعوا سيوفهم على عواتقهم فيعطون ما يسألون، فلا يقبلونه حتى يقوموا، و لا يدفعونها إلّا إلى صاحبكم، قتلاهم شهداء، أما إني لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر». نعماني، غيبه، ص 373؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 243؛ ابن ماجه، سنن، ج 2، ص 1366؛ حاكم، مستدرک، ج 4، ص 464.

هرچند عجم به غیر عرب گفته می شود، ولی به طور حتم ایرانیان را دربرمی گیرد و با توجه به روایات دیگر، در بین نیروهای ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تعداد زیادی از ایرانیان حضور دارند.

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «به زودی پس از شما، اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای شان جمع می شود- طی الارض می کنند- و درهای دنیا بر روی آنان گشوده می گردد و آنان را مردان و زنان فارس خدمت می کنند. زمین زیر گام های شان پیچیده می شود؛ به گونه ای که هریک از آنان بخواهد، فاصله شرق تا غرب را در یک ساعت می پیماید. نه آنان خود را به دنیا فروخته اند و نه اهل دنیا بند و نه دنیا در آنان حظ و نصیبی دارد». (2)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «خوشا به حال طالقان؛ زیرا خداوند در آن جا گنج هایی دارد که نه از طلا و نه از نقره اند، بلکه مردان باایمانی هستند که خدا را به حق شناخته اند و آنان یاوران مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه در آخر الزمان خواهند بود». (3)

رسول خدا صلی الله علیه و اله نیز درباره خراسان می فرماید: «در خراسان گنج هایی است؛ اما نه از طلا و نقره؛ بلکه آنان مردانی هستند که خدا و رسولش آنان را دوست می دارند». (4) 1.

ص: 74

1- الباقر علیه السلام: «أصحاب القائم ثلاثمائة و ثلاثه عشر رجلا- أولاد العجم...» نعمانی، غیبیه، ص 315؛ اثبات الهداه، ج 2، ص 547؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 369.

2- عبد الرحمن عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم: «سیکون بعدکم اقوام تطوی لهم الأرض، و تفتح لهم الدنيا، و تخدمهم بنات فارس و أبناؤهم، تطوی لهم الأرض فی أسرع الطرف حتی لو شاء أحدهم أن یأتی شرقها أو غربها فی ساعه فعل، لیسوا من الدنيا، و لیست الدنيا منهم فی شیء». فردوس الاخبار، ج 3، ص 449.

3- علی علیه السلام: «ویحی للطالقان؛ فإنّ لله عزّ و جلّ بها کنوزا لیست من ذهب و لا فضّه، و لکن بها رجال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته و هم أنصار المهدی آخر الزمان». شافعی، بیان، ص 106، متقی هندی، برهان، ص 150؛ کنز العمّال، ج 14، ص 591؛ ینابیع المودّه، ص 491؛ کشف الغمّه، ج 3، ص 286.

4- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم: «و فی خراسان کنوز لا- ذهب و لا- فضّه، و لکن رجال یحبّهم الله و رسوله». کنز العمّال، ج 14، ص 591.

بخش دوم: انقلاب جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه

اشاره

ص: 75

روایات مختلفی درباره روز قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه وجود دارد. در برخی، از نوروز به عنوان روز آغاز قیام، یاد شده است. برخی احادیث دیگر روز عاشورا را روز آغاز قیام ذکر کرده است. در تعدادی از روایات روز شنبه و در تعدادی دیگر، جمعه، روز قیام تعیین شده است. در هم زمانی نوروز، با عاشورا اشکالی به نظر نمی رسد؛ زیرا نوروز طبق سال شمسی و عاشورا براساس سال قمری محاسبه می شود و یکی شدن این دو امکان پذیر است و هم زمانی این دو روز با جمعه یا شنبه نیز می توان این دسته از روایات را نیز توجیه کرد؛ زیرا اگر سند این روایات صحیح باشد، در این صورت احادیثی که جمعه را روز ظهور حضرت، تعیین کرده است، بر روز قیام و ظهور حمل می شود و روایاتی که شنبه را روز قیام می داند، بر استقرار و تثبیت نظام الهی و نابودی مخالفان تفسیر شود.

باید توجه داشت که روایاتی که شنبه را روز قیام می داند، از نظر سند مورد تأمل است؛ ولی روایاتی که جمعه را ذکر کرده است، از این نظر ایرادی ندارد.

اینک به روایاتی در این باره توجه فرمایید:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «قائم ما اهل بیت، در روز جمعه ظهور می کند». (1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «گویا حضرت قائم را می بینم که در روز عاشورا، روز شنبه،

ص: 77

1- عن أبي عبد الله عليه السلام: «يخرج قائمنا أهل البيت يوم الجمعة». اثبات الهداه، ص 496؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 279.

میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل نیز جلوی حضرتش ایستاده است و مردم را به بیعت با او فرا می خواند». (1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم علیه السلام روز شنبه که روز عاشورا است، قیام می کند؛ روزی که امام حسین علیه السلام شهید شد». (2) نیز آن حضرت می فرماید: «آیا می دانید که این روز -عاشورا- چه روزی است؟ همان روزی است که خداوند توبه آدم و حوّا را پذیرفت؛ روزی است که خداوند دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و فرعون و پیروانش را غرق کرد و موسی بر فرعون پیروز شده؛ روزی است که ابراهیم علیه السلام متولد شد؛ روزی است که خداوند توبه قوم یونس را پذیرفت؛ روز تولد حضرت عیسی است و روزی است که حضرت قائم در آن روز قیام می کند». (3)

روایت دیگری نیز به همین مضمون از امام باقر علیه السلام (4) نقل شده است؛ ولی در این روایت وثاقت ابن بطائی که در سلسله سند آن است، مورد بحث است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «در شب بیست و سوم، به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ندا داده می شود و در روز عاشورا، روز شهادت حسین بن علی علیه السلام، قیام می کند». (5)

هم چنین آن حضرت می فرماید: «روز نوروز همان روزی است که قائم ما اهل بیت در آن روز ظهور می کند». (6) 8.

ص: 78

-
- 1- قال أبو جعفر عليه السلام: «كأني بالقائم يوم عاشورا يوم السبت، قائما بين الركن والمقام، بين يديه جبرئيل ينادي: البيعه لله فيما لها عدلا كما ملئت ظلما وجورا». طوسی، غیبه، ص 274؛ كشف الغمّة، ج 3، ص 252؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 290.
 - 2- الباقر عليه السلام: «يخرج القائم في يوم السبت يوم عاشوراء يوم (كذا) الذي قتل فيه الحسين». كمال الدين، ج 2، ص 653؛ طوسی، غیبه، ص 274، التهذيب، ج 4، ص 333؛ ملاذ الاخير، ج 7، ص 174؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 285.
 - 3- الباقر عليه السلام: «و هذا اليوم -أي عاشوراء- الذي يقوم فيه القائم». بحار الأنوار، ج 52، ص 285.
 - 4- التهذيب، ج 4، ص 300؛ ابن طاووس، اقبال، ص 558؛ خرائج، ج 3، ص 1159؛ وسائل الشيعه، ج 7، ص 338؛ بحار الأنوار، ج 98، ص 34؛ ملاذ الاخير، ج 7، ص 116.
 - 5- قال أبو عبد الله عليه السلام: «إنّ القائم صلوات الله عليه ينادي باسمه ليلة ثلاث و عشرين و يقوم يوم عاشوراء يوم قتل فيه الحسين بن علي عليه السلام». طوسی، غیبه، ص 274؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 290.
 - 6- عن أبي عبد الله عليه السلام: «يوم النيروز هو اليوم الذي يظهر فيه قائمنا أهل البيت». المهذب البار، ج 1، ص 194؛ خاتون آبادی، اربعين، ص 187؛ وسائل الشيعه، ج 5، ص 228؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 571؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 208.

ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ابتدا به وسیله منادی آسمانی اعلام می گردد، آن گاه حضرت در حالی که پشت به کعبه داده است، با دعوت به حق، ظهور خود را اعلام می کند.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «هنگامی که منادی از آسمان ندا می دهد: حق از آن آل محمد است، شما اگر طالب هدایت و سعادت هستید، به دامان آل محمد صلی الله علیه و اله چنگ زنید، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند». (1)

نیز امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در مکه به هنگام نماز عشا ظهور می کند؛ در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و اله را همراه دارد و چون نماز عشا را خواند، فریاد بر می آورد: ای مردم! شما را به ذکر خدا و به ایستادنتان در برابر خدا (در روز قیامت) متذکر می شوم؛ در حالی که حجّتش را (در دنیا) بر شما تمام کرده است و پیامبران را مبعوث نموده و قرآن را فرو فرستاده است. خداوند به شما فرمان می دهد که به او شرک نورزید و فرمانبر او و پیامبرانش باشید. آن چه را قرآن امر به احیای آن کرده است، احیا و زنده کنید و آن چه را که امر به نابودی آن کرده است، نابود سازید و یاوران راه هدایت باشید و بر تقوا و پرهیزگاری همکاری نمایید؛ زیرا دنیا، فنا و زوالش فرارسیده و نفخه و دُعا سر داده است.

من شما را به سوی خدا و رسولش و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیا و زنده ساختن سیره پیامبر صلی الله علیه و اله دعوت می کنم. آن گاه در میان سی صد و سیزده نفر از یارانش ظهور می کند». (2)

ص: 79

1 - قال أمير المؤمنين عليه السلام: «إذا نادى مناد من السماء... إنّ الحق في آل محمد فعند ذلك يظهر المهدي على أفواه الناس، و يشربون حبه و لا يكون لهم ذكر غيره». الحاوي للفتاوى، ج 2، ص 68؛ احقاق الحق، ج 13، ص 324.

2 - ؟؟؟؟ عليه السلام: «ثمّ يظهر بمكّه عند العشاء و معه رايه رسول الله صلي الله عليه و اله و سلّم و قميصه و سيفه، و علامات، و نور، و بيان، فإذا صلي العشاء نادى بأعلى صوته، يقول: أذكركم الله أيها الناس، و مقامكم بين يدي ربكم، فقد اتخذ الحجه و بعث الأنبياء و أنزل الكتاب، و أمركم أن لا تشركوا به شيئا، و أن تحافظوا على طاعته و طاعه رسوله. و أن تحيوا ما أحى القرآن، و تميتوا ما أمات، و تكونوا أعوانا على الهدى، و وزرا على التقوى؛ فإنّ الدنيا قد دنا فناؤها و زوالها، و أذنت بالوداع، فإني أدعوكم إلى الله و إلى رسوله و العمل بكتابه و إماته الباطل و إحياء سنته». ابن حمّاد، فتن، ص 95؛ عقد الدرر، ص 145؛ سفاريني، لوائح، ج 2، ص 11؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 64؛ صراط المستقيم، ج 2، ص 262. و مثله في: الارشاد 383:2؛ الانوار البهيه: 382.

ب) شعار پرچم قیام

هر حکومتی دارای پرچمی است که به وسیله آن شناخته می شود و قیام ها و انقلاب ها نیز از پرچم مخصوصی برخوردارند که آرم آن تا حدودی نمایانگر اهداف رهبرانش می باشد. انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز پرچم مخصوصی دارد و بر آن شعاری نقش بسته است. البته هرچند درباره شعار پرچم آن حضرت اختلاف است، ولی نکته ای در همه اقوال مشترک است و آن این که مردم را به فرمانبری از حضرتش دعوت می کند.

اینک به ذکر چند نمونه در این باره بسنده می کنیم:

امام باقر علیه السلام به ابو حمزه فرمود: «گویا قائم اهل بیت را می بینم که وارد نجف می شود و هنگامی که به بالاترین نقطه نجف رسید، پرچم رسول خدا صلی الله علیه و اله را می گشاید. زمانی که پرچم باز شد، فرشتگانی که در جنگ بدر حضور داشتند، بر او فرود می آیند». (1)

و در روایتی آمده است: «بر روی پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نوشته شده است:

«گوش شنوا داشته باشید و از حضرتش اطاعت کنید». (2)

در جای دیگری می خوانیم: «شعار پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه «البيعه لله؛ بیعت برای خدا می باشد». (3)

در روایت سوم بر روی پرچم مهدی عجل الله تعالی فرجه این جمله نگاشته شده: «طاعه معروفه». (4)

ج) خرسندی جهانیان از قیام

از روایات فهمیده می شود که قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه موجب خرسندی انسان ها می شود. این

ص: 80

1- الباقر علیه السلام: «یا ابا حمزه؛ کائی بقائم اهل بیتی قد علا نجفکم، فإذا علا فوق نجفکم نشر رایه رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم؛ فإذا نشرها انحطت علیه ملائکه بدر». عیاشی، تفسیر، ج 1، ص 103؛ نعمانی، غیبه، ص 308؛ کمال الدین، ج 2، ص 672؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 209؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 326.

2- مکتوب علی رایه المهدی «طاعه معروفه». بحار الأنوار، ج 52، ص 305. الفضل بن شاذان. قال: روی آده «یکون فی رایه المهدی: اسمعوا و اطیعوا». إثبات الهداه، ج 3، ص 582.

3- نوف البکالی: رایه المهدی مکتوب فیها «البيعه لله»، ابن حمّاد، فتن، ص 98؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 68، القول المختصر، ص 24؛ ینایع المودّه، ص 435؛ الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 210.

4- بحار الأنوار، ج 52، ص 305.

شادی و رضایت به اشکال گوناگونی بیان شده است. در بعضی روایات، سخن از شادی اهل زمین و آسمان است و در برخی دیگر از شادی مردگان سخن به میان آمده است.

در روایتی، از استقبال مردم از قیام بحث شده است و در روایت دیگر از آرزوی مردم برای زنده شدن مردگانشان پرده برمی دارد.

در این جا با ذکر چند روایت، نمونه هایی از آن را بازگو می کنیم:

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «همه اهل آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات درنده و ماهیان دریا، از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شاد و خرسند می شوند». (1)

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند، نام مبارکش بر سر زبان ها خواهد بود و وجود مردم سرشار از عشق به مهدی است؛ به گونه ای که جز نام او، هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست و با دوستی او، روح خود را سیراب می کنند». (2)

در روایت تعبیر «یشربون حبه؛ محبتش را می نوشند»، آمده است که در آن، علاقه به حضرت را به آب یا مایع نوشیدنی گوارایی تشبیه کرده است که مردم باکمال میل آن را می نوشند و عشق به مهدی در وجودشان نفوذ می کند.

حضرت رضا علیه السلام ضمن برشمردن حوادث تلخ و فتنه های پیش از ظهور، درباره گشایش و فرج پس از ظهور می فرماید: «در آن هنگام فرج و گشایش بر مردم می رسد؛ به طوری که مردگان آرزوی زندگی دوباره می کنند». (3)

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «گویا قائم عجل الله تعالی فرجه را می بینم که بر فراز منبر کوفه نشسته است و زره رسول خدا صلی الله علیه و اله را بر تن دارد». آن گاه برخی از حالات حضرتش را بازگو کرد و در ادامه فرمود: «هیچ مؤمنی در قبر نمی ماند، مگر آن که آن شادی و سرور در 8.

ص: 81

1- قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «يفرح به أهل السماء و أهل الأرض و الطير و الوحوش و الحيتان في البحر». عقد الدرر، ص 149، 84؛ البيان، ص 118؛ حاکم، مستدرک، ج 4، ص 431؛ الدر المنثور، ج 6، ص 50؛ نور الابصار، ص 170؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 142؛ احقاق الحق، ج 13، ص 150.

2- قال أمير المؤمنين عليه السلام: «إذا نادى مناد من السماء... إنَّ الحقَّ في آل محمد فعند ذلك يظهر المهدي على أفواه الناس، و يشربون حبه، و لا يكون لهم ذكر غيره». الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 68؛ احقاق الحق، ج 13، ص 324.

3- عن الرضا عليه السلام: «... لا بدّ من فتنه صمّاء... فعند ذلك يأتي الناس الفرج، و توّد الأموات لو كانوا أحياء، و يشفى الله صدور قوم مؤمنين». خرائج، ج 3، ص 1169؛ طوسی، غيبة، ص 268.

قبرش وارد می شود؛ به گونه ای که مردگان به دیدار یک دیگر می روند و ظهور حضرتش را به هم دیگر تبریک می گویند».

در برخی از روایات عبارت «تلك الفرجه آمده است؛ یعنی گشایشی در امور» برزخیان نیز به برکت ظهور حضرت پدید می آید و طبق این نقل، عظمت نهضت و رهبری قیام به اندازه ای است که بر ارواح نیز تأثیر می گذارد. (1)

د) نجات محرومان

شکی نیست که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه موجب برقراری عدالت و ریشه کن شدن همه محرومیت ها از جامعه بشری می گردد؛ در این قسمت به اقداماتی که حضرت به هنگام قیام برای ستمدیدگان و محرومان انجام می دهد، به گونه ای که باعث پناه آوردن محرومان به او می شود خواهیم پرداخت.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه از امت من، ظهور می کند؛ خداوند او را به عنوان فریادرس انسان ها می فرستد. آن زمان مردم در نعمت به سر خواهند برد». (2)

رسول خدا صلی الله علیه و اله فریادرسی را محدود به طایفه یا ملیت خاصی نکرده است؛ بلکه با تعبیر کلمه ناس (مردم)، آن حضرت را رهایی بخش همه انسان ها می داند. از این رو، پیش از ظهورش، شرایط به گونه ای می شود که همه انسان های جهان آرزوی ظهورش را دارند.

جابر می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی در مکه ظهور می کند... خداوند سرزمین حجاز را (به دست او) می گشاید و حضرت زندانیان بنی هاشم را از زندان آزاد می سازد». (3)

ص: 82

1- عن أبي عبد الله عليه السلام: «...كأني بالقائم على منبر الكوفة وقد لبس درع رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم-: و ذكر أحواله إلى أن قال-: «و لا يبقى مؤمن إلا دخلت عليه الفرجه في قبره، و ذلك حين يتزاورون في قبورهم، و يتباشرون بقيام القائم عليه السلام». اثبات الهداه، ج 3، ص 530.

2- عن الخدري: إن رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم قال: «يخرج المهدي من أمّتي، يبعثه الله غياثا للناس، فتنعم الأمّة، و تعيش الماشية». عقد الدرر، ص 167.

3- عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: «...ثم يظهر المهدي بمكّة. فيفتح الله أرض الحجاز، و يستخرج من كان في السجن من بنی هاشم». ابن حمّاد، فتن، ص 95؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 64؛ الفتاوى الحديثية، ص 31؛ القول المختصر، ص 23.

ابو اړطات می گوید: حضرت مهدی (از مکه) عازم مدینه می شود و زندانیان بنی هاشم را رهایی می بخشد. آن گاه به کوفه می رود و زندانیان بنی هاشم را آزاد می سازد. (1)

شعرانی می گوید: هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به مغرب زمین می رسد، مردم اندلس به سوی او رفته، می گویند: ای ولی الله (و حجت خدا)! جزیره اندلس را یاری کن که خود و مردمش هلاک شده اند. (2)

ه) نقش زنان در قیام امام علیه السلام

اشاره

با بررسی روایات درباره نقش زنان پیش و پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به نکات قابل توجهی دست می یابیم. هرچند طبق بعضی از روایات، اکثر پیروان دجال را یهود و زنان تشکیل می دهند، (3) ولی در کنار آنان، زنانی مؤمن و عقیف نیز هستند که در حفظ عقیده خود سخت کوش بوده، از اوضاع پیش از ظهور بسیار متأثرند.

برخی از زنان از ثبات قدم و روحیه جهادگرانه ای برخوردارند و هر جا که می روند با جنگ تبلیغاتی علیه دجال، ماهیت ضد انسانی او را آشکار می سازند.

بر پایه برخی از روایات چهارصد زن هنگام قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه، آن حضرت را همراهی می کنند و اکثر آنها در بخش بهداشت و درمان مشغول فعالیت می باشند. البته در روایات درباره تعداد زنانی که به هنگام قیام حضرت با او خواهند بود، اختلاف وجود دارد.

برخی از روایات از سیزده زن نام می برند که هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با حضرتش می باشند و شاید آنان از کسانی هستند که از نیروهای ابتدایی مهدی عجل الله تعالی فرجه می باشند. برخی از روایات نیز عدد زنانی را که به حضرت یاری می رسانند،

ص: 83

1- عن أبي اړطاه، قال: «ثم ينزل - أي المهدى - الكوفة حتى يستنقذ من كان فيها من بني هاشم». ابن حمّاد، فتن، ص 83؛ الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 67؛ متقی هندی، برهان، ص 118؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 64.

2- روی «أنّ المهدى إذا خرج بالمغرب إنحاز إليه أهل أندلس فيقولون له: يا وليّ الله؛ انصر جزيره الأندلس فقد تلفت و تلف أهلها». قرطبي، مختصر تذکره، ص 128؛ احقاق الحق، ج 13، ص 260.

3- احمد، مسند، ج 2، ص 76؛ فردوس الاخبار، ج 5، ص 424؛ مجمع الزوائد، ج 7، ص 15.

هفت هزار و هشتصد نفر ذکر کرده است و آنان زنانی هستند که پس از قیام، حضرت را همراهی می کنند و در کارها به آن حضرت کمک می کنند.

در کتاب فتن از ابن حمّاد آمده است: تعداد مؤمنان به هنگام خروج دجال، دوازده هزار مرد و هفت هزار و هفت صد یا هشت صد زن هستند. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «عیسی بن مریم در بین هشت صد مرد و چهار صد زن فرود می آید که آنان از بهترین ساکنان روی زمین و از صالح ترین مردمان گذشته هستند». (2)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «به خدا سوگند سی صد و اندی نفر خواهند آمد و پنجاه زن نیز در میان آنان است». (3)

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «همراه حضرت قائم، سیزده زن هستند». عرض کردم: آنان چه می کنند و چه نقشی خواهند داشت؟ فرمود: «زخمی ها را مداوا می کنند و از بیماران پرستاری می نمایند؛ هم چنان که همراه رسول خدا صلی الله علیه و اله بودند».

گفتم: آن سیزده نفر را نام ببرید؟ فرمود: «قنوا دختر رشید، امّ ایمن، حبابه و البیه، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده، امّ خالد احمسیه، امّ سعید حنفیه، صبانّه ماشطه و امّ خالد جهنمی». (4)

در کتاب منتخب البصائر از دو زن به نام و تیره و احبشیه نام برده شده است که از اصحاب و یاوران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه شمرده شده اند. (5) برخی از روایات نیز تنها به همراه بودن زنان با حضرت اکتفا کرده، و تعدادشان را ذکر نکرده اند. 8.

ص: 84

- 1- عن لقيط بن ملك: «إنّ المؤمنين يوم خروج الدجال اثنا عشر ألف رجل، و سبعة مائه، أو ثمانمائه امرأه». ابن حمّاد، فتن، ص 151.
- 2- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلّم: «ينزل عيسى بن مريم على ثمانمائه رجل و أربعمائه امرأه أختيار من على الأرض و أصلحاء من مضي» فردوس الاخبار، ج 5، ص 515؛ كنز العمال، ج 14، ص 338؛ التصريح، ص 254.
- 3- الباقر عليه السلام: «و يجيء و الله ثلاثمائه و بضعه رجلا فيهم خمسون نسوه». عياشي، تفسير، ج 1، ص 65؛ نعماني، غيبه، ص 279.
- 4- عن مفضل بن عمر قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «يكنّ مع القائم ثلاثه عشر امرأه». قلت: و ما يصنع بهنّ؟ قال: «يداوين الجرحى و يقمن على المرضى، كما كان مع رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم:»، قلت: فسمّهنّ لي، قال: «القنواء بنت رشيد، و أمّ أيمن، و حبابه الواليّه،... و أمّ سعید الحنفیه، و صبانّه المشطه، و أمّ خالد الجهنیه». دلائل الامامه، ص 259؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 75.
- 5- بيان الأئمه، ج 3، ص 338.

اشاره

در روایات مفضل بن عمر به روشنی تعداد زنانی که با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه خواهند بود، سیزده نفر ذکر شده است؛ ولی از این تعداد تنها نه نفر به اسم و مشخصات معرفی شده اند. تأکید امام صادق علیه السلام بر این نام ها ما را بر آن داشت تا درباره زندگی نامه و ویژگی های آنان بررسی کنیم و پس از تحقیق، به نکاتی دست یافتیم که پاسخ قانع کننده ای بر راز تأکید امام صادق علیه السلام است.

این افراد هرکدام شایستگی هایی دارند، اما اکثر آنان در جهاد با دشمنان خدا، از خود لیاقت نشان داده اند. برخی از آنان هم چون صبهانه، مادر چند شهید بوده، خود نیز با وضعی جان سوز به شهادت رسید. برخی دیگر چون سمیه، در راه دفاع از عقیده اسلامی خود، سخت ترین شکنجه ها را تحمل کرده، تا پای جان از عقیده خود دفاع کرده اند و گروهی دیگر هم چون ام خالد نعمت تن درستی پیکر را برای حفظ اسلام، بر خود حرام کردند و جانباز شدند. گروهی دیگر همانند زبیده، زرق و برق دنیا و توانگری مادی، هرگز آنان را از اسلام باز نداشت؛ بلکه برعکس، از آن امکانات در راه عقیده استفاده کرده، به برپایی حج که یکی از مظاهر مهم اسلامی و از ارکان دین می باشد، کمک نمودند. بعضی دیگر، افتخار دایگی رهبر امت اسلامی و تربیت فرزندان لایق را داشتند و خود نیز از معنویتی برخوردار بودند که زبانزد خاص و عام گردیدند. جمعی دیگر از خانواده شهیدانی هستند که خود پیکر نیمه جان آنان را حمل کرده، و با آنان سخن ها گفته اند.

آری، آنان دل سوختگانی هستند که با انجام آن رشادت ها ثابت کرده اند که می توانند گوشه ای از بار سنگین حکومت جهانی اسلام را بر دوش کشند.

اکنون به معرفی تعدادی از آنان می پردازیم:

1. صبهانه

در کتاب خصائص فاطمیه آمده است: در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه سیزده زن برای معالجه

زخمیان، زنده گشته، به دنیا بازمی گردند که یکی از آنان صبّانه است که همسر حزقیل و آرایشگر دختر فرعون بوده است و شوهرش حزقیل پسر عموی فرعون و گنجینه دار وی بوده است و به گفته او، حزقیل، مؤمن خاندان فرعون است و به پیامبر زمانش، موسی علیه السّلام، ایمان آورد. (1)

پیامبر صلّی الله علیه و اله فرمود: «در شب معراج، در سیر بین مکه معظمه و مسجد اقصی، ناگهان بوی خوشی به مشام رسید که هرگز مانند آن را نبویده ام. از جبرئیل پرسیدم که این بوی خوش چیست؟ گفت: ای رسول خدا صلّی الله علیه و اله! همسر حزقیل به حضرت موسی بن عمران ایمان آورده بود و ایمان خود را پنهان می کرد. عمل او آرایشگری در حرمسرای فرعون بود. روزی مشغول آرایش دختر فرعون بود که ناگهان شانه از دست او افتاد و بی اختیار گفت: «بسم الله». دختر فرعون گفت: آیا پدر مرا ستایش می کنی؟ گفت: نه؛ بلکه آن کسی را ستایش می کنم که پدر تو را آفریده است و او را از بین خواهد برد. دختر فرعون شتابان نزد پدرش رفت و گفت: زنی که در خانه ما آرایشگر است، به موسی ایمان دارد. فرعون او را احضار کرد و به او گفت: مگر به خدایی من اعتراف نداری؟ صبّانه گفت: هرگز، من از خدای حقیقی دست نمی کشم و تو را پرستش نمی کنم. فرعون دستور داد، تنور مسی را برافروختند و چون آن تنور سرخ شد، دستور داد همه بچه های آن زن را در حضور او در آتش انداختند.

زمانی که خواستند بچه شیرخوارش را که در بغل داشت، بگیرند و در آتش افکنند، صبّانه منقلب شد و خواست که با زبان از دین اظهار برائت و بیزاری کند که ناگاه به امر خدا، آن کودک به سخن آمد و گفت: اصبری یا اماه إنک علی الحق؛ ای مادر صبر کن که تو راه حق را می پیمایی. فرعونیان آن زن و بچه شیرخوارش را نیز در آتش افکندند و سوزاندند و خاکسترشان را در این زمین ریختند و تا روز قیامت این بوی خوش، از این زمین استشمام می شود...». (2)

او از زنانی است که زنده می شود و به دنیا بازمی گردد و در رکاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه 3.

ص: 86

1- ریاحین الشریعه، ج 5، ص 153؛ خصائص فاطمیه، ص 343.

2- منهاج الدعوی، ص 93.

2. امّ ایمن

نام او برکه است. وی کنیز پیامبر صلی الله علیه و اله بود که از پدر بزرگوارش، عبد الله، به آن حضرت به ارث رسیده بود و پرستاری رسول خدا صلی الله علیه و اله را بر عهده داشت. (1)

حضرت او را مادر خطاب می کرد و می فرمود: هذه بقیه اهل بیتی؛ او باقی مانده از خاندان من است. وی فرزندی از همسر اولش، عبید خزرجی، به نام ایمن داشت. ایمن از مهاجران و مجاهدان بود و در جنگ حنین به شهادت رسید.

امّ ایمن شخصیتی است که وقتی در راه مکه و مدینه تشنگی بر او غلبه کرد و نزدیک بود از پای درآید، دلو آبی از آسمان بر او فرود آمد و از آن نوشید و هرگز پس از آن تشنه نشد. (2)

او به هنگام رحلت پیامبر بسیار می گریست؛ چون از او علت گریه اش را پرسیدند، در پاسخ گفت: به خدا سوگند می دانستم که ایشان رحلت خواهد کرد، ولی گریه من برای آن است که وحی قطع شد. (3)

فاطمه زهرا علیها السلام در مسأله فدک او را به عنوان شاهد و گواه معرفی کرد و سرانجام او در روزگار خلافت عثمان رحلت کرد.

3. زبیده

وی همسر هارون الرشید و از شیعیان بوده است. هنگامی که هارون از عقیده او آگاه گشت، سوگند یاد کرد که او را طلاق دهد. او به انجام کارهای نیک معروف بود.

در زمانی که یک مشک آب در شهر مکه یک دینار طلا ارزش داشت، او، حجاج و شاید هم مردم مکه را سیراب کرد. او با کندن کوه ها و احداث تونل ها، آب را از خارج حرم

ص: 87

1- تاریخ طبری، ج 2، ص 7؛ حلبی، سیره، ج 1، ص 59.

2- عبد الرزاق، مصنف، ج 4، ص 309؛ الاصابه، ج 4، ص 432.

3- تنقیح المقال، ج 3، ص 70.

-از فاصله ده میلی-به حرم آورد. زبیده صد کنیز داشت که همگی حافظ قرآن بودند و هر کدام موظف بودند که یک دهم قرآن را بخوانند؛ به گونه ای که از منزل مسکونی او صدای قرائت قرآن، همانند زمزمه زنبورهای عسل بلند بود. (1)

4. سمیه مادر عمار یاسر

او هفتمین نفری بود که به اسلام گروید و به همین سبب بدترین شکنجه ها را بر او روا داشتند. گاهی که گذر پیامبر صلی الله علیه و اله به عمار و پدر و مادرش می افتاد و می دید که آنان در گرمای سوزان مکه روی زمین های داغ در حال شکنجه هستند، می فرمود: ای خاندان یاسر! صبر کنید؛ بدانید که وعده گاه شما بهشت است.

سرانجام سمیه با نیزه دژخیمی خونخوار چون ابو جهل به شهادت رسید و او نخستین زن شهید در اسلام است. (2)

5. امّ خالد

هنگامی که استاندار عراق، یوسف بن عمر، زید بن علی را در شهر کوفه به شهادت رسانید، دست امّ خالد را نیز به جرم تشیع و تمایل به قیام زید قطع کرد.

ابو بصیر می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که امّ خالد با دست بریده شده آمد، حضرت فرمود: «ای ابا بصیر! آیا میل داری سخن امّ خالد را بشنوی؟» عرض کردم: آری و به آن شادمان می گردم. امّ خالد به نزد حضرت مشرف شد و سخنانی عرضه داشت. من او را در کمال فصاحت و بلاغت یافتم. حضرت علیه السلام نیز در مسأله ولایت و برائت از دشمنان با او سخن گفت.... (3)

6. حبابه و البیه

شیخ طوسی وی را از اصحاب امام حسن علیه السلام شمرده است و ابن داود او را از

ص: 88

1- همان، ص 78.

2- اسد الغابه، ج 5، ص 481.

3- معجم رجال الحدیث، ج 14، ص 176، 108، 23؛ ریاحین الشریعه، ج 3، ص 381.

اصحاب امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام باقر علیهم السّلام می‌داند. برخی دیگر ایشان را از اصحاب هشت امام معصوم-تا امام رضا علیه السّلام-شمرده‌اند، هم چنین گفته شده است که امام رضا علیه السّلام، ایشان را در پیراهن شخصی خود کفن کرد. سن او به هنگام مرگ بیش از 240 سال بود. او دوبار به دوران جوانی بازگشت که یک بار با معجزه امام سجاد و بار دوم با معجزه امام هشتم بود و اوست که هشت امام معصوم بر سنگی که به همراه داشت، با خاتم خود، بر آن نقش زدند. (1)

حبابه والیه می‌گوید: ... به امیر مؤمنان عرض کردم: خدا تو را مشمول رحمت خود قرار دهد، دلیل امامت چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: «آن سنگ ریزه را نزد من بیاور». آن را به حضور حضرت آوردم، علی علیه السّلام با انگشتر خود بر آن مهر زد؛ به گونه ای که آن مهر بر آن سنگ، نقش بست و به من فرمود: «ای حبابه! هرکس که مدعی امامت شد و توانست مانند من این سنگ را مهر کند، او امامی است که پیروی از او واجب است. امام کسی است که هرچیز را بخواهد، می‌داند».

من پی کار خود رفتم، تا امیر المؤمنین علیه السّلام از دنیا رفت. آن گاه خدمت امام حسن علیه السّلام آمدم که بر جای علی علیه السّلام نشسته بود و مردم از او سؤال می‌کردند؛ چون مرا دید، فرمود:

«ای حبابه والیه!» عرض کردم: بلی ای سرور من! فرمود: «آن چه همراه داری بیاور».

من آن سنگ کوچک را به آن حضرت دادم. آن بزرگوار، مانند علی علیه السّلام با انگشتر خود بر آن مهر زد؛ به گونه ای که جای مهر بر آن نقش بست.

سپس به حضور امام حسین علیه السّلام که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و اله بود، آمدم مرا نزد خود خواند و خوشامد گفت و فرمود: «دلیل آن چه تو می‌خواهی موجود است. آیا نشانه امامت را می‌خواهی؟» گفتم: آری، ای آقای من! فرمود: «آن چه با خود داری بیاور»؛ من آن سنگ کوچک را به او دادم؛ انگشترش را بر آن زد و مهرش بر آن نقش بست.

پس از امام حسین علیه السّلام، خدمت امام سجاد علیه السّلام رسیدم و به قدری پیر شده بودم که رعشه بر اندامم مستولی شده بود و صد و سیزده سال داشتم. آن حضرت در رکوع و سجود بود.

ص: 89

و به من توجّهی نداشت. از دریافت نشانهٔ امامت ناامید شدم. آن حضرت با انگشت سبابهٔ خود به من اشاره کرد و به اشاره او جوانی ام برگشت. گفتم: ای آقای من! از دنیا چه اندازه گذشته و چه اندازه مانده است؟ فرمود: «نسبت به آن چه گذشته است، آری و آن چه مانده است نه» یعنی ما به گذشته علم داریم؛ اما آینده از غیب است که غیر خدا آن را نمی داند و یا مصلحت نیست بگویم. آن گاه به من فرمود: «آن چه با خود داری بیاور». من آن سنگ را به حضرت دادم و حضرت مهر بر آن زد. پس از گذشت زمانی، به حضور امام باقر علیه السلام آمدم، آن حضرت نیز بر آن سنگ مهر زد. بعد از او نزد امام صادق علیه السلام آمدم و آن جناب نیز آن را مهر کرد. پس از طی شدن سال ها به حضور امام کاظم علیه السلام شرفیاب شدم؛ آن بزرگوار نیز بر آن مهر زد و بعد از او خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدم، مهر آن حضرت نیز بر آن نقش بست. حبابه پس از آن، نه ماه زنده بود. (1)

ص: 90

1- عن حبابه الوالیه قالت: رأیت أمير المؤمنين عليه السلام في شرطه الخميس و معه درّه لها سبابتان يضرب بها بياعي الجري و المار ماهي و الزمار، و يقول لهم: «يا بياعي مسوخ بنى إسرائيل، و جند بنى مروان» فقام إليه فرات بن أحنف، فقال: يا أمير المؤمنين، و ما جند بنى مروان؟ قال: فقال له: «أقوام حلقوا اللّحي و فتلوا الشوارب فمسخوا» فلم أر ناطقا أحسن نطقا منه. ثم أتبعته فلم أزل أقفو أثره حتى قعد في رحبه المسجد فقلت له: يا أمير المؤمنين، ما دلالة الإمامه يرحمك الله؟ قالت: فقال: «اثنتيني بتلك الحصاه» - و أشار بيده إلى حصاه - فأتيته بها، فطبع لي فيها بخاتمه، ثم قال لي: «يا حبابه إذا ادّعى مدّع الإمامه، فقدر أن يطبع كما رأيت فاعلمي أنه إمام مفترض الطاعة. و الإمام لا يعزب عنه شيء يريده». قالت: ثم انصرفت حتى قبض أمير المؤمنين عليه السلام فجئت إلى الحسن عليه السلام و هو في مجلس أمير المؤمنين و الناس يسألونه فقال: «يا حبابه الواليه» فقلت: نعم يا مولاي، فقال: «هاتي ما معك» قالت: فأعطيتها: فطبع لي فيها كما طبع أمير المؤمنين عليه السلام. قالت: ثم أتيت الحسين و هو في مسجد رسول الله صلى الله عليه و اله و سلّم، فقربّ و رحّب ثم قال لي: «إن في الدلالة دليلا على ما تريدین، أفتریدین دلالة الإمامه؟» فقلت: نعم، يا سیدی، فقال: «هاتي ما معك» فناولته الحصاه فطبع لي فيها، قالت: ثم أتيت على بن الحسين عليه السلام و قد بلغ بي الكبر إلى أن أرعشت و أنا أعدّ يومئذ مائه و ثلاث عشره سنه فرأيتہ راکعا و ساجدا و مشغولا بالعباده، فيئست من الدلالة، فأومأ إليّ بالسبابه، فعاد إليّ شبابي، قالت: فقلت: يا سیدی، كم مضى من الدنيا و كم بقى؟ فقال: «أما ما مضى فنعم، و أما ما بقى فلا». قالت: ثم قال لي: «هاتي ما معك» فأعطيتها الحصاه فطبع لي فيها، ثم أتيت أبا جعفر عليه السلام فطبع لي فيها. ثم أتيت أبا عبد الله عليه السلام فطبع لي فيها، ثم أتيت أبا الحسن موسى عليه السلام فطبع لي فيها. ثم أتيت الرضا فطبع لي فيها، و عاشت حبابه بعد ذلك تسعه أشهر على ما ذكر محمد بن هشام. الكافي، ج 1، ص 345. قال المجلسي: اعلم أنه على ما في هذا الخبر، لا بدّ من أن يكون عمر حبابه مائتين و خمس و ثلاثين سنه أو أكثر على ما تقتضيه تواريخ الأئمه و مدّه أعمارهم إن كان مجيئها إلى على بن الحسين عليه السلام في أوائل إمامته، كما هو الظاهر -

هرچند در خصوص شخصیت این زن در کتاب های شیعه و سنی، سخنی به میان نیامده است و به اصطلاح مهممل است؛ (1) ولی از جریانی که در خصوص شیوه اسارت و شهادت پدر بزرگوارش، به دست ابن زیاد به وقوع پیوست و او آن را نقل کرد، میزان صلابت و پایداری در عقیده و پای بندی او به اسلام و تشیع و علاقه او به امیر المؤمنین علیه السلام آشکار می شود.

ابو حیّان بجلی می گوید: از قنواء دختر رشید هجری پرسیدم: از پدرت چه حدیث و روایتی شنیده ای؟ گفت: پدرم از امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمود: «ای رشید! صبر تو چگونه است، هنگامی که پسر خوانده بنی امیه (ابن زیاد) تو را به نزد خود بخواند و دو دست و دو پا و زبانت را قطع کند؟» عرض کردم: آیا پایان کارم بهشت است...؟ فرمود: «ای رشید! در دنیا و آخرت به همراه من هستی».

قنواء می گوید: به خدا سوگند، پس از مدتی ابن زیاد پدرم را احضار کرد و از او خواست تا از علی علیه السلام بیزاری بجوید؛ ولی او هرگز این کار را نکرد. ابن زیاد گفت: علی علیه السلام کیفیت قتل تو را چگونه توصیف کرده است؟ پدرم پاسخ داد: دوست من علی علیه السلام مرا چنین آگاه ساخت که تو مرا به بیزاری از علی علیه السلام می خوانی، ولی من اجابت نمی کنم؛ سپس دو دست و دو پا و زبانت را قطع می کنی. ابن زیاد گفت: به خدا سوگند، خلاف پیشگویی علی را در حق تو اجرا می کنم. آن گاه دستور داد دو دست و دو پایش را قطع کنند و زبانش را سالم باقی گذارند. قنواء می گوید: من پدرم را به دوش کشیدم و در راه به او گفتم: ای پدر! آیا احساس درد و زجر می کنی؟ فرمود: خیر، فقط به مقدار فشاری که جمعیت بر من وارد کند، احساس ناراحتی می کنم. چون پدرم را

ص: 91

1- - و لو فرضنا كونه في آخر عمره، وإتيانها الرضا عليه السلام في أوائل إمامته، فلا بدّ من أن يكون عمرها أزيد من مائتي سنة، و لذا ذكرها علماءنا في المعمرات و المعمرين ردّاً لاستبعاد المخالفين من طول عمر القائم عليه السلام. أقول: للمجلسي كلام في السنن و بحث و شرح دلالي فراجع. مرآة العقول، ج 4، ص 78؛ کافی، ج 1، ص 346؛ تنقيح المقال، ج 3، ص 75.

برداشتیم و از کاخ ابن زیاد بیرون بردم، مردم به گرد او جمع شدند. پدرم از فرصت استفاده کرد و گفت: قلم و دوات و کاغذ بیاورید تا برای شما حوادثی را بازگو کنم؛ ولی چون این خبر به ابن زیاد رسید، دستور داد زبانش را نیز قطع کنند و پدرم در همان شب به شهادت رسید.

(1)

نقش زنان در دوران پیامبر صلی الله علیه و اله

با توجه به این که زنان در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه همان نقشی را دارند که در دوران صدر اسلام داشته اند، به اختصار، نقش زنان را در آن روزگار بررسی می کنیم.

هرچند در روایت اشاره شده است که: «یداوین الجرحی و یقمن علی المرضی؛ زخمیان را مداوا کرده، و از بیماران پرستاری می کنند». ولی شاید این نمونه ای از مهم ترین خدمات زنان در روزگار پیامبر صلی الله علیه و اله باشد؛ زیرا آنان فعالیت های دیگری هم داشته اند و همین نقش را در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهند داشت. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«زنان همان کارهایی را که در زمان پیامبر صلی الله علیه و اله انجام می دادند، در زمان حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه نیز انجام خواهند داد».

زنان در جنگ های پیامبر صلی الله علیه و اله، وظایف دیگری هم چون رساندن آب و غذا به

ص: 92

1- عن أبي حيان البجلي، عن قنوا بنت رشيد الهجرى، قال: قلت لها: أخبرني ما سمعت من أبيك؟ قالت: سمعت أبي يقول: أخبرني أمير المؤمنين عليه السلام فقال: «يا رشيد، كيف صبرك إذا أرسل إليك دعوى بنى أميّه فقطع يديك ورجليك ولسانك»؛ قلت: يا أمير المؤمنين، آخر ذلك إلى الجنة؟ فقال: «يا رشيد، أنت معي في الدنيا والآخرة». قالت: فوالله؛ ما ذهبت الأيام حتى أرسل إليه عبيد الله بن زياد الدعى، فدعاه إلى البراءة من أمير المؤمنين عليه السلام، فأبى أن يبرأ منه، فقال له الدعى: فبأى ميثه قال لك تموت؟ فقال له: أخبرني خليلي إنك تدعوني إلى البراءة منه فلا أبرأ فتقدمنى، فتقطع يدى ورجلى ولسانى، فقال: والله، لا أكذبنّ قوله فيك. قال: فقدّموه فقطعوا يديه ورجليه و تركوا لسانه، فحملت أطراف يديه ورجليه، فقلت: يا أبت؛ هل تجد ألما لما أصابك؟ فقال: لا يا بنيّه إلا كالزحام بين الناس، فلمّا احتملناه و أخرجناه من القصر اجتمع الناس حوله، فقال: اتتوني بصحيفه و دوات أكتب لكم ما يكون إلى يوم الساعة، فأرسل إليه الحجام حتى قطع لسانه، فمات رحمه الله في ليلته». اختيار معرفة الرجال، ص 75، شرح حال رشيد؛ تنقيح المقال، ج 1، ص 431 و ج 3، ص 82؛ معجم رجال الحديث، ج 7، ص 190؛ اعيان الشيعة، ج 32، ص 6؛ سفينة البحار، ج 3، ص 357؛ رياحين الشريعة، ج 5، ص 40. ولى ظاهرا قاتل او زياد بن ابيه است، نه عبيد الله. ر. ك: قاموس الرجال، ج 4، ص 371؛ امام حسين از مدینه تا مدینه، ج 3، ص 84.

رزمندگان، آشپزی، نگه داری وسایل رزمندگان، تهیه دارو، رساندن مهمات، تعمیر تجهیزات، انتقال شهدا، شرکت در جنگ های دفاعی، تشویق رزمندگان برای عزیمت به جبهه، تشویق آنان در صحنه نبرد و... را عهده دار بودند.

تشبیه زنان دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه به زنان دوران پیامبر صلی الله علیه و اله به وسیله امام صادق علیه السلام ما را بر آن داشت که برخی از فعالیت های آنان را در صدر اسلام یادآور شویم.

بعضی از زنانی که در این فعالیت ها نقش مهمی داشتند، عبارتند از:

1. ام عطیه؛ او در هفت غزوه شرکت کرد. مداوای زخمیان از جمله خدمات وی بود. (1)

ام عطیه می گوید: یکی از وظایف من نگهداری از وسایل سربازان بود. (2)

2. ام عماره (نسیبه)؛ رشادت های او در جنگ احد به قدری بود که مورد ستایش و تقدیر فراوان پیامبر صلی الله علیه و اله قرار گرفت. (3)

3. ام ابیه؛ او جزو شش زنی بود که راهی قلعه خیبر شد. پیامبر به آنان فرمود: «به دستور چه کسی به این جا آمده اید؟» ام ابیه می گوید: چون آثار خشم را بر چهره آن حضرت مشاهده کردیم، گفتیم: ما با مقداری دارو به منظور مداوای زخمیان آمده ایم. آن گاه حضرت، با ماندن ما در آن جا موافقت کرد. شغل ما در این جنگ مداوای زخمیان و پختن غذا بود.

4. ام ایمن؛ در جنگ ها، زخمیان را مداوا می کرد. (4)

5. حمته؛ به زخمیان آب می رساند و آنان را مداوا می کرد. او شوهر، برادر و دایی خود را در جبهه نبرد از دست داد. (5)

6. ربیعه دختر معوذ؛ زخمیان را مداوا می کرد. (6) او می گوید: با رسول خدا عازم نبرد شدیم و شهدا را به مدینه انتقال دادیم. 8.

ص: 93

1- ابو عوانه، مسند، ج 4، ص 331.

2- واقدی، مغازی، ج 1، ص 270.

3- کنز العمال، ج 4، ص 345.

4- الاصابه، ج 4، ص 433.

5- ابن سعد، طبقات، ج 8، ص 241.

6- اسد الغابه، ج 5، ص 451؛ بخاری، صحیح، ص 14، ص 168.

7. امّ زیاد؛ او از جمله شش زنی بود که به منطقه جنگ خیبر برای مداوای زخمیان رفت. (1)

8. امّیه دختر قیس؛ پس از هجرت مسلمان شد. او می گوید: با گروهی از زنان بنی غفار به حضور پیامبر رسیده، عرض کردیم: مایل هستیم در خدمت شما برای معالجه زخمیان و کمک به رزمندگان، به سوی خیبر حرکت کنیم.

پیامبر به نشانه خشنودی فرمود: «با عنایات الهی حرکت کن». (2)

9. لیلای غفاریه؛ می گوید من زنی بودم که با پیامبر صلی الله علیه و اله برای مداوای زخمیان به جنگ می رفتم. (3)

10. امّ سلیم؛ در جنگ احد به رزمندگان آب می رساند و با این که حامله بود؛ در جنگ حنین شرکت کرد. (4)

11. معاذة غفاریه؛ بیماران را پرستاری و زخمیان را معالجه می کرد. (5)

12. امّ سنان اسلمیه؛ هنگام عزیمت به جنگ خیبر به پیامبر عرض کرد: دوست دارم با شما حرکت کنم و در میدان جنگ به معالجه زخمیان و مداوای بیماران و یاری مجاهدان پردازم و از وسایل ایشان نگه داری و تشنگان را سیراب کنم. حضرت صلی الله علیه و اله فرمود:

«رواست؛ با همسر من امّ سلمه حرکت کن». (6)

13. فاطمة زهرا علیها السلام؛ محمد بن مسلمه می گوید: در جنگ احد زنان به جست و جوی آب پرداختند و ایشان چهارده نفر بودند که فاطمه علیها السلام نیز با ایشان بود. (7)

زنان، آب و غذا را بر پشت خویش حمل می کردند و به درمان زخمیان می پرداختند و به آنان آب می دادند. (8) 9.

ص: 94

1- الاصابه، ج 4، ص 444.

2- اسد الغابه، ج 5، ص 405.

3- نقش زنان در جنگ، ص 22.

4- ابن سعد، طبقات، ج 8، ص 425.

5- اعلام النساء، ج 5، ص 61.

6- ریاحین الشریعه، ج 3، ص 410. (7 و 8). واقدی، مغازی، ج 1، ص 249.

14. امّ سلیط؛ عمر بن خطاب می گوید: امّ سلیط در جنگ احد، مشک های آب را برای ما حمل می کرد و به تعمیر وسایل و تجهیزات می پرداخت. (1)

15. نسیبه؛ او همراه شوهر و دو پسرش در جنگ احد شرکت کرد و مشک آبی برداشت و زخمیان را سیراب می کرد. آن گاه که جنگ شدت گرفت، او نیز به نبرد پرداخت و دوازده زخم شمشیر و نیزه را متحمل شد. (2)

16. انیسه؛ او در جنگ احد، به حضور پیامبر صلی الله علیه و اله رسید و گفت: ای رسول خدا! فرزندم عبد الله بن سلمه، از رزم آوران بدر، اینک در جنگ احد شهید شده است؛ دوست دارم او را به مدینه انتقال دهم و در آن جا به خاک بسپارم تا مزارش نزدیک (خانه ام) باشد و با وی انس گیرم.

پیامبر صلی الله علیه و اله به او اجازه داد. انیسه، پیکر پاک فرزند شهید خود را به همراه یکی دیگر از شهدای اسلام به نام مجدر بن زیاد در عبایی پیچیده، آنان را به وسیله شتر به مدینه حمل کرد. (3)

این گوشه ای از فعالیت و نقش زنان در جبهه اسلام به فرماندهی رسول خدا صلی الله علیه و اله بود.

شاید همیاری زنان در امور نظامی و پشتیبانی برای آن بود که از نیروهای رزمنده در نبرد و جنگ رودررو با دشمن، حد اکثر استفاده بشود. زنان دوران حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز با همین هدف، نقش زنان دوران پیامبر صلی الله علیه و اله را ایفا می کنند.

در آن دوران یا پیش از آن، زنان نقش های گوناگونی دارند؛ تبلیغات علیه دجال و برحذر داشتن مردم از وی، از جمله نقش ها و وظایف آنان است.

ابو سعید خدری می گوید: هر جا دجال قصد می کند به آن جا برود زنی به نام لثیبه.

ص: 95

1- بخاری، صحیح، ج 12، ص 153.

2- واقدی، مغازی، ج 1، ص 268.

3- عن سعید بن عثمان البلوی، عن جدّته أنیسہ بنت عدی أنّها جاءت إلى النبی صلی الله علیه و اله و سلّم، فقالت: یا رسول الله إنّ ابني، عبد الله بن سلمه و كان بدریا قتل يوم أحد، فأحببت أن أنقله إلى فأنس بقریه، فأذن لها النبی صلی الله علیه و اله و سلّم، فی نقله، فعدلته بالمجدر بن زیاد علی ناضح لها فی عبائه فمّرت بها فنظر إليهما النبی صلی الله علیه و اله و سلّم فقال: «سوی بینهما عملهما». اسد الغابه، ج 5، ص 406؛ ر. ک: محمد جواد طبسی، نقش زنان.

(طیبه) پیش از او خود را به آن جا می رساند و می گوید: دجال به سوی شما می آید؛ از او دوری جوئید و از عاقبت کارش برحذر باشید!
[2\(1\)](#).

ص: 96

1- عن أبي سعيد الخدري قال: مع الدجال امرأة يقال لها: لثيبه [طیبه] لا- يؤمّ قريه إلا- سبقته إليها، فتقول: هذا الرجل داخل عليكم فاحذروه [فحذروه]. ابن حمّاد، فتن، ص 151؛ كنز العمال، ج 14، ص 602.

پیرامون انقلاب و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه تاکنون مطالبی را بازگو کرده ایم. در این فصل، خصوصیات جسمی، اخلاقی و کرامات آن حضرت را با استفاده از روایات، مورد بحث قرار می دهیم.

الف) خصوصیات جسمی

1. سن و چهره

عمران پسر حصین می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و اله گفتم: این مرد (مهدی) را برایم توصیف کن و شمه ای از حالات او را بیان فرما. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «او از فرزندان من است؛ اندامش چونان مردان بنی اسرائیل سخت و ستبر است؛ به هنگام سختی و گرفتاری امت من قیام می کند؛ رنگ چهره اش به عرب ها شباهت دارد؛ قیافه اش چون مرد چهل ساله می نماید؛ صورتش چون پاره ماه می درخشد؛ زمین را پر از عدل و داد می کند؛ آن گاه که آکنده از ظلم و ستم شود. بیست سال زمام امور را در دست دارد و همه شهرهای کفر، چون قسطنطنیه، روم و... را می گشاید...» (1).

ص: 97

1 - قال عمران بن الحصین: صف لنا یا رسول الله؛ هذا الرجل و ما حاله؟ فقال النبی: «إنه من ولدی کأنه من رجال بنی اسرائیل یخرج عند جهد من أمتی و بلاء، عربی اللون، ابن أربعین سنه، کأن وجهه کوکب درّی، یملاً الأرض عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً، یملک عشرین سنه صاحب مدائن الکفر کلّها: قسطنطنیه، و رومیه». ابن طاووس، ملاحم، ص 142.

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام می فرماید: «... خداوند عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را در روزگار غیبت طولانی می گرداند. پس از آن با قدرت بی پایانش او را از چهره جوانی کم تر از چهل ساله ظاهر می کند». (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «زمانی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند، مردم او را انکار می کنند و کسی بر او درنگ نمی کند؛ جز آنان که خداوند در عالم ذر (2) از آنان پیمان گرفته است. آن حضرت در چهره جوانی کامل و موفق - معتدل - ظاهر می شود». (3)

امیر مؤمنان می فرماید: «هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه قیام می کند، سن او بین سی تا چهل سال خواهد بود». (4)

مروی می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: نشانه و علامت قائم شما به هنگام قیام و ظهور چیست؟ امام فرمود: «نشانه اش این که سن حضرت زیاد است؛ ولی از نظر چهره جوان می نماید؛ به گونه ای که اگر کسی به او نظر کند، می پندارد او در سن چهل سالگی یا کم تر است. نشانه دیگرش این که گذشت روزگار او را پیر نمی کند تا زمانی که اجلش فرارسد». (5)

ص: 98

1- الحسن بن علی علیه السلام: «... یطیل الله عمره فی غیبه، ثم یظهره بقدرته فی صوره شابّ دون أربعین سنه». کمال الدین، ج 1، ص 315؛ کفایه الاثر، ص 224؛ اعلام الوری، ص 401؛ الاحتجاج، ص 289.

2- عالم ذر - عالم پیش از آفرینش انسان ها بر روی زمین است که خداوند در آن عالم، از انسان ها درباره پروردگاری خودش اقرار گرفت؛ و إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ؛ ای رسول ما به یاد آور هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و آنان را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی ما به خدایی تو گواهی می دهیم. (برخی مفسران گفته اند: مراد ظهور ارواح فرزندان آدم است در عالم روح و گواهی آنان به توحید خدا و پروردگاری او در عالم ملک و ملکوت تا آن که دیگر نگویند ما از این واقعه (قیامت یا یکتایی خدا) غافل بودیم؛ اعراف (7) آیه 172.

3- الصادق علیه السلام: «لو قد قام القائم لأنكره الناس؛ لأنه يرجع إليهم شابًا موقفا لا يثبت عليه إلا من قد أخذ الله ميثاقه في الذرّ الأول». نعمانی، غیبه، ص 188؛ عقد الدرر، ص 41؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 287؛ ينابيع الموده، ص 492.

4- علی علیه السلام: «و یبعث المهدی و هو ما بین الثلاثین إلى الأربعین». احقاق الحق، ج 19، ص 654.

5- عن الهروی: قال: قلت للرضا علیه السلام ما علامه القائم منكم، إذا خرج؟ قال: «علامته أن يكون شيخ السنّ، شابّ المنظر حتى أنّ الناظر إليه ليحسبه ابن أربعين سنه أو دونها وإنّ من علامته أن لا يهرم بمرور الأيام و الليالي عليه حتى يأتي أجله». کمال الدین، ج 2، ص 652؛ اعلام الوری، ص 435؛ خرائج، ج 3، ص 1170.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «به طور حتم، ولیّ خدا صد و بیست سال همانند ابراهیم خلیل عمر خواهد کرد و به چهره و رخسار جوانی کامل و سی ساله ظاهر خواهد شد». (1)

مرحوم مجلسی می گوید: شاید مراد مدت حکومت و سلطنت حضرت باشد یا این که عمر حضرتش به همان مقدار بوده است؛ اما خداوند آن را طولانی کرده است.

مراد از کلمه موفق، معتدل بودن اعضاست و کنایه از این که در سنین متوسط و یا آخر سنین جوانی است. (2)

درباره سن حضرت به هنگام ظهور، اقوال دیگری نیز هست. ارطاط می گوید:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شصت ساله است. (3) اب ن حمّاد می گوید: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه هیجده ساله است. (4)

2. مشخصات بدنی

ابو بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: از پدر شما شنیده ام که امام زمان عجل الله تعالی فرجه سینه ای گشاده و کتف هایی باز و عریض دارد. حضرت فرمود: «ای ابا محمد! پدرم زره پیامبر صلی الله علیه و اله را پوشید؛ ولی برایش بلند بود؛ به طوری که بر زمین می رسید. من نیز آن را پوشیدم؛ ولی بر قامت بلند بود؛ ولی آن زره بر قامت حضرت قائم چنان مناسب و اندازه است که بر بدن رسول خدا صلی الله علیه و اله اندازه بود و قسمت پایین آن زره کوتاه است؛ به طوری که هر بیننده گمان می کند اطراف آن را گره زده اند». (5)

ص: 99

1- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إنّ وليّ الله يعمر عمر إبراهيم الخليل (عشرين و مائه سنه) و يظهر في صورة فتى موفق ابن ثلاثين سنه». بحار الأنوار، ج 52، ص 287.

2- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إنّ وليّ الله يعمر عمر إبراهيم الخليل (عشرين و مائه سنه) و يظهر في صورة فتى موفق ابن ثلاثين سنه». بحار الأنوار، ج 52، ص 287.

3- عن أرطاه: قال: «المهدى ابن ستين سنه». ملاحم، ابن طاووس، ص 73؛ كنز العمال، ج 14، ص 586.

4- ابن حماد: «و هو ابن ثمانى عشره سنه». ابن حمّاد، فتن، ص 102.

5- عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث قال: قلت له: أتى سمعت أباك و هو يقول: «إنّ القائم واسع الصدر، مشرف المنكبين عريض بينهما؟» فقال: «يا أبا محمد، إنّ أبى لبس درع رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم فكانت تسحب على الأرض، و إنّى لبستها فكانت و كانت، و إنّها تكون من القائم، كما كانت من رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم مشمّره (مشمّره) كأنّه يرفع نطاقها بحلقين». بصائر الدرجات، ج 4، ص 188؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 440 و 520؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 319.

ریان پسر صلت می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود: «من امام و صاحب امر هستم؛ ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل و داد پر می کند؛ آن گاه که از ستم و بیداد پر شده باشد. چگونه می توانم صاحب آن امر باشم، در حالی که ناتوانی جسمی مرا می بینی؟ حضرت قائم کسی است که وقتی ظهور می کند، در سن پیران است؛ ولی به نظر جوان می آید. اندامی قوی و تنومند دارد؛ به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می آورد و اگر میان کوه ها فریاد برآورد، صخره ها می شکند و از جا کنده می شود. عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه اوست».

(1)

ب) کمالات اخلاقی

اشاره

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مانند پیشوایان معصوم دیگر دارای کمالات اخلاقی ویژه ای است. از آن جا که معصومین علیهم السلام انسان های کاملی هستند و از هر جهت اسوه و الگوی بشریت هستند، اخلاق نیکو را نیز در بالاترین حد دارا می باشند.

حضرت رضا علیه السلام می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه داناترین، بردبارترین و پرهیزگارترین مردمان است. او از همه انسان ها بخشنده تر، شجاع تر و عابدتر است».

(2)

1. ترس از خدا

کعب می گوید: خشوع و ترس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در برابر خداوند، مانند خشوع

ص: 100

1- عن الريان بن الصلت، قلت للرضا عليه السلام: أنت صاحب هذا الأمر؟ فقال: «أنا صاحب هذا الأمر، و لكتي لست بالذي أملاها عدلا كما ملئت جورا، وكيف أكون ذاك على ما ترى من ضعف بدني؟ وإن القائم هو الذي إذا خرج كان في سنّ الشيوخ، و منظر الشباب قويا في بدنه حتى لو مدّ يده إلى أعظم شجره على وجه الأرض لقلعها. و لو صاح بين الجبال لتدكدكت صخورها، يكون معه عصا موسى، و خاتم سليمان». كمال الدين، ج 2، ص 48؛ اعلام الوری، ص 407؛ كشف الغمّه، ج 3، ص 314؛ الصراط المستقيم، ج 2، ص 229؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 322؛ وافی، ج 2، ص 113؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 478.

2- عن الرضا عليه السلام: «المهدي أعلم الناس. و أحلم الناس، و أتقى الناس، و أسخى الناس. و أشجع الناس، و أعبد الناس». ينابيع الموده، ص 401؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 537؛ احقاق الحق، ج 13، ص 367.

عقاب در برابر دو بالش است. (1) شاید مقصود کعب این باشد که هر چند عقاب پرنده ای قدرتمند است، اما این نیرو بستگی تمام به میزان یاری بال هایش دارد؛ اگر بال ها لحظه ای او را یاری نکنند، از آسمان به زمین سقوط می کند. حضرت مهدی نیز هر چند قدرتمندترین رهبران الهی است، ولی این قدرت از ذات حق تعالی است. اگر خداوند، لحظه ای حضرتش را یاری نکند، توان ادامه فعالیت را ندارد. از این رو، حضرتش در برابر ذات الهی، کمال خشوع و خضوع و ترس را دارد.

طبق نقل ابن طاووس (2) خشوع حضرت در برابر خداوند به خشوع دو طرف انتهای نیزه تشبیه شده است. سرعت عمل و دقت نشانه گیری در کار نیزه بستگی به دو سر آن که همانند دویال هستند، دارد و اگر یک سرش کج باشد، نیزه به خطا می رود.

شاید منظور این است که قدرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از خداوند است و بستگی تمام به یاری حق دارد. ضمن این که این روایت از معصوم نیست بلکه سخن کعب الاحبار است.

2. زهد

امام صادق علیه السلام می فرماید: «چرا در ظهور حضرت مهدی تعجیل می کنید؟ خدا می داند که پوشاک او سخت و خشن، خوراکش نان جو و حکومتش، حکومت شمشیر است و مرگ در سایه شمشیر». (3)

عثمان بن حمّاد می گوید: در مجلس امام صادق علیه السلام حاضر بودم که شخصی به حضرتش عرض کرد: علی بن ابی طالب لباسی سخت می پوشید که ارزش آن چهار درهم بود؛ اما شما لباس ارزشمندی بر تن دارید! حضرت در پاسخ فرمود: «علی علیه السلام در زمانی آن لباس را می پوشید که مورد انکار و اعتراض قرار نمی گرفت. بهترین لباس هر زمان، لباس مردم آن دوران است. هنگامی که قائم ما قیام کند، نظیر لباس علی علیه السلام را می پوشد و

ص: 101

1- عن کعب: «المهدی خاشع لله، کخشوع النسر لجناحیه». ابن حمّاد، فتن، ص 100؛ عقد الدرر، ص 158؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 73؛ متقی هندی، برهان، ص 101.

2- عن کعب: «المهدی خاشع لله کخشوع الزجاجة». ابن طاووس، ملاحم، ص 73.

3- عن أبی عبد الله علیه السلام: «ما يستعجلون بخروج القائم؟ فوالله ما لباسه إلاّ الغلیظ ولا طعامه إلاّ الجشب، وما هو إلاّ السیف، و الموت تحت ظلّ السیف». نعمانی، غیبه، ص 233 و 234، با کمی تفاوت؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 354.

ج) لباس

در روایات از لباس مخصوصی برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه به هنگام ظهور یاد شده است؛ گاهی از پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و اله سخن گفته شده و گاه از پیراهن یوسف علیه السلام به عنوان لباس حضرت به هنگام ظهور نام برده شده است.

یعقوب پسر شعیب می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا نمی خواهی پیراهنی را که حضرت قائم به هنگام ظهور، بر تن دارد به تو نشان دهم؟» عرض کردم: البته مایلم آن را بینم. حضرت، صندوقچه ای را خواست و آن را گشود و از آن پیراهن کرباسی بیرون آورد و آن را باز کرد و در گوشه آستین چپ آن لکه خونی بود.

امام علیه السلام فرمود: «این پیراهن پیامبر صلی الله علیه و اله است و در روزی که چهار دندان پیشین حضرت را (در جنگ احد) شکستند، آن را بر تن داشت و حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه در حالی که این پیراهن را بر تن دارد، قیام می کند. من آن خون را بوسیدم و بر دیده خود نهادم. آن گاه حضرت لباس را پیچیده برداشت». (2)

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «می دانی پیراهن یوسف چه بود؟» گفتم: خیر، فرمود: «چون برای ابراهیم علیه السلام آتش افروختند، جبرئیل برای او پیراهنی آورد و بر تن او پوشاند تا گرما و سرما به او آسیب نرساند و چون وفات او فرا رسید، آن را در جلد دعایی نهاد و به بازوی فرزندش اسحاق آویخت. او نیز آن را به یعقوب داد. آن گاه که

ص: 102

1- حماد بن عثمان: كنت حاضرا عند أبي عبد الله عليه السلام إذ قال له رجل: -أصلحك الله- ذكرت أنّ عليّ بن أبي طالب عليه السلام كان يلبس الخشن، يلبس القميص بأربعة دراهم و ما أشبه ذلك، و نرى عليك اللباس الجيد؟ قال: فقال له: «إنّ عليّ بن أبي طالب عليه السلام كان يلبس ذلك في زمان لا ينكر، و لو لبس مثل ذلك اليوم لشهر به، فخير لباس كلّ زمان لباس أهله، غير أنّ قائمنا إذا قام لبس لباس علي عليه السلام و سار بسيرته». کافی، ج 6، ص 444؛ بحار الأنوار، ج 41، ص 159، و ج 47، ص 55.

2- عن يعقوب بن شعيب، عن أبي عبد الله عليه السلام: أنّه قال: «الأ- أريك قميص القائم الذي يقوم عليه؟» فقلت: بلى، قال: فدعا بقمطر، ففتح، و أخرج منه قميص كرايس، فنشره فإذا في كفه الأيسر دم، فقال: «هذا قميص رسول الله صلي الله عليه و اله و سلم الذي عليه يوم ضربت ربايته، و فيه يقوم القائم، فقبلت الدم، و وضعته على وجهي. ثمّ طواه أبو عبد الله عليه السلام و رفعه». نعماني، غيبه، ص 243؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 542؛ حليه الابرار، ج 2، ص 575؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 355.

یوسف متولد شد، یعقوب آن را در بازوی یوسف قرار داد. بر یوسف نیز حوادثی گذشت تا این که عزیز مصر شد. چون یوسف آن را در آن جا از جلد بیرون آورد، یعقوب علیه السلام بوی آن را شنید و این سخن خداوند در قرآن است که در حکایت یوسف از قول یعقوب می فرماید: «و من بوی یوسف را استشمام می کنم، اگر مرا به خطا نسبت ندهید» (1) و آن همان پیراهنی است که از بهشت فرود آمده است».

عرض کردم: قربانت گردم؛ آن پیراهن به دست چه کسی رسیده است؟ فرمود: «به دست اهل آن است؛ پیراهن همراه قائم ماست؛ آن گاه که ظهور کند». سپس فرمود: «هر پیامبری که دانش یا چیز دیگری را به ارث برده است، همه آنها به محمد صلی الله علیه و اله رسیده است».

(2)

د) اسلحه

رسول خدا صلی الله علیه و اله به علی علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم مایم می کند و زمانی که مأموریت ظهورش فرامی رسد، شمشیری همراه دارد که به وی ندا می دهد: ای ولی خدا! قیام کن و دشمنان خود را بکش». (3)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به هنگام ظهور، پیراهن پیامبر صلی الله علیه و اله را که در جنگ احد پوشیده بود و عمامه و زره آن حضرت را که بر قامت او آراسته است، می پوشد و ذو الفقار (شمشیر) پیامبر صلی الله علیه و اله را در دست می گیرد و شمشیر می کشد و در

ص: 103

1- یوسف (12) آیه 94.

2- عن المفصل بن عمر: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: «أندري ما كان قميص يوسف عليه السلام؟» قال: قلت: لا، قال: «إن إبراهيم عليه السلام لما أوقدت له النار، أتاه جبرئيل عليه السلام بثوب من ثياب الجنة. فألبسه إياه، فلم يضره معها حرٌّ ولا برد، فلما حضر إبراهيم الموت جعله في تميمه وعلقه على إسحاق وعلقه إسحاق، على يعقوب، فلما ولد يوسف علقه عليه، و كان في عضده حتى كان من أمره ما كان. فلما أخرج يوسف بمصر من التميمه، وجد يعقوب عليه السلام ريحه و هو قوله تعالى عنه: قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف لولا أن تفندون [يوسف، الآية 94] فهو ذلك القميص الذي أنزل من الجنة»، قلت: - جعلت فداك - فإلى من صار هذا القميص، قال: «إلى أهله و مع قائمنا إذا خرج». ثم قال: «كل نبي ورث علما أو غيره، فقد انتهى إلى محمد صلي الله عليه و اله و سلم». كافي، ج 1، ص 232؛ كمال الدين، ج 2، ص 674؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 327.

3- قال رسول الله صلي الله عليه و اله و سلم: «يا عليّ؛ إن قائمنا إذا خرج... فإذا حان وقت خروجه يكون له سيف - ناداه السيف - قم يا وليّ الله فاقتل أعداء الله». كفايه الاثر، ص 263؛ بحار الأنوار، ج 36، ص 409؛ عوالم العلوم، بحراني، ج 15، بخش 3، ص 269؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 563.

مدت هشت ماه از کشته بی دینان، پشته ها می سازد». (1)

جابر جعفی می گوید، امام باقر علیه السلام فرمود: «امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از مکه بین رکن و مقام به همراه وزیر و سی صد و اندی (سیزده) نفر از یارانش ظهور می کند؛ در حالی که عهد و دستور العمل پیامبر صلی الله علیه و اله و پرچم و اسلحه آن حضرت با اوست. آن گاه نداکننده ای از آسمان مکه به نام ولایت حضرتش ندا می دهد؛ به طوری که تمامی اهل زمین آن نام را می شنوند و اسم حضرت، اسم پیامبر صلی الله علیه و اله است». (2)

ه) چهره شناسی امام

یکی از ویژگی های امام معصوم و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه این است که شخصیت درونی انسان ها را از چهره شان می شناسد و افراد صالح را از ناصالح تشخیص می دهد و مفسدان را با همان شناخت به سزای اعمالشان می رساند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم، قیام می کند، احدی نمی ماند، مگر آن که حضرت او را می شناسد: که فردی صالح و نیک است یا منحرف و فاسد». (3)

نیز می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، دشمنان ما را از چهره های شان می شناسد.

آن گاه آنان را از پیشانی (سر) و پاهای شان می گیرد (و دستگیر می کند) و خود با یارانش، آنان را با شمشیر به قتل می رسانند». (4)

ص: 104

1- عن جعفر بن محمد علیه السلام: «إِنَّهُ يَخْرُجُ... وَغَمَامَتَهُ السَّحَابُ وَدَرَعُ رَسُولِ اللَّهِ السَّابِغَةُ، وَسَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَسَلَّمَ ذُو الْفَقَارِ، يَجْرُدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ، يَقْتُلُ هَرَجًا». نعماني، غيبه، ص 308؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 223؛ ر.ك: ارشاد، ص 275.

2- عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام: «...ثم يخرج من مكة هو و من معه الثلاث مائه و بضعة عشر يباعدونه بين الركن و المقام، معه عهد نبي الله صلى الله عليه و اله و سلم و رايته و سلاحه و وزيره معه، فينادى المنادى بمكة باسمه و أمره. من السماء، حتى يسمعه أهل الأرض كلهم. اسمه اسم نبي». الاصول الستة عشر، ص 79؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 588؛ بحار الأنوار، ج 26، ص 209؛ مستدرک الوسائل، ج 11، ص 38.

3- قال أبو عبد الله عليه السلام: «إذا خرج القائم عليه السلام لم يبق بين يديه أحد، إلا عرفه صالح، أو طالح». كمال الدين، ج 2، ص 671؛ خرائج، ج 2، ص 930؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 493؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 58 و ج 52، ص 389.

4- عن الصادق عليه السلام: «الوقد قام قائمنا يعرف أعدائنا بسيماهم فيؤخذ بنواصيهم و أقدامهم، يخبط هو و أصحابه بالسيف خبطا». احقاق الحق، ج 13، ص 357؛ ر.ك: نعماني، غيبه، ص 242؛ كمال الدين، ج 2، ص 366؛ ارشاد، ج 365؛ اعلام الوری، ص 433؛ كشف الغمّة، ج 3، ص 256.

هم چنین می فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و اله قیام کند، دوستانش را به کمک قدرت تشخیصی که دارد، از دشمنانش می شناسد».

معاویه دهنی می گوید: امام صادق علیه السلام درباره آیه ای که مجرمین از چهره های شان شناخته می شوند، آن گاه از سر و قدم های شان گرفته می شوند، (1) فرمود: «ای معاویه! دیگران درباره آن چه می گویند؟» عرض کردم: می پندارند که خداوند، روز قیامت، گناهکاران را از قیافه شان می شناسد و از موهای جلوی سر و پاهای شان می گیرند و آنان را در آتش می اندازد. امام فرمود: «خداوند چه نیازی دارد که مجرمان را از چهره شان بشناسد و حال آن که آنان را آفریده است». عرض کردم: پس معنای آیه چیست؟ فرمود: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند به او علم سیماشناسی عطا می کند و حضرت دستور می دهد، کافران را از سر و پا گرفته و با شمشیر ضربات سختی بر آنان بزنند». (2)

و کرامات

اشاره

در آخر الزمان هرچند مردم برای روی کار آمدن دولتی قدرتمند و در عین حال پشتیبان ستمدیدگان، لحظه شماری می کنند، ولی به بسیاری از دولت هایی که روی کار می آیند، خوش بین نیستند و سخن هر حزب و گروهی را نمی پذیرند و اصولاً کسی را

ص: 105

1- . يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسَيِّمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ؛ (آن روز) بدکاران به سیمای شان شناخته می شوند. پس موی پیشانی آنان با پاهای شان بگیرند؛ الرحمن (55) آیه 41.

2- . عن أبي عبد الله عليه السلام: «إذا قام قائم آل محمد عليه السلام... و يعرف وليه من عدوه بالتوسم». كمال الدين، ج 2، ص 366، ارشاد، ص 365؛ إعلام الوری، ص 432؛ كشف الغمّه، ج 3، ص 256. يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسَيِّمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ، قال «یا معاویه؛ ما يقولون فی هذا؟» قلت: یزعمون أنّ الله تبارک و تعالی يعرف المجرمین بسیماهم فی القیامه، فیأمرهم فیؤخذ بنواصیهم و أقدامهم فیلقون فی النار، فقال لی: «و کیف یحتاج الجبّار تبارک و تعالی إلى معرفه خلق أنشأهم، و هم خلقه؟». قلت: -جعلت فداک- و ما ذلک؟ قال: «لو قام قائمنا أعطاه الله السیماء، فیأمر بالكافرین فیؤخذ بنواصیهم و أقدامهم ثم یخبط بالسيف خبطاً».

قادر نمی دانند که بتواند نظم را به جامعه جهانی بازگرداند و دنیای پر آشوب را سامان بخشد.

از این رو، مدّعی بازگشت نظم به جامعه و گسترش امنیّت در جهان، باید دارای توانی فوق توان دیگر انسان ها باشد و اثبات این مطلب نیاز به نشان دادن کرامات و کارهای خارق العاده دارد و شاید برای این است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در آغاز ظهور، دست به یک سلسله کرامات و معجزات می زند؛ به پرنده در حال پرواز اشاره می کند و او فورا فرود می آید و در دست حضرت قرار می گیرد. چوب خشک را در زمین بایر فرومی برد و آن چوب بی درنگ سبز می شود و شاخ و برگ می دهد.

با این کارها به مردم ثابت می شود که سروکار آنان با شخصیتی است که آسمان و زمین به امر خداوند در اختیار و تحت فرمان اوست. این کرامات نویدی برای مردمی است که سال ها و بلکه قرن ها خود را زیر فشار و قهر آسمان و زمین می دیدند. مردمی که از بالای سر، مورد تهاجم هواپیماها و موشک ها قرار گرفته، میلیون ها قربانی داده اند و قدرتی را نمی یافتند که مانع آن همه تجاوزات گردد؛ ولی اینک خود را در برابر شخصیتی می بینند که آسمان و زمین و آن چه در آنهاست در اختیار اویند.

مردمی که تا دیروز، چنان در قحطی به سر می بردند که حتی برای تهیه نیازهای اولیه زندگی، رنج ها و مشکلاتی را متحمل می شدند و در اثر خشکسالی و کمبود زراعت، در محاصره اقتصادی شدیدی قرار گرفته بودند، امروز در برابر شخصیتی قرار گرفته اند که با اشاره ای زمین را سبز و خرّم می کند و آب و باران را جاری می سازد.

مردمی که دچار بیماری های بی درمان شده اند، با کسی روبه رو می شوند که حتی بیماری های غیر قابل درمان را نیز علاج می کند و مردگان را زندگی می بخشد. این ها معجزات و کراماتی هستند که حکایت از توانایی، صداقت و حق بودن گفته های این رهبر آسمانی دارد. کوتاه سخن آن که جهانیان باور می کنند که این نویددهنده با هیچ یک از مدّعیان پیشین شباهتی ندارد و او همان رهایی بخش واقعی و ذخیره الهی و مهدی موعود است.

کرامات مهدی عجل الله تعالی فرجه گاهی برای رزمندگانش روی می دهد که بر ایمانشان می افزاید و

اعتقادشان را استوارتر می گرداند و گاه برای دشمنان و یا تردیدکنندگان است که سبب ایمان و اعتقاد آنان به حضرت می شود.

اینک به بخشی از آن معجزات و کرامات اشاره می کنیم:

1. سخن گفتن پرنده

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در مسیر حرکت خود به یکی از سادات حسنی که دوازده هزار نفر رزمنده را به همراه دارد، برخورد می کند؛ حسنی در مقام احتجاج برمی آید و خود را سزاوارتر به رهبری می داند. حضرت در پاسخ او می گوید: «من مهدی هستم». حسنی می پرسد: آیا دلیل و نشانه ای داری تا با تو بیعت کنم؟ حضرت به پرنده ای که در آسمان در حال پرواز است، اشاره می کند و آن پرنده فرود می آید و در دستان حضرت قرار می گیرد. آن گاه به قدرت خداوند لب به سخن می گشاید و بر امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه گواهی می دهد.

برای اطمینان بیشتر سید حسنی، امام علیه السلام چوب خشکی را به زمین فرومی برد؛ آن چوب سبز می شود و شاخ و برگ می دهد. بار دیگر، پاره سنگی را از زمین برمی دارد و با یک فشار آن را خرد کرده، همانند خمیر نرم می کند.

سید حسنی با دیدن آن کرامات به حضرت ایمان می آورد. خود و همه نیروهایش تسلیم امام علیه السلام می شوند و حضرت او را به عنوان فرمانده نیروی خط مقدم می گمارد». (1)

2. جوش آب و آذوقه از زمین

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که امام علیه السلام در شهر مکه ظهور می کند و قصد حرکت

ص: 107

1 - .امیر المؤمنین علیه السلام: «و يلحقه هناك ابن عمه الحسنی فی اثنی عشر ألف فارس، فيقول: يا بن عمّ؛ أنا أحقّ بهذا الجیش منك. أنا ابن الحسن، و أنا المهدي، فيقول المهدي عليه السلام: بل أنا المهدي، فيقول الحسنی: هل لك من آية فنبايعك؟ فيؤمى المهدي عليه السلام إلى الطير فتسقط على يده فينطق بقدره الله، و يشهد له بالإمامه و يغرس قضيبا في بقعه من الأرض فيخضر و يورق، فيقول له الحسنی: يا بن عمّ هي لك، و يسلم إليه جيشه، و يكون على مقدمته». عقد الدرر، ص 139، 138، 97؛ القول المختصر، ص 19؛ الشيعة و الرجعه، ج 1، ص 158.

به کوفه را دارد، به نیروهایش اعلام می کند که کسی آب و غذا و توشه راه با خود بر ندارد.

حضرت علیه السلام سنگ موسی علیه السلام را که به وسیله آن دوازده چشمه آب زلال از زمین جوشاند، همراه دارد. در مسیر راه هر جا توقف می کنند، آن سنگ را نصب می کند و از زمین چشمه های آب می جوشد. هرکس گرسنه باشد با نوشیدن آن سیر می گردد و هرکس تشنه باشد، سیراب می شود.

تهیه آذوقه و آب بین راه سپاهیان به همین ترتیب است تا هنگامی که به شهر نجف برسند؛ در آن جا با نصب آن سنگ، برای همیشه از زمین آب و شیر می جوشد که گرسنه و تشنه ای را سیر می کند». (1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم علیه السلام ظهور می کند، پرچم پیامبر صلی الله علیه و اله و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی همراه او خواهد بود. پس به امر حضرت در بین سپاهیان اعلام می شود که کسی زاد و توشه برای خود و علوفه برای چهارپایان بر ندارد. برخی از همراهان می گویند: او می خواهد ما را به هلاکت بیندازد و مرکب های مان را از گرسنگی و تشنگی نابود کند. اصحاب با حضرت حرکت می کنند. به اولین جایی که می رسند، حضرت سنگ را بر زمین می کوبد و آب و غذا برای نیروها و علوفه برای حیوانات بیرون می آید و از آن استفاده می کنند تا به شهر نجف می رسند». (2)

ص: 108

1- عن جعفر بن محمد علیه السلام: «إذا قام القائم بمكّة وأراد أن يتوجّه إلى الكوفة نادى مناديه: ألا لا يحمل أحد منكم طعاما ولا شرابا، ويحمل حجر موسى الذي انبجست منه اثنا عشره عينا، فلا ينزل منزلا إلا نصبه، فانبجست منه العيون، فمن كان جائعا شبع، ومن كان ظمآن روى، فيكون زادهم حتى ينزلوا النجف من ظاهر الكوفة، فإذا نزلوا ظاهرها، انبعث منه الماء واللبن دائما، فمن كان جائعا شبع، ومن كان عطشانا روى». بصائر الدرجات، ص 188؛ کافی، ج 1، ص 231؛ نعمانی، غیبه، ص 238؛ خرائج، ج 2، ص 690؛ نور الثقلین، ج 1، ص 84؛ بحار الأنوار، ج 13، ص 185 و ج 52، ص 324.

2- عن أبي جعفر عليه السلام: قال: «إذا اظهر القائم، ظهر براهه رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، و خاتم سلیمان و حجر موسی و عصاه. ثم يأمر مناديه، فينادي: ألا لا يحمل رجل منكم طعاما، و لا شرابا و لا علفا، فيقول أصحابه: إته يريد أن يقتلنا و يقتل دوابنا من الجوع و العطش، فيسير و يسيرون معه، فأول منزل ينزله، يضرب الحجر. فينبع منه طعام و شراب و علف. فيأكلون و يشربون و داوئهم حتى ينزلوا النجف بظهر الكوفة». النعمانی، الغیبه، ص 238؛ کمال الدین، ص 670؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 351؛ وافی، ج 2، ص 112.

3. طی الارض و نداشتن سایه

امام رضا علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند، زمین از نور خداوند روشن می شود و زمین زیر پای حضرت مهدی به سرعت حرکت می کند (و او با سرعت، مسیرها را می پیماید) و اوست که سایه نخواهد داشت» (1).

4. وسیله انتقال

امام باقر علیه السلام به شخصی به نام سوره فرمود: «ذو القرنین مخیر گردید که یکی از دو ابر سخت و رام را برگزیند. او ابر رام برگزید و ابر سخت برای حضرت صاحب علیه السلام ذخیره شد».

سوره پرسید: ابر سخت چیست؟ حضرت فرمود: «ابرهایی که در آن رعد و برق و آذرخش و صاعقه باشد. هرگاه ابری چنین بود، صاحب شما بر آن سوار است. بی شک او سوار بر ابر می شود و با آن به سوی آسمان بالا می رود و آسمان ها و زمین های هفت گانه را می پیماید؛ همان زمین هایی که پنج عدد آن مسکونی و دوتای دیگر ویران است» (2).

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند، ذو القرنین را در انتخاب بین دو ابر سخت و رام مخیر کرد. او ابر رام را برگزید و آن ابری است که در آن رعد و برق وجود نداشت و اگر ابر سخت را برمی گزید، اجازه استفاده از آن را نداشت؛ زیرا خداوند، ابر سخت را برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه ذخیره کرده است» (3).

ص: 109

1- قال الرضا عليه السلام: «إِذَا خَرَجَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَهُوَ الَّذِي تَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ، وَ لَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ». كَمَالُ الدِّينِ، ص 372؛ كَفَايَةُ الْأَثَرِ، ص 323؛ أَعْلَامُ الْوَرَى، ص 408؛ كَشْفُ الْغَمِّ، ج 3، ص 314؛ فَرَائِدُ السَّمَطِينَ، ج 2، ص 336؛ يَنْبِيعُ الْمَوْدَّةِ، ص 489؛ نُورُ الثَّقَلَيْنِ، ج 4، ص 47؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج 51، ص 157؛ نَظِيرُ أَيْنِ رَوَايَتِ أَيْضًا جَوَادٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَقْلًا شَدِيدًا. ر. ك. كَفَايَةُ الْأَثَرِ، ص 324؛ احْتِجَاجُ، ج 2، ص 449؛ أَعْلَامُ الْوَرَى، ص 409؛ خَرَائِجُ، ج 3، ص 1171؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، ج 2، ص 33.

2- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «أَمَّا إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ قَدْ خَيَّرَ السَّحَابِينَ، فَاخْتَارَ الذَّلُولَ، وَ ذَخَرَ لِمُصَاحِبِكُمْ الصَّعْبَ» قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الصَّعْبُ؟ قَالَ: «مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ صَاعِقَةٌ، أَوْ بَرْقٌ، فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ، أَمَّا إِنَّهُ سِيرَكَبُ السَّحَابِ، وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ. أَسْبَابُ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ خَمْسَ عَوَامِرَ، وَ اثْنَتَانِ خَرَابَانِ». مَفِيدٌ، اِخْتِصَاصُ، ص 199؛ بَصَائِرُ الدَّرَجَاتِ، ص 409؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج 52، ص 321.

3- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ خَيَّرَ ذَا الْقَرْنَيْنِ السَّحَابِينَ: الذَّلُولَ وَ الصَّعْبَ. فَاخْتَارَ الذَّلُولَ وَ هُوَ مَا لَيْسَ فِيهِ بَرْقٌ وَ لَا رَعْدٌ، وَ لَوْ اخْتَارَ الصَّعْبَ، لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ؛ لِأَنَّ اللَّهَ آذَخَهُ لِلْقَائِمِ». اِخْتِصَاصُ، ص 326؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج 52، ص 312 وَ ج 27، ص 32؛ غَايَةُ الْمَرَامِ، ص 77.

5. کندی حرکت زمان

امام باقر علیه السلام می فرماید: «چون امام زمان علیه السلام ظهور کند، به سوی کوفه حرکت می نماید.

در آن جا هفت سال حکومت می کند که هر سال آن برابر ده سال از سالیان شماسست. پس از آن، خداوند هر چه اراده کند، انجام می دهد». گفته شد چگونه سال ها طولانی می شود؟ امام فرمود: «خداوند به منظومه (و فرشته اداره کننده آن) دستور می دهد که از سرعت خود بکاهد. از این رو، روزها و سال ها طولانی می شود».

گفته شد: می گویند اگر کم ترین تغییری در حرکت آنها پدید آید، آنها به هم می ریزند و فاسد می شوند. امام فرمود: «این سخن افراد مادی گرا و کافر به خداست؛ ولی مسلمانان (که عقیده به خداوند گرداننده آنها دارند) چنین سخنی را نمی توانند بگویند». (1)

6. قدرت تکبیر

کعب درباره گشودن شهر قسطنطنیه به دست مهدی عجل الله تعالی فرجه می گوید: حضرت، پرچم را به زمین فرومی برد و به سوی آب می رود تا برای نماز صبح وضو بگیرد؛ آب از حضرت دور می شود. امام علیه السلام پرچم را برمی دارد و به دنبال آب حرکت می کند تا آن که از آن ناحیه می گذرد. آن گاه پرچم را در زمین فرومی برد و سپاهیان را فرامی خواند و می فرماید:

«ای مردم! خداوند دریا را برای شما شکافت؛ هم چنان که آن را برای بنی اسرائیل شکافت». پس سپاهیان از دریا می گذرند و رویه روی شهر قسطنطنیه قرار می گیرند.

سپاهیان ندای تکبیر سر می دهند و دیوارهای شهر به لرزه درمی آید.

بار دیگر تکبیر می گویند و دوباره دیوارها می لرزد. بار سوم که صدا به تکبیر

ص: 110

1- عن الباقر علیه السلام: «إذا قام القائم سار إلى الكوفة فيمكث على ذلك سبعة سنين، مقدار كل سنة عشر سنين من سنينكم هذه، ثم يفعل الله ما يشاء». قيل: كيف تطول السنون؟ قال: «يأمر الله الفلك بالمكوث وقله الحركة فتطول الأيام لذلك و السنون». قيل: إنهم يقولون: أن الفلك ان تغير فسد، قال: «ذلك قول الزنادقة فأما المسلمون: فلا سبيل لهم إلى ذلك». مفيد، ارشاد، ص 365؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 337؛ الشيعة و الرجعه، ج 1، ص 400.

بلند می کنند، دیوارهایی که میان دوازده برج مراقبت هستند، فرومی ریزند. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «... حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه جلوی قسطنطنیه فرود می آید. در آن روزگار، آن دژ، هفت دیوار دارد. حضرت هفت تکبیر می گوید و دیوارها فرومی ریزد و با کشتن تعداد بسیاری از رومیان، آن جا به تصرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه درمی آید و گروهی نیز به اسلام رومی آورند». (2)

امیر مؤمنان علیه السلام در این زمینه می فرماید: «... سپس حضرت مهدی و یارانش به حرکت خود ادامه می دهند و بر هیچ دژی از دژهای رومیان نمی گذرند، مگر آن که با گفتن «لا إله إلا الله» دیوارهای آن فرومی ریزد تا آن که در نزدیکی شهر قسطنطنیه فرود می آیند. در آن جا چند تکبیر می گویند و ناگهان خلیجی که در مجاورت آن شهر است، خشک می شود و آب هایش در زمین فرومی رود و دیوارهای شهر نیز فرو می ریزد.

از آن جا به سوی شهر رومیه حرکت می کنند و چون به آن جا می رسند، مسلمانان سه تکبیر می گویند و شهر چون رمل و شن نرم- که در برابر تندبادها قرار گرفته باشد- از هم می پاشد». (3)

نیز آن حضرت می فرماید: «... مهدی عجل الله تعالی فرجه به پیشروی خود ادامه می دهد تا این که به یکی از شهرهای مشرف به دریا می رسد. لشکریان حضرت تکبیر سر می دهند و در پی 9.

ص: 111

1- . كعب الأ حبار: فی قصه القسطنطنیه: قال: فیركز لواءه- یعنی المهدی- و یأتی الماء لیتوضأ لصلاه الصبح. قال: فیتباع الماء منه فإذا رأى ذلك، أخذ لواءه فاتبع الماء حتى یجوز من تلك الناحیه، ثم یركزه، ثم ینادی: أيها الناس: اعبروا؛ فإن الله عزّ و جلّ قد فرق لكم البحر كما فرقه لنبی اسرائیل. قال: فیجوز الناس، فیستقبل القسطنطنیه، فیکبرون فیهتّ حائطها، ثم یکبرون فیهتّ، ثم یکبرون فیسقط منها مابین اثنی عشر برجا». عقد الدرر، ص 138.

2- . قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «ینزل المهدی علی بابها- قسطنطنیه- و لها یومئذ سبعة أسوار، فیکبر المهدی سبع تکبیرات فیختر کلّ سور منها، فعند ذلك يأخذها المهدی و یقتل من الروم خلقا كثيرا، و یسلم علی یدیه خلق كثير». العلل المتناهیة، ج 2، ص 855؛ عقد الدرر، ص 180. البتة از این تعبیرات در کتاب های ما کمتر دیده می شود و معمولا در کتاب های عامه است.

3- . أمير المؤمنین علیه السلام: «ثم یسیر المهدی و من معه من المسلمین، لا یمزّون علی حصن من بلد الروم إلا قالوا علیه: لا إله إلا الله، فتساقط حیطانہ، ثم ینزل من القسطنطنیه، فیکبرون تکبیرات، فینشف خلیجها و یسقط سورها، ثم یسیر إلى رومیة، فإذا نزل علیه، کبر المسلمون ثلاث تکبیرات، فتکون کالرملة علی نشر». عقد الدرر، ص 139.

آن دیوارهای شهر از هم گسیخته شده، فرومی ریزند». (1)

7. عبور از آب

امام صادق علیه السلام می فرماید: «پدرم فرمود: هنگامی که حضرت قائم قیام کند... سپاهیان را به شهر قسطنطنیه می فرستد. آن گاه که به خلیج برسند، جمله ای بر روی پاهای خود می نویسند و از روی آب می گذرند. رومیان چون این معجزه و عظمت را می بینند، به یک دیگر می گویند: وقتی سپاهیان امام زمان این چنین باشند، خود حضرت چگونه خواهد بود! از این رو، درها را بر روی آنان می گشایند و سپاهیان حضرت وارد شهر شده، در آن جا فرمانروایی می کنند». (2)

8. شفای بیماران

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «... حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پرچم ها را به اهتزاز درمی آورد و معجزات خود را آشکار می کند و به اذن خداوند چیزهایی را از نیستی به وجود می آورد.

بیماران دچار پستی و خوره را شفا می دهد و مردگان را زنده، و زندگان را می میراند». (3)

9. عصای موسی در دست

امام باقر علیه السلام می فرماید: «عصای موسی متعلق به آدم بوده است که به شعیب (پیامبر) رسیده و پس از او به موسی بن عمران داده شده است. آن عصا نزد ماست و به تازگی که

ص: 112

1- .أمیر المؤمنین علیه السلام: «ثم يسير المهدي... ثم يأتي إلى مدینه يقال لها: مقاطع و هي على البحر الأخضر المحيط بالدنيا... فيكبرون عليها تكبيرات، فتساقط حياتها و تقطع جذرانها». الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 161.

2- .عن جعفر بن محمد، عن أبيه عليه السلام قال: «إذا قام القائم... و يبعث جندا إلى القسطنطنيه؛ فإذا بلغوا إلى الخلیج كتبوا على أقدامهم شيئا و مشوا على الماء [فإذا نظر إليهم الروم يمشون على الماء] قالوا: هؤلاء أصحابه يمشون على الماء، كيف هو؟ فعند ذلك يفتحون لهم باب المدینه، فيدخلونها فيحكمون فيها بما يريدون». نعمانی، غيبه، ص 159؛ دلائل الامامه، ص 249؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 573؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 365.

3- .قال أمير المؤمنين عليه السلام: «ثم بعد ذلك يقيم الرايات و يظهر المعجزات... يقول للشیء كن فيكون بإذن الله و يبرئ الأكمه و الأبرص، و يحيى الموتى و يميت الأحياء». الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 169.

من آن را دیدم، هنوز سبز بود؛ مانند روزی که از درخت جدایش کردند. چون از آن عصا سؤال شود، سخن می گوید و آن برای قائم ما آماده است و آن چه موسی با آن کرد، حضرت قائم نیز با آن انجام می دهد و هرچه بدان عصا دستور داده شود، انجام می دهد و هر جا افکنده شود، جادوها را می بلعد». (1)

10. ندای ابر

امام صادق علیه السلام می فرماید: «... حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در آخر الزمان ظهور می کند. بر سر آن حضرت ابری در حرکت است و هر جا برود، آن ابر نیز می رود تا حضرت را از تابش خورشید حفظ کند و با صدایی رسا و آشکار، ندا می دهد، این مهدی است». (2)

سرانجام طبق فرموده امام صادق علیه السلام: «هیچ معجزه ای از معجزات پیامبران و اوصیا نمی ماند، مگر آن که خداوند عزّ و جلّ آن را به دست قائم ما انجام می دهد تا حجّت بر دشمنان تمام گردد». (3)

ص: 113

1- عن أبي جعفر عليه السلام قال: «كانت عصا موسى لآدم عليه السلام فصارَت إلى شعيب، ثم صارت إلى موسى بن عمران، وإِنَّها لعندنا، وإِنَّ عهدى بها أنفا، هي خضراء كهيتها حين انتزعت من شجرتها، وإِنَّها لتتطق إذا استنطقت، أعدت لقائنا عليه السلام يصنع بها ما كان يصنع بها موسى بن عمران، وإِنَّها تصنع ما تؤمر، وإِنَّها حيث ألقيت تلقف ما يأفكون بلسانها». كمال الدين، ج 2، ص 673؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 318، 351؛ کافی، ج 1، ص 232.

2- الصادق عليه السلام: «يظهر في آخر الزمان على رأسه غمامه تظله من الشمس، تدور معه حيثما دار، تنادي بصوت فصيح هذا المهدي». تاريخ مواليد الأئمة، ص 200؛ كشف الغمّة، ج 3، ص 265؛ صراط المستقيم، ج 2، ص 260؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 240؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 615؛ نوری، كشف الاستار، ص 69.

3- الصادق عليه السلام: «ما من معجزه من معجزات الأنبياء إلاّ ويظهر الله تبارك و تعالی مثلها في يد قائمنا؛ لإتمام الحجّة على الأعداء». الاربعون، ص 67؛ خاتون آبادی، اربعين، ص 67؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 700.

اشاره

نیروهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از ملیت های گوناگونی تشکیل شده اند و به هنگام قیام، با شیوه خاصی فراخوانی می شوند. افرادی که از پیش برای فرماندهی تعیین شده اند، هدایت لشکریان و عملیات جنگی را به عهده می گیرند. سپاهیان که با شرایط خاصی در ارتش مهدی عجل الله تعالی فرجه پذیرفته می شوند، دارای ویژگی های مخصوص به خود هستند.

تعدادی در کادر اولیه حضور دارند و گروهی به ارتش حضرت می پیوندند و از گروهی به عنوان گارد حفاظت نام برده شده است.

در این فصل روایات مربوط به این موضوع را ملاحظه می فرمایید:

الف) فرماندهان سپاه

اشاره

در روایات، نام افرادی را می بینیم که یا عملیات نظامی خاصی و یا فرماندهی تعدادی از لشکریان به آنان نسبت داده شده است. در این قسمت به نام ها و عملکرد برخی از آنان اشاره می کنیم:

1. حضرت عیسی علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه ای می فرماید: «...آن گاه مهدی عجل الله تعالی فرجه، حضرت عیسی را به جانشینی خود، در عملیات تهاجمی علیه دجال برمی گزیند. عیسی علیه السلام برای یافتن و سرکوبی دجال حرکت می کند. دجال که همه جهان را در سلطه خود دارد و کشاورزی و نسل بشری را نابود کرده است، مردم را به خویش می خواند و هرکس او را بپذیرد، مورد

لطف قرار می گیرد و اگر خودداری ورزد، او را می کشد. سراسر جهان، جز مکه، مدینه و بیت المقدس را درهم نور دیده است و همه فرزندان نامشروع از شرق و غرب جهان پیرامونش گرد آمده اند.

دجال به سوی حجاز حرکت می کند و عیسی علیه السلام در گردنه «هرشا» به او می رسد و فریادی هولناک بر او می کشد و ضربه ای سخت بر او فرود می آورد و او را در شعله های آتش ذوب می کند؛ آن سان که سرب در آتش ذوب می شود». (1)

فرود آوردن ضربه ای که ذوب شدن دجال را در پی دارد، شاید در اثر به کارگیری مدرن ترین سلاح های آن روز باشد و ممکن است حکایت از اعجاز حضرت عیسی کند.

در ویژگی حضرت عیسی علیه السلام آمده است: او چنان ابّهی دارد که چون دشمن او را می بیند، به یاد مرگ می افتد؛ چنان که گویی عیسی قصد جانش را کرده است. (2)

2. شعیب بن صالح علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «سفینانی و صاحبان پرچم های سیاه با یک دیگر رودررو می شوند، درحالی که میان آنان جوانی از بنی هاشم است که در کف دست چپ او خال سیاهی است و در پیشاپیش لشکریان او شخصی از قبیله بنی تمیم به نام شعیب بن صالح است». (3) ممکن است گفته شود که دلالت بر مدعی ندارد، مگر به قرینه روایات دیگر.

حسن بصری می گوید: در سرزمین ری، شخصی به نام شعیب بن صالح که چهارشانه، سبزینه و بدون ریش است، خروج می کند. لشکری چهارهزار نفری تحت امر دارد که

ص: 116

1- . أمير المؤمنين عليه السلام: «ثم إنّه عليه السلام يجعل عيسى خليفته على قتال الأعداء الدجال، يخرج أميراً على جيش المهدي يطلب الأعداء الدجال وقد أهلك الحرث والنسل. وصاح على أغلب الدنيا، ويدعو الناس لنفسه بالربوبية، فمن أطاعه، أنعم عليه، ومن أبى قتله وقد وطئ الأرض كلها إلا مكة والمدينه وبيت المقدس وقد أطاعه جميع أولاد الزنى من مشارق الأرض ومغاربها، ثم يتوجه إلى أرض الحجاز، فيلحقه عيسى على (عقبه هرشا) فيزعم عليه عيسى زعمه و يتبعها بضره، فيذوب الدجال كما يذوب الرصاص في النار». الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 167.

2- . «و يلقى عليه مهابه الموت». ابن حمّاد، فتن، ص 161.

3- . على عليه السلام «يلتقى السفيناني ذا الرايات السود، فيهم شاب من بنى هاشم فى كفّه اليسرى خال و على مقدّمته رجل من بنى تميم يقال له: شعيب بن صالح...». ابن حمّاد، فتن، ص 86؛ عقد الدرر، ص 127؛ كنز العمال، ج 14، ص 588.

لباس های شان سفید و پرچم های شان سیاه است و آنان پیشقراول سپاهیان مهدی اند». (1)

عمار یاسر می فرماید: شعیب بن صالح، پرچمدار حضرت مهدی است. (2)

شبلنجی می گوید: فرمانده لشکریان پیشرو حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، مردی از قبیله بنی تمیم است که محاسن کمی دارد و او را شعیب بن صالح می نامند. (3)

محمد بن حنفیه می گوید: از خراسان سپاهی حرکت می کند که کمربندهای سیاه و پیراهن سفید پوشیده اند؛ جزو پیشقراولان سپاه، فرمانده ای به نام شعیب بن صالح یا صالح بن شعیب است که از قبیله تمیم است. آنان سپاهیان سفیانی را شکست داده، گریزان می کنند و در بیت المقدس فرود می آیند و زمینه حکومت حضرت مهدی را پایه ریزی می کنند. (4)

3. اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام و عبد الله بن شریک

ابو خدیجه می گوید: امام صادق علیه السلام می فرمود: «من از خدا خواستم که (فرزندم) اسماعیل را پس از من برجای گذارد؛ ولی خداوند نخواست و درباره او مقام دیگری به من بخشید؛ وی نخستین کسی است که با ده نفر از یارانش ظهور می کند و عبد الله بن شریک یکی از آن ده نفر است که پرچم دار اوست». (5)

ص: 117

- 1- عن الحسن: «يخرج بالري رجل ربه، أسمر مولى لبنى تميم، كوسج يقال له: شعيب بن صالح في أربعة آلاف ثيابهم بيض، وراياتهم سود، يكون مقدمه للمهدى». ابن طاووس، ملاحم، ص 53؛ عقد الدرر، ص 130؛ الشيعة والرجعه، ج 1، ص 210.
- 2- يقول الشبلنجي: «إن على مقدمه جيشه - أي المهدي - رجال - من تميم خفيف اللحيه، يقال له: شعيب بن صالح». ابن طاووس، ملاحم، ص 53؛ الشيعة والرجعه، ج 1، ص 211.
- 3- نور الابصار، ص 138؛ الشيعة والرجعه، ج 1، ص 211.
- 4- عن محمد بن الحنفية: «ثم تخرج من خراسان أخرى سوداء، قلانسهم سود، و ثيابهم بيض على مقدمتهم رجل يقال له: شعيب بن صالح أو صالح بن شعيب من تميم، يهزمون أصحاب السفیانی حين ينزل بيت المقدس، يوطئ للمهدى سلطانه». ابن حماد، فتن، ص 84؛ ابن المنادي، ص 47؛ دارمی، سنن، ص 98؛ عقد الدرر، ص 126؛ ابن طاووس، فتن، ص 52.
- 5- عن ابی خدیجه الجمال، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إنني سألت الله في إسماعيل أن يبقيه بعدى، فأبى و لكنّه قد أعطاني منه منزله أخرى أنّه أول منشور في عشره من أصحابه، و منهم عبد الله بن شريك العامري. و هو صاحب لوائه». الايقاظ من الهجعه، ص 266؛ ر.ك: كشي، اختيار معرفة الرجال، ص 217؛ ابن داود، رجال، ص 206.

امام باقر علیه السلام می فرمود: «گویا عبد الله بن شریک عامری را می بینم که عمامه مشکی بر سر نهاده، دو طرف عمامه اش بین شانه هایش افتاده، با سپاهی چهارهزار نفری پیش روی قائم ما از دامنه کوه بالا می روند و همواره تکبیر می گویند». (1)

4. عقیل و حارث

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «... حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه لشکر را حرکت می دهد تا آن که وارد عراق می شود؛ در حالی که سپاهیان، پیشاپیش و پشت سر او حرکت می کنند و فرمانده نیروهای پیشرو، مردی به نام عقیل است و فرماندهی سپاهیان پشت سر را مردی به نام حارث عهده دار است». (2)

5. جبیر بن خابور

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام نقل فرموده است: «این شخص - جبیر - در جبل الالهواز به همراه چهارهزار نفر - در حالی که سلاح ها را از نیام کشیده اند - منتظرند تا قائم اهل بیت ما ظهور کند. آن گاه این شخص همراه حضرت و در رکابش با دشمنان خواهد جنگید». (3)

ص: 118

1- عن أبي جعفر عليه السلام: «كأني بعبد الله بن شريك العامري، عليه عمامه سوداء ذؤابتاهما بين كتفيه، مصعدا في لحف الجبل، بين يدي قائمنا أهل البيت في أربعة آلاف يكرّون ويكرّون [يكرّون يكرّون]». الايقاظ من الهجعه، ص 266؛ ر. ك: بحار الأنوار، ج 53، ص 76؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 561. این دو نفر از حواریان اصحاب امام باقر و صادق علیهما السلام و بسیار مورد توجه آن دو بزرگوار بودند. ر. ک: تنقیح المقال، ج 2، ص 189؛ مستدرکات علم الرجال، ج 5، ص 34.

2- عن عليّ عليه السلام: «ثم يسير بالجيوش، حتى يصير بالعراق، والناس خلفه وأمامه. وعلى مقدّمته رجل اسمه عقيل وعلى ساقه رجل اسمه الحارث». الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 158.

3- عن الصادق عليه السلام: قال عليّ عليه السلام: «إنّ هذا - يعني جبیر الخابور - في جبل الالهواز في أربعة آلاف مدججين في السلاح. فيكونون معه حتى يقوم قائمنا أهل البيت فيقاتل معه». خرائج، ج 1، ص 185؛ بحار الأنوار، ج 41، ص 296؛ مستدرکات علم رجال الحديث 118: 2. درباره جبیر بن خابور با وجود پژوهش فراوان در کتاب های شیعه و سنی جز مطلب زیر، مطلب دیگری یافت نشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «جبیر بن خابور، گنجینه دار معاویه بود. او مادر پیری داشت که در شهر کوفه زندگی می کرد. روزی جبیر به معاویه گفت: دلم برای مادرم تنگ شده است؛ اجازه بده تا از او دیدار کنم تا کمی از حقوقی که بر گردن من دارد، ادا کنم. معاویه گفت: در شهر کوفه چه کار داری؟ در آن جا مرد جادوگری به نام علی بن ابی طالب است و اطمینان ندارم که تو را نفریبد. جبیر گفت: من با علی کاری ندارم. من می خواهم به دیدار مادرم بروم و حق او را به جا آورم. جبیر پس از کسب اجازه عازم سفر شد. آن گاه که به شهر کوفه رسید چون امیر المؤمنین علیه السلام پس از جنگ صفین پیرامون شهر کوفه دیده بان گماشته بود و رفت و آمدها را کنترل می کردند دیده بانان او را دستگیر کردند و به شهر آوردند. علی علیه السلام به او فرمود: «تو یکی از گنجینه های خداوندی. معاویه به تو چنین گفته است که من جادوگر هستم». جبیر گفت: سوگند به خدا که چنین گفته است. حضرت فرمود: «تو مالی همراه داشته ای که مقداری از آن را در منطقه عین التمر به خاک سپرده ای». جبیر این مطلب را نیز تصدیق کرد. سپس امیر مؤمنان علیه السلام به امام حسن علیه السلام دستور داد تا از وی پذیرایی کند. روز بعد علی علیه السلام به یاران خود فرمود: «این شخص در جبل الالهواز...». (ادامه مطلب در متن کتاب است).

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: «تو با چهل و چهار نفر دیگر با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه خواهید بود. تو در سمت راست حضرت علیه السلام امر و نهی می کنی و مردم در آن زمان بهتر از امروز از تو اطاعت می کنند». (1)

7. اصحاب کهف

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «اصحاب کهف برای یاری مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهند آمد». (2)

ب) ملّیت سپاهیان

اشاره

نیروهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از ملّیت های گوناگونی تشکیل می شوند. در روایات، سخنان گوناگونی در این باره وجود دارد. گاه از عجم ها به عنوان سپاهیان حضرت نام می برند که غیر عرب را دربر می گیرد. برخی روایات نام شهرها و کشورهای را ذکر می کنند که سپاهیان از آن جا به یاری حضرت می شتابند و گاهی سخن از قوم خاصی

ص: 119

- 1- الصادق علیه السلام: «یا مفضل، أنت و أربعة و أربعون رجلاً تحشرون مع القائم، أنت على يمين القائم تأمر و تنهى و الناس إذ ذاك أطوع لك منهم اليوم». دلائل الامامه، ص 248؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 573.
- 2- علی علیه السلام: «و یجىء له أصحاب الكهف». الهدایه، ص 31؛ ارشاد القلوب، ص 286؛ حلیه الابرار، ج 5، ص 303؛ تفسیر عیاشی، ص 32. افراد دیگری هم چون: یوشع بن نون و صی موسی و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابو دجانة و مالک اشتر و داود رقی و نجم بن اعین، حمران بن اعین و میسر بن عبد العزیز هستند که در روایات، به زنده شدن دوباره آنان و حضورشان در زمام امام قائم علیه السلام اشاره شده است که ما در بخش آینده به آن اشاره خواهیم کرد.

مانند توبه کنندگان بنی اسرائیل، مؤمنان مسیحی و انسان های وارسته رجعت یافته است که به یاری حضرت می آیند.

در این فصل برخی روایات را در این زمینه یادآور می شویم:

1. ایرانیان

اشاره

از روایات فهمیده می شود که تعداد قابل توجهی از سپاهیان مخصوص و ارتش مهدی عجل الله تعالی فرجه از ایرانیان هستند و از آنان با تعبیرهای، اهل ری، اهل خراسان، گنج های طالقان، قمی ها، اهل فارس و... یاد شده است.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «نیروهایی با پرچم های سیاه-که از خراسان قیام کرده اند- در کوفه فرود می آیند و هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در شهر مکه ظهور می کند، با آن حضرت بیعت می کنند». (1)

امام باقر علیه السلام می فرمود: «یاران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه سی صد و سیزده نفرند و از فرزندان عجم (غیر عرب) می باشند». (2)

عبد الله بن عمر می گوید: پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «خداوند قدرت شما (مسلمانان) را از عجم ها قرار می دهد؛ آنان شیرانی هستند که هرگز از رزمگاه نمی گریزند. شما (عرب ها) را می کشند و دارائی های تان را می برند». (3)

حذیفه نیز از پیامبر صلی الله علیه و اله روایتی به همین مضمون نقل می کند. (4) البته در دلالت این

ص: 120

1- الباقر علیه السلام: «تنزل الرايات السود- التي تخرج من خراسان- الكوفة، فإذا ظهر المهدي بمكة بعث إليه بالبيعة». ابن حنّاد، فتن، ص 85؛ عقد الدرر، ص 129؛ الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 69.

2- الباقر علیه السلام: «أصحاب القوائم ثلاث مائه و ثلاثة عشر رجلا أولاد العجم». نعمانی، غیبیه، ص 315؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 547؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 369.

3- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «يملاً الله عزّ و جلّ أيا دیکم من الأعاجم و یصیرون أسدا لا یفرّون، یضربون أعناقکم، و یأکلون فیئکم». فردوس الاخبار، ج 5، ص 366.

4- حذیفه: «یوشک أن یملاً الله أیدیکم من العجم، و یجعلهم أسدا لا یفرّون، فیضربون رقابکم و یأکلون فیئکم». من المحتمل قویاً أنّ الروایه الأخير و قبلها اشاره إلى تحالف القوى الکافره و هجماتهم الشرسه ضدّ مصالح الإسلام و المسلمین. و لیست مرتبطه بالحركات الممهّده و الموطئه لدوله المهدي علیه السلام. عبد الرزاق، مصنّف، ج 11، ص 385؛ المعجم الکبیر، ج 7، ص 268؛ حلیه الاولیاء، ج 3، ص 24؛ فردوس الاخبار، ج 5، ص 445.

روایت جای اندیشه و اشکال است. بر پایه روایات، روزی فرامی رسد که ایرانیان برای گسترش اسلام و بازگرداندن عرب ها به اسلام، بر آنان شمشیر می کشند و مخالفان را گردن می زنند. وضعیت عرب ها در آن روزگار بسیار ناخوشایند است و روزهای سخت و ناگواری را در پیش دارند.

هرچند عجم به غیر عرب گفته می شود، ولی به طور قطع ایرانیان را نیز دربر می گیرد.

بر اساس روایاتی دیگر، در زمینه سازی عملیاتی که پیش از ظهور و به هنگام قیام حضرت مهدی صورت می گیرد، ایرانیان نقش اساسی دارند و تعداد فراوانی از جنگ آوران را تشکیل می دهند.

در خطبه ای که علی علیه السلام درباره یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه و ملیت آنها، ایراد کرده است، نام برخی از شهرهای ایران ذکر شده است.

اصبغ بن نباته می گوید: امیر مؤمنان علیه السلام خطبه ای ایراد کرد و در ضمن آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و یارانش را - که همراه حضرت قیام می کنند - برشمرد و فرمود: «از اهواز یک نفر؛ از شوشتر یک نفر؛ از شیراز سه نفر به نام های حفص، یعقوب و علی؛ از اصفهان چهار نفر به نام های موسی، علی، عبد الله و غلفان؛ از بروجرد یک نفر به نام قدیم؛ از نهاوند یک نفر به نام عبد الرزاق؛ از همدان (1) سه نفر به نام های جعفر، اسحاق و موسی؛ از قم ده نفر که هم نام اهل بیت رسول خدا هستند (و در حدیثی دیگر هیچده نفر ذکر شده است)؛ از شیروان یک نفر؛ از خراسان یک نفر به نام درید و نیز پنج نفر که هم نام اصحاب کهف هستند؛ از آمل یک نفر؛ از جرجان یک نفر؛ از دامغان یک نفر؛ از سرخس یک نفر؛ از ساوه یک نفر؛ از طالقان بیست و چهار نفر؛ از قزوین دو نفر؛ از فارس یک نفر؛ از ابهر یک نفر؛ از اردبیل یک نفر؛ از مراغه سه نفر؛ از خوی یک نفر؛ از سلماس یک نفر؛ از آبادان سه نفر؛ از کازرون یک نفر».

پس امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله سی صد و سیزده نفر از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه به تعداد یاران بدر را برای من برشمرد و فرمود: خداوند آنان را، در کم تر از یک چشمدم.

ص: 121

1- احتمال دارد که منظور قبیله همدان از قبایل عرب باشد.

به هم زدن از مشرق و مغرب زمین، در کنار کعبه گرد می آورد». (1)

چنان که مشاهده می کنید از سی صد و سیزده نفر سپاه مخصوص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه - که در آغاز قیام همراه آن حضرت هستند - هفتاد و دو نفر از شهرهای کنونی ایران می باشند و اگر طبق نقلی که دلایل الامامه (2) طبری آمده است، محاسبه شود، یا نام شهرهایی که در آن روزگار از ایران بوده است، آورده شود، تعداد ایرانیان از این نیز بیش تر می شود.

در این روایت گاهی نام شهری دوبار آمده است یا این که نام چند شهر از یک کشور آمده است و آن گاه نام همان کشور نیز ذکر شده است.

در صورتی که روایت به طور صحیح نقل شده باشد، شاید نمایانگر تقسیمات و نام گذاری آن روزگار است و تقسیمات جغرافیایی این عصر نمی تواند ملاک تفسیر و فهم این روایت قرار گیرد؛ زیرا نام شهرها تغییر یافته، گاهی نام یکی از شهرها، در روزگار کنونی بر کشوری گفته می شود.

نکته دیگر این که با تطبیق دادن نام شهرها بر نقشه جغرافیایی کنونی جهان، شاید بتوان نتیجه گرفت که یاوران حضرت در سراسر جهان پراکنده هستند و ممکن است واژه افرنجه - که در روایت آمده است - اشاره به مغرب زمین باشد. اگر این تطبیق و سخن صحیح باشد، روایت با جمله «لو خلیت قلبت» مصداق و معنا پیدا می کند؛ زیرا زمین در هیچ دورانی از افراد نیک تهی نمی گردد و گرنه سرنگون و نابود می گردد.

و طبق روایت ابن طاوس: دو نفر از بصره؛ یک نفر از اهواز؛ یک نفر از عسکر مکرم (3)؛ یک نفر از شوشتر؛ یک نفر از دورق (4)؛ یک نفر از باسیان (5)؛ نام او علی است؛ سه نفر از بشم (6) به نام های احمد و عبد الله و جعفر؛ دو نفر از عمان به نام های محمد و حسن؛ 8.

ص: 122

1- دلایل الامامه، ص 316.

2- دلایل الامامه، ج 316.

3- یکی از شهرهای خوزستان منسوب به مکرم بن معز است. (معجم البلدان، ج 4، ص 123).

4- یکی از شهرهای خوزستان است، و به آن دورق الفرس نیز می گویند. همان، ج 2، ص 483.

5- یکی از روستاهای خوزستان است، همان، ج 1، ص 322.

6- حمویی می گوید: منطقه ای است بین ری و طبرستان و از مناطق سردسیر است. همان، ص 428.

دو نفر از سیراف به نام های شداد و شدید؛ سه نفر از شیراز به نام های حفص و یعقوب و علی؛ چهار نفر از اصفهان به نام های موسی و علی و عبد الله و غلفان؛ یک نفر از ایذج (1) به نام یحیی؛ یک نفر از مرج العرح به نام داوود؛ یک نفر از کرخ (2) به نام عبد الله؛ یک نفر از بروحس (3) به نام قدیم؛ یک نفر از نهاوند (4) به نام عبد الرزاق؛ دو نفر از دینور به نام های عبد الله و عبد الصمد؛ سه نفر از همدان به نام های جعفر و إسحاق و موسی؛ ده نفر از قم هم نام با اهل بیت پیامبر علیهم السلام؛ یک نفر از خراسان به نام درید؛ پنج نفر از دفن (5) هم نام اصحاب کهف؛ یک نفر از آمد (6)؛ یک نفر از آمل؛ یک نفر از جرجان؛ یک نفر از هرات؛ یک نفر از بلخ؛ یک نفر از قراح (7)؛ یک نفر از عانه؛ یک نفر از دامغان؛ یک نفر از حرخس (8)؛ سه نفر از سفنارس (9)؛ یک نفر از ساوه؛ یک نفر از سمرقند؛ بیست و چهار نفر از طالقان، همان هایی هستند که پیامبر اکرم درباره شان فرمود: در خراسان گنج هایی است که نه طلا و نه نقره است، بلکه مردهایی هستند که خدا و رسول او آنها را در روز مقرر گرد هم می آورد؛ دو نفر از قزوین؛ یک نفر از فارس؛ یک نفر از ابهر؛ یک نفر از برجان (10) از [طایفه] جموح؛ یک نفر از ساج (11)؛ یک نفر از صریح (12)؛ یک نفر از اردبیل؛ یک نفر از بریل (13)؛ 7.

ص: 123

- 1- امروز به آن ایده می گویند. فرهنگ معین، ج 5، ص 206؛ معجم البلدان، ج 2، ص 288.
- 2- کرخ ظاهرا اسم غیر عربی و اصلا نبطی است. ولی نام مکان های متعددی است که بیش تر آنها در عراق واقع شده. کرخ با جدا، همان کرخ سامر است، و کرخ بصره، و کرخ بغداد، و کرخ جلدان در خانقین، و کرخ رقه و کرخ میسان در استرآباد و کرخ عبرتا، و کرخ خوزستان، کرخه. معجم البلدان، ج 4، ص 450.
- 3- چنین آمده است.
- 4- از شهرهای نزدیک کرمانشاه است. همان، ج 2، ص 544.
- 5- منطقه ای است نزدیک به نجران (حجاز). همان، ص 578.
- 6- بزرگ ترین شهر از شهرهای دیار بکر ترکیه است. همان، ج 1، ص 57.
- 7- یکی از محله های بغداد است. همان، ج 4، ص 315.
- 8- بدون نقطه آمده است.
- 9- بدون نقطه آمده است.
- 10- از نواحی خزر می باشد. همان، ج 1، ص 372.
- 11- شهری معروف بین کابل و غزنین. همان، ج 3، ص 170.
- 12- بدون نقطه آمده است.
- 13- از شهرهای اندلس. همان، ج 1، ص 407.

یک نفر از تدمر (1)؛ یک نفر از آرمینییه؛ یک نفر از اردبیل (2)؛ یک نفر از ندلیس (3)؛ یک نفر از نشور (4)؛ یک نفر از برکری؛ یک نفر از ارجیش (5)؛ یک نفر از منازجرد (6)؛ یک نفر از خلایط (7)؛ یک نفر از قالیقل (8)؛ سه نفر از واسط؛ ده نفر از زوراء؛ چهار نفر از کوفه؛ یک نفر از قادیسیه؛ یک نفر از سورا (9)؛ یک نفر از صراه؛ یک نفر از نیل؛ یک نفر از صیداء؛ یک نفر از جرجان؛ یک نفر از قصور؛ یک نفر از انبار؛ یک نفر از عکبری؛ یک نفر از حبار (10)؛ یک نفر از تبوک؛ یک نفر از جامده (11)؛ سه نفر از آبادان؛ سه نفر از حدیثه موصل (12)؛ یک نفر از معلثایا (13)؛ یک نفر از نصیبین (14)؛ یک نفر از اردن؛ یک نفر از فارقین؛ یک نفر از لامد (15)؛ یک نفر از رأس عین (16)؛ یک نفر از رقه؛ یک نفر از حران؛ یک نفر از بالیس (17)؛ یک نفر از منبع (18)؛ سه نفر از طرطوس (19)؛ یک نفر از قصر (20)؛ یک نفر از اذنه (21)؛ یک نفر از 4.

ص: 124

- 1- از شهرهای شام است. همان، ج 2، ص 17.
- 2- بین یمن و یمامه. همان، ص 438.
- 3- مقصود بدلیس از شهرهای ترکیه است. همان، ج 1، ص 358.
- 4- از روستاهای دینور در کرمانشاه است. همان، ج 5، ص 286.
- 5- از شهرهای باستانی آرمینییه ترکیه است. همان، ج 1، ص 144.
- 6- از شهرهای معروف آرمینییه ترکیه است. همان، ج 5، ص 202.
- 7- از روستاهای معروف آرمینییه ترکیه است. همان، ج 2، ص 380.
- 8- از شهرهای اطراف آرمینییه است. همان، ج 4، ص 299.
- 9- از نواحی نزدیک به شهر حله است. همان، ج 3، ص 278.
- 10- در اصل، چنین آمده است.
- 11- از روستاهای بزرگ اطراف بصره است. همان، ج 2، ص 95.
- 12- از نواحی موصل است. همان، ص 230 و ج 5، ص 158.
- 13- از نواحی موصل است. همان، ص 230 و ج 5، ص 158.
- 14- بین راه موصل و شام است. همان، ج 5، ص 288.
- 15- محتمل است «آمد» و یا «لامرد» باشد.
- 16- از نواحی و مناطق موصل است. همان، ج 3، ص 14.
- 17- میان حلب و رقه واقع شده است. همان، ج 1، ص 328.
- 18- از شهرهای روم است. همان، ج 5، ص 205.
- 19- از شهرهای مرزی شام است. همان، ج 4، ص 28.
- 20- بر نواحی متعددی اطلاق می شود. همان، ج 1، ص 132.
- 21- از شهرهای مرزی شام است. همان، ج 5، ص 144.

خمیری؛ یک نفر از عرار (1)؛ یک نفر از قوروص؛ یک نفر از انطاکیه؛ سه نفر از حلب، دو نفر از حمص؛ چهار نفر از دمشق؛ یک نفر از سوریه؛ دو نفر از قسوان؛ یک نفر از قیمون (2)؛ یک نفر از اصوریه (3)؛ یک نفر از کرار (4)؛ یک نفر از اذرح (5)؛ یک نفر از عائر (6)؛ یک نفر در لاکار (7)؛ دو نفر در بیت المقدس؛ یک نفر در رمله (8)؛ یک نفر از صور؛ یک نفر از عرفات؛ یک نفر از عسقلان؛ یک نفر از غزه؛ چهار نفر از فسطاط؛ یک نفر از بس (9)؛ یک نفر از دمیاط (10)؛ یک نفر از محلّه (11)؛ یک نفر از اسکندریه؛ یک نفر از برقه (12)؛ یک نفر از طنجه (13)؛ یک نفر از آفرنجه (14)؛ یک نفر در قیروان (15)؛ پنج نفر از سوس دور (16)؛ دو نفر از قبرس؛ سه نفر از حمیم؛ یک نفر از قوس (17)؛ یک نفر از عدن؛ یک نفر از علاقی (18)؛ ده نفر از شهر مدینه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله؛ چهار نفر از مکه مکرمه؛ یک نفر از طائف؛ یک نفر از دبر (19)؛ یک نفر از شیروان؛ یک نفر از زبید (20)؛ ده نفر از صبرا؛ یک نفر از احساء؛ یک نفر از قطیف؛ یک نفر 1.

ص: 125

- 1- در فلات نجد واقع است. همان، ج 4، ص 93.
- 2- از نواحی و مناطق فلسطین است. همان، ص 424.
- 3- بدون نقطه آمده است.
- 4- بدون نقطه آمده است.
- 5- از نواحی شام است. همان، ج 1، ص 129.
- 6- منطقه ای است در مدینه. همان، ج 4، ص 73.
- 7- یکی از شهرهای فلسطین است. همان، ج 3، ص 69.
- 8- یکی از شهرهای فلسطین است. همان، ج 3، ص 69.
- 9- چنین آمده است.
- 10- از شهرهای باستانی است و در نزدیکی مصر است. همان، ج 2، ص 472.
- 11- از شهرهای مصر است. همان، ج 5، ص 63.
- 12- میان مصر و آفریقا است. همان، ج 1، ص 388.
- 13- از شهرهای ساحلی عربی است. همان، ج 4، ص 43.
- 14- از شهرهای مجاور روم، در شمال اندلس است. همان، ج 1، ص 228.
- 15- از شهرهای آفریقایی (مغرب) است. همان، ج 3، ص 281.
- 16- از شهرهای مغرب است. همان، ج 1، ص 228.
- 17- یکی از دره های حجاز است. همان، ج 3، ص 281.
- 18- در جنوب مصر واقع است. همان، ج 4، ص 145.
- 19- اطراف شهر صنعاء یمن است. همان، ج 2، ص 437.
- 20- از شهرهای یمن است. همان، ج 3، ص 131.

1- ابن طاووس، الملاحم، چاپ مؤسسه صاحب الأمر.

2- عن الأصبغ من نباته، قال: خطب أمير المؤمنين على عليه السلام، خطبه فذكر المهديّ و خروج من يخرج معه و أسماءهم فقال له أبو خالد الحلبي: صفه لنا يا أمير المؤمنين؟ فقال على عليه السلام: «ألا إته أشبه الناس خلقا و خلقا و حسنا برسول الله صلى الله عليه و اله و سلم. ألا أدلكم على رجاله و عددهم؟» قلنا: بلى يا أمير المؤمنين؛ قال: «سمعت رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم قال: أولهم من البصره و آخرهم من اليمامة» و جعل علىّ يعدّد رجال المهدي و الناس يكتبون، فقال: «رجلان من البصره و رجل من الأهواز، و رجل من عسكر مكرم، و رجل من مدينه تستر، و رجل من دورق، و رجل من الباستان و اسمه على. و ثلاثة من اسمه، أحمد و عبد الله و جعفر، و رجلان من عمّان- محمّد و الحسن- و رجلان من سيراف- شداد و شديد-. و ثلاثة من شيراز:- حفص و يعقوب و على- و أربعة من أصفهان:- موسى و على و عبد الله و غلفان-، و رجل من أبدح و اسمه يحيى، و رجل من المرج (العرج) و اسمه داود، و رجل من الكرخ و اسمه عبد الله و رجل من بروجرد اسمه قديم. و رجل من نهاوند و اسمه عبد الرزاق، و رجلان من الدينور:- عبد الله و عبد الصمد- و ثلاثة من همدان:- جعفر و إسحاق و موسى-، و عشره من قم أسماؤهم على أسماء أهل بيت رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، و رجل من خراسان اسمه دريد، و خمسة من الذين أسماؤهم على أهل الكهف، و رجل من آمل. و رجل من جرجان، و رجل من هراه، و رجل من بلخ، و رجل من قراح و رجل من عانه، و رجل من دامغان، و رجل من سرخس، و ثلاثة من السيار، و رجل من ساوه، و رجل من سمرقند، و أربعة و عشرون من الطالقان، و هم الذين ذكرهم رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم و في خراسان كنوز لا- ذهب و لا فضّه، و لكن رجال يجمعهم الله و رسوله، و رجلان من قزوین، و رجل من فارس و رجل من أبهر و رجل من بركان من جموح، و رجل من شاخ، و رجل من صريح، و رجل من أردبیل، و رجل من مراد، و رجل من تدمر، و رجل من أرمينية، و ثلاثة من المراغه و رجل من خوی، و رجل من سلماص، و رجل من أردبیل و رجل من بدليس، و رجل من تسور، و رجل من برکری، و رجل من سرخيس، و رجل من منارجرّد، و رجل من قرقیلا، و ثلاثة من واسط، و عشره من الزوراء، و أربعة من الكوفه، و رجل من القادسيه، و رجل من سوزاء، و رجل من السراه، و رجل من النيل و رجل من صيداء، و رجل من جرجان و رجل من القصور، و رجل من الأنبار، و رجل من عکبرا، و رجل من الحنانه، و رجل من تبوک، و رجل من الجامده، و ثلاثة من عبّادان، و ستّه من حديثه الموصل، و رجل من الموصل، و رجل من مغلثايا، و رجل من نصيبين، و رجل من كازرون و رجل من فارقين، و رجل من آمد، و رجل من رأس العين، و رجل من الرقه، و رجل من حران، و رجل من بالس، و رجل من قبج، و ثلاثة من طرطوس، و رجل من القصر، و رجل من آدنه، و رجل من خمري، و رجل من عرار، و رجل من قورص، و رجل من أنطاكيه، و ثلاثة من حلب، و رجلان من حمص، و أربعة من دمشق، سوریه. و رجلان من قسوان، و رجل من قيموت، و رجل من صور، و رجل من كراز، و رجل من أذرح، و رجل من عامر، و رجل من دكار، و رجل من بيت المقدس، و رجل من الرمله... و رجلان من عكا، و رجل من صور، و رجل من عرفات، و رجل من عسقلان، و رجل من غزّه، و أربعة من الفسطاط. و رجل من قرميس، و رجل من دمياط، المحلّه. و رجل من الإسكندريه، و رجل من برفه، و رجل من طنجه أفرنجه، و رجل من القيروان، و خمسة من السوس الأقصى، و رجل من قبرص. و ثلاثة من حميم، و رجل من قوص، و رجل من عدن، و رجل من علالي، و عشره من مدينه الرسول صلى الله عليه و اله و سلم، و أربعة من مكّه، و رجل من الطائف، و رجل من الدير، و رجل من الشيروان، و رجل من زييد، و عشره من مرو، و رجل من الأحساء، و رجل من القطيف، و رجل من هجر، و رجل من اليمامة- قال عليه الصلاه و السلام-؛ أحصاهم لي رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا بعدد اصحاب بدر يجمعهم الله من مشرقها إلى مغربها في أقلّ ممّا ينمّ الرجل عيناه، عند بيت الله الحرام...». ابن طاووس، ملاحم، ص 146.

البته بعضی شهرها تکرار شده و بعضی از شهرها غیر واقع و بدون نقطه آمده که شاید از اغلاط و اشتباهات نسخه بردارها بوده است. به هر حال در صورت صحت سند، تعداد افرادی که از هر نقطه ای به امام زمان علیه السلام ملحق می شود و اعضای اولیه را تشکیل می دهند بیان می کند. و شاید این نام ها استعاره و رمزی باشد، و آنان نام های دیگری داشته باشند.

روایت طولانی و مفصل است، و ما مورد نیاز را آوردیم و به آن بسنده کردیم.

در روایاتی دیگر از شهرهای به خصوصی نیز نام برده شده است که در این جا به ذکر چند روایت درباره شهرهای قم، خراسان و طالقان بسنده می کنیم:

قم

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خاک قم، مقدس است... مگر نه این که آنان یاران قائم ما هستند و دعوت کننده به حق ما می باشند؟».

(1)

عفان بصیری می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا می دانی چرا شهر قم را به نام قم نامیدند؟» عرض کردم: خدا و رسولش و شما بهتر می دانید. فرمود: «زیرا مردم قم پیرامون قائم گرد می آیند و با او می مانند و پایداری می کنند و به او یاری می رسانند». (2)

خراسان

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «... در خراسان گنج هایی است که از جنس طلا و نقره نیست؛ بلکه مردانی هستند که عقیده به خدا و رسولش، آنان را در کنار

ص: 127

-
- 1- عن الصادق علیه السلام: «تربه قم مقدسه... أما و إنهم أنصار قائمنا و دعاه حقنا». بحار الأنوار، ج 57، ص 218.
 - 2- عفان البصری: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال لي «أتدري لم سمى قم؟» قلت: الله ورسوله و أنت أعلم، قال: «إنما سمى قم، لأن أهلها يجتمعون مع قائم آل محمد صلی الله علیه و اله و سلم، و يقومون معه و يستقيمون عليه و ينصرونه». بحار الأنوار، ج 57، ص 216.

هم دیگر گرد خواهد آورد». (1) شاید مقصود این است که آنان در اعتقاد راستین به خدا و رسولش مشترکند. یا این که همه را خداوند در یک روز در مکه گرد خواهد آورد.

طالقان

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «خوشا به حال طالقان! زیرا خداوند در آن جا گنج هایی دارد که از جنس طلا و نقره نیستند؛ بلکه مردانی مؤمن هستند که خداوند را به حق شناخته اند و آنان یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در آخر الزمان می باشند». (2)

2. عرب ها

روایات مربوط به شرکت عرب ها در قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بر دو دسته اند: برخی بر عدم شرکت آنان در انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه دلالت دارد و تعدادی از روایات، برخی از شهرهای کشورهای عربی را نام می برد که از آن جا افرادی به پشتیبانی از حضرت قیام می کنند.

روایاتی که دلالت بر عدم شرکت عرب ها دارد، در صورت صحیح بودن سند، قابل توجیه است؛ زیرا ممکن است در سپاهیان مخصوصی - که در آغاز قیام همراه حضرت خواهند بود - عرب ها شرکت نداشته باشند؛ چنان چه شیخ حرّ عاملی در کتاب اثبات الهداه روایات را این گونه شرح داده است و درباره شهرهای عربی نیز که در روایات نام برده شده است، شاید از آن جا سپاهیان غیر عربی - که در آن جا سکونت دارند - به یاری حضرت بشتابند؛ نه کسانی که اصالت عربی دارند و یا مراد حکومت ها و دولت های عربی است. به این دسته روایات توجه کنید:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «از عرب ها بپرهیزید؛ زیرا آینده بد و خطرناکی

ص: 128

- 1 - قال أمير المؤمنين عليه السلام: «سمعت رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم قال: «... و في خراسان كنوز لا ذهب و لا فضة، و لكن رجال يجمعهم الله و رسوله». ابن طاوس، ملاحم، ص 147؛ روضه الواعظين، ص 310؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 304.
- 2 - عن أمير المؤمنين عليه السلام: ويحا للطالقان: فإن لله عزّ و جلّ بها كنوزا ليست من ذهب و لا فضة و لكن بها رجال مؤمنون عرفوا الله حقّ معرفته و هم أنصار المهدي عليه السلام في آخر الزمان». برهان الهندي، ص 150؛ كشف الغمّة، ج 3، ص 268؛ كنز العمال، ج 14، ص 591؛ شافعي، بيان، ص 106؛ ينابيع المودّة، ص 91.

در پیش دارند؛ مگر نه این است که کسی از آنان همراه حضرت مهدی قیام نمی کند». (1)

شیخ حرّ عاملی می گوید: شاید مراد از این سخن امام صادق علیه السّلام آغاز قیام حضرت علیه السّلام است یا کنایه از کمی شرکت آنان است....

رسول خدا صلیّ الله علیه و اله می فرماید: «بزرگان و انسان های شریفی از سرزمین شام (سوریه) به حضرت مهدی عجلّ الله تعالی فرجه می پیوندند و نیز کسانی که از قبایل و سرزمین های گوناگون اطراف شام هستند؛ آنان چنانند که گویی دل های شان پاره های آهن است. آنان پارسایان شب و شیران روزند». (2)

امام باقر علیه السّلام می فرماید: «سی صد و سیزده نفر، به عدد یاران جنگ بدر، در میان رکن و مقام (در کعبه) با حضرت مهدی عجلّ الله تعالی فرجه بیعت می کنند. در میان آنان بزرگانی از مردم مصر و نیکانی از شام و نیکانی از مردم عراق به چشم می خورند. حضرت فرمانروایی خواهد کرد، آن مقدار که خدا بخواهد». (3)

نیز امام باقر علیه السّلام درباره شهر کوفه می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم عجلّ الله تعالی فرجه ظهور کند و به کوفه بیاید، خداوند از پشت کوفه (نجف) هفتاد هزار انسان صدیق و راستگو را بر می انگیزد. آنان از یاران و اصحاب حضرتش خواهند بود». (4)

3. پیروان ادیان گوناگون

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السّلام فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد صلیّ الله علیه و اله ظهور کند، تعدادی از پشت کعبه بیرون می آیند که عبارتند از: بیست و هفت نفر از

ص: 129

1- عن الصادق علیه السّلام: «أتق العرب؛ فإنّ لهم خبر سوء، أما إنّه لا- يخرج مع القائم واحد منهم». طوسی، غیبیه، ص 284؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 517؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 333.

2- قال رسول الله صلیّ الله علیه و اله و سلّم: «... يخرج إليه الأبدال من الشام و أشتاتهم كأنّ قلوبهم زبر الحديد رهبان باللیل و لیوث بالنهار». ابن طاوس، ملاحم، ص 142؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 304.

3- عن أبي جعفر علیه السّلام: «يباع بين الركن و المقام ثلاث مائه و نيف عدّه أهل بدر، فيهم النجباء من أهل مصر، و الأبدال من أهل الشام، و الأخيار من أهل العراق، فيقيم ما شاء الله أن يقيم». طوسی، غیبیه، چاپ جدید، ص 477؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 334؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 518.

4- و عنه علیه السّلام، «إذا ظهر القائم و دخل الكوفه، بعث الله تعالی من ظهر الكوفه سبعين ألف صدّيق، فيكونون في أصحابه و أنصاره». ابن طاوس، ملاحم، ص 43؛ ينابيع المودّه، ج 2، ص 435؛ الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 456.

قوم موسی- آنان که به حق قضاوت می کنند- هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن (1) آل فرعون (2)....

امام صادق علیه السلام می فرماید: «روح مؤمنان، آل محمد صلی الله علیه و اله را در کوه های رضوی می بینند و از غذای آنان می خورند و از نوشیدنی های آنان می آشامند؛ در مجالس آنان شرکت می جویند و با ایشان هم سخن می شنوند تا روزگاری که قائم ما اهل بیت قیام کند. در آن هنگام که خداوند آنان را برمی انگیزد؛ آنان گروه گروه دعوت حضرت را می پذیرند و همراه حضرت می آیند. در آن روزگار صاحبان عقاید باطل به شک و تردید دچار می شوند و گروه ها و احزاب و مدعیان طرفداری و پیروی، از هم می پاشند و مقربان درگاه الهی (و مؤمنان) نجات می یابند». (3)

ابن جریح می گوید: شنیده ام هنگامی که دوازده قبیله از بنی اسرائیل پیامبران خود را کشتند و کافر شدند، یک قبیله از این رفتار پشیمان شد، و از کرده خویش بیزاری جستند و از خداوند درخواست جدایی میان آنان با دیگر قبایل کردند. خداوند کانالی در زیر زمین گشود که آنان به مدت یک سال و نیم در آن حرکت می کردند تا این که از پشت سرزمین چین سر در آوردند و هنوز در آن جا به سر می برند. آنان مسلمان هستند و به قبله ما روی می آورند. (4)6.

ص: 130

1- نامش سماک بن خرشه انصاری است. مرحوم مامقانی درباره اش می فرماید: من او را حسن الحال می دانم... (تنقیح المقال، ج 2، ص 68).

2- عن المفصّل بن عمر: عن أبي عبد الله عليه السلام: «إذا قام قائم آل محمد، استخرج من ظهر الكعبة سبعة وعشرين رجلاً من قوم موسى الذين يقضون بالحقّ و به يعدلون، و سبعة من أصحاب الكهف، و يوشع وصيّ موسى، و مؤمن آل فرعون، و سلمان الفارسي، و أبا دجانه الأنصاري و مالک الأشر». روضه الواعظین، ج 2، ص 266.

3- عن أبي عبد الله عليه السلام: «إنّ أرواح المؤمنین یرون آل محمد فی جبل رضوی، فتأکل من طعامهم و تشرب من شرابهم و تحدّث معهم فی مجالسهم حتی یقوم قائمنا أهل البيت، فإذا قام قائمنا، بعثهم الله معه، یلبثون زمراً فزماً، فعند ذلك یرتاب المبطلون، و یضمحلّ المنتحلون، و ینجو المقربون». الکافی، ج 3، ص 131؛ الإیقاظ، ص 290؛ بحار الأنوار، ج 27، ص 308؛ معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج 4، ص 101.

4- عن ابن جریح: بلغنی أن بنی اسرائیل لما قتلوا أنبیاءهم، و کفروا و كانوا اثنی عشر سبطاً. تبرأ سبط منهم. ممّا صنعوا و اعتذروا و سألوا الله أن یفرّق بینهم و بینهم، ففتح الله لهم نفقا من الأرض، فساروا فیہ سنه و نصف سنه حتی خرجوا من وراء الصین، فهم هناك، حنفاء مسلمین، یستقبلون قبلتنا. بحار الانوار، ج 4، ص 316.

برخی می گویند: جبرئیل در شب معراج، پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله را نزد آنان برد و حضرت ده سوره از سوره های مکی قرآن را برای آنان خواند. آنان ایمان آوردند و رسالت حضرتش را تصدیق کردند. پیامبر صلی الله علیه و اله به آنان دستور داد در همان جا اقامت داشته باشند و شنبه (که روز تعطیلی یهودیان است) کار را رها کنند و نماز را به پا دارند و زکات بدهند. آنان نیز پذیرفتند و این وظایف را انجام دادند. و فریضه دیگری واجب نشده بود. (1)

ابن عباس می گوید:

در تفسیر آیه مبارکه وَ قُلْنَا مَنْ بَعْدَهُ لَبِنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا (2) و پس از آن به بنی اسرائیل فرمان دادیم که در آن سرزمین ساکن شوید تا از آن پس که وعده آخرت فرارسد، همه شما را باز مبعوث گردانیم). گفته اند که مراد از وعده آخری، ظهور حضرت عیسی علیه السلام است که بنی اسرائیل همراه آن حضرت قیام می کنند؛ ولی اصحاب ما روایت کرده اند که آنان به همراه حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و اله قیام می کنند. البته شاید منافات نداشته باشد، چون در «وعد الآخرة» حضرت عیسی به همراه حضرت مهدی علیهما السلام، وزیر ایشان خواهد بود.

در تفسیر آیه شریفه وَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِه يَعْدِلُونَ؛ (3) گروهی از قوم موسی به (دین) حق هدایت گردیده، به آن دین باز می گردند (مردم را هم به دین اسلام و قرآن دعوت می کنند). مرحوم مجلسی می فرماید: در این که این امت چه کسانی هستند، اختلاف نظر است.

برخی چون ابن عباس می گویند: آنان قومی هستند که در آن سوی چین زندگی می کنند و میان سرزمین آنان و چین، بیابانی از شن روان فاصله شده است. آنان هرگز در 9.

ص: 131

1- .وقیل: إنَّ جبرئیل انطلق بالنبي صلی الله علیه و اله و سلّم ليله المعراج إليهم، فقرأ عليهم من القرآن عشر سور نزلت بمكّه فأمّنوا به و صدّقوه، و أمرهم أن يقيموا مكانهم و يتركوا السبت و أمرهم بالصلاه و الزكاه و لم يكن نزلت فریضه غير هما ففعلوا». بحار الأنوار، ج 54، ص 316.

2- .الإسراء(بنی اسرائیل)(17) آیه 104.

3- .اعراف(7) آیه 159.

حکم خدا، دگرگونی و تبدیل پدید نمی آورند. (1)

امام باقر علیه السلام در وصف آنان می فرماید: «آنان مالی را مخصوص به خود نمی دانند، بدون این که برادر ایمانی شان را در آن شریک بدانند. آنان نیز شب استراحت می کنند و روز بیدارند و به کشاورزی اشتغال دارند. ولی کسی از ما (مردم) به سرزمین آنان نمی رسد و فردی از آنان به سرزمین ما (مردم) نمی آید و آنان بر حق هستند». (2)

درباره آیه شریفه وَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ؛ (3) برخی از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم، از آنان عهد گرفتیم که پیرو (کتاب) و رسول خدا باشند.

آنان از آن چه (در انجیل) پند داده شدند، نصیب بزرگی را از دست دادند (و با حق مخالفت کردند).

امام صادق علیه السلام فرمود: «نصارا این راه و رسم را متذکر خواهند شد و گروهی از آنان همراه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه خواهند بود». (4)

4. جابلقا و جابرسا

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند در شرق زمین، شهری به نام جابلقا دارد که دارای دوازده هزار در از طلاست. فاصله هر دری از دیگری، یک فرسنگ است. بر روی هر یک از درها برجی وجود دارد که یک لشکر دوازده هزار نفری را در خود جای داده است.

آنان تجهیزات، سلاح و شمشیر خود را آماده کرده اند و منتظر ظهور حضرت قائم می باشند. نیز خداوند شهری را در غرب زمین به نام جابرسا (با همان خصوصیات) دارد و من حجت خدا بر آنان هستم». (5)

ص: 132

1- عن الصادق عليه السلام: «لا تكثر من السودان أحدا، فإن كان لا بدّ فمن النوبة. فإنهم من الذين قال الله عزّ وجلّ: و من الذين قالوا إنّنا...، أما إنّهم سيذكرون ذلك الحظ، وسيخرج مع القائم عصابة منهم...» الكافي، ج 5، ص 353.

2- عن الصادق عليه السلام: «لا تكثر من السودان أحدا، فإن كان لا بدّ فمن النوبة. فإنهم من الذين قال الله عزّ وجلّ: و من الذين قالوا إنّنا...، أما إنّهم سيذكرون ذلك الحظ، وسيخرج مع القائم عصابة منهم...» الكافي، ج 5، ص 353. البته سند این روایت ضعیف است چنانچه در کتاب «ایلام دیار شیعیان گمنام» به آن اشاره کردیم. بحار الأنوار، ج 54، ص 316.

3- مانده (5) آیه 14.

4- کافی، ج 5، ص 352؛ التهذيب، ج 7، ص 405؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 56؛ نور الثقلین، ج 1، ص 601؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 454؛ ینابیع المودّه، ص 422.

5- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إنّ لله عزّ وجلّ بالمشرق مدینه اسمها جابلقا، لها اثنا عشر ألف باب من ذهب، بین کل باب إلى صاحبه مسیره فرسخ، علی کلّ باب برج فيه اثنا عشر ألف مقاتل، يلهبون الخيل، ويشحذون السيوف و السلاح، ينتظرون قیام قائمنا، و إنّ لله عزّ وجلّ بالمغرب مدینه یقال لها: جابرسا، لها اثنا عشر ألف باب من ذهب، بین کلّ باب إلى صاحبه مسیره فرسخ، علی کلّ باب برج فيه اثنا عشر ألف مقاتل، يلهبون الخيل، و يشحذون السلاح و السيوف، ينتظرون قائمنا، و أنا الحجه عليهم». بحار الأنوار، ج 54، ص 334 و ج

روایات متعدّد دیگری نیز بر این که شهرها و سرزمین های دیگری در جهان وجود دارد که هرگز مردم آن، خدا را معصیت نمی کنند. برای آگاهی بیشتر به جلد 54 کتاب بحار الأنوار رجوع کنید.

از مجموع این روایات فهمیده می شود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در سراسر جهان لشکریان و پایگاه هایی به طور آماده دارد که به هنگام ظهور، وارد پیکار می شوند؛ ولی از برخی روایات فهمیده می شود که آنان سال ها پیش، از دنیا رفته اند و برای یاری حضرتش، خداوند آنان را دوباره زنده کرده، به دنیا بازمی گرداند و آنان رجعت می کنند. (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «نجم فرزند امین از کسانی است که در رجعت (دوباره زنده شده) جهاد می کند». (2) نیز درباره حمران و میسر می فرماید: «گویا حمران بن اعین و میسر بن عبد العزیز را می بینم که شمشیر به دست گرفته، بین صفا و مروه (در نزدیک کعبه) مردم را به شدت می زنند». (3)

آیه الله خوئی در معجم الرجال الحديث، «یخبطان الناس» را به زدن با شمشیر تفسیر می کند.

هم چنین امام صادق علیه السلام به داود (4) رقی نگاه کرد و فرمود: «هرکس که می خواهد مردی 4.

ص: 133

1- شیعه بر این عقیده است که در همین دنیا و پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام امامان معصوم و گروهی از مؤمنان و گروهی از کافران دوباره زنده می شوند و به دنیا بازمی گردند. در این باره صدها روایت وارد شده است. مرحوم آیه الله والد رحمه الله در جلد دوم الشیعه و الرجعه به گستردگی در این باره سخن گفته است. اخیرا این کتاب را حجه الاسلام میرشاولد به نام ستاره درخشان ترجمه و منتشر کرده است و از این جانب نیز پانزده سال پیش جزوه ای به نام رجعت از نظر شیعه منتشر شده است که با استفاده از نوشته ها و سخنان مرحوم والد می باشد و برایشان آن را قرائت کردم. اخیرا نیز جزوه ای با عنوان الرجعه فی أحادیث الفریقین از این جانب منتشر شده است.

2- عن أبي عبد الله عليه السلام: «إنه -یعنی نجم بن أعین- ممن يجاهد في الرجعه». الايقاظ من الهجعه، ص 269.

3- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «كأني بحمران بن أعين و میسر بن عبد العزیز یخبطان الناس بأسیافهما بین الصفا و المروه». کشی، رجال، ص 402؛ الخلاصه، ص 98؛ قهبائی، رجال، ج 2، ص 289؛ الايقاظ، ص 284؛ بحار الأنوار، ج 54، ص 4؛ معجم رجال الحديث، ج 6، ص 259.

4- درباره موثق بودن داود، علمای رجال بحث های گسترده ای کرده اند. برخی این روایت را ضعیف شمرده و بعضی آن را موثق دانسته اند. روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: «منزلت و مقام داود نزد من، همانند موقعیت مقدار نزد پیامبر صلی الله علیه و اله است». تنقیح المقال، ج 2، ص 414.

از یاران حضرت قائم را ببیند، به این مرد بنگرد. (یعنی این مرد از یاران حضرت است که دوباره زنده خواهد شد).» (1)

ج) تعداد سپاهیان

اشاره

درباره تعداد لشکریان و یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه روایات گوناگونی در دسترس است.

برخی روایات، تعداد آنان را سی صد و سیزده نفر یادآور شده اند و برخی روایات، از ده هزار نفر و بیش تر سخن می گویند. در این جا یادآوری دو نکته ضروری است:

الف) سی صد و سیزده نفر- که در روایات آمده است- نیروهای ویژه ای هستند که در آغاز قیام همراه آن حضرت خواهند بود. آنان در حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه از کارگزاران می شوند؛ چنان چه مرحوم اربلی در کشف النعمه فرموده است: از این روایت (روایت ده هزار نفر) استفاده می شود که تعداد یاران حضرت در عدد سی صد و سیزده محدود نمی شود؛ بلکه این تعداد، نفراتی هستند که در آغاز قیام، همراه حضرت هستند.

ب) تعداد چهار هزار، ده هزار نفر و...- که در برخی روایات گفته شده است- آمار کل نیروهای ارتش مهدی عجل الله تعالی فرجه نیست؛ بلکه- هم چنان که از روایات نیز استفاده می شود- هریک از این ارقام، نمایانگر تعداد نیروهایی هستند که در برهه ای از زمان ظهور حضرت علیه السلام و یا در پیکار خاصی در گوشه ای از جهان شرکت دارند. شاید هم مطلب دیگری باشد که ما آن را نمی دانیم که با ظهور حضرت، روشن خواهد شد.

1. نیروهای مخصوص

یونس پسر ظبیان می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که ایشان نامی از یاران حضرت قائم به میان آورد و فرمود: «آنان سی صد و سیزده تن هستند و هریک خود را در میان

ص: 134

1- نظر أبو عبد الله علیه السلام إلى داود الرقي، وقد وليّ، فقال: «من سرّه أن ينظر إلى رجل من أصحاب القائم، فلينظر إلى هذا». الايقاظ، ص 264.

از این که حضرت می فرماید: «هریک خود را در میان سی صد نفر می بیند»، دو احتمال تصور می شود: 1. این که توان جسمی هریک از آنان برابر سی صد نفر باشد؛ چنان که توان هریک از مؤمنان در آن روزگار برابر نیروی چهل مرد است. 2. هرکدام از آنان، سی صد نفر نیرو دارند و خود را در میان سی صد نفر و تحت فرمان می بینند. بنابراین احتمال، آنان حدود سی صد گردان نیروی نظامی را فرماندهی می کنند و محتمل است که همان ظاهر لفظ مراد باشد؛ یعنی هریک خود را جزء آن عده می داند؛ چنان که بعضی گفته اند.

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: «آنان که از بستر خود برای یاری امام قائم علیه السلام ناپدید می شوند، سی صد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر هستند که صبح آن شب (صبح روز بعد) در مکه گرد می آیند». (2)

امام جواد علیه السلام می فرماید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: امام زمان عجل الله تعالی فرجه از سرزمین تهامه (مکه) ظهور می کند. او گنج هایی دارد که از جنس طلا و نقره نیست؛ بلکه آنها اسب هایی نیرومند و مردانی نامور به تعداد اصحاب بدر هستند. آنان سی صد و سیزده نفرند که از سراسر جهان به دور او گرد می آیند. کتاب مهرکرده ای با حضرت است که تعداد یارانش با نام، شهر، نوع نژاد، مشخصات و کنیه آنان در آن نوشته شده است. آنان همه در فرمانبرداری از مهدی عجل الله تعالی فرجه می کوشند». (3)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «مردم مانند پرندگان در اطرافش گرد می آیند تا این که 0.

ص: 135

1- دلایل الامامه، ص 320؛ المحجّه، ص 46.

2- عن یونس بن ظبیان، قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فذكر أصحاب القائم: قال: «ثلاثمائة و ثلاثة عشر، و كل واحد يري نفسه في ثلاثمائة». دلایل الامامه، ص 320 عن علی بن الحسین علیه السلام قال: «المفقودون عن فرشهم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا، عدّه أهل بدر، فیصبحون بمکّه». کمال الدین، ج 2، ص 654؛ عیاشی، تفسیر، ج 2، ص 56؛ نور الثقلین، ج 1، ص 139 و ج 4، ص 94؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 323.

3- عن أبي جعفر الثاني عليه السلام: «قال النبي عليه السلام لأبي بن كعب في وصف القائم... يخرج من تهامه... و له كنوز لا ذهب و لا فضّه إلاّ خيول مطهّمه، و رجال مسوّمه، يجمع الله له من أقاصی البلاد على عدّه أهل بدر- ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا- معه صحيفه مختومه فيها عدد أصحابه بأسمائهم، و بلدانهم و طبائعهم، و حلاهم و كناهم، كدّادون مجدّون في طاعته». عيون اخبار الرضا، ج 1، ص 59؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 310.

سی صد و چهارده مرد-که در بین آنان زنانی نیز هستند گرد می آیند و آن حضرت بر هر ستمگر و فرزند ستمگری پیروز می گردد و عدالت چنان می شود که مردم آرزو می کنند:

ای کاش مردگانشان در بین زندگان بودند و از عدالت بهره مند می شدند». (1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با سی صد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر، بدون آگاهی و وعده قبلی ظهور می کند؛ درحالی که آنان چون ابری پاییزی پراکنده اند؛ آنان شیران روز و نیایشگران شب هستند». (2)

ابان بن تغلب می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «به زودی سی صد و سیزده نفر به مسجد شما (مکه) می آیند. مردم مکه می دانند که این افراد نسبتی با پدران و اجدادشان ندارند (و جزو مردم مکه نیستند). هرکدام از آنان شمشیری دارد که بر روی آن کلمه ای ثبت است که از آن کلمه هزار کلمه (مشکل) گشوده و حل می شود». (3)

در برخی از روایات، نام برخی از آنان گفته شده است که به ذکر دو روایت بسنده می کنیم:

امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر-یکی از اصحاب آن حضرت- فرمود: «تو و چهل و چهار مرد دیگر، جزو یاران و همراهان حضرت قائم هستید». (4)

شاید مراد از چهل و چهار نفر، کسانی باشند که از اصحاب امام صادق علیه السلام هستند.

نیز آن حضرت می فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و اله ظهور کند، بیست و هفت تن از پشت کعبه بیرون می آیند و بیست و پنج تن از قوم موسی-که همگی قاضیان به حق و عادل هستند-زنده می شوند و نیز هفت تن از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن 3.

ص: 136

1- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم «فیجتمع الیه کالطیر الوارده حتی یجتمع الیه ثلاثمائة و أربعه عشر رجلا فیهم نسوه. فیظهر علی کلّ جبار و ابن جبار، و یظهر من العدل ما یتمتی له الأحياء أمواتهم». مجمع الزوائد، ج 7، ص 315.

2- من أبی جعفر علیه السلام: «فیظهر فی ثلاثمائة و ثلاثه عشر رجلا عدّه أهل بدر علی غیر میعاد قرعا کقرع الخریف، رهبان باللیل، و أسد بالنهار». ابن طاووس، ملاحم، ص 64؛ الفتاوی الحدیثیه، ج 31.

3- عن أبان بن تغلب، قال أبو عبد الله علیه السلام «سیأتی فی مسجدکم ثلاثمائة و ثلاثه عشر رجلا-یعنی مسجد مکه- یعلم أهل مکه أنّه لم یلدهم أبائهم و لا أجدادهم، علیهم السیوف، مکتوب علی کلّ سیف [علیها] کلمه تفتح ألف کلمه» کمال الدین، ج 2، ص 671؛ بصائر الدرجات، ص 311؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 286.

4- عن الصادق علیه السلام: «یا مفضل، أنت و أربعه و أربعون رجلا مع القائم» دلایل الامامه، ص 248؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 573.

آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر به دنیا باز می گردند». (1) در بعضی از روایات، مقداد بن اسود نیز ذکر شده است. طبق روایات فرشتگان جابه جاکننده، مردگان نیک را به اماکن مقدسی مانند خانه خدا منتقل می کنند. (2) بنابراین، شاید این مردگان از آن دسته ای باشند که اجسادشان به کنار کعبه انتقال داده شده است و رجعت و دوباره زنده شدن آنان نیز از همان جا خواهد بود. طبق نقل دیگری، این مکان پشت شهر کوفه، یعنی شهر نجف است که باز معنای روایت صحیح می شود؛ زیرا اجسادشان به آن جا، یعنی نجف اشرف انتقال داده شده است.

شایسته ذکر است که این افراد، سابقه مبارزه در ابعاد سیاسی و نظامی را با طاغوت های روزگار خویش داشته اند؛ به خصوص سلمان فارسی، ابو دجانه، مالک اشتر و مقداد که در جنگ های صدر اسلام شرکت کرده، رشادت های بسیاری از خود نشان داده اند و گروهی از آنان سابقه فرماندهی نیز داشته اند.

2. ارتش مهدی عجل الله تعالی فرجه

ابو بصیر می گوید: مردی از اهالی کوفه، از امام صادق علیه السلام پرسید: چند نفر با حضرت قائم علیه السلام قیام می کنند؟ مردم می گویند: همراهان حضرت به تعداد سربازان بدر یعنی سی صد و سیزده نفرند. امام علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی ظهور نمی کند، مگر با ارتشی قوی و نیرومند و ارتش قدرتمند کم تر از ده هزار نیروی رزمنده نخواهد داشت». (3)

نیز آن حضرت می فرماید: «هنگامی که خداوند به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه اجازه قیام دهد، سی صد و سیزده تن با او بیعت می کنند. آن حضرت در مکه توقف می کند تا این که عدد

ص: 137

1- روضه الواعظین، ص 266؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 55.

2- درر الاخبار، ج 1، ص 258.

3- عن ابی بصیر: سأل رجل من أهل الكوفة أبا عبد الله عليه السلام: كم يخرج مع القائم فيهم يقولون: إنه يخرج معه عدّه أهل بدر- ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا-؟ قال: «و ما يخرج إلاّ في أولى قوه، و ما يكون أولو القوه أقلّ من عشرة آلاف». كمال الدین، ج 2، ص 654؛ عیاشی، تفسیر، ج 1، ص 134؛ نور الثقلین، ج 4، ص 98؛ ج 1، ص 340؛ العدد القویه، ص 65؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 548.

اصحابش به ده هزار نفر برسد. آن گاه به سوی مدینه حرکت می نماید». (1)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «مهدی حدّ اقل با لشکر دوازده هزار نفری و حدّ اکثر پانزده هزار نفری ظهور می کند. رعب و ترس از نیروی نظامی او، پیشاپیش سپاهیان در حرکت است. هیچ دشمنی با ایشان روبه رو نمی شود، جز این که شکست می خورد.

آن حضرت و سپاهیان در راه خدا به سرزنش کسی نمی اندیشند. شعار لشکریان این است: بمیران، بمیران». (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «امام زمان عجل الله تعالی فرجه ظهور نمی کند، مگر آن که حلقه و تعداد آنان کامل گردد». راوی پرسید: تعداد آنان چند نفر است؟ حضرت فرمود: «ده هزار نفر». (3)

شیخ حرّ عاملی می گوید: در روایت است که تعداد کامل سپاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه صد هزار نفر است. (4)

3. کارد حفاظت

کعب می گوید: مردی از بنی هاشم، در بیت المقدس منزل می کند. تعداد نیروهای محافظ وی دوازده هزار نفرند و در روایت دیگری می گوید: تعداد محافظان وی سی و شش هزار نفرند و بر سر هر یک از بزرگ راه های منتهی به بیت المقدس، دوازده هزار نفر مستقر می شوند. (5)

البته کلمه حرس که در روایت است، به معنای اعوان و کمک نیز آمده است و این معنا با عنوان حدیث مناسب نیست؛ چون ممکن است مقصود یاران و اعوان حضرت باشد.

ص: 138

1- عن أبي عبد الله عليه السلام: «إذا أذن الله تعالى للقائم... وقد وافاه ثلاث مائه و بضعة عشر رجلا، فيبايعونه، و يقيم بمكة حتى يتم أصحابه عشرة آلاف نفس - ثم يسير منها إلى المدينة» المستجد، ص 511.

2- ابن رزين الخافقي إنه سمع علياً عليه السلام يقول: «يخرج المهدي في اثني عشر ألفاً إن قَلَّوا، و خمسة عشر ألفاً إن كَثُرُوا، و يسير الرعب بين يديه، لا يلقاه عدوّ إلاّ هزمهم، شعارهم: «أمت أمت» لا يبالون في الله لومه لائم». ابن طاووس، ملاحم، ص 65.

3- عن الصادق عليه السلام: «لا يخرج القائم حتى يكمل الحلقه» قلت: و كم الحلقه؟ قال: «عشرة آلاف». نعماني، غيبة، ص 307؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 545.

4- اثبات الهداه، ج 3، ص 578؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 367، 307؛ بشاره الاسلام، ص 190.

5- كعب الأحماد: ينزل رجل من بني هاشم ببیت المقدس حرسه اثنا عشر ألفاً. و في نقل آخر عنه: حرسه سنّه و ثلاثون ألفاً، على كلّ طريق لبیت المقدس اثنا عشر ألفاً». ابن حمّاد، فتن، ص 106؛ عقد الدرر، ص 143.

چنان که پیش تر گفته شد، لشکریان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از گوشه و کنار جهان گرداگرد او جمع می شوند. درباره شیوه آگاهی سپاهیان از قیام و گرد هم آمدن آنان در مکه، روایات به شیوه های گوناگونی اشاره دارد. بعضی شب در بستر خود به خواب رفته اند و صبحگاهان خود را در محضر امام علیه السلام می بینند. برخی با طی الارض - پیمودن مسافت طولانی در مدتی بسیار کوتاه - به حضرت می پیوندند و گروهی پس از آگاهی از قیام به وسیله ابرها نزد حضرت می آیند.

به روایتی در این باره توجه فرمایید:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اذن خروج و قیام داده شود، خداوند را به نام عبری آن می خوانند. در آن هنگام یارانش - که سی صد و سیزده نفرند و همانند ابرهای پاییزی پراکنده اند - مهیا می شوند و آنان همان صاحبان پرچم ها (و فرماندهان) هستند. برخی از آنان شب هنگام در حالی که در بستر آرمیده اند، ناپدید می شوند و به هنگام صبح خود را در مکه می بینند و برخی به هنگام روز سوار بر ابرها دیده می شوند. آنان با نام خود و پدر و فامیل و شهرت شناخته می شوند». (1)

مفضل بن عمر می گوید: عرض کردم: فدایت شوم؛ کدام دسته از نظر ایمان در مرتبه برتری قرار دارند؟ حضرت فرمود: «آنان که بر فراز ابرها در حرکت خواهند بود، همان ناپدیدشدگانند که در شأن آنان این آیه مبارک فرود آمده است: **أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً**؛ (2) هر کجا باشید، خداوند همگی شما را خواهد آورد».

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای شان جمع

ص: 139

1 - قال أبو عبد الله عليه السلام: «إذا أودن الإمام، دعا الله باسمه العبراني، فأتيحت له أصحابه الثلاثمائة و ثلاثة عشر، قزع كقزع الخريف، و هم أصحاب الألوية، منهم من يفقد عن فراشه ليلاً فيصبح بمكة، و منهم من يري يسير في السحاب نهاراً يعرف باسمه و اسم أبيه و حليته و نسبه». قلت: - جعلت قداك - إنهم أعظم إيماناً به قال: «الذي يسير في السحاب نهاراً، و هم المفقودون، و فيهم نزلت هذه الآية **أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً**». كمال الدين، ج 2، ص 672؛ عياشي، تفسير، ج 1، ص 67؛ نعماني، غيبة، ص 315؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 368؛ کافی، ج 8، ص 313؛ المحججه، ص 19.

2 - بقره (2) آیه 148.

می شود و دنیا به روی آنان گشوده می گردد و مردان و زنان فارس، آنان را خدمت می کنند.

زمین کم تر از یک چشم به هم زدن، زیر پای شان طی می گردد؛ به گونه ای که هریک از آنان می تواند، شرق تا غرب زمین را در یک لحظه سپری کند. آنان از این دنیا نیستند و دنیا نیز در آنان بهره و سهمی ندارد». (1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «شیعیان و یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه از سراسر زمین به سوی او حرکت می کنند؛ زمین زیر پایشان جمع می شود و با طی الارض به امام علیه السلام می رسند و با او بیعت می کنند». (2)

عبد الله پسر عجلان می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام سخن از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به میان آمد. به حضرت عرض کردم: چگونه از ظهور حضرت آگاهی می یابیم؟ فرمود:

«صبح می کنید، در حالی که زیر بالش خود، نامه ای را می بینید که در آن نوشته شده است:

پیروی از مهدی کار معروف و خوبی است». (3)

امام رضا علیه السلام می فرماید: «سوگند به خدا که اگر قائم ما قیام کند، خداوند، شیعیان را از همه شهرها، نزد او گرد می آورد». (4)

نیز امام صادق علیه السلام می فرماید: «در حالی که جوانان شیعه، بر پشت بام ها خوابیده اند، ناگهان آنها را گروه گروه در یک شب و بدون وعده قبلی نزد حضرت می آورند. آن گاه همگی صبحگاه نزد حضرت گرد می آیند». (5) 8.

ص: 140

1- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «سيكون بعدكم أقوام تطوى لهم الأرض و تفتح لهم الدنيا، و تخدمهم بنات فارس و أبناؤهم، تطوى لهم الأرض في أسرع الطرق، حتى لو شاء أحدهم أن يأتي مشرقها أو مغربها في ساعه فعل، ليسوا من الدنيا و ليست الدنيا منهم في شيء». فردوس الاخبار، ج 2، ص 449.

2- عن الباقر عليه السلام: «و تسير إليه- أي المهدي- شيعته من أطراف الأرض تطوى لهم طيًا، حتى يباعوه». روضه الواعظين، ج 2، ص 263؛ عقد الدرر، ص 65؛ متقى هندی، برهان، ص 145.

3- عبد الله بن عجلان، قال: ذكرنا خروج القائم عند أبي عبد الله عليه السلام: فقلت له: كيف لنا بعلم ذلك؟ فقال: «يصبح أحدكم و تحت رأسه صحيفة عليها مكتوب: طاعه معروفه». بحار الأنوار، ج 52، ص 324؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 582؛ ترجمه جلد 13، بحار الأنوار ص 916.

4- الرضا عليه السلام: «... و الله أن لو قام قائمنا لجمع الله إليه جميع شيعتنا من جميع البلدان». مجمع البيان، ج 1، ص 231؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 524؛ نور الثقلين، ج 1، ص 140؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 291.

5- قال أبو عبد الله عليه السلام: «بيننا شباب الشيعة على ظهور سطوحهم نيام؛ إذ توافوا إلى صاحبهم في ليله واحده على غير ميعاد فيصبحون بمكة». نعماني، غيبه، ص 316؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 198؛ بشاره الاسلام، ص 198.

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه- که سی صد و سیزده نفرند- به سوی او می روند و او را که پنهان شده است، می یابند و می پرسند: آیا تو مهدی موعود هستی؟ می فرماید: «آری، یاران من!» آن گاه دوباره خودش را از آنان پنهان می کند و به مدینه می رود. یاران حضرت چون آگاهی می یابند، به سوی شهر مدینه به راه می افتند و آن گاه که به شهر مدینه می رسند، امام پنهانی به شهر مکه بازمی گردد و یارانش برای پیوستن به حضرت به مکه می روند. بار دیگر امام علیه السلام به شهر مدینه می رود و چون یاران مدینه می رسند، حضرت به سوی مکه حرکت می کند و این رفتار سه بار تکرار می شود».

امام علیه السلام یاران را این گونه می آزماید تا از میزان پیروی ایشان آگاه گردد. پس از آن، در میان صفا و مروه- در کعبه- ظاهر می شود و خطاب به یارانش چنین می گوید: «من به کاری دست نمی زنم، مگر آن که شما با من بر شرایطی بیعت کنید و بر آن پای بند باشید و چیزی از آن را تغییر ندهید؛ من نیز هشت چیز را متعهد می شوم». یارانش در پاسخ امام علیه السلام همگی می گویند: ما به طور کامل تسلیم هستیم و از تو پیروی می کنیم و هر شرطی را که قرار دهید، می پذیریم. بفرماید آن شرایط چیست؟

حضرت به سوی کوه صفا در مکه به راه می افتد و یاران نیز در پی او می روند. در آن جا خطاب به آنان می فرماید: «با شما بر این شرایط پیمان می بندم: 1. از میدان رزم نگریزید.

2. دزدی نکنید. 3. عمل نامشروع انجام ندهید. 4. کارهای حرام انجام ندهید. 5. کار منکر و زشت انجام ندهید. 6. کسی را جز به حق نزنید. 7. زر و سیم نیندوزید. 8. جو و گندم احتکار نکنید. 9. مسجدی را ویران نسازید. 10. به ناحق شهادت ندهید. 11. مؤمنی را خوار و کوچک نکنید. 12. ربا نخورید. 13. در سختی ها و مشکلات پایداری کنید.

14. فرد خداپرست و یکتاپرستی را لعنت نکنید. 15. شراب ننوشید. 16. لباس زربافت نپوشید. 17. لباس ابریشم و حریر بر تن نکنید. 18. شخص فراری را تعقیب نکنید.

19. خون حرامی را نریزید. 20. به منافق و کافر انفاق نکنید. 21. لباس خز نپوشید.

22. خاک را بالمش خود قرار دهید (شاید به این معنا باشد که فروتن و متواضع باشید).

23. از کارهای ناشایست بپرهیزید. 24. به معروف امر کنید و از منکر بازدارید.

اگر به این شرایط، پای بند شوید و رفتار کنید، بر من واجب است که جز شما را به عنوان یاور برنگزینم و نپوشم مگر آن چه شما می پوشید و نخورم جز، آن چه شما می خورید و بر مرکبی که شما سوار می شوید، سوار شوم و هر جا که شما باشید، با شما باشم و هر جا که رهسپار شوید، با شما بیایم و به نیروی کم خرسند و خشنود باشم و زمین را از عدل و داد آکنده سازم؛ آن سان که از ستم و جور پر شده است و خدا را به گونه ای که شایسته است، پرستش نمایم. من به آن چه گفتم، وفادار خواهم بود و شما نیز به عهد خود وفا کنید».

اصحاب می گویند: راضی شدیم و به آن چه فرمودی با تو بیعت می کنیم. آن گاه امام علیه السلام با تک تک یاران (به نشانه بیعت) مصافحه می کند. (1)

البته باید توجه داشت که حضرت، این شرایط و آزمایش را با نیروهای ویژه انجام می دهد؛ زیرا آنان در حکومت امام علیه السلام از کارگزاران خواهند بود و آناند که با کردار خوب خود، در گسترش عدالت در جهان نقش مؤثری دارند. 6.

ص: 142

1- قال أمير المؤمنين عليه السلام في خطبه البيان - بعد ما بين أصحابه الثلاثمائة و ثلاث عشر - : «يقال: إنهم يمضون إلى المهدي عليه السلام و هو مخفف تحت المنارة، فيقولون له: أنت المهدي، فيقول: نعم، يا أنصاري، ثم يخفي نفسه عنهم لينظر كيف هم في طاعته، فيمضى إلى المدينة فيخبرونهم أنه لا حق بقبر جدّه رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلّم فيلحقونه بالمدينة؛ فإذا أحس بهم رجع إلى مكة فلا يزالون على ذلك ثلاثاً ثم يترأى لهم بعد ذلك بين الصفا و المروه، فيقول لهم: إنّي لست قاطعاً أمراً حتى تباعوني على ثلاثين خصله: ألزمكم أن لا تغيروا منها شيئاً و لكم على ثمان خصال، فقالوا: سمعنا و أطعنا، فاذا ما أنت ذاكره يابن رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلّم؛ فيخرج إلى الصفا فيخرجون معه، فيقول: أبايعكم أن لا تولّوا دابراً، و لا تسرقوا، و لا تزنوا، و لا تفعلوا محرّماً، و لا تأتوا فاحشه، و لا تضربوا أحداً إلاّ بحقّ، و لا- تكنزوا ذهباً، و لا- فضّه، و لا- برّاً و لا شعيراً، و لا تخربوا مسجداً، و لا تشهدوا زوراً. و لا تقبحوا على مومن و لا تأكلوا ربا، و أن تصبروا على الضراء، و لا تلعنوا موحّداً. و لا تشربوا مسكراً، و لا تلبسوا الذهب و لا الحرير و لا الديباج، و لا تتبعوا هزيماً، و لا تسفكوا دماً حراماً. و لا- تغدروا بمسلم، و لا تففقوا على كافر و لا منافق، و لا تلبسوا الخزّ من الثياب، و تتوسّدون التراب، و تكرهون الفاحشه، و تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر، فإذا فعلتم ذلك فلکم على أن لا آتخذ سواکم و لا ألبس إلاّ ما تلبسون، و لا آكل إلاّ مثل ما تأكلون، و لا أركب إلاّ مثل ما تركبون، و لا أكون إلاّ مثل ما تأكلون، و لا أكون إلاّ حيث تكونون، و أمشى حيثما تمشون، و أرضى بالقليل، و أملاً الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، و نعبد الله حقّ عبادته، و أوف لكم و أوفوا لي. فقالوا: رضينا و بايعناك على ذلك، فيصافحهم رجلاً رجلاً». الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 157؛ عقد الدرر، ص 96.

ضمناً، سند این روایت مورد تأمل است؛ چون از خطبه البیان است که برخی آن را ضعیف دانسته اند؛ هرچند بعضی دیگر از بزرگان در مقام دفاع از آن برآمده، آن را تقویت کرده اند. (1)

ویژگی های سپاهیان

اشاره

در روایات برای اصحاب و یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه و ویژگی های بسیاری گفته شده که به پاره ای از آنها بسنده می کنیم:

1. عبادت و پارسایی

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران حضرت می فرماید: «آنان مردانی شب زنده دار هستند که شب را در حال قیام-به پرستش می پردازند-و به هنگام نماز، زمزمه ای مانند زنبور

ص: 143

1- .مرحوم والدم در پاورقی جلد اول الشیعه و الرجعه، درباره خطبه البیان چنین فرموده اند: ما این خطبه را از کتاب دوحه الأنوار شیخ محمد یزدی نقل کرده ایم؛ ولی منحصر به این کتاب نیست، بلکه در کتاب های دیگری نیز درج شده است. چنان چه آقابزرگ طهرانی در جلد 7 الذریعه نام چند کتاب را ذکر می کند: 1. قاضی سعید قمی در شرح حدیث غمامه م. 1103 ه.ق؛ 2. محقق قمی در جامع الشتات، ص 772؛ 3. نسخه ای در کتابخانه امام رضا علیه السلام به تاریخ 729 ه.ق؛ 4. نسخه ای به خط علی بن جمال الدین به تاریخ 923 ه.ق؛ 5. خلاصه الترجمان؛ 6. معالم التنزیل. این خطبه عباراتی دارد که با توحید نمی سازد، ولی در همه نسخه ها این عبارات نیست و بدون شک از ساخته های غلات می باشد. اما عباراتی هم چون: «انا موروک الاشجار و مثمر الثمار» مانند آن در روایت دیگر فراوان است؛ هم چون «بنا اثمرت الاشجار و اینعت الثمار، و جرت الأنهار و بنا تنزل الغیث و تثبت عشب الأرض» و در زیارت مطلقه چنین آمده است: «و بکم تثبت الأرض أشجارها و بکم تخرج الأشجار و أثمارها...». و در زیارت رجبیه: «أنا سائلکم و آملکم فیما إلیکم التفویض و علیکم التعویض، فبکم یجبر المهیض و یشفی المریض و...». بنابراین، هر عبارتی که مخالف ظاهر قرآن بود و قابل تأویل و توجیه صحیحی نبود، معصومین از آن بری و منزّه هستند؛ اما جعلی بودن عبارات این خطبه، سبب نادرستی همه خطبه شریف نمی شود. این بود سخن مرحوم والد. ولی اشکالی که در آن به نظر می رسد این است که خطبه را ابن مسعود از حضرت امیر مؤمنان نقل می کند و حال آن که او سال 32 قمری و پیش از خلافت حضرت فوت شده است؛ ولی ممکن است مراد شخص دیگری به این نام باشد!

عسل دارند و صبح هنگام درحالی که بر اسب های خود سوارند، برای انجام مأموریت می روند. آنان پارسایان شب و شیران روزند و از ترس خدا، حالت خاصی پیدا کرده اند.

خداوند به وسیله آنان، به امام حق یاری می رساند». (1)

و نیز آن حضرت می فرماید: «گویا قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه و یارانش را در پشت شهر کوفه می بینم. گویی پرندگان بر بالای سر آنان بال گسترده اند. زاد و توشه شان پایان یافته و لباس های شان مندرس و ژنده است و سجده بر پیشانی آنان اثر گذارده است. آری، آنان شیران روز و نیایشگران شبند. دل های شان مانند پاره های آهن، محکم و استوار است.

هرکدام از آنان نیروی چهل مرد را داراست. کسی جز کافر و منافق آنان را نمی کشد.

خداوند در قرآن از آنان این گونه یاد کرده است: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ؛ (2) در این مطلب، هوشمندان را آیت و عبرت بسیار است». (3)

2. عشق به امام و فرمانبرداری از او

امام باقر علیه السلام می فرماید: «صاحب امر را در برخی از این درّه ها (ذی طوی) غیبتی خواهد بود. دو شب پیش از ظهورش، نزدیک ترین پیشخدمتش، به دیدار برخی از یاران حضرت می رود و از ایشان می پرسد: شما در این جا چند نفرید؟ می گویند: چهل تن.

می گوید: چگونه خواهید بود، اگر پیشوای خود را ببینید؟ پاسخ می دهند: به خدا سوگند، اگر در کوه ها زندگی کند، همراه او خواهیم بود و همان گونه زندگی خواهیم کرد». (4)

ص: 144

1- عن أبي عبد الله عليه السلام: «... رجال لا ينامون الليل، لهم دوى في صلاتهم كدوى النحل، يبيتون قياما على أطرافهم، و يصبجون على خيولهم، رهبان بالليل ليوث بالنهار... و هم من خشية الله مشفقون بهم ينصر الله إمام الحق». بحار الأنوار، ج 52، ص 308.

2- حجر (15) آیه 75.

3- و عنه عليه السلام: «كأني أنظر إلى القائم و أصحابه في نجف الكوفة كأن على رؤوسهم الطير، قد فنيت أزوادهم و خلقت ثيابهم، قد أثر السجود بجباههم، ليوث بالنهار رهبان بالليل، كأن قلوبهم زبر الحديد، يعطى الرجل منهم قوه أربعين رجلا، لا يقتل أحدا منهم إلا كافر أو منافق، و قد وصفهم الله تعالى بالتوسم في كتابه إن في ذلك لآياتٍ للمُتَوَسِّمِينَ. بحار الأنوار، ج 52، ص 386.

4- قال أبو جعفر عليه السلام: «يكون لصاحب هذا الأمر غيبة في بعض الشعاب- ثم أوماً بيده إلى ناحية ذى طوى- حتى إذا كان قبل خروجه بليلتين، انتهى المولى الذى يكون بين يديه حتى يلقي بعض أصحابه، فيقول: كم أنتم ههنا؟ فيقولون: نحو من أربعين رجلا فيقول: كيف أنتم لو قد رأيتم صاحبكم؟ فيقولون: و الله لو يأوى بنا الجبال. لأويناها معه، ثم يأتيهم من القابله فيقول لهم...». عياشى، تفسير، ج 2، ص 56؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 341.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «یاران حضرت عجل الله تعالی فرجه دست های خود را بر زین مرکب امام علیه السلام می کشند و با این کار، درخواست برکت می کنند. دور حضرت حلقه می زنند و در جنگ ها جسم و جان خود را سپر بلای او می کنند و هرچه از آنان بخواهد، اجابت کرده، انجام می دهند.» (1)

نیز آن حضرت در توصیف یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه می فرماید: «او مردانی دارد که گویا دل های شان از پاره آهن است... آنان در برابر حضرت از یک کنیز نسبت به مولا و مالک خود، فرمانبردارتر و در برابر او امرش تسلیم هستند.» (2)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «خداوند برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از گوشه و کنار جهان به تعداد اهل بدر، جنگجو گرد می آورد. آنان در فرمانبرداری از حضرتش بسیار کوشا و مصمم هستند.» (3)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «گویا می بینم که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و یارانش در نجف (کوفه) مستقر شده اند (و چنان ثابت و استوارند) که گویی پرنده بر سر آنان نشسته است.» (4)

جنگاوران چنان منظم، بی حرکت و تسلیم محض در برابر حضرت می ایستند که گویی پرنده بر سرشان نشسته است که اگر کوچک ترین حرکتی از خود نشان دهند، پرنده پرواز می کند.

3. سپاهیان قدرتمند و جوان

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه همه جوانند و پیر و کهنسال در میان آنان

ص: 145

1- عن أبي عبد الله عليه السلام: «يتمسحون بسرج الإمام عليه السلام يطلبون بذلك البركة ويحفون به، يقونه بأنفسهم في الحروب، و يكفونه ما يريد منهم». بحار الأنوار، ج 52، ص 308.

2- و عنه عليه السلام: «له... رجال كأن قلوبهم زبر الحديد، هم أطوع له من الامه لسيدها». همان.

3- النبي صلي الله عليه و اله و سلم: «يجمع الله له من أقاصي البلاد على عدّه أهل بدر، كدّادون، مجدّون في طاعته». همان، ص 310.

4- عن الصادق عليه السلام: «كأنّي أنظر إلى القائم وأصحابه في نجف الكوفة، كأنّ على رؤوسهم الطير». اثبات الهداه، ج 3، ص 585.

وجود ندارد، جز تعداد اندکی که مانند سر مه برای چشم و نمک برای غذا لازم هستند.

البته کم ترین چیز مورد نیاز در غذا نمک است». (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «منظور لوط پیامبر، از این سخن خود که به دشمنان گفت:

"ای کاش نیروی قدرتمندی علیه شما داشتم یا به استوانه ای محکم پناه می بردم"، نیرویی همانند نیروی مقتدر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و یاران او بود که یک تن از آنان، توان چهل مرد را دارد. آنان دل هایی استوارتر از پاره های آهن دارند و چون از برابر کوه ها بگذرند، صخره ها به لرزه درآیند. شمشیرها را غلاف نمی کنند تا آن هنگام که خداوند بخواهد و خشنود شود». (2)

امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید: «آن گاه که قائم ما قیام کند، خداوند سستی و ضعف را از شیعیان ما دور می کند و دل های شان را چون پاره های آهن محکم و استوار می نماید و به هرکدام از آنان قدرت چهل مرد را می بخشد و آنان فرمانروایان و بزرگان زمین می شوند». (3)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه شیعیان ما، فرمانروایان و بزرگان زمین خواهند بود و هرکدام از آنان، قدرت چهل مرد را داراست». (4)

امام باقر علیه السلام فرمود: «در دل شیعیان ما (امروز) از دشمنان ترس انداخته شده است؛ ولی روزگاری که حکومت ما فرارسد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کند، هریک از شیعیان ما، از 2.

ص: 146

1- عن أمير المؤمنين عليه السلام: «أصحاب المهدي شباب لا- كهول فيهم إلا- مثل كحل العين، والملح في الزاد، وأقل الزاد الملح». طوسی، غیبه، ص 284؛ نعمانی، غیبه، ص 315؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 145؛ كنز العمال، ج 14، ص 592؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 334؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 517.

2- الصادق عليه السلام: «ما كان قول لوط عليه السلام لقومه: لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ إِلَّا- تَمَنِّيَا لِقُوَّةِ الْقَائِمِ، وَشَدَّةِ أَصْحَابِهِ، وَهَمَّ «الركن الشديد»؛ فَإِنَّ الرِّجْلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَإِنَّ قَلْبَ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَشَدُّ مِنْ زَبْرِ الْحَدِيدِ، وَ لَوْ مَرَّوَا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَتَدَكَّدَتْ، لَا يَكْفُونَ سِيوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ». كمال الدين، ج 2، ص 673؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 317 و 327.

3- علي بن الحسين عليه السلام: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ. وَجَعَلَ قُوَّةَ الرِّجْلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَ يَكُونُونَ حَكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا». كمال الدين، ج 2، ص 673؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 317، 327، 372؛ ينابيع المودة، ص 424؛ احقاق الحق، ج 13، ص 346.

4- الصادق عليه السلام: «يَكُونُ شِيعَتُنَا فِي دَوْلَةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَنَامَ الْأَرْضِ وَ حَكَّامَهَا، يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا» مفيد، اختصاص، ص 24؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 372.

شیر بی باک تر و از نیزه برنده تر خواهند شد. آنان دشمنان ما را با پا لگدمال می کنند و با دست می کشند». (1)

عبد الملک بن اعین می گوید: هنگامی که از خدمت امام باقر علیه السلام برخاستم، به دستم تکیه دادم و گفتم: آرزو داشتم، ظهور حضرت قائم علیه السلام را در روزگار جوانی، (روزهایی که توان جسمی داشتم) درک کنم. امام علیه السلام فرمود: «آیا به این خوشنود نیستید که دشمنان شما یک دیگر را بکشند، ولی شما در خانه های تان در امان باشید؟ اگر امام علیه السلام ظهور کند، به هر یک از شما توان چهل مرد داده می شود و دل هایتان همانند پاره های آهن می گردد؛ به گونه ای که اگر با آن دل ها به کوه بزنید، کوه ها را می شکافد و از جا می کند و شما رهبران زمین و امانت داران آن خواهید بود». (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «به هنگام فرارسیدن امر ما (حکومت حضرت مهدی) خداوند، ترس را از دل شیعیان ما برمی دارد و در دل های دشمنان ما جای می دهد. در آن هنگام هر یک از شیعیان ما از نیزه برنده تر و از شیر شجاع تر می شود. یک شیعه، دشمن خود را با نیزه هدف می گیرد و با شمشیر می زند و زیر پای خود لگدمال می کند». (3)

هم چنین آن حضرت می فرماید: «یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه مردانی هستند که دل های آنان مانند آهن سخت و محکم است. هرگز شک و شبهه ای در ذات خدا، بر آن دل ها9.

ص: 147

1- قال أبو جعفر عليه السلام: «ألقي الرعب في قلوب شيعتنا من عدونا فإذا وقع أمرنا، و خرج مهدينا كان أحدهم أجرى من الليث، و أمضى من السنان. يطاء عدونا بقدميه و يقتله بكفيته». مفيد، اختصاص، ص 24؛ بصائر الدرجات، ج 1، ص 124؛ ينابيع المودة، ص 448، 489؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 557؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 318، 372.

2- عن عبد الملك بن أعين، قال: قلت من عند أبي جعفر عليه السلام فاعتمدت على يدي فبكيت، و قلت: كنت أرجو أن أدرك هذا الأمر و بي قوه، قال: «أما ترضون أن أعداءكم يقتل بعضهم بعضا و أنتم آمنون في بيوتكم. إنه لو كان ذلك، أعطى الرجل منكم قوه أربعين رجلا، و جعل قلوبكم كزبر الحديد لو قذفت بها الجبال فلقتها، و أنتم قوام الأرض و خزّانها». كافي، ج 8، ص 282؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 335.

3- عن أبي عبد الله عليه السلام: «إن الله نزع الخوف من قلوب أعدائنا، و أسكنه قلوب شيعتنا، فإذا جاء أمرنا نزع الخوف من قلوب شيعتنا و أسكنه في قلوب أعدائنا، فواحد هم أمضى من سنان. و أجرى من ليث، يطعن عدوه برمح، و يضربه بسيفه، و يدوسه بقدمه». خرائج، ج 2، ص 840؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 336؛ ر.ك: حليه الاولياء، ج 3، ص 184؛ كشف الغمّة، ج 3، ص 345؛ ينابيع المودة، ص 448؛ مانند این روایت از امام باقر علیه السلام رسیده است: بصائر الدرجات، ص 24؛ بحار الأنوار، ج 2، ص 189.

راه نمی یابد. آنان از سنگ ها سخت ترند. اگر به آنان مأموریت داده شود تا کوه ها را از جای برکنند و جابه جا کنند، این کار را به سرعت انجام می دهند و اگر مأموریت سرکوبی و نابودی شهری به آنان داده شود، آن را ویران می سازند (در سرعت عمل و قاطعیت چنانند که گویی عقاب هایی بر اسب ها نشسته اند). (1)

4. سپاهیان محبوب

امام باقر علیه السلام می فرماید: «گویا یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه را می بینم که سراسر زمین و آسمان را احاطه کرده اند و هیچ چیز در جهان نیست که فرمانبردار و تسلیم محض آنان نباشد.

درندگان زمین و پرندگان شکاری نیز در پی خشنودی آنان هستند. آنان به قدری محبوبیت دارند که جایی از زمین بر جای دیگر فخر و مباحات می کند و می گوید: امروز یکی از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه بر من گام نهاد و از این جا گذشت». (2)

5. عاشقان شهادت

امام صادق علیه السلام درباره ویژگی های یاران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه می فرماید: «آنان از ترس خدا، بیمناکند و آرزوی شهادت دارند. خواسته شان این است که در راه خدا کشته شوند.

شعارشان ای خونخواهان حسین علیه السلام است. چون حرکت می کنند و رعب و ترس از آنان در دل دشمن به فاصله یک ماه در حرکت است». (3)

ص: 148

1- و عنه: «و له علیه السلام... رجال كأن قلوبهم زبر الحديد، لا- يشوبها شك في ذات الله أشد من الحجر، لو حملوا على الجبال، لأزالوها، لا يقصدون براياتهم بلده إلا خربوها، كأن على خيولهم العقبان». بحار الأنوار، ج 52، ص 308.

2- عن أبي جعفر عليه السلام: «كأنني بأصحاب القائم عليه السلام وقد أحاطوا بما بين الخافقين، فليس شيء إلا وهو مطيع لهم حتى سباع الأرض و سباع الطير، يطلب رضاهم في كل شيء حتى تفخر الأرض على الأرض، و تقول: مربي اليوم رجل من أصحاب القائم». كمال الدين، ج 2، ص 673؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 493؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 327.

3- عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث أصحاب القائم عليه السلام: «و هم من خشية الله مشفقون، يدعون بالشهادة، و يتمنون أن يقتلوا في سبيل الله شعارهم (يا لثارات الحسين)، إذا ساروا يسير الرعب أمامهم مسيره شهر». مستدرک الوسائل، ج 11، ص 114.

از آن جا که هدف از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه برپایی حکومت الهی در سراسر جهان و نابودی ستم و ستمگر در جهان است، طبعاً حضرت برای دستیابی به این هدف، با دشواری ها و موانعی روبه رو خواهد شد که باید با انجام عملیات نظامی آن موانع را از سر راه بردارد و کشورها را یکی پس از دیگری بگشاید تا بر شرق و غرب جهان چیره گردد و حکومت عدل الهی را در زمین پی ریزد. در این فصل روایاتی در این باره را به نظر شما می رسانیم.

الف) پاداش مجاهدان و شهیدان

چون هدف از جنگ ها در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نابودی مفسدان و ستمگران برای تشکیل حکومت اسلامی در جهان می باشد، شرکت در جنگ در رکاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه نیز از پاداشی چندبرابر برخوردار است؛ به گونه ای که اگر رزمنده ای یک نفر از دشمن را نابود سازد، پاداش بیست و یا بیست و پنج شهید را دارد. اگر خود به فیض شهادت دست یابد، پاداش بیست و پنج شهید نصیب او می گردد. (1) هم چنین جانبازان و زخمیان آن افزون بر مقامات معنوی از ارزش ویژه ای در دولت امام زمان عجل الله تعالی فرجه برخوردارند و خانواده شهیدان نیز ارزش ویژه ای دارند.

امام باقر علیه السلام خطاب به شیعیان می فرماید: «اگر شما چنان باشید که ما سفارش کرده ایم و

ص: 149

از امر ما سرپیچی نکنید، اگر در آن حال کسی از شما پیش از ظهور قائم ما بمیرد، شهید خواهد بود و اگر حضرت را درک کند و در رکاب او به شهادت برسد، پاداش دو شهید را دارد و اگر یکی از دشمنان ما را بکشد، پاداش بیست شهید را خواهد داشت». (1)

در این روایت، ارزش نابودی دشمن را به مراتب از شهید شدن بالاتر می داند؛ زیرا کشتن دشمنان، خشنودی خدا، آسایش بندگان و عزت اسلام را در پی دارد؛ ولی رسیدن به فیض شهادت، شهید را به کمال می رساند. از این رو، رزمندگان در جبهه باید بیش تر در اندیشه دشمن باشند، تا به شهادت رسیدن.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «شهادت در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه پاداش دو شهید را دارد». (2)

در کافی چنین آمده است: «رزمنده امام، اگر دشمن ما را بکشد، پاداش بیست شهید را دارد و کسی که همراه قائم ما به شهادت برسد، پاداش بیست و پنج شهید برای اوست». (3)

امیر مؤمنان علیه السلام درباره شیوه رفتار امام زمان عجل الله تعالی فرجه با شهیدان و خانواده آنان می فرماید:

«حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه پس از عملیات) روانه کوفه می شود و در آن جا اقامت می گیرند... و هیچ شهیدی نمی ماند مگر آن که حضرت بدهی او را می پردازد و برای خانواده اش حقوق و مستمری قرار می دهد». (4)

این روایت نمایانگر رسیدگی حضرت به خانواده شهیدان است.

ب) تجهیزات جنگی

به طور قطع نوع سلاحی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه در نبردها به کار می گیرد با دیگر

ص: 150

1- عن أبي جعفر عليه السلام في حديث أنه قال للشيعة: «إذا كنتم كما أوصيناكم و لم تعدوه إلى غيره، فمات منكم ميت قبل أن يخرج قائمنا كان شهيدا، و من أدرك منكم قائمنا فقتل معه كان له أجر عشرين شهيدا». طوسی، امالی، ج 1، ص 236؛ بشاره المصطفی، ص 113؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 529؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 123، 317.

2- عن أبي جعفر عليه السلام: «... و الشهيد معه -له- شهادتان». اثبات الهداه، ج 3، ص 490؛ ر.ک: طوسی، امالی، ج 1، ص 236؛ برقی، محاسن، ص 173؛ نور الثقلین، ج 5، ص 356.

3- عن أبي جعفر عليه السلام: «... و من أدرك قائمنا فخرج معه فقتل عدونا، كان له مثل أجر عشرين شهيدا». کافی، ج 2، ص 222؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 123.

4- قال علی علیه السلام: «... ثم يقبل إلى الكوفة، فيكون منزله بها، و لا- يقتل قتيل إلا- قضى عنه دينه. و ألحق عياله في العطاء». عیاشی، تفسیر، ج 2، ص 261؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 224.

سلاح های آن روزگار تفاوت اساسی دارد و واژه سیف که در روایات آمده است، شاید کنایه از اسلحه است نه این که مراد خصوص شمشیر باشد؛ زیرا اسلحه امام به گونه ای است که با به کارگیری آن دیوارهای شهر فرومی ریزد یا شهر پودر شده، تبدیل به دود می گردد و دشمن با یک ضربه، همانند نمک آب شده، چون سرب ذوب می گردد.

طبق روایتی، سلاح سربازان حضرت از آهن است؛ ولی چنان است که اگر بر کوه فرود آید، آن را به دو نیم می کند.

شاید دشمن نیز از اسلحه آتش زا استفاده کند؛ زیرا که امام علیه السلام لباسی را می پوشد که ضد گرماست و آن لباسی است که جبرئیل علیه السلام آن را از آسمان برای ابراهیم علیه السلام آورد تا از آتش نمرود رهایی یابد و آن لباس در اختیار حضرت بقیه الله است و اگر چنین نبود- یعنی اسلحه و صنعت پیشرفته در اختیار دشمن نبود- شاید ضرورتی برای پوشیدن آن لباس وجود نمی داشت. هرچند که شاید جنبه اعجاز آن منظور باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ماقیام کند، شمشیرهای نبرد فرود می آید، شمشیرهایی که بر هر کدام، نام و نام پدر یک رزمنده نوشته شده است». (1)

حضرت صادق علیه السلام درباره گروهی از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه می فرماید: «یاران مهدی علیه السلام شمشیرهایی از آهن دارند؛ ولی جنس آن غیر از آهن است. اگر یکی از آنان با شمشیر خود بر کوهی ضربه زند، آن را دو نیم می کند. حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه با آن سپاهیان و تجهیزات به جنگ هند، دیلم، کردها، رومیان، بربر، فارس و بین جابرسا و جابلقا می رود». (2)

وسایل دفاعی نیروهای مهدی عجل الله تعالی فرجه به گونه ای است که اسلحه دشمن بر آنان کارگر نیست. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «یاران مهدی علیه السلام اگر با سپاهسانی که بین شرق و غرب را فرا گرفته اند، درگیر شوند، آنان را در لحظه ای نابود می کنند و هرگز سلاح 7.

ص: 151

1- عن أبي عبد الله عليه السلام: «إذا اقام القائم عليه السلام نزلت سيوف القتال، على كل سيف اسم الرجل و اسم أبيه». نعماني، غيبة، ص 244؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 369؛ اثبات الهداء، ج 3، ص 542.

2- عن أبي عبد الله عليه السلام: «... لهم سيوف من حديد، غير هذا الحديد، لو ضرب أحدهم بسيفه جبلا لقدّه حتى يفصله، يغزو بهم الإمام عليه السلام الهند و الديلم و الكرد و الروم و بربر و فارس، و بين جابرسا إلى جابلقا». بصائر الدرجات، ص 141؛ اثبات الهداء، ج 3، ص 523؛ تبصرة الولي، ص 97؛ بحار الأنوار، ج 27، ص 41 و ج 54، ص 334 و 52، ص 227.

ج) جهان‌گشایی امام برای نجات بشر

درباره عملیات نظامی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و گشودن شهرها و کشورها، روایات بر دوگونه است: بعضی روایات سخن از گشودن شرق و غرب، جنوب و قبله و سرانجام همه جهان به میان آورده است و برخی روایات دیگر، به گشودن سرزمین‌های معینی از جهان اشاره دارد.

جای شک و تردید نیست که حضرت همه جهان را تحت سیطره و حکومت خود می‌آورد؛ ولی این که چرا از بعضی شهرها نام برده شده است، شاید به لحاظ اهمیتی باشد که آن شهرها در آن روزگار پیدا خواهند کرد. این اهمیت برای این است که آنها از قدرت‌های آن روزگار به حساب می‌آیند و سرزمین‌هایی از جهان را تحت نفوذ خود دارند یا آن سرزمین‌ها منطقه پهنآوری هستند که بخش بزرگی از جمعیت را در خود جای داده‌اند و یا این که قبله آمال پیروان یکی از مذاهب و ادیان می‌باشند؛ به طوری که اگر آن شهر سقوط کند، همه پیروان آن آیین تسلیم می‌شوند یا به سبب اهمیت نظامی و استراتژیکی آن است؛ به طوری که با سقوط آن، عملیات دشمن مختل شده، زمینه برای تهاجم نیروهای حضرت فراهم می‌گردد.

برگزیدن شهر مکه به عنوان نقطه آغاز قیام، سپس برگزیدن عراق و کوفه به عنوان مرکزیت سیاسی-نظامی حکومت و حرکت به سوی شام و گشودن بیت المقدس، شاید تأییدی بر این سخن باشد؛ زیرا امروزه اهمیت سیاسی، مذهبی و نظامی این سه سرزمین بر کسی پوشیده نیست.

دسته اول از روایات درباره تسلط حضرت بر سراسر جهان است که برخی عبارتند از:

حضرت رضا علیه السلام از پدرانش نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «وقتی مرا به معراج

ص: 152

1 - عن أبي عبد الله عليه السلام: «... لو أنهم وردوا على ما بين المشرق والمغرب من الخلق لأفنؤهم في ساعه واحده، لا يختل فيهم الحديد». بصائر الدرجات، ص 141؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 523؛ تبصره الولی، ص 97؛ بحار الأنوار، ج 27، ص 41 و ج 54، ص 334.

بردند... عرض کردم: پروردگارا! آیا اینان (امامان) پس از من جانشینان من خواهند بود؟ ندا آمد: ای محمد! آری، اینان دوستان و برگزیدگان و حجت های من پس از تو بر بندگانم می باشند و جانشینان و بهترین بندگانم پس از تو خواهند بود. به عزت و جلالم سوگند، دین و آیینم را به وسیله آنان به افراد بشر غالب می سازم و کلمه الله را به وسیله آنان برتری می بخشم و به وسیله آخرین آنان، زمین را از وجود سرکشان و گنهکاران پاک می کنم و فرمانروایی شرق و غرب را به او می دهم». (1)

در تفسیر آیه شریفه الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ؛ (2) آنان که اگر در زمین حاکمشان گردانیم، نماز را به پا می دارند و زکات می دهند). امام باقر علیه السلام فرمود: «این آیه مربوط به آل محمد صلی الله علیه و اله و آخرین امامان است. خداوند شرق و غرب زمین را در اختیار و نفوذ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و یارانش قرار می دهد». (3)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «مهدی از فرزندان من است و به دست او خداوند شرق و غرب زمین را می گشاید». (4)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کند، خداوند دین را به جایگاه اصلی اش بازمی گرداند و پیروزی های درخشانی برای او و به دست او انجام می دهد. در آن روزگار کسی بر روی زمین نمی ماند، مگر آن که مسلمان باشد و کلمه لا إله إلا الله را بر زبان داشته باشد». (5)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم از ماست و گسترش فرمانروایی آن حضرت 9.

ص: 153

1- عن الرضا عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «لما عرج بي إلى السماء... فقلت يا رب؛ هؤلاء أوصيائي بعدى؟ فنوديت يا محمد؛ هؤلاء أوليائي وأحبائي وأصفيائي. و حججى بعدك على بريتي و هم أوصياؤك و خلفاؤك و خير خلقى بعدك، و عزتي و جلالى لأظهرن بهم دینی، و لأعلنن بهم كلمتى، و لأظهرن الأرض بأخرهم من أعدائى، و لأملكنن مشارق الأرض و مغاربها». كمال الدين، ج 1، ص 366؛ عيون أخبار الرضا، ج 1، ص 262؛ بحار الأنوار، ج 18، ص 346.

2- حجج (22) آیه 41.

3- عن أبي جعفر عليه السلام: فى قوله: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ؛ «فهذه-آل محمد صلی الله علیه و اله و سلم إلى آخر الأئمة و المهدي و أصحابه يملكهم الله مشارق الأرض و مغاربها». تفسیر برهان، ج 2، ص 96؛ ينابيع الموده، ص 425؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 1.

4- احقاق الحق، ج 13، ص 259؛ ينابيع الموده، ص 487؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 378؛ الشيعة و الرجعه، ج 1، ص 218.

5- عنه صلی الله علیه و اله و سلم: «...يرد الله به الدين، و يفتح له فتوحا، فلا يبقى على وجه الأرض إلا من يقول: لا إله إلا الله». عقد الدرر، ص 222؛ فوائد فوائد الفكر، ص 9.

نیز می فرماید: «هنگام قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه، خداوند اسلام را بر همه ادیان پیروز می کند». (2)

از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل شده است: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، لشکریانش را به سراسر زمین گسیل می دارد». (3)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «اگر از زندگانی و پایان دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، ... خداوند مهدی عجل الله تعالی فرجه را می فرستد و به وسیله او، عظمت را به دین باز می گرداند و پیروزی های درخشانی برای او و به دست او انجام می دهد. در آن روزگار کسی بر کره خاکی نیست جز آن که ذکر لا اله الا الله بر زبان دارد». (4)

جابر بن عبد الله انصاری می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرمود: «ذو القرنین، بنده ای شایسته بود که خداوند، او را بر بندگانش حجت قرار داد. وی قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد و به تقوا دستور داد؛ ولی آنان بر سرش ضربه ای زدند و او مدتی از آنان پنهان شد؛ به طوری که آنان گمان بردند که مرده است. پس از مدتی نزد قومش بازگشت؛ ولی باز بر سمت دیگر سرش ضربه ای زدند.

در میان شما شخصی است که به سنت رفتار می کند. خدای عز و جل، برای ذو القرنین در زمین اقتداری فراهم آورد و از هرچیز، وسیله ای برای او قرار داد و او را به شرق و غرب جهان رساند. خداوند متعال، رفتار و روش او را پیرامون امام غائب علیه السلام - که از فرزندان من است - جاری می کند و او را به شرق و غرب زمین می رساند و هیچ آبگام و منزلی در کوه و بیابان باقی نمی ماند که ذو القرنین بر آن گام نهاده باشد، جز آن که او گام می نهد. خداوند برای او گنج ها و معادن زمین را آشکار می سازد و با ایجاد ترس در 8.

ص: 154

1- عن أبي جعفر عليه السلام: «القائم مآ... يبلغ سلطانه المشرق والمغرب...». كمال الدين، ج 1، ص 331؛ الفصول المهمه، ص 284؛ اسعاف الراغبين، ص 140.

2- عنه عليه السلام: «إن الإسلام يظهره الله على جميع الأديان عند قيام القائم عليه السلام». ينابيع الموده، ص 423.

3- النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «و يبعث جنوده في الآفاق». القول المختصر، ص 23.

4- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «لو لم يبق من الدنيا... يرد الله به الدين و يفتح له فتوحا، فلا يبقى على الأرض، إلا من يقول: لا اله الا الله». عيون أخبار الرضا، ص 65؛ احقاق الحق، ج 13، ص 346؛ الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 218.

دل دشمن، او را یاری می دهد و زمین را به وسیله او پر از عدل و داد می کند؛ چنان که قبل از قیام پر از جور و ستم شده است». (1)

دسته دیگری از روایات به گشودن شهرهای مخصوصی اشاره دارد که به گفتن چند روایت در این زمینه بسنده می کنیم:

امیر مؤمنان علیه السلام درباره حرکت مهدی عجل الله تعالی فرجه به سوی شام می فرماید: «به دستور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، امکانات حمل و نقل لشکریان فراهم می شود. پس از این فرمان، چهارصد کشتی ساخته می شود و در کنار ساحل عکا پهلو می گیرند. از سوی، کشور روم با صد صلیب - که همراه هر صلیب ده هزار نفر نیرو است - بیرون می آیند و با نیزه ها (و سلاح) خود طرسوس را می گشایند. حضرت با سپاهیانش به آن جا می رسند و از آنان به قدری می کشند که آب فرات تغییر رنگ می دهد و ساحل از اجساد آنان، بوی تعفن می گیرد. (با شنیدن این خبر) کسانی که در کشور روم مانده اند، به انطاکیه می گریزند». (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند... لشکری به قسطنطنیه می فرستد. چون آنان به خلیج برسند، جمله ای بر روی پاهای خود می نویسند و از روی آب می گذرند». (3) 5.

ص: 155

1- عن جابر بن عبد الله الأنصاري، قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم يقول: «إنَّ ذا القرنين كان عبدا صالحا جعله الله عزَّ و جلَّ حجَّه على عباده، فدعا قومه إلى إِيه، و أمرهم بتقواه، فضربوه على قرنه، فغاب عنهم زمانا حتى قيل: مات أو هلك بأى واد سلک؟ ثم ظهر و رجع إلى قومه، فضربوه على قرنه، الآخر و فيكم من هو على سنَّته، و إنَّ الله عزَّ و جلَّ مكَّن لذي القرنين في الأرض، و جعل له من كلِّ شىء سببا، و بلغ المغرب و المشرق، و إنَّ الله تبارك و تعالی سيجرى سنَّته في القائم من ولدى، فيبلغه شرق الأرض و غربها، حتى لا يبقى سهل و لا - موضع من سهل و لا - جبل و طئه ذو القرنين إلاَّ و طئه و يظهر الله عزَّ و جلَّ له كنوز الأرض و معادنها، و ينصره بالرعب، فيملأ الأرض عدلا. قسطا كما ملئت جورا و ظلما». كمال الدين، ج 2، ص 394؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 323، 336؛ الشيعة و الرجعه، ج 1، ص 218؛ ر. ك: ابن حمَّاد، فتن، ص 95؛ صراط المستقيم، ج 2، ص 262، 250؛ مفيد، ارشاد، ص 362؛ اعلام الوری، ص 430.

2- عن أمير المؤمنين عليه السلام: في قصَّه المهدي و فتوحاته، و رجوعه إلى دمشق. قال: «ثم يأمر المهدي عليه السلام بإنشاء مراكب، فينشأ أربعمائه سفينه في ساحل عكا، و تخرج الروم في مائه صليب، تحت كلِّ صليب عشرة آلاف، فيقيمون على طرسوس و يفتحونها بأسنَّه الرماح، و يوافيهم المهدي عليه السلام فيقتل من الروم حتى يتغيَّر ماء الفرات بالدم، و تنتن حافتاه بالحيف، و تنهزم (من في) الروم. فيلحقون بأنطاكيه...». ابن حمَّاد، فتن، ص 116؛ عقد الدرر، ص 189.

3- عن الصادق عليه السلام: «... إذا قام القائم... و يبعث جندا إلى القسطنطنيه، فإذا بلغوا إلى الخليج كتبوا على أقدامهم شيئا و مشوا على الماء». بحار الأنوار، ج 52، ص 365.

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «اگر از دنیا جز یک روز نماند، به طور حتم، خداوند مردی از عترت مرا می فرستد که همانم من است و پیشانی او می درخشد، او قسطنطنیه و جبل دیلم را می گشاید». (1)

حذیفه می گوید: «قسطنطنیه، دیلم و طبرستان گشوده نمی شود، مگر به دست مردی از بنی هاشم». (2)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، قسطنطنیه، چین (3) و کوه های دیلم را گشوده، مدت هفت سال فرمانروایی می کند». (4)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی و یارانش حرکت می کنند تا این که وارد قسطنطنیه می شوند و به جایی که پادشاه روم سکونت دارد می روند و سه گنج را از آن جا بیرون می آورند؛ گنجی از جواهرات، گنجی از طلا، و گنجی از نقره، آن گاه حضرت اموال و غنیمت ها را بین لشکریان تقسیم می کند». (5)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم، سه پرچم را برای (عملیات در) سه نقطه آماده می سازد؛ پرچمی را به قسطنطنیه (6) گسیل می دارد و خداوند آن جا را برای او می گشاید؛ پرچم دیگری را برای چین می فرستد و آن جا نیز برای حضرت گشوده می گردد و 8.

ص: 156

- 1- قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «لو لم يبق من الدنيا إلا يوم، لبعث الله فيه رجلا من عترتي يواطئ اسمه اسمي براق الجبين. يفتح القسطنطنيه و جبل الديلم». فردوس الاخبار، ج 3، ص 83؛ شافعی، بیان، ص 137؛ احقاق الحق، ج 13، ص 229 و ج 19، ص 660.
- 2- حذیفه: «لا يفتح القسطنطنيه و لا الديلم و لا طبرستان إلا رجل من بنی هاشم». ابن ابی شیبه، مصنف، ج 13، ص 18.
- 3- صین (چین) به بخش هایی از آسیای شرقی گفته می شود و شامل شوروی سابق، هند، نپال، برمه، ویتنام، ژاپن و دریای چین و کره می شود (المنجد فی الأعلام).
- 4- عن الباقر عليه السلام: «إذا قام القائم عليه السلام سار إلى الكوفة... و يفتح القسطنطنيه و الصين و جبال الديلم، فيمكث على ذلك سبعة سنين». بحار الأنوار، ج 52، ص 339؛ احقاق الحق، ج 13، «كل سنة عشر سنين من سنينكم هذه» ص 352؛ الشيعة و الرجعه، ج 1، ص 400.
- 5- قال علي عليه السلام: «إن المهدي عليه السلام يسير هو و من معه، فينزل قسطنطنيه في محل ملك الروم، فيخرج منها ثلاث كنوز، كنز من الجواهر، و كنز من الذهب و كنز من الفضه، ثم يقسم المال على عساكره». الشيعة و الرجعه، ج 1، ص 162.
- 6- قسطنطنيه شهری در ترکیه است، که در قرن هفتم قبل از میلاد ساخته شده و مدتی پایتخت امپراتوری روم بوده است؛ معجم البلدان، ج 4، ص 347؛ اعلام المنجد، ص 28.

پرچم سوم را برای کوه های دیلم (1) می فرستند و آن جا به تصرف نیروهایش در می آید». (2)

حذیفه می گوید: بلنجر (3) و کوه های دیلم گشوده نمی گردد، مگر به دست مردی از آل محمد صلی الله علیه و اله. (4)

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «... سپس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با هزار کشتی از شهر قاطع به سوی شهر قدس شریف رهسپار می شود و از عگا، صور، غزه و عسقلان (5) وارد سرزمین فلسطین می گردد، اموال و غنیمت ها را بیرون می آورد. سپس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه وارد قدس شریف شده، در آن جا فرود می آید و همان جا اقامت می گزیند تا زمانی که دجال ظاهر شود». (6)

ابو حمزه ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و اله ظهور می کند، به همراه او شمشیری است که آن را از نیام می کشد و خداوند به دست او سرزمین های روم، (7) چین، ترک، (8) دیلم، سند، هند، (9) کابل، شام، 2.

ص: 157

1- دیلم نام سرزمینی در بخش کوهستانی گیلان که در شمال قزوین قرار گرفته است؛ معجم البلدان، ج 1، ص 99؛ اعلام المنجد، ص 227؛ برهان قاطع، ج 1، ص 570.

2- عن الباقر علیه السلام: «ثم يعقد بها القائم ثلاث رايات، لواء إلى القسطنطينيه يفتح الله له. و لواء إلى الصين يفتح له، و لواء إلى جبال الديلم يفتح له». اثبات الهداه، ج 3، ص 585؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 388؛ ر.ک: بحار الأنوار، ج 54، ص 332، حدیث های شماره: 1، 6، 11، 14، 17، 18، 19، 34، 35، 36، 46.

3- خزر (شوروی سابق)؛ معجم البلدان، ج 1، ص 99؛ اعلام المنجد، ص 214.

4- حذیفه: «لا يفتح بلنجر و لا جبل الديلم إلا على رجل من آل محمد». عقد الدرر، ص 123 به نقل از: ابن المنادی، ملاحم.

5- شهری در شام، از توابع فلسطین و بر روی ساحل دریاست. این نقطه، بین دو شهر غزه و بیت جبرین قرار گرفته است؛ معجم البلدان، ج 3، ص 673.

6- عن علی علیه السلام: «ثم يتوجه المهدي من مدينه القاطع إلى القدس الشريف بألف مركب. فينزلون شام فلسطین، بین عگا و صور و غزه و عسقلان، فيخرجون ما معهم من الأموال و ينزل المهدي بالقدس الشريف و يقيم بها إلى أن يخرج الدجال». عقد الدرر، ص 201.

7- روم اکنون پایتخت ایتالیاست. در آن روزگار مرکز حکومتی بود که پادشاهانی با نام رسمی قیصر بر آن حکومت می کردند و بر بخش بزرگی از جهان تسلط داشتند، به طوری که گستره نفوذ آنان از دریای مدیترانه، شمال آفریقا، یونان، ترکیه، سوریه، لبنان تا فلسطین را دربر می گرفت و همه این سرزمین ها را روم می نامیدند.

8- ترکستان در قاره آسیا قرار گرفته و بین چین و شوروی تقسیم شده است و شامل سین کیانگ از چین و ترکمنستان، ازبکستان، تاشکند، تاجیکستان، قرنجیر، قزاقستان است؛ اعلام المنجد.

9- شبه جزیره ای به شکل مثلث در جنوب آسیا است و شامل جمهوری هند، پاکستان، بوتان و نپال می باشد؛ برهان قاطع، ج 1، ص 703؛ اعلام المنجد، ص 542.

ابن حجر می نویسد... اولین پرچمی را که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه برای جنگ می بندد، به ترک روانه می کند. (2)

شاید منظور از سیف مختلط که در روایت ثمالی آمده است، کنایه از سلاح خاصی باشد که در دسترس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه قرار می گیرد؛ زیرا برای گشودن همه سرزمین ها- که نیاز به توان تهاجمی فوق العاده ای دارد- سلاحی مناسب لازم است که برتر از همه سلاح ها باشد؛ به ویژه اگر بگوئیم که آن حضرت فعالیت های گوناگونی را از طریق عادی انجام می دهند.

درباره گشودن هند، کعب می گوید: فرمانروایی که در بیت المقدس می باشد، سپاهی را به هند گسیل می دارد و آن جا را می گشاید. آن گاه آن سپاه، وارد خاک هند می شوند و گنج های آن جا را برای فرمانروای بیت المقدس می فرستند و او نیز آن جا را تزیین می کند و پادشاهان هند را به صورت اسیر نزد او می آورند. شرق و غرب زمین برای آنان گشوده می شود و نیروها در هند حضور خواهند داشت تا هنگامی که دجال خروج کند. (3)

حذیفه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «ظاهر فرزند اسماء با بنی اسرائیل جنگید و آنان را به اسارت گرفت و بیت المقدس را به آتش کشید و مقدار هزار و هفت صد (یا نه صد) کشتی طلا و جواهرات را از آن جا به شهر رومیه آورد. به طور حتم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه آنها را از آن شهر بیرون برده، به بیت المقدس بازمی گرداند». (4) 9.

ص: 158

1- عن أبي حمزة الثمالي، قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: «لو خرج قائم آل محمد صلى الله عليه و اله و سلم... و معه سيف مختلط، يفتح الله له الروم، و الصين، و الترك و الديلم و السند و الهند، و كابل شاه، و الخزر». نعماني، غيبه، ص 108؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 348.

2- ابن حجر: «أول لواء يعقده المهدي يبعثه إلى الترك». القول المختصر، ص 26.

3- عن كعب: يبعث ملك في بيت المقدس جيشا إلى الهند فيفتحها، فيطأ أرض الهند، و يأخذ كنوزها، فيصيّر ذلك الملك حليه لبیت المقدس، و يقدم عليه بملوك الهند مغللين، و يفتح لهم بين المشرق و المغرب، و يكون مقامهم في الهند إلى خروج الدجال». عقد الدرر، ص 319، 97؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 81؛ حنفی، برهان، ص 88.

4- حذيفه عن رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «غزا طاهر بن أسماء بنی اسرائیل فسيبهم، و سباحلى بيت المقدس، و أحرقتها بالنيران، و حمل منها فى البحر، منها ألفا و سبعمائه- تسعمائه- سفينه حلى حتى أوردھا روميه». قال حذيفه: فسمعت رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم يقول: «ليستخرجن المهدي عليه السلام ذلك حتى يردّه إلى بيت المقدس». عقد الدرر، ص 201؛ شافعى، بيان، ص 114؛ احقاق الحق، ج 13، ص 229.

هرچند قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از مکه آغاز می شود، ولی سرزمین حجاز (1) را پس از ظهور می گشاید. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در مکه ظاهر می شود و خداوند، سرزمین حجاز را می گشاید و حضرت هرکس از بنی هاشم را که در زندان است، آزاد می سازد». (2)

امیر مؤمنان علیه السلام درباره گشودن خراسان می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به حرکت خود ادامه می دهد تا این که خراسان (3) را می گشاید و پس از آن دوباره به شهر مدینه باز می گردد». (4)

آن حضرت درباره گشودن ارمنیه (5) به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می فرماید:

«حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به حرکت خود ادامه می دهد تا این که به ارمنیه می رسد. چون مردم آن سرزمین او را می بینند، یکی از راهبان دانشمند را برای مذاکره، خدمت حضرت می فرستند. راهب به امام علیه السلام می گوید: آیا مهدی تو هستی؟ حضرت می فرماید: آری، منم؛ آن که نامم در انجیل آمده است و بشارت داده شده که در آخر زمان، ظهور می کنم.

او پرسش هایی را مطرح می کند و امام علیه السلام پاسخ می دهد.

راهب مسیحی، اسلام می آورد؛ ولی ساکنان ارمنیه، سرپیچی و تمرد می کنند.

پس از آن سپاهیان حضرت وارد شهر می شوند و پانصد هزار نفر از نیروهای مسیحی را نابود می سازند و خداوند با قدرت بی پایانش شهر آنان را بین آسمان و زمین 5.

ص: 159

1- حجاز از شمال به خلیج عقبه، از مغرب به دریای سرخ، از مشرق به نجد و از جنوب به عسیر محدود می شود؛ اعلام المنجد، ص 229 و به نقل حمونینی، از اعماق صنعا در یمن، تا شام را حجاز می نامند، و تبوک و فلسطین نیز جزو آن است؛ معجم البلدان.

2- عن أبي جعفر عليه السلام: «ثم يظهر المهدي بمكة... فيفتح أرض الحجاز ويخرج من كان في السجن من بني هاشم». ابن حمّاد، فتن، ص 95؛ متقی هندی، برهان، ص 141؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 64؛ القول المختصر، ص 23.

3- خراسان در آن روزگار به سرزمین هایی از ایران، افغانستان و شوروی گفته می شد؛ اعلام المنجد، ص 267.

4- علی علیه السلام: «ثم يسير -المهدي- حتى يفتح خراسان، ثم يرجع إلى مدينة الرسول صلى الله عليه و اله و سلم». الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 158.

5- ارمنیه در آسیای صغیر و محدود به کوه های آرارات، قفقاز، ایران، ترکیه و رود فرات می باشد و روزگاری حکومتی مستقل داشت و پس از انقراض امپراتوری بیزانس، این سرزمین بین ایران، روس، و عثمانی ها تقسیم شد؛ المنجد، ص 25.

معلق می کند؛ به طوری که پادشاه و اطرافیانش که در بیرون شهر مستقر شده اند، شهر را در وسط آسمان و زمین آویزان می بینند.

پادشاه ارمینیه از ترس می گریزد و به اطرافیانش نیز دستور می دهد به پناهگاهی پناه برند. در بین راه، شیری راه را بر آنان می بندد و آنان هراسان، سلاح ها و اموالی را که به همراه دارند، می اندازند و سربازان حضرت که در تعقیب آنان می باشند، اموال را می گیرند و بین خود تقسیم می کنند؛ به طوری که به هریک، صد هزار دینار می رسد. (1)

بخش دیگری از جهان گشایی های حضرت در شهرهای زنج است. حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به پیشروی خود ادامه می دهد تا این که به شهر زنج کبری می رسد. در آن شهر هزار بازار است و در هریک از بازارها، هزار مغازه وجود دارد و حضرت آن شهر را می گشاید. (2) حضرت پس از گشودن آن جا، عازم شهری به نام قاطع - که به صورت جزیره و بر روی دریاست - می شود. (3) البته در سند این روایت و خود روایت بحث است.

حضرت باقر علیه السلام درباره اعزام لشکریان مهدی عجل الله تعالی فرجه به سراسر جهان می فرماید: «گویا حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه را می بینم که سربازانش را به سراسر جهان گسیل می دارد. (4)

نیز آن حضرت می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه لشکریان خود را برای گرفتن بیعت، 7.

ص: 160

1- علی علیه السلام: «ثم إن المهدي عليه السلام يسير حتى ينزل أرمينية الكبرى، فإذا رآه أهل أرمينية، أنزلوا له راهبا من رهبانهم كثير العلم، فيقولون له: انظر ماذا يريد هؤلاء. فإذا أشرف الراهب على المهدي عليه السلام فيقول الراهب: أنت المهدي: فيقول المهدي: نعم، أنا المذكور في إنجيلكم، أنا أخرج في آخر الزمان فيسأله الراهب عن مسائل كثيرة، فيجيبه عنها، فيسلم الراهب، ويمتنع أهل أرمينية، فيدخلها أصحاب المهدي عليه السلام، فيقتلون فيها خمسمائة ألف مقاتل من النصارى، ثم يعلق الله مدنتهم بين السماء والأرض بقدرته فينظر الملك و من معه إلى مدنتهم و هي معلقة، و هو يومئذ خارج عنها يجمع جنوده، إلى قتال المهدي، فإذا نظر إلى ذلك ينهزم و يقول لأصحابه: خذوا لأنفسكم مهربا، فيهرب أولهم، و آخرهم، فيخرج عليهم أسد عليهم عظيم، فيزعق في وجوههم فيلقون ما في أيديهم من السلاح و المال، و يتبعهم جنود المهدي عليه السلام، فيأخذون أموالهم و يقسمونها فيكون لكل واحد مائة ألف دینار». همان، ص 162.

2- علی علیه السلام: «ثم يسير المهدي عليه السلام إلى مدينة الزنج الكبرى، و فيها ألف سوق، و في كل سوق ألف دكان يفتحها». همان، ص 164. و لا يخفى ما في السند من الاشكال و التأمل و كذا ما قبله.

3- علی علیه السلام: «... ثم يأتي إلى مدينة يقال لها: مقاطع و هي على البحر الأخضر المحيط بالدنيا». همان، ج 1، ص 164؛ ر.ك: عقد الدرر، ص 200؛ احقاق الحق، ج 13، ص 229.

4- عن الباقر عليه السلام: «كأني بالقائم... و هو يفرق الجنود في البلاد». مفيد، ارشاد، ص 341؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 337.

به سراسر جهان می فرستد و ستم و ستمگر را نابود می کند و شهرهای گشوده شده، برای او تثبیت می گردد و خداوند به دست مبارکش، قسطنطنیه را می گشاید». (1)

د) سرکوبی شورش ها

پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و گشودن شهرها و کشورهای گوناگون، برخی از شهرها و قبایل به رویارویی با حضرت می پردازند که به وسیله لشکریان امام علیه السلام سرکوب می شوند و گروهی کج اندیش، سخن حضرت را در برخی مسائل نمی پذیرند و به سرکشی علیه حضرت دست می زنند که دوباره به وسیله لشکریان حضرت سرکوب می گردند. به روایاتی در این زمینه توجه کنید:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «سیزده شهر و طایفه هستند که مردم آن با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه به نبرد می پردازند و حضرت با آنان می جنگد. آنان عبارتند از: مردم مکه، مدینه، شام، بنی امیه، بصره، دمنسیان، کردها، و اعراب قبایل: بنی ضبّه، (2) غنی، (3) باهله، (4) ازد و

ص: 161

1- عن أبي جعفر عليه السلام: «...فبيعت بالبيعة إلى المهدي جنوده إلى الآفاق، ويميت الجور وأهله، وتستقيم له البلدان، ويفتح الله على يديه القسطنطنية». ملاحم ابن طاوس، ص 64. أقول لا- شك في ظهور دين الإسلام على الأديان كلها، وفتح العالم بأجمعه على يد المهدي عليه السلام بحيث لم يبق إلا الدين الحنيف و حاكميه الإسلام. و لكن الكلام في التفاصيل مما وردت في بعض النصوص: كأخذ الاموال و قتل هذا العدد الهائل فهي مما ينبغي إعادته النظر في أسانيدھا سیما و بعضها عن أمثال كعب و بعضها الآخر مما لم يتمّ سنده، و لا- أقل من القول بأن... التفاصيل، ليس من الضروريات و أنه يجب الاعتقاد به و قد تعرضنا لهذا البحث في أبحاثنا حول المهدي عليه السلام و قد طبع في العدد الخامس من مجلته الانتظار فراجع. ابن طاوس، ملاحم، ص 64؛ الفتاوى الحديثية، ص 31.

2- ضبه نام روستایی در حجاز است که در راه شام در ساحل دریا قرار گرفته است. در کنار آن، روستای حضرت یعقوب به نام «بدا» قرار دارد. بنی ضبّه قبیله ای است که در جنگ جمل به پشتیبانی از دشمنان علی علیه السلام برخاستند و بیش تر اشعار و رجزهایی که در جنگ جمل خوانده شد، متعلق به قبیله ضبه و ازد بود. آنان در آن جنگ گرداگرد شتر عایشه را گرفتند و از او حمایت کردند؛ سمعانی، انساب، ج 4، ص 12؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 9، ص 320 و ج 1، ص 253.

3- غنی قبیله ای است که در «هار» در سرزمین جزیره العرب- میان موصل و شام- زندگی می کردند و به شخصی به نام غنی بن یعصر منسوب هستند؛ سمعانی، انساب، ج 4، ص 315.

4- باهله طایفه ای منسوب به باهله بن أعصر می باشد. عرب ها در آن روزگار از پیوند با این قبیله خودداری می ورزیدند؛ زیرا افراد شرافتمند و محترمی در میان آنان نبود و طایفه باهله مردمی پست بودند. حضرت علی علیه السلام پیش از حرکت به صفین به آنان فرمود: «خدا را گواه می گیرم که من از شما و شما از من خشمگین هستید، پس بیایید، حقوق خود را دریافت کنید و از کوفه به دیلم کوچ کنید؛ سمعانی، انساب، ج 1، ص 275؛ وقعه صفین، ص 116؛ النفی و التغریب، ص 349. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 272؛ الغارات، ج 2، ص 21.

امام باقر علیه السلام دربارهٔ پرخاش گروهی به سخنان مهدی عجل الله تعالی فرجه می فرماید: «وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پاره ای از احکام را بیان می دارد و دربارهٔ برخی از سنت ها سخن می گوید، گروهی به عنوان اعتراض و قیام علیه حضرت، از مسجد بیرون می روند.

حضرت به یارانش دستور تعقیب آنان را صادر می کند. سپاه حضرت، در محلهٔ تمارین بر آنان دست می یابند و آنان را اسیر کرده، نزد حضرت می آورند. امام علیه السلام دستور می دهد که همگی را سر ببرند و این آخرین شورش و حرکتی است که علیه حضرت رخ می دهد». (2)

دربارهٔ شورش در رمیله و سرکوبی آن، فرزند ابی یعفر می گوید: به حضور امام صادق علیه السلام آمدم، در حالی که گروهی از یارانش نیز در خدمت ایشان بودند. حضرت، به من فرمود: «آیا قرآن خوانده ای؟» عرض کردم: آری؛ ولی به همین قرائت متعارف. فرمود: «مقصود من هم، همین قرائت بود». گفتم: منظور از این پرسش چیست؟ فرمود:

«حضرت موسی مطالبی را برای قوم خود گفت، ولی آنان تاب و توان آن را نداشتند و علیه حضرت - در مصر - قیام کردند؛ موسی علیه السلام نیز با آنان جنگید و آنان را به قتل رساند.

حضرت عیسی علیه السلام نیز مطالبی را برای قوم خود بازگو کرد و آنان نیز تحمل نکرده، علیه او - در شهر تکریت - دست به شورش زدند. عیسی علیه السلام نیز به رویارویی با آنان برخاست و نابودشان کرد. این است معنای سخن خداوند که می فرماید: 5.

ص: 162

1 - عن أبي عبد الله عليه السلام: «ثلاثة عشر مدينة و طائفه يحارب القائم أهلها و يحاربونه: أهل مكّه و أهل المدینه، و أهل الشام و بنو أمیه، و أهل البصره. و أهل دمیسان، و الأكراد و الأعراب، و ضبّه، و غنی و باهله، و أزد. و أهل الری». نعمانی، غیبیه، ص 299؛ بصائر الدرجات، ص 336؛ حلیه الابرار، ج 2، ص 632؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 363 و ج 48، ص 84.

2 - قال أبو جعفر علیه السلام: «فبینا صاحب الأمر قد حکم ببعض الأحكام، و تکلم ببعض السنن؛ إذ خرجت خارجة من المسجد یریدون الخروج علیه، فبقول لأصحابه: انطلقوا فیلحقوا بهم فی التمارین فیأثونه بهم أسری لیأمر بهم فیذبحون و هی آخر خارجة تخرج علی قائم آل محمد». عیاشی، تفسیر، ج 2، ص 61؛ تفسیر برهان، ج 2، ص 83؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 345.

فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ؛ (1) طایفه ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند و طایفه دیگر کافر شدند و ما ایمان آوردگان را نصرت دادیم و بر دشمنانشان پیروز کردیم.

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه نیز هنگامی که ظهور کند، سخنانی برای شما می گوید که تاب و توان پذیرش آن را نخواهید داشت. از این رو، علیه حضرت در شهر رمیله قیام می کنید و با او می جنگید. حضرت نیز به رویارویی با شما می پردازد و شما را به قتل می رساند و این شورش آخرین قیام علیه حضرت است». (2)

ه) پایان جنگ ها

با پی ریزی نظام الهی و حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه و فروپاشی قدرت های شیطانی، شعله های جنگ فرو می نشیند و دیگر قدرتی نمی ماند که بتواند با ارتش مهدی عجل الله تعالی فرجه به رویارویی برخیزد. از این رو، ساز و برگ نظامی در بازارها بدون تقاضا می ماند و در نتیجه ارزان و بی خریدار می شود.

علی علیه السلام می فرماید: «... و جنگ ها نیز به پایان می رسد». (3)

کعب می گوید: روزها به پایان نمی رسد تا این که مردی از قریش، در بیت المقدس فرود می آید... و جنگ ها نیز به پایان می رسد». (4)

ص: 163

1- صف(61) آیه 14.

2- عن ابن أبي يعفور قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام: وعنده نفر من أصحابه، فقال لي: «يا ابن أبي يعفور هل قرأت القرآن؟» قال: قلت: نعم، هذه القراءة، قال: «عنها سألتك، ليس عن غيرها»، قال: فقلت: نعم - جعلت فداك - ولم؟ قال: «لأن موسى عليه السلام حدث قومَه الحديث لم يحتملوه عنه فخرجوا عليه بمصر فقاتلوه، فقاتلهم، فقتلهم؛ ولأن عيسى عليه السلام حدث قومَه بحديث فلم يحتملوه عنه فخرجوا عليه بتكريت، فقاتلوه فقاتلهم، فقتلهم، وهو قول الله عز وجل: فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ وَأَنَّ أَوَّلَ قَائِمٍ يَقُومُ مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَحْدِثُكُمْ بِحَدِيثٍ لَا تَحْتَمِلُونَهُ فَتَخْرُجُونَ عَلَيْهِ بِرَمِيْلَةِ الدَّسَكِرَةِ فَتَقَاتِلُونَهُ فَيَقَاتِلُكُمْ فَيَقْتُلُكُمْ، وَهِيَ آخِرُ خَارِجَةٍ تَكُونُ». بصائر الدرجات، ص 336؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 375 و ج 47، ص 84 و ج 14، ص 279.

3- علی علیه السلام: «... و تضع الحرب أوزارها». ابن حماد، فتن، ص 162؛ المعجم الصغير، ص 150؛ احقاق الحق، ج 13، ص 204.

4- عن كعب الأحمار: لا تنقضي الأيام حتى ينزل خليفه من قریش بیت المقدس و تضع الحرب أوزارها». عقد الدرر، ص 166؛ ر.ك: عبد الرزاق، مصنف، ج 11، ص 401.

رسول خدا صلی الله علیه و اله در خطبه ای درباره دجال و کشته شدنش فرمود: «پس از آن بهای یک اسب، چند درهم (پول نقره) خواهد بود». (1)

ابن مسعود می گوید: از نشانه های قیامت این است که زن و اسب گران می شود؛ سپس ارزان می گردد و تا روز قیامت نرخ آن گران نمی شود. (2)

شاید مقصود از گرانی زن پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه کنایه از این باشد که در اثر نامساعد بودن اوضاع اقتصادی، اداره و نگه داری یک زن و تشکیل خانواده بسیار مشکل می شود؛ چنان که در اثر کثرت جنگ ها و نیاز به مرکب، تهیه اسب (و تجهیزات جنگی) دشوار و گران می شود؛ ولی با پایان جنگ ها- پس از قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه- جنگ افزارها ارزان می شود و در اثر بهبود وضع اقتصادی، دشواری های ازدواج و زندگی از بین می رود و گویا زن ارزان می شود.

زمخشری نقل می کند: یکی از نشانه های قیام- مهدی عجل الله تعالی فرجه- این است که از شمشیرها، به جای داس استفاده می کنند». (3)

چون در آن روزگار دیگر جنگی نیست؛ در نتیجه از صنایع و ابزاری که در خدمت جنگ قرار داشت، برای پیشرفت کشاورزی بهره برداری می کنند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله در این زمینه می فرماید: «...نرخ گاو بالا می رود و نرخ اسب ناچیز می شود». (4)

شاید این روایت نیز همین گونه تفسیر شود؛ زیرا از گاو در کشاورزی استفاده می شود و گوشت و شیر آن قابل مصرف است؛ ولی از اسب بیش تر به عنوان ابزار جنگی بهره برداری می کرده اند. 2.

ص: 164

-
- 1- عن التّبی صلی الله علیه و اله و سلّم: فی خطبته فی الدجال و قتله: «...و یكون الفرس بدریهمات». ابن طاووس، ملاحم، ص 152.
 - 2- عن ابن مسعود: «من أشرط الساعه... أن تغلو النساء و الخیل، ثم ترخص، فلا تغلو إلى یوم القیامه». المعجم الکبیر، ج 9، ص 342 و مانند این مطلب را در عقد الدرر، ص 331، از «خارجہ بن الصلت» نقل شده است.
 - 3- روی الزمخشری: «من أشرط الساعه أن یتخذ السیوف مناجل». الفائق، ج 1، ص 354.
 - 4- عن التّبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «...و یكون الثور بكذا و كذا من المال، و یكون الفرس بالدریهمات». ابن حمّاد، فتن، ص 159؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 82.

هرچند در روایات بسیاری، جنگ های پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به نیروهای رزمی ای نسبت داده شده است که از سراسر جهان به یاری حضرت می شتابند، اما پیروز شدن بر تمام جهان، با توجه به پیشرفت علم و صنایع نظامی قبل از ظهور حضرت، کاری دشوار و محال است؛ مگر آن که به رهبری شخصی که از سوی خداوند یاری می شود، انجام گیرد.

امدادهای الهی گاهی در قدرتی است که خداوند به حضرت داده است و با انجام کراماتی، حضرت مشکلات را از سر راه برمی دارد و یا به وسیله رعب و ترسی است که خداوند در دل دشمن ایجاد می کند و یا این که خداوند ملائکه را به یاری حضرت می فرستد. در برخی از روایات سخن از نیروهایی است که دارای خصوصیات فرشتگان هستند و منتظر ظهور حضرتند تا او را یاری کنند و از تابوت و اشیایی که در آن است نیز به عنوان وسیله ای دیگر برای نصرت و یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نام برده شده است.

در این فصل به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

الف) رعب و ترس، سلاح امام

امام صادق علیه السلام می فرماید: «قائم ما اهل بیت با ترس و رعب یاری می شود». (1)

ص: 165

1- قال الصادق علیه السلام: «القائم منّا منصور بالرعب». مستدرک الوسائل، ج 12، ص 335 و ج 14، ص 354.

نیز می فرماید: «خداوند، حضرت قائم را با سه لشکر یاری می دهد: فرشتگان، مؤمنان و رعب (ترس انداختن در دل دشمن)». (1)

امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید: «ترس و وحشت - از قدرت مهدی عجل الله تعالی فرجه - پیشاپیش سپاهیان به فاصله یک ماه و از پشت سر آنها به فاصله یک ماه در حرکت است». (2)

هم چنین آن حضرت می فرماید: «ترس و رعب در پیشاپیش پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به فاصله یک ماه و از پشت سر نیز به فاصله یک ماه و از سمت راست به فاصله یک ماه و از سمت چپ نیز به فاصله یک ماه در حرکت است». (3)

از این روایات استفاده می شود که وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه جایی را قصد کند، دشمن پیشاپیش دچار ترس و وحشت شده، توان رویارویی و ایستادگی در برابر سپاهیان حضرت را از دست می دهد. هم چنین وقتی لشکریان از جایی حرکت می کنند، کسی جرأت شورش ندارد؛ زیرا دشمن از لشکریان حضرت دچار وحشت می شود. این تفسیر و توجیه با ظاهر بعضی از روایاتی که پیش تر گفته شد، منافات دارد.

ب) فرشتگان و جئان

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «... خداوند، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را با فرشتگان، جن و شیعیان مخلص یاری می کند». (4)

ابان بن تغلب می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «گویا هم اکنون، حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه را در پشت شهر نجف می بینم؛ هنگامی که بر آن نقطه از جهان دست یافته است. او بر اسبی سیاه که خال های سفیدی دارد و میان چشمانش پاره ای سفیدی می درخشد،

ص: 166

1- عن أبي عبد الله عليه السلام: «... و يؤيده الله بثلاثة أجناد: بالملائكة، و المؤمنين، و الرعب...». بحار الأنوار، ج 52، ص 356.

2- عن أبي جعفر عليه السلام: «... و يسير الرعب أمامه شهرا، و خلفه شهرا». همان، ص 343.

3- و عن أبي جعفر عليه السلام: «... و يسير الرعب قدامها شهرا [و وراءها شهرا] و عن يمينها شهرا. و عن يسارها شهرا». نعمانی، غيبة، ص 308؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 361.

4- عن علي عليه السلام: «... و يؤيده الله بالملائكة و الجنّ و شيعتنا المخلصين». حصيني، الهداية، ص 31؛ ارشاد القلوب، ص 286.

سوار می شود (و شهرهای جهان را می گشاید). هیچ شهری در جهان برجای نمی ماند، جز آن که مردمش می پندارند، مهدی عجل الله تعالی فرجه در میان آنان و در شهرشان می باشد. آن گاه که او پرچم رسول خدا صلی الله علیه و اله را به اهتزاز در آورد، سیزده هزار و سیزده فرشته - که سال ها منتظر ظهورش بوده اند - به زیر پرچمش گرد می آیند (و آماده نبرد می شوند). همان فرشتگانی که با نوح پیامبر در کشتی، با ابراهیم خلیل در آتش و با عیسی هنگام عروج به آسمان، همراه بودند.

هم چنین چهار هزار فرشته به یاری حضرت می شتابند؛ آن فرشتگانی که بر سرزمین کربلا فرود آمده بودند تا در رکاب حسین علیه السلام بجنگند؛ ولی اذن این کار را نیافتند و به آسمان رفتند و چون با اذن جهاد بازگشتند، امام حسین علیه السلام را شهید یافتند و در اندوه از دست دادن این فیض بزرگ، همواره ناراحت و اندوهگینند و تا روز رستاخیز، گرداگرد ضریح امام حسین علیه السلام می چرخند و اشک می ریزند». (1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «گویا هم اکنون حضرت قائم و یارانش را می بینم... که فرشته جبرئیل در سمت راست مهدی علیه السلام و میکائیل در سمت چپ آن حضرت حرکت می کنند و ترس و وحشت، پیشاپیش سپاهیانش و پشت سر آنان به فاصله یک ماه در حرکت است و خداوند، او را با پنج هزار فرشته آسمانی یاری می رساند». (2)

نیز آن حضرت می فرماید: «فرشتگانی که در جنگ بدر به پیامبر صلی الله علیه و اله یاری دادند، هنوز 1.

ص: 167

1- عن أبان بن تغلب، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: «كأني أنظر إلى القائم على ظهر النجف، فإذا استوى على ظهر النجف، ركب فرسا أدهم، أبلق، بين عينيه شمراخ، ثم ينتفض به فرسه، فلا يبقى أهل بلده إلا وهم يظنون أنه معهم في بلادهم، فإذا نشر رايه رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم انحط إليه ثلاثة عشر ألف ملك و ثلاثة عشر ملكا كلهم ينتظر القائم، و هم الذين كانوا مع نوح عليه السلام في السفينه، و الذين كانوا مع إبراهيم الخليل عليه السلام: حيث ألقى في النار، و كانوا مع عيسى حيث رفع، و أربعة آلاف ملك الذين هبطوا يريدون القتال مع الحسين بن علي عليهما السلام فلم يؤذن لهم فصعدوا في الاستئذان، و هبطوا و قد قتل الحسين فهم شعث غبر بيكون عند قبر الحسين إلى يوم القيامة، و ما بين قبر الحسين عليه السلام إلى السماء مختلف الملائكة». كمال الدين، ج 2، ص 672؛ نعماني، غيبه، ص 309؛ كامل الزيارات، ص 120؛ العدد القوي، ص 74؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 245.

2- قال أبو جعفر عليه السلام: «لكأني أنظر إليهم... جبرئيل عن يمينه و ميكائيل عن يساره، يسير الرعب أمامه شهرا، و خلفه شهرا، أمده الله بخمسة آلاف من الملائكة». بحار الأنوار، ج 52، ص 343؛ نور الثقلين، ج 1، ص 388؛ القول المختصر، ص 21.

به آسمان بازنگشته اند تا این که حضرت صاحب الامر علیه السلام را یاری رسانند و تعدادشان پنج هزار فرشته می باشد». (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه نه هزار و سی صد و سیزده فرشته فرود می آید؛ آنان همان فرشتگانی هستند که همراه حضرت عیسی علیه السلام بوده اند؛ هنگامی که خداوند او را به آسمان برد». (2)

علی علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با سه هزار فرشته یاری می شود؛ آنان بر چهره و پشت دشمنان می کوبند». (3)

در تفسیر آیه شریفه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (4) امر خدا فرارسید، پس درباره آن شتاب نکنید. امام صادق علیه السلام می فرماید: «این امر الله، امر ماست؛ یعنی خداوند برای قیام مهدی فرمان داده است که برای آن شتاب نکنیم؛ زیرا خداوند، صاحب امر ما را با سه لشکر از فرشتگان، مؤمنان و رعب پشتیبانی می کند و ما به حقمان می رسیم». (5)

حضرت رضا علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، خداوند به فرشتگان دستور می دهد تا بر مؤمنان سلام دهند و در مجالس آنان شرکت کنند و اگر یکی از مؤمنان با حضرت کاری داشت، امام علیه السلام برخی از فرشتگان را مأمور می کند که آن شخص را به دوش گیرند و نزدش بیاورند و هرگاه نیازش برطرف شد، او را به جایگاه 6.

ص: 168

1- الباقر علیه السلام: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ نَصَرُوا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ بَدْرٍ فِي الْأَرْضِ مَا صَعَدُوا بَعْدَ وَلَا يَصْعَدُونَ، حَتَّى يَنْصُرُوا صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ، وَهُمْ خَمْسَةٌ أَلْفٌ». اثبات الهداه، ج 3، ص 549؛ نور الثقلين، ج 12، ص 388؛ مستدرک الوسائل، ج 2، ص 448.

2- عن أبي عبد الله عليه السلام: «ينزل على القائم عليه السلام تسعة آلاف ملك و ثلاثمائة و ثلاث عشر ملكا، و هم الذين كانوا مع عيسى لما رفعه الله إليه». بحار الأنوار، ج 14، ص 339؛ ر.ك: نعماني، غيبه، ص 311.

3- علي عليه السلام: «... و لا تنشر-الرايه- حتى يخرج المهدي، و يمدّ بثلاثة آلاف من الملائكة يضربون وجوه من خالفه، و أدبارهم». ابن حمّاد، فتن، ص 101؛ شافعي، بيان، ص 515؛ الحاوي للفتاوى، ج 2، ص 73؛ الصواعق المحرقة، ص 167؛ كنز العمال، ج 4، ص 589؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 73؛ احقاق الحق، ج 19، ص 652.

4- نحل (16) آية 1.

5- عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عزّ و جلّ: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ قَالَ: هُوَ أَمْرُنَا يَعْنِي قِيَامَ قَائِمِنَا آلِ مُحَمَّدٍ، أَمْرُنَا اللَّهُ أَنْ لَا نَسْتَعْجِلَ بِهِ، فَيُؤَيِّدُهُ [فِيؤَدِّهِ] إِذَا أَتَى عَلَيْهِ ثَلَاثَةٌ جُنُودٍ: الْمَلَائِكَةُ وَ الْمُؤْمِنُونَ، وَ الرَّعْبُ». تأويل الآيات الظاهرة، ج 1، ص 252؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 562؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 356.

برخی از مؤمنان بر روی ابرها حرکت می کنند و برخی دیگر به همراه فرشتگان در آسمان پرواز می کنند و گروهی دیگر به همراه فرشتگان راه می روند و گروهی نیز بر فرشتگان سبقت می گیرند. برخی از مؤمنان را فرشتگان به عنوان قاضی قرار می دهند و مؤمن نزد خداوند بارزش تر از فرشته است؛ به گونه ای که برخی از مؤمنان را حضرت بر صد هزار فرشته به عنوان قاضی می گمارد». (1)

شاید قضاوت این مؤمنان در میان فرشتگان برای رفع اختلاف آنان در مسائل علمی و موضوعات باشد و این گونه اختلافات با عصمت فرشتگان منافاتی ندارد.

ج) فرشتگان زمین

محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره میراث علم و اندازه آن پرسیدم؟ حضرت در پاسخ فرمود: «خداوند، دو شهر یکی در شرق زمین و دیگری در غرب آن دارد، در آن دو شهر گروهی سکونت دارند که نه ابلیس را می شناسند و نه از آفرینش او آگاهی دارند. هر چند مدت یک بار با آنان دیدار می کنم. آنان درباره مسائل مورد نیاز خود و چگونگی دعا از ما می پرسند و ما به آنان می آموزیم. هم چنین آنان درباره زمان ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه می پرسند. آنان عبادت و کوشش بسیاری در پرستش خداوند دارند.

آن شهر درهایی دارد که بین هریک از لنگه های آن صد فرسنگ فاصله است. آنان پرستش، تمجید، دعا و کوشش بسیاری دارند. اگر آنان را ببینید، کردار و رفتار خود را در برابر آنان کوچک می شمارید. وقتی برخی از آنان به نماز می ایستند، یک ماه در حال سجده هستند. خوراک آنان ستایش خداست و لباسشان برگ و رخسارشان از نور

ص: 169

1- عن الرضا عليه السلام: «إذا قام القائم يأمر الله الملائكة بالسلام على المؤمنين، والجلوس معهم في مجالسهم، فإذا أراد واحد حاجه أرسل القائم من بعض الملائكة أن يحمله، فيحمله الملك حتى يأتي القائم، فيقضى حاجته، ثم يرده. و من المؤمنين من يسير في السحاب، و منهم من يطير مع الملائكة، و منهم من يمشي مع الملائكة مشياً، و منهم من يسبق الملائكة، و منهم من يتحاكم الملائكة إليه. و المؤمن أكرم على الله من الملائكة، و منهم من يصيره القائم قاضياً بين مائه ألف من الملائكة». دلایل الامامه، ص 241؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 573.

می درخشد. اگر با یکی از ما (امامان) رویه رو شوند، گرداگرد او را می گیرند و خاک جای پای او را برمی دارند و به آن تبرک می جویند. در هنگام نماز، زاری و ناله ای دارند که از صدای طوفان سهمگین تر است. گروهی از آنان - از روزی که به انتظار حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه بوده اند - هرگز سلاح خود را بر زمین نگذاشته اند و وضع آنان همین گونه بوده است. آنان همواره از خدا می خواهند که صاحب الامر علیه السلام را به آنان بنمایاند.

هریک از آنان، هزار سال زندگانی می کند و آثار فروتنی و پرستش و تقرب به خداوند عز و جل، در رخسار آنان آشکار است. وقتی نزد آنان نمی رویم، می پندارند ما از ایشان خشنود نیستیم و زمانی را که ما به دیدارشان می رویم، در نظر می گیرند و در همان زمان به انتظار ما می نشینند و هرگز از کار خسته نمی شوند.

همان گونه که به آنان آموختیم، قرآن می خوانند و پاره ای از قرائت ها که به آنان آموخته ایم، اگر بر مردم خوانده شود، آن را نمی پذیرند. مطالبی را که از قرآن می پرسند، وقتی پاسخ می دهیم، سینه ها (و فکر و اندیشه) را برای گرفتن آن چه می شنوند، باز می کنند. برای ما از خداوند، طول عمر می خواهند تا ما را از دست ندهند. آنان می دانند، آن چه را از ما می آموزند، منتی از خداوند بر آنان است.

هنگامی که حضرت قائم قیام کند، آنان به همراه حضرت خواهند بود و از دیگر سپاهیان امام علیه السلام پیشی می گیرند و از خداوند می خواهند دینش را به وسیله آنان یاری نماید.

اجتماع آنان متشکل از پیر و جوان است. اگر یک جوان، پیری را ببیند، به احترام او همانند غلام می نشیند و بدون اجازه اش از جا بر نمی خیزد. از راهی که خودشان بهتر می دانند، بر اندیشه های امام علیه السلام آگاه می شوند. اگر امام به آنان دستوری دهد، تا آخر بر آن پابرجا هستند؛ مگر این که حضرت خودش کار دیگری به آنان واگذار کند.

اگر به جنگ مردم شرق و غرب روند، همگی را در لحظه ای نابود می کنند و هرگز اسلحه بر آنان تأثیر نمی کند. شمشیرها و سلاح هایی از آهن دارند؛ اما آلیاژش غیر از آهن است. اگر با شمشیر بر کوهی بزنند، آن را دو نیم می کنند و از جا برمی دارند. امام علیه السلام این سپاهیان را به جنگ هند، دیلم، کرد، روم، بربر، فارس، جابرسا و جابلقا - دو شهر در شرق

بر هیچ یک از پیروان ادیان وارد نمی شوند، مگر آن که آنان را به اسلام دعوت می کنند و به یکتاپرستی و نبوت پیامبر و ولایت ما اهل بیت می خوانند. پس هرکس اجابت کرد، او را رها می کنند و هرکس نپذیرفت، او را به قتل می رسانند؛ به گونه ای که در شرق و غرب زمین کسی نمی ماند، مگر آن که ایمان می آورد». (1)

از چشم اندازی که درباره این سپاهیان آمده است، چنین فهمیده می شود که شاید آناه.

ص: 171

1- عن محمد بن مسلم، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن ميراث العلم ما مبلغه؟ أجوامع ما هو من هذا العلم أم تفسير كل شيء من هذه الامور التي تتكلم فيها؟ فقال: «إن لله عزّ وجلّ مدینتین: مدینه بالمشرق و مدینه بالمغرب، فیها قوم لا یعرفون إبلیس، و لا یعلمون بخلق إبلیس، نلقاهم فی کلّ حین فیسألونا عمّا یحتاجون إلیه، و یسألونا عن الدعاء فنعلّمهم، و یسألونا عن قائمنا متی یظهر؟ و فیهم عباده و اجتهاد شدید، و لمدینتهم أبواب ما بین المصرع مائه فرسخ، لهم تقدیس و تمجید و دعاء و اجتهاد شدید، لو رأیتموهم لاحقرتم عملکم، یصلی الرجل منهم شهرا لا یرفع رأسه من سجده. طعامهم التسیح و لباسهم الورق. و وجوههم مشرقه بالنور، إذا رأوا منّا واحدا لحسوه و اجتمعوا إلیه، و أخذوا من أثره من الأرض، یتبرکون به، لهم دوی إذا صلّوا كأشدّ من دوی الریح العاصف، منهم جماعه لم یضعوا السلاح منذ كانوا ینتظرون قائمنا، یدعون الله عزّ و جلّ أن یریهم آیاه، و عمر أحدهم ألف سنه، إذا رأیتهم رأیت الخشوع و الاستکانه، و طلب ما یقرّبهم إلی الله عزّ و جلّ، إذا احتبسنا عنهم ظنّوا أنّ ذلك من سخط، یتعاهدون أوقاتنا التي نأتيهم فیها، لا یسامون و لا یفترون، یتلون کتاب الله عزّ و جلّ كما علّمناهم، و إنّ فیما نعلّمهم ما لو تلی علی الناس لکفروا به، و لأنکروه، یسألونا عن الشیء إذا ورد علیهم من القرآن لا یعرفونه، فإذا أخبرناهم به انشرح صدورهم لما یستمعون منّا، و سألوا لنا طول البقاء و أن لا یفقدونا. و یعلمون أنّ المنّه من الله علیهم فیما نعلّمهم عظیمه، و لهم خرجه مع الإمام إذا قام یسبّون فیها أصحاب السلاح، و یدعون الله عزّ و جلّ أن یجعلهم ممّن ینتصر بهم لدینه، فیهم کهول و شبّان، إذا رای شاب منهم الکهل جلس بین یدیه جلسه العبد لا یقوم حتی یأمره، لهم طریق، هم أعلم به من الخلق إلی حیث یریده الإمام علیه السلام؛ فإذا أمرهم الإمام بأمر قاموا علیه أبدا حتی یكون هو الذی یأمرهم بغيره، لو أنّهم وردوا علی ما بین المشرق و المغرب من الخلق لأفنّوهم فی ساعه واحده. لا یختلّ فیهم الحدید، لهم سیوف من حدید غیر هذا الحدید، لو ضرب أحدهم بسیفه جبلا لقتده حتی یفصله، و یغزو بهم الإمام علیه السلام الهند و الدیلم و الكرد و الروم و بربر و فارس، و بین جابرسا الی جابلقا، و هما مدینتان: واحده بالمشرق و واحده بالمغرب، لا یأتون علی أهل دین إلاّ دعوهم إلی الله عزّ و جلّ، و الی الإسلام و الإقرار بمحمد صلی الله علیه و اله و سلّم، و التوحید و لا یتنا أهل البیت، حتی أجاب منهم و دخل فی الإسلام ترکوه، و أمروا علیه أمیرا منهم. و من لم یحب و لم یقرّ بمحمد صلی الله علیه و اله و سلّم و لم یقرّ بالإسلام و لم یسلم، قتلوه حتی لا یبقی بین المشرق و المغرب و ما دون الجبل أحد إلاّ آمن بالله». بصائر الدرجات، ص 144؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 523؛ تبصره الولی، ص 97؛ بحار الأنوار، ج 27، ص 41 و ج 54، ص 332. أقول: لدینا شواهد و روایات علی کثیر من فقرات هذا النصّ، كما أنّ الاکتشاف التي تحصل الیوم و نسمعها عبر وسائل الاعلام، هی ممّا تؤیّد هذا المتن، و أنّ مجهولات البشر لا یقاس بمعلوماته، و لكن مع ذلك یبقی الکلام فی سند هذه الروایه.

همان فرشتگانی باشند که در زمین برجای مانده اند و منتظر قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه هستند.

(د) تابوت موسی علیه السلام

در کتاب غایه المرام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله آمده است: «به هنگام ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه، حضرت عیسی علیه السلام فرود می آید و کتاب ها را از انطاکیه گردآوری می کند.

خداوند برای او، از چهره اِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (1) پرده برمی دارد و کاخی را که حضرت سلیمان پیش از مرگش ساخت، آشکار می سازد. حضرت، دارائی های کاخ را گردآوری می کند و آن را بین مسلمانان تقسیم می نماید و تابوتی را - که خداوند به «ارمیا» دستور انداختن آن را در دریای طبرستان داده بود - خارج می سازد.

آن چه را که خاندان موسی و هارون به یادگار گذاشته اند، در آن تابوت موجود است و نیز الواح و عصای موسی و قبای هارون و ده صاع از غذایی که بر بنی اسرائیل فرود می آمد و مرغ های بریانی که بنی اسرائیل، برای آیندگان خود ذخیره کرده اند، در آن می باشد. آن گاه به کمک آن تابوت شهرها را می گشاید؛ همان گونه که پیش از او نیز چنین کردند». (2)

ینابیع الموده، این مطلب را با اندکی تغییر به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نسبت می دهد و می گوید «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از غاری در سرزمین انطاکیه، کتاب هایی را بیرون می آورد

ص: 172

1- اشاره به این آیه شریفه است: اِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ؛ ای رسول خدا! آیا ندیدی که خدای تو مردم شهر ارم را که صاحب قدرت و عظمت بودند، چگونه کفر داد؟ در صورتی که مانند آن شهر در استحکام و بزرگی در جهان نبود. فجر (89) آیه 8. مقصود این حدیث آن است که چنین شهر پرشکوه و با عظمتی برای عیسی علیه السلام دوباره آشکار می شود و این شهر مخفی، پدیدار می گردد.

2- عن رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «ینزل عیسی... و یجمع الکتب من أنطاکیه... فیکشف الله له عن إرم ذات العماد. والقصر الذی بناه سلیمان بن داود قرب موته، فیأخذ ما بهم من الأموال. و یقسمها علی المسلمین، و یرج الله التابوت الذی أمر به أرمیا أن یرمیه فی بحر طبریة، فیه بقیة مآ ترک آل موسی و آل هارون، و رضاضه اللوح و عصا موسی، و قبا هارون و عشره أصوع من المنّ، و شرایح السلوی التي ادّخروها، کذا بنو إسرائيل لمن بعدهم، فیستفتح بالتابوت المدن کما استفتح به من کان قبله». غایه المرام، ص 697؛ حلیه الابرار، ج 2، ص 620؛ الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 136؛ ر. ک: ابن طاووس، ملاحم، ص 66؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 541، 489.

و کتاب زبور داود را از دریاچه طبرستان بیرون می آورد. در آن کتاب، یادگارهای خاندان موسی و هارون موجود است و فرشتگان آن را بر دوش می کشند و الواح و عصای موسی علیه السّلام در آن است». (1)7.

ص: 173

1- القندوزی. وقیل: «إنّ المهدی رضی اللّٰه عنه، یرتخرج کتبا من غار بمدینه أنطاکیه، یرتخرج الزبور من بحیره طبریّه، فیها ممّا ترک آل موسی و هارون تحمله الملائکه، و فیها الألواح، و عصا موسی علیه الصلاه و السلام». ینابیع المودّه، ص 401؛ ابن حمّاد، فتن، ص 98؛ متقی هندی، برهان، ص 157؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 67.

پس از قرن‌ها انتظار و تحمل رنج، سرانجام روزگار ستم و تاریکی‌ها به سر آمده، پرتو خورشید سعادت، نمایان می‌گردد و شخصیت بزرگی که با یاری الهی، بنای زدودن آثار ستم و جور را دارد، ظهور می‌کند. آن حضرت، دست به اصلاحات گسترده و دگرگونی‌های بنیادی در دو بعد معنوی و مادی می‌زند و جامعه بشری را چنان سامان می‌بخشد که خشنودی خداوند را در پی داشته باشد.

در این میان، اگر اشخاص، احزاب و گروه‌هایی بخواهند با ایجاد مشکلات، مانع این قیام عظیم شوند یا با اخلالگری حرکت قیام او را کند نمایند، دشمنان سرسخت بشریت و دین الهی محسوب می‌شوند و کیفر آنان جز نابودی به دست قدرتمند حضرت مهدی نخواهد بود.

افراد اخلالگر در انقلاب امام، کسانی هستند که دستشان به خون بشریت آلوده است یا انسان‌های بی‌تفاوتی هستند که در برابر جنایات تجاوزگران، سکوت پیشه کرده، ولی در برابر حضرت، پرچم مخالفت برمی‌دارند و یا کج‌فهمانی هستند که درک خود را بر سخن حضرت برتری می‌دهند. طبیعی است که باید آنان با قاطعیت تمام سرکوب شوند تا جامعه بشری برای همیشه از شر آنان مصون بماند. از این رو، روش و سیاست حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه با آنان بسیار قاطعانه و بدون اغماض است.

در این فصل به بررسی دو مطلب اساسی که از روایات فهمیده می‌شود، می‌پردازیم:

آن چه در این قسمت مورد نظر است، این که حضرت در برخورد با دشمنان، از یک نوع مجازات استفاده نمی کند؛ بلکه برخی از آنان را در جنگ نابود می سازد و حتی فراریان و زخمیان آنان را نیز تعقیب می کند. گروهی را اعدام نموده، خانه های شان را ویران می کند و گروهی را تبعید می نماید و دست برخی را قطع می کند.

1. جنگ و کشتار

زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا روش و سیاست حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه همانند روش پیامبر صلی الله علیه و اله خواهد بود؟ امام علیه السلام فرمود: «هرگز، هرگز؛ ای زراره! او سیاست پیامبر صلی الله علیه و اله (در برخورد با دشمنان) را در پیش نمی گیرد. پیامبر صلی الله علیه و اله با ملایمت و نرمی و مهربانی رفتار می کرد تا دل ها را به دست آورد و مردم با آن حضرت الفت گیرند؛ ولی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه، سیاست قتل را در پیش می گیرد و طبق دستوری که دارد، رفتار می کند و توبه کسی را نمی پذیرد. پس وای بر کسی که با او مخالفت کند». (1)

حسن بن هارون می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم. معلی بن خنیس از حضرت پرسید: آیا هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه ظهور کند، برخلاف روش امیر مؤمنان علیه السلام در برخورد با مخالفان رفتار می کند؟ امام علیه السلام فرمود: «آری؛ علی علیه السلام ملایمت و نرمش را در پیش گرفت؛ چون می دانست پس از او دشمنان بر یاران و شیعیانش چیرگی پیدا می کنند؛ ولی سیاست حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قهر و غلبه و به اسارت گرفتن آنان است؛

ص: 176

1 - عن زراره، قلت لأبي جعفر عليه السلام: أيسير القائم عليه السلام بسيره محمد صلي الله عليه و اله و سلم؛ قال: «هيهات هيهات!! يا زراره؛ ما يسير بسيرته، إن رسول الله صلي الله عليه و اله و سلم سار في أمته باللين، كان يتألف الناس، و القائم يسير بالقتل، بذلك أمر في الكتاب الذي معه أن يسير بالقتل و لا يستتیب أحدا، و يل لمن ناواه». نعماني، غيبه، ص 231؛ عقد الدرر، ص 226؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 539؛ حليه الابرار، ج 5، ص 322؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 353. البته روایات دیگری داریم که مفادش این است که «یصنع كما صنع رسول الله به، يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله صلي الله عليه و اله أمر الجاهليه و يستأنف الإسلام جديدا» النعماني، الغيبه، ص 320؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 352؛ حليه الابرار، ج 5، ص 323.

زیرا می داند که پس از او کسی بر شیعیان تسلط نخواهد یافت» (1).

حضرت رضا علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما ظهور کند، جز خون ریختن (و کشتن دشمنان) و عرق کردن (2) در اثر جنگ و تلاش زیاد) و خوابیدن بر زین اسب ها (به سبب پیکارهای فراوان) نخواهد بود» (3).

مفضل می گوید: امام صادق علیه السلام یادی از حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه به میان آورد. من عرض کردم: امیدوارم که برنامه و حکومت حضرت به آسانی برقرار شود.

حضرت فرمود: «خیر؛ چنان نمی شود مگر آن که سختی های بسیاری را ببینید» (4).

امام صادق علیه السلام می فرماید: «علی علیه السلام فرمود: برای من روا بود که فراریان را به قتل برسانم و زخمیان را بکشم؛ ولی دست به این کار نزدم؛ برای این که اگر شیعیان قیام کردند، زخمیانشان را به قتل نرسانند؛ ولی برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه جایز و رواست و زمینه وجود دارد که فراریان را به قتل برساند و زخمیان را نابود گرداند» (5).

امام باقر علیه السلام می فرماید: «اگر مردم می دانستند که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه چه برنامه ای دارد و چه کارهایی انجام می دهد، اکثر آنان آرزو می کردند که هرگز آن حضرت را نبینند؛ زیرا حضرت کشتار زیادی می کند و به یقین اولین کشتار را در قبیله قریش خواهد داشت.

پس از قریش نخواهد گرفت جز شمشیر و به آنان نخواهد داد مگر شمشیر. 4.

ص: 177

1- عن الحسن بن هارون، قال: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام: جالسا، فسأله المعلى بن خنيس: أيسير المهدي عليه السلام إذا خرج بخلاف سيره على عليه السلام؛ قال: «نعم، وذلك أنّ عليّا عليه السلام سار باللين والكف؛ لأنّه علم أنّ شيعته سيظهر عليهم من بعده، وأنّ المهدي إذا خرج سار فيهم باليسر والسبي وذلك. أنّه يعلم أنّ شيعته لن يظهر عليه من بعده أبدا». برقی، محاسن، ص 320؛ کافی، ج 5، ص 33؛ علل الشرائع، ص 150؛ التهذيب، ج 6، ص 155؛ وسائل الشيعه، ج 11، ص 57؛ مستدرک الوسائل، ج 11، ص 58؛ جامع احاديث الشيعه، ج 13، ص 101.

2- شاید مراد از «العرق» زدن رگ و کنایه از گردن زدن باشد.

3- عن الرضا عليه السلام: «لو قد خرج قائمنا عليه السلام لم يكن إلاّ العلق، والعرق، والنوم على السروج». نعماني، غيبه، ص 285؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 543.

4- عن المفضل بن عمر، سمعت أبا عبد الله عليه السلام وقد ذكر القائم، فقلت: إني لأرجو أن يكون أمره في سهوله؛ فقال: «لا يكون ذلك حتّى تمسحوا العرق والعلق». نعماني، غيبه، ص 284؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 543.

5- عن أبي عبد الله عليه السلام: أنّه قال: «انّ عليّا عليه السلام قال: كان لي أن أقتل المولّى، وأجهز على الجريح، ولكتي تركت ذلك للعاقبه من أصحابي إن جرحوا لم يقتلوا، والقائم له أن يقتل المولّى، ويجهز على الجريح». نعماني، غيبه، ص 231؛ ر. ك: التهذيب، ج 6، ص 154؛ وسائل الشيعه، ج 11، ص 57؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 353؛ مستدرک الوسائل، ج 11، ص 54.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه کار را به جایی می رساند که بسیاری از مردم می گویند. این شخص از آل محمد صلی الله علیه و اله نیست و اگر از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و اله بود، رحم می کرد». (1)

نیز آن حضرت می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با برنامه ای نو، سنتی جدید و قضاوتی تازه قیام می کند. بر عرب ها روزگار بسیار سختی خواهد بود و شایسته شأن و موقعیت او جز کشتن دشمنان نیست». (2)

2. اعدام و تبعید

عبد الله مغیره می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و اله ظهور کند، پانصد نفر از قریش را ایستاده اعدام می کند. سپس پانصد نفر دیگر را به همین گونه اعدام می نماید و این کار شش بار تکرار می شود». عبد الله می پرسد: آیا تعدادشان به این اندازه می رسد؟ حضرت فرمود: «آری؛ خودشان و دوستانشان». (3)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، بر یک یک ناصبیان، ایمان را عرضه می کند، اگر به حقیقت، آن را بپذیرند، آنان را رها می سازد وگرنه هرکس که ایمان را نپذیرفت، گردنش را می زند یا از او جزیه می گیرد- چنان که امروز از اهل ذمه می گیرند- و او را به روستاها و آبادی های دور تبعید می کند». (4)

ص: 178

1- الباقر علیه السلام: «لو يعلم الناس ما يصنع القائم إذا خرج لأحبّ أكثرهم أن لا يروه ممّا يقتل من الناس. أما إنّه لا يبدأ إلاّ بقریش، فلا يأخذ منها إلاّ السیف، ولا يعطيها إلاّ السیف حتى يقول كثير من الناس: ليس هذا من آل محمد، لو كان من آل محمد لرحم». نعمانی، غیبیه، ص 231؛ عقد الدرر، ص 227؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 539؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 354.

2- الباقر علیه السلام: «يقوم علیه السلام بأمر جدید و سنّه جدیده و قضاء جدید، علی العرب شدید، و لیس من شأنه إلاّ القتل». بحار الأنوار، ج 52، ص 349.

3- عن أبي عبد الله عليه السلام: «إذا قام القائم من آل محمد صلی الله علیه و اله و سلّم أقام خمسمائه من قریش، فضرِب أعناقهم ثمّ أقام خمسمائه [فضرِب أعناقهم ثمّ خمسمائه] أخرى، حتى يفعل ذلك ستّ مرّات» قلت: و يبلغ عدد هولاء هذا؛ قال: «نعم، منهم و من مواليهم». مفید، ارشاد، ص 364؛ روضه الواعظین، ج 2، ص 265؛ كشف الغمّه، ج 3، ص 255؛ صراط المستقیم، ج 2، ص 253؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 527؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 338، 349.

4- عن أبي جعفر عليه السلام: «إذا قام القائم علیه السلام عرض الإيمان على كلّ ناصب، فإن دخل فيه بحقيقه، و إلاّ ضرب عنقه، أو يؤدّي الجزیه، كما يؤدّيها اليوم أهل الذمّه، و يشدّ على وسطه الهميان و يخرجهم من الأمصار إلى السواد». کافی، ج 8، ص 227؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 450؛ مرآه العقول، ج 26، ص 160؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 375.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما ظهور کند، دشمنان ما را از چهره های شان تشخیص می دهد. آن گاه آنان را از سر و پاهای شان می گیرد و با شمشیر به آنان می زند (و آنان را نابود می کند)». (1)

3. قطع دست

هروی می گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: حضرت قائم پیش از هر کاری به چه چیز خواهد پرداخت؟ حضرت فرمود: «در آغاز به سراغ بنی شیبیه می رود و دست های آنان را قطع می کند؛ چون آنان دزدان خانه خدایند». (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، بنی شیبیه را دستگیر کرده، دست های شان را قطع می کند و آنان را در میان مردم می گرداند و اعلام می کند که اینان دزدان خانه خدا هستند». (3)

نیز می فرماید: «نخستین رویارویی، برخورد حضرت با بنی شیبیه است. دست های آنان را قطع می کند و بر کعبه می آویزد و از سوی حضرت اعلام می شود که اینان دزدان خانه خدایند». (4)

شیبیه، در فتح مکه مسلمان گشت و پیامبر صلی الله علیه و اله او را کلیددار خانه کعبه کرد و طایفه بنی شیبیه تا مدت ها کلیددار و پرده دار خانه خدا بودند. (5)

مرحوم مامقانی می گوید: بنی شیبیه از دزدان خانه خدایند و این شاء الله دست های شان به

ص: 179

1- عن الصادق عليه السلام: «لوقام قائمنا يعرف أعداءنا بسيماهم. فيؤخذ بنواصيهم وأقدامهم يخبط هو وأصحابه بالسيف خبطاً». احقاق الحق، ج 13، ص 357؛ المحجّه، ص 429.

2- عن الهروي، قلت لأبي الحسن الرضا عليه السلام: بأي شيء يبدأ القائم منكم إذا قام؟ قال: «يبدأ بنى شيبه فيقطع أيديهم؛ لأنهم سراق بيت الله عز وجل». عيون اخبار الرضا، ج 1، ص 273؛ علل الشرائع، ج 1، ص 219؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 313.

3- عن أبي عبد الله عليه السلام: «أما إن قائمنا لو قد قام لقد أخذ بنى شيبه و قطع أيديهم، و طاف بهم، و قال: هولاء سراق الكعبه». علل الشرائع، ج 2، ص 96؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 317.

4- عن الصادق عليه السلام: «... فأول ما يبدأ بنى شيبه، فيقطع أيديهم و يعلّقها في الكعبه و ينادى مناديه: هولاء سراق الكعبه». نعماني، غيبه، ص 165؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 351، 361.

5- اسد الغابه، ج 3، ص 372، 7.

این جرم، قطع می شود و بر دیوار کعبه آویزان می گردد. (1)

البته روایات شیوه برخورد حضرت با مخالفان را به تفصیل در سلسله درس هایمان در مرکز تخصصی مهدویت مطرح کردیم و مورد تحقیق و بحث قرار دادیم و توسط یکی از دانش پژوهان تقریر و در مجله تخصصی انتظار (2) به چاپ رسیده است.

ب) برخورد با گروه های مختلف

اشاره

هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه قیام می کند، با گروه ها و دسته های گوناگونی برخورد خواهد کرد. برخی از آنان قوم و نژاد خاصی هستند، گروهی پیرو ادیان دیگری غیر از اسلامند و گروهی هرچند به ظاهر مسلمانند، ولی منافقانه رفتار می کنند و یا از مقدس نماهای کج فهمی هستند که با حضرت مخالفت می نمایند و یا پیرو فرقه های باطل می باشند. امام علیه السلام با هر یک ستیز خاصی دارد که با نقل روایاتی آن را بازگو می کنیم:

1. قوم عرب

امام صادق علیه السلام می فرماید: «آن گاه که قائم ما قیام کند، بین او و عرب و قریش راهی جز شمشیر (و جنگ نظامی) نخواهد بود». (3)

نیز آن حضرت در حالی که با دست به گلوی خود اشاره می کرد، فرمود: «میان ما و عرب راهی جز بریدن سرها نمانده است». (4) شاید مراد، زمامداران و فرمانروایان خودسر آنان است و یا مراد پیروان مذهب دیگر اسلامی باشد.

امام صادق علیه السلام در زمینه ستیز با قریش می فرماید: «هنگامی که حضرت قیام کند... قریش را هدف قرار می دهد. از آنان نمی ستاند جز شمشیر و به آنان نمی دهد جز شمشیر». (5)

ص: 180

1- تنقیح المقال، ج 2، ص 246.

2- شماره 6، ص 355.

3- عن أبي عبد الله عليه السلام: «إذا خرج القائم لم يكن بينه وبين العرب وقریش إلا السيف». غيبة النعماني، ص 122.

4- عن أبي عبد الله عليه السلام: «ما بقي بيننا وبين العرب إلا الذبح، وأوماً بيده إلى حلقه». نعماني، غيبة، ص 122؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 355.

5- عن الصادق عليه السلام: «إذا قام عليه السلام... ثم يتناول قریشا... فلا يأخذ منها إلا السيف ولا يعطيها إلا السيف». نعماني، غيبة، ص 165؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 355.

شاید مراد از «از قریش نمی گیرد مگر شمشیر» این باشد که قریش از حضرت فرمانبرداری نمی کنند و در اخلا لگری و ایجاد مشکلات می کوشند و به طور مستقیم و غیر مستقیم سبب پیکار و جنگ با حضرت می شوند و حضرت نیز جز اسلحه، روش دیگری را مناسب نمی بیند. چنانچه در روایتی آمده: پس از آن که اهل مکه با امام بیعت کردند حضرت نماینده ای از طرف خود منصوب می کند. و به طرف مدینه روانه می شود؛ ولی در راه اطلاع می یابد که آن نماینده را به قتل رسانده اند، لذا دوباره به مکه باز می گردد و فقط جنگجویان را به قتل می رساند. (1)

در حدیث دیگری حضرت پیامی به مکه توسط نماینده خود می فرستد. چون آن نماینده پیام را می خواند بر او حمله ور می شود و او را در بین رکن و مقام ذبح می کنند.

در این جا حضرت به یاران خود می فرماید من به شما گفتم: اهل مکه ما را نمی خواهند. (2)

2. اهل کتاب

عبد الله بن بکیر از امام کاظم علیه السلام درباره تفسیر آیه وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا؛ (3) هر آن که در آسمان و زمین است چه از روی اختیار یا اجبار مطیع فرمان خداست) سؤال کرد.

امام فرمود: «این آیه درباره قائم عجل الله تعالی فرجه فرود آمده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئیان، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می نماید. هرکس از روی میل پذیرفت، دستور می دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و برطبق آن چه فرد مسلمان مأمور به انجام

ص: 181

1- «ببایع القائم بمکه علی کتاب الله و سنه رسوله و يستعمل علی مکه، ثم یسیر بنحو المدینه فیبلغه انّ عامله قتل، فیرجع إلیهم فیقتل المقاتله و لا یزید علی ذلك» بحار الأنوار، ج 52، ص 308.

2- عن أبی جعفر: «یقول القائم لأصحابه: یا قوم انّ أهل مکه لا یریدوننی و لکنّی مرسل إلیهم لأحتجّ علیهم بما ینبغی لمثلی أن یحتجّ علیهم، فیدعو رجلا من أصحابه، فیقول له: إمض إلی مکه، فقل: یا أهل مکه أنا رسول فلان إلیکم و هو یقول لکم: إنا أهل بیت الرحمة، و معدن الرساله و الخلافه، و نحن ذرّیه محمد و سلاله النبیین، و إنّنا قد ظلمنا و اضطهدنا، و قهرنا و ابتزّ حقنا منذ قبض نبینا إلی یومنا هذا، فنحن نستنصرکم فانصرونا... فإذا تکلم هذا الفتی بهذا الکلام أتوا إلیه فذبحوه بین الرکن و المقام، و هی النفس الزکیه، فإذا بلغ ذلك الإمام، قال لأصحابه: ألا أخبرتکم أنّ أهل مکه لا یریدوننا...» همان، ص 307.

3- آل عمران (3) آیه 84.

آن است، رفتار نماید و هرکس مسلمان نشود، گردنش را می زند تا آن که در شرق و غرب جهان، یک کافر برجای نماند».

عبد الله بن بکیر پرسید: قربانت کردم، در روی زمین مردم بسیاری هستند؛ چگونه حضرت می تواند همه آنان را مسلمان کند یا گردن بزند؟

امام کاظم علیه السلام فرمود: «وقتی خداوند چیزی را اراده کند، چیز اندک را بسیار و بسیار اندک می گرداند». (1)

شهر بن حوشب می گوید: حجاج به من گفت: ای شهر! در قرآن آیه ای است که مرا خسته کرده است (و معنای آن را نمی فهمم). گفتم: کدام آیه؟ گفت: آن جا که خداوند می فرماید: **وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ؛** (2) هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آن که قبل از مرگش ایمان می آورد) و مکرر اتفاق افتاده است که فردی نصرانی یا یهودی را پیش من می آورند و گردنش را می زنم و آن گاه به لب هایش خیره می شوم، ولی حرکتی نمی کند تا این که نفس او قطع می شود.

شهر بن حوشب می گوید: به او گفتم: معنای آیه، این نیست که تو پنداشتی؛ بلکه مراد این است که وقتی پیش از قیامت، عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه اقتدا کند، در آن هنگام هیچ یهودی و نصرانی نمی ماند، مگر آن که پیش از مرگ به او ایمان می آورد.

حجاج پرسید: این تفسیر را از کجا فرا گرفته ای و چه کسی آن را به تو آموخته است؟ گفتم: این تفسیر را امام باقر علیه السلام فرمود. حجاج گفت: از چشمه ای زلال به دست آورده ای. (3) 7.

ص: 182

1- عن ابن بکیر، قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن قوله: **وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا** قال: «أنزلت في القائم عليه السلام، إذا خرج باليهود، والنصارى، والصابئين، والزنادقة، وأهل الردة، والكفار في شرق الأرض وغربها، فعرض عليهم الإسلام، فمن أسلم طوعاً أمره بالصلاه والزكاه، وما يؤمر به المسلم ويجب لله عليه، ومن لم يسلم ضرب عنقه حتى لا يبقى في المشارق والمغرب أحد إلا وحّد الله». قلت: - جعلت فداك - إن الخلق أكثر من ذلك؟ فقال: «إن الله إذا أراد أمراً، قلل الكثير وكثر القليل». عياشي، تفسیر، ج 1، ص 183؛ نور الثقلين، ج 1، ص 362؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 549؛ تفسیر صافی، ج 1، ص 267؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 340.

2- نساء (4) آیه 159.

3- عن شهر بن حوشب: قال لي الحجاج: يا شهر! آیه فی کتاب الله وقد أعیتني؟ فقلت: أيها الأمير آیه آیه هي؟ فقال: قوله: **وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ** والله! إنني لآمر باليهودي والنصراني، فأضرب عنقه، ثم أرمقه بعيني فما اراه يحرك شفتيه حتى يخمد فقلت أصلح الله الأمير، ليس على ما قلت. قال: كيف هو؟ قلت: إن عيسى بن مریم ينزل قبل يوم القيامة إلى الدنيا، فلا يبقى أهل مله يهودي ولا نصراني إلا آمن به قبل موته، ويصلي خلف المهدي عليه السلام قال: ويحك أتى لك هذا، و من أين جئت به؟ فقلت: حدثني به محمد بن علي بن الحسين بن علي أبي طالب، فقال: جئت بها من عين صافيه». تفسیر قمی، ص 146؛ احقاق الحق، ج 13، ص 332؛ العرائس الواضحه، ص 209؛ بحار الأنوار، ج 14، ص 349. ابن اثیر می گوید: در آن روزگار هیچ اهل ذمه ای نمی ماند که جزیه بپردازد. شاید مراد این باشد که اهل ذمه یا اسلام می آوردند یا کشته می شدند. البته روایاتی نیز برخلاف این معنا وارد شده است: نهایه، ج 5، ص 197.

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «قیامت برپا نمی شود، مگر آن که با یهود بجنگید. آن گاه یهودیان (شکست خورده) می گریزند و پشت سنگ ها پنهان می شوند؛ ولی سنگ فریاد می زند: ای مسلمان! ای بنده خدا! این یهودی پشت من پنهان شده است». (1)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «... یهودیانی که با دجال هستند، می گریزند و پنهان می شوند؛ ولی درختان و سنگ ها فریاد برمی آورند: ای روح الله! این یهودی است.

حضرت نیز آنان را می کشد و کسی را برجای نمی گذارد». (2)

البته از روایات دیگری فهمیده می شود که ستیز و رویارویی حضرت با اهل کتاب همیشه یکسان نبوده، بلکه در مواردی با دریافت جزیه به آنان اجازه می دهد به دین خودشان برجای بمانند و با گروهی به بحث و مناظره پردازد و آنان را با این روش به اسلام دعوت می کند و ممکن است بگوییم در آغاز قیام با آنان به بحث می پردازد و با کسانی که حق را پنهان سازند، می جنگد.

ابو بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه تا پایان زندگانی در مسجد سهله (کوفه) خواهد ماند؟ فرمود: «آری». پرسیدم: اهل ذمه، در نظرش چگونه خواهند بود؟ فرمود: «با آنان از راه مسالمت آمیز وارد می شود؛ هم چنان که پیامبر صلی الله علیه و اله 9.

ص: 183

1- عن النّبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «لا- تقوم الساعه حتّی تقاتلوا اليهود، فیفرّ اليهودی وراء الحجر، فیقول الحجر: یا عبد الله؛ یا مسلم: هذا یهودی ورائی». احمد، مسند، ج 2، ص 398، 520.

2- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «... حتّی أنّ الشجره و الحجر ینادی: یا روح الله؛ هذا یهودی، فلا یترک ممّن کان یتبعه أحدا إلاّ قتله». احمد، مسند، ج 3، ص 367؛ حاکم، مستدرک، ج 4، ص 503؛ ر.ک: ابن حمّاد، فتن، ص 159؛ ابن ماجه، سنن، ج 2، ص 1359.

رفتار می کرد. آنان در حال خواری جزیه می پردازند». (1)

ابن اثیر می گوید: در آن روزگار هیچ اهل ذمه ای نمی ماند که جزیه بپردازد. (2)

ابن شوذب می گوید: بدین علت به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه مهدی می گویند که به سوی یکی از کوه های شام هدایت می شود و در آن جا اسفار تورات را خارج می سازد و با آن با یهودیان به بحث و مناظره می پردازد و گروهی از آنان به دست حضرت اسلام می آورند». (3)

3. فرقه های باطل و منحرف

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وای به حال مرجئه! (4) فردا هنگامی که قائم ما قیام کند، به چه کسی پناه خواهند برد؟» راوی گفت: می گویند، در آن هنگام که ما و شما در برابر عدالت یکسان خواهیم بود؟ فرمود: «هریک از آنان توبه کند، خدا از او می گذرد و اگر در درون خود نفاق و دورویی داشته باشد، خداوند جز او کسی را تبعید و آواره نمی کند و اگر چیزی از آن نفاق را آشکار سازد، خداوند خورش را خواهد ریخت». سپس فرمود:

«سوگند به آن که جانم در دست اوست، هم چنان که قصاب، گوسفندش را سر می برد، آنان را خواهد کشت و با دست به گردن مبارکش اشاره کرد».

راوی گفت: می گویند که اگر حضرت ظهور کند، همه کارها و فعالیت ها به نفع حضرت خواهد بود و ایشان خونی نمی ریزد. امام علیه السلام فرمود: «خیر؛ به خدا سوگند (این چنین نخواهد شد) تا این که ما و شما خون آنان را بریزیم و عرق را از خویش

ص: 184

1- عن أبي عبد الله عليه السلام: قلت: - جعلت فداك - لا يزال القائم فيه أبدا (في مسجد السهلة) قال: «نعم» قلت: فما يكون من أهل الذمه عنده؟ قال: «يسألهم كما سألهم رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، ويؤدون الجزية عن يد وهم صاغرون». بحار الأنوار، ج 52، ص 376.

2- نهاییه، ج 5، ص 197.

3- عن ابن شوذب: إنما سمى المهدي؛ لأنه يهدي إلى جبل من جبال الشام، يستخرج منه أسفار التوراه، يحاج بها اليهود فيسلم على يديه جماعه من اليهود». عقد الدرر، ص 40.

4- یکی از فرقه های اسلامی است. به عقیده آنان، با داشتن ایمان، گناه ضرری نمی رساند، و با کفر، طاعت و عمل نیک سودی ندارد. بعضی می گویند: به عقیده اینان ایمان فقط قول است و به عمل نیاز ندارد. ر.ک: مجمع البحرین، ج 1، ص 177.

پاک کنیم) و با دست مبارک به پیشانی اشاره کرد. (1)

امیر مؤمنان علیه السلام پس از شکست خوارج به هنگام گذشتن از کشتگان آنان فرمود:

«آن کس شما را به کشتن داد که شما را فریفت.»

پرسیده شد: او کیست؟ فرمود: «شیطان و نفس های پلید» اصحاب گفتند: خداوند، ریشه آنان را تا پایان دنیا قطع کرد.

حضرت پاسخ داد: «خیر؛ سوگند به آن که جانم در دست اوست، آنان در صلب های مردان و رحم زنان خواهند بود و پی در پی خروج خواهند کرد تا آن که به سرکردگی شخصی به نام اشمط بین رودهای دجله و فرات خروج کنند. در آن روزگار مردی از اهل بیت ما به جنگ او می رود و او را به هلاکت می رساند و از آن پس هیچ قیامی از خوارج تا روز قیامت نخواهد بود.» (2)

نیز آن حضرت درباره فرقه بتریه (3) می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، به سوی کوفه رهسپار می شود. در آن جا تعداد ده هزار نفر - که آنان را بتریه می نامند، در حالی که سلاح بر دوش گرفته اند - جلو حضرت را می گیرند و می گویند: از همان جا که آمده ای، بازگرد؛ زیرا ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم. حضرت شمشیر می کشد و 1.

ص: 185

1- عن أبي جعفر عليه السلام: «ويح؛ هذه المرجئه إلى من يلجؤون غدا إذا قام قائمنا؟». قلت: إنهم يقولون: لو قد كان ذلك كنا وأنتم في العدل سواء، فقال: «من تاب تاب الله عليه، ومن أسرّ نفاقا فلا يبعد الله غيره، و من أظهر شيئا أهرق الله دمه». ثم قال: «يذبهم - والذی نفسی بیده - كما يذب القصب اب شاته - و أوما بیده إلى حلقه - قلت: إنهم يقولون: إنّه إذا كان ذلك استقامت له الأمور، فلا يهريق محجمه دم، فقال: «كلاّ و الذی نفسی بیده؛ حتى نمسح و أنتم العرق و العلق». و أوما بیده إلى جبهته». نعمانی، غیبه، ص 283؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 357.

2- عن أمير المؤمنين إنه قال عند ما مرّ على قتلى الخوارج، وهم صرعى، فقال: «لقد صرعكم من غرکم» قيل: و من غرهم؟ قال: «الشيطان و أنفس السوء»، فقال أصحابه: قد قطع الله دابرهم إلى آخر الدهر، فقال «كلاّ و الذی نفسی بیده؛ و إنهم لفي أصلاب الرجال و أرحام النساء، لا تخرج خارجه إلاّ خرجت بعدها مثلها حتى تخرج خارجه بين الفرات و دجله مع رجل يقال له: الأشمط يخرج إليه رجل متّاهل البيت، فيقتله، و لا تخرج بعدها خارجه إلى يوم القيامة...». مروج الذهب، ج 2، ص 418.

3- بتریه یکی از فرقه های زیدیه از پیروان کثیر النوی می باشند. آنان عقاید مشابهی با سلیمانیه یکی دیگر از فرقه های زیدیه دارند. در اسلام و کفر عثمان توقف و تردید دارند. در مسائل اعتقادی مشرب اعتزال و در فروع فقهی بیش تر پیرو ابو حنیفه هستند. گروهی از آنان نیز پیرو شافعی یا مذهب شیعه می باشند؛ بهجه الامال، ج 1، ص 95؛ ملل و نحل، ج 1، ص 161.

4. مقدس نماها

امام باقر علیه السلام می فرماید: «... حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به سوی کوفه رهسپار می شود. در آن جا شانزده هزار نفر از بتربه مجهز به سلاح در برابر حضرت می ایستند؛ آنان قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که پیشانی های آنان از عبادت زیاد پینه بسته، چهره های شان در اثر شب زنده داری زرد شده است و نفاق سراپای شان را پوشانده است. آنان یک صدا فریاد بر می آورند: ای فرزند فاطمه! از همان راه که آمده ای بازگرد، زیرا به تو نیازی نداریم.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در پشت شهر نجف، از ظهر روز دوشنبه تا شامگاه بر آنان شمشیر می کشد و همه را از دم تیغ می گذرانند. در این نبرد از یاران حضرت حتی یک نفر زخمی نمی شود». (2)

ابو حمزه ثمالی می گوید: امام باقر علیه السلام می فرمود: «مشکلاتی که صاحب این امر، هنگام ظهور، از مردم می بیند، به اندازه مشکلات پیامبر صلی الله علیه و اله یا بیش تر از آن است». (3)

فضیل می گوید، امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، بیش از آن چه پیامبر صلی الله علیه و اله از جاهلان دوران جاهلیت ناراحتی دید، از جاهلان رنج و ناراحتی خواهد دید».

ص: 186

1- عن أبي جعفر عليه السلام: «إذا قام القائم عليه السلام سار إلى الكوفة، فيخرج منها بضعة عشر ألفاً أنفس يدعون «البتريّة». عليهم السلاح، فيقولون له: ارجع من حيث جئت، فلا حاجة لنا في بني فاطمه، فيضع فيهم السيف حتى يأتي على آخرهم». ارشاد، ص 364؛ كشف الغمّة، ج 3، ص 255؛ صراط المستقيم، ج 2، ص 354؛ روضه الواعظين، ج 2، ص 265؛ اعلام الوری، ص 431؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 328.

2- الباقر عليه السلام: «... و يسير إلى الكوفة، فيخرج منها ستّة عشر ألفاً من البتريّة شاكين في السلاح، قرأ القرآن، فقهاء في الدين، قد قرّحوا جباههم، و سمّروا ساماتهم و عمّهم النفاق، و كلّهم يقولون: يا ابن فاطمه؛ ارجع، لا حاجة لنا فيك، فيضع فيهم على ظهر النجف عشية الاثنين من العصر إلى العشاء، فيقتلهم أسرع من جزر جزور، فلا يفوت منهم رجل، و لا يصاب من أصحابه أحد، دماؤهم قربان إلى الله». دلائل الامامه، ص 241؛ طوسی، غيبه، ص 283؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 516؛ بحار الأنوار، ج 2، ص 598.

3- عن أبي حمزه الثمالی: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: «إنّ صاحب هذا الأمر لو قد ظهر، للقى من الناس مثل ما لقی رسول الله [و أكثر]». نعمانی، غيبه، ص 297؛ حلیه الابرار، ج 5، ص 328؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 362؛ بشاره الاسلام، ص 222.

پرسیدم: چگونه و چرا؟ فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و اله در روزگاری مبعوث شد که مردم سنگ و چوب و بت های تراشیده شده را می پرستیدند، ولی قائم ما در روزگاری قیام می کند که با قرآن علیه حضرت احتجاج می کنند و آیات را علیه آن حضرت تأویل می نمایند».

(1)

نیز آن حضرت می فرماید: «حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه آن قدر از انسان ها می کشد تا ساق پا را خون فرا می گیرد. شخصی از فرزندان پدرش به حضرت اعتراض شدید می کند و می گوید: مردم را از خود دور می کنی؛ هم چنان که گوسفندان را رم می دهند! آیا این روش، طبق دستور رسول خدا صلی الله علیه و اله است؟

یکی از یاران حضرت از جای برمی خیزد و می گوید: سکوت می کنی یا گردنت را بزخم؟! حضرت عهد و پیمانی را که از رسول خدا صلی الله علیه و اله همراه دارد، بیرون می آورد و ارائه می کند». (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، گروهی از دین و ولایت خارج می شوند؛ در صورتی که پنداشته می شد که آنان از پیروان حضرت می باشند. نیز افرادی ولایت حضرت را می پذیرند؛ در صورتی که مانند آفتاب پرستان و ماه پرستان بودند». (3)

5. ناصبی ها

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، همه ناصبیان و

ص: 187

1- عن الفضيل، عن أبي عبد الله عليه السلام: «إنَّ قائمنا إذا قام استقبل من جهله الناس أشدَّ ممَّا استقبله رسول الله من جهَّال الجاهليَّة» فقلت: و كيف ذلك؟ قال: «إنَّ رسول الله صَلَّى الله عليه و اله و سلَّم أتى الناس و هم يعبدون الحجاره و الصخور و العیدان و الخشب المنحوتة، و إنَّ قائمنا إذا قام أتى الناس و هم يتأوَّل عليه كتاب الله، و يحتجَّ عليه به». غيبة النعماني، ص 222؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 120.

2- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «يقتل القائم حتى يبلغ السوق-قال- فيقول له رجل من ولد أبيه: إنَّك لتجفل الناس إجمال النعم، فبعهد من رسول الله صَلَّى الله عليه و اله و سلَّم أو بماذا؟ قال: و ليس في الناس رجل أشدَّ منه بأساً، فيقوم إليه رجل من الموالى، فيقول له: لتسكتنَّ أو لأضربنَّ عنقك، فعند ذلك يخرج القائم عهداً من رسول الله صَلَّى الله عليه و اله و سلَّم». اثبات الهداه، ج 3، ص 585؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 387.

3- عن الصادق عليه السلام: «إذا خرج القائم خرج من هذا الأمر من كان يرى أدته من أهله، و دخل فيه شبه عبده الشمس و القمر». نعماني، غيبة، ص 317؛ طوسی، غيبة، ص 273؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 329، 363.

دشمنان اهل بیت را بر آن حضرت عرضه می کنند. اگر به اسلام- که همان ولایت اهل بیت است- اقرار کردند، آنان را رها می کند وگرنه به قتل می رسند، یا آنان را به پرداخت جزیه -هم چنان که اهل ذمه می پردازند- ملزم می کند».

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، بر یک یک ناصبیان ایمان را عرضه می کند؛ اگر پذیرفتند، آنان را رها می سازد وگرنه گردنشان را می زند، یا از آنان جزیه می گیرد. چنان که امروز از اهل ذمه جزیه می گیرند و آنان را از شهرها به روستاها (و کشتزارها) تبعید می کنند». (1)

مرحوم مجلسی می گوید: شاید این حکم مربوط به آغاز قیام باشد؛ زیرا ظاهر روایات این است که از آنان جزایمان پذیرفته نمی شود و اگر نپذیرند، کشته می شوند. (2)

ابو بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: رفتار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با ناصبی ها و کسانی که با شما دشمنی دارند، چگونه خواهد بود؟ فرمود: «ای ابا محمد! در دولت و حکومت ما، مخالفان بهره ای نخواهند داشت. خداوند برای ما خون های شان را در آن هنگام حلال خواهد کرد؛ ولی امروز خونشان بر ما و شما حرام است. پس کسی تو را فریب ندهد و بدان روزگاری که قائم ما قیام کرد، حضرت برای خدا و رسولش و برای ما انتقام خواهد گرفت». (3)

6. منافقان

در تفسیر آیه لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً؛ (4) اگر شما عناصر کفر و ایمان از

ص: 188

1- عن أبي جعفر عليه السلام: «إذا قام القائم عليه السلام عرض الإيمان على كل ناصب، فإن دخل فيه بحقيقه وإلا ضرب عنقه، أو يؤدى الجزية كما يؤدىها اليوم أهل الذمة، ويشد على وسطه الهميان، ويخرجهم من الأمصار إلى السواد». کافی، ج 8، ص 228؛ تفسیر فرات، ص 100؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 372. و مثله عن الصادق عليه السلام باختلاف.

2- مرآة العقول، ج 26، ص 160.

3- عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قلت: فمن نصب لكم عداوة؟ فقال: «لا، يا أبا محمد. ما لمن خالفنا في دولتنا من نصيب، إن الله قد أحل لنا دماءهم عند قيام قائمنا، فالיום محرم علينا وعليكم ذلك، فلا - يغزّك أحد، إذا قام قائمنا انتقم لله و لرسوله و لنا أجمعين». بحار الأنوار، ج 52، ص 376.

4- فتح (48) آية 25.

یک دیگر جدا می گشتید، همانا آنان که کافرند را به عذاب دردناک معذب می ساختیم، امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند، در صلب کافران و منافقان، امانت هایی از مؤمنان دارد. حضرت قائم ما ظهور نمی کند، مگر آن که آن امانت ها را خداوند از صلب آنان بیرون آورد (و آن مؤمنان متولد شوند). پس از آن، حضرت کافران و منافقان را به قتل می رساند». (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، نیازی ندارد که از شما درخواست یاری کند و نسبت به بسیاری از شما منافقان، حد خدا را جاری می کند». (2)

امام حسین علیه السلام به فرزندش امام سجاد علیه السلام می فرماید: «سوگند به خدا که خون من از جوشش باز نمی ایستد تا این که خداوند، مهدی عجل الله تعالی فرجه را برانگیزد. آن حضرت به انتقام خون من از منافقان فاسق و کافر، هفتاد هزار نفر را می کشد». (3)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «چون حضرت قائم قیام کند... به کوفه می آید و در آن جا همه منافقان را (که به امامت حضرت عقیده ندارند) به قتل می رساند و کاخ های آنان را ویران می کند و با جنگجویان آنان می جنگد و آن قدر از آنان می کشد تا خداوند خشنود گردد». (4)

7. شیطان

وهب بن جمیع می گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: این که خداوند به شیطان فرمود: فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ؛ (5) (خداوند فرمود): آری، به تو

ص: 189

1- عن الصادق عليه السلام في تفسير قوله: لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا قَالَ: عَلَيْهِ السَّلَامُ «إِنَّ لِلَّهِ وَدَائِعَ مُؤْمِنِينَ فِي أَصْلَابِ قَوْمِ كَافِرِينَ وَ مُنَافِقِينَ، وَ قَائِمَنَا لَنْ يَظْهَرَ حَتَّى تَخْرُجَ وَدَائِعَ اللَّهِ فَإِذَا خَرَجْتَ ظَهَرَ، فَيَقْتُلُ الْكُفَّارَ، وَ الْمُنَافِقِينَ». كَمَالِ الدِّينِ، ج 2، ص 461؛ الْمُحَبَّبِ، ص 206؛ أَحْقَاقِ الْحَقِّ، ج 13، ص 357.

2- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَلَوْ قَدِ قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا احْتِاجَ إِلَى مَسَاءَلَتِكُمْ عَنْ ذَلِكَ. وَ لِأَقَامَ فِي كَثِيرٍ مِنْكُمْ مِنْ أَهْلِ النِّفَاقِ حَدَّ اللَّهِ». التَّهْذِيبِ، ج 6، ص 172؛ وَسَائِلِ الشَّيْخِ، ج 11، ص 382؛ مَا لَازِ الْإِخْيَارِ، ج 9، ص 455.

3- قَالَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «... يَا وَلَدِي عَلِيٌّ؛ وَ اللَّهُ؛ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ الْمَهْدِيَّ؛ فَيَقْتُلُ عَلِيَّ دَمِي مِنَ الْمُنَافِقِينَ الْكُفْرَةَ الْفَسْقَةَ سَبْعِينَ أَلْفًا». ابْنِ شَهْرٍ أَشُوبِ، مُنَاقِبِ، ج 4، ص 85؛ بَحَارِ الْأَنْوَارِ، ج 45، ص 299.

4- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ... ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ، فَيَقْتُلُ بِهَا كُلَّ مُنَافِقٍ مَرْتَابًا. وَ يَهْدِمُ قُصُورَهَا، وَ يَقْتُلُ مَقَاتِلَهَا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ». اثْبَاتِ الْهَدَاةِ، ج 3، ص 528؛ بَحَارِ الْأَنْوَارِ، ج 52، ص 338.

5- حَجَرِ (15) آيَةُ 38.

(شیطان) مهلت داده خواهد شد تا به وقت معین و روز معلوم، این وقت معلوم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: «آیا پنداشته ای این روز، روز، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند او را مبعوث می کند (و اجازه قیام می دهد)، حضرت به مسجد کوفه می رود. در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود، به آن جا می آید و می گوید: ای وای بر من از امروز! حضرت مهدی پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد». (1) م.

ص: 190

1- عن وهب بن جميع، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول إبليس رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. قال له وهب: - جعلت فداك - أئى يوم هو؟ قال: «يا وهب أتحسب أنه يوم يبعث الله فيه الناس؟ إن الله أنظره إلى يوم يبعث فيه قائمنا، فإذا بعث الله قائمنا كان في مسجد الكوفة، وجاء إبليس حتى يجثو بين يديه على ركبتيه فيقول: يا ويله من هذا اليوم، فيأخذ بناصيته فيضرب عنقه، فذلك اليوم هو الوقت المعلوم». عياشى، تفسير، ج 2، ص 243؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 551؛ تفسير صافى، ج 1، ص 906؛ تفسير برهان، ج 2، ص 343؛ بحار الأنوار، ج 60، ص 254. علامه سيد محمد حسين طباطبائي، روایت دیگری را به همین مضمون از تفسیر قمی آورده، در دنباله آن می فرماید: روایات وارد شده از اهل بیت علیهم السلام در تفسیر اکثر آیات قیامت که گاهی آیات را به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و گاهی به رجعت و گاهی به قیامت تفسیر می کند، شاید بدین لحاظ است که این سه روز در ظاهر شدن حقایق شریکند؛ هر چند از حیث شدت و ضعف باهم اختلاف دارند؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج 12، ص 184؛ الرجعه فی احادیث الفریقین. البته این مضمون را از استادام، وحید خراسانی نیز شنیدم.

در زمینه احکام جدید و قضاوت های حضرت مهدی و اصلاحاتی که حضرت انجام می دهد، روایات بسیاری وجود دارد؛ احکامی که در نظر اول با متون فقهی موجود و گاهی با ظواهر روایات و سنت سازگاری ندارد. قانون ارث برادر در عالم ذر، کشتن شرابخوار، کشتن فرد بی نماز، اعدام دروغگو، تحریم سود گرفتن از مؤمن در معاملات، نابودی مناره های مساجد و برداشتن سقف مساجد از آن جمله است. روش هایی که حضرت در کارها و امور اتخاذ می کند- که در فصل قبل گذشت- نیز از این گونه است.

در روایات از این تغییرات با عباراتی مانند قضای جدید، سنت جدید، دعای جدید و کتاب جدید نام برده شده است که ما آن را جز زنده کردن سنت محمدی نمی دانیم؛ ولی دگرگونی ها به اندازه ای چشمگیر است که وقتی مردم با آن روبه رو می شوند، با تعبیر «او دین جدیدی آورده است» یاد می کنند.

در صورتی که صدور این روایات از معصومین ثابت شود، توجه به چند نکته در این باره ضروری است:

1. برخی از احکام الهی هرچند از سوی خداوند پایه ریزی شده است، ولی شرایط اعلام و اجرای آن در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه فراهم می شود و اوست که آن احکام را اعلام و اجرا می کند. (1)

ص: 191

2. با گذشت زمان به وسیله زورمندان و تحریف گران، دگرگونی ها و تحریفاتی در احکام الهی پدید آمده است و حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه پس از ظهور آنها را تصحیح و تعدیل می کند.

در کتاب القول المختصر آمده است: بدعتی را برجای نمی گذارد و سنتی نمی ماند مگر آن که آن را احیا می کند. (1)

3. چون فقها در استنباط حکم شرعی، از یک سلسله قواعد و اصول بهره می جویند، گاهی حکمی را که استنباط کرده اند با حکم واقع مطابقت ندارد؛ هر چند نتیجه آن استنباط برای مجتهد و مقلدینش حجت شرعی است؛ ولی در حکومت امام زمان علیه السلام، حضرت، احکام واقعی را بیان می فرماید.

4. برخی از احکام شرعی در شرایطی خاص و اضطراری و برای تقیه به صورت غیر واقعی اعلام شده است که در روزگار حضرت، تقیه برداشته می شود و حکم واقعی بیان می گردد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، تقیه از بین می رود و حضرت، شمشیر را از نیام بیرون می کشد و از مردم جز شمشیر نمی گیرد و به آنان جز شمشیر نمی دهد». (2)

درباره موارد بالا به گفتن چند روایت بسنده می کنیم:

امام صادق علیه السلام ضمن حدیث مفصلی می فرماید: «بر شما (مسلمانان) است که تسلیم (امر ما) باشید و امور را به ما باز گردانید و به انتظار حکومت ما و شما باشید و منتظر فرج و گشایش ما و شما بمانید. هنگامی که قائم ما ظهور کند و سخنگوی ما به سخن آید و تعلیم قرآن و دستورات دین و احکام را از نو به شما بیاموزد- به همان شکلی که بر محمد صلی الله علیه و اله نازل شده است-، دانشمندان شما این رفتار حضرت را، انکار کرده، مورد اعتراض قرار می دهند و بر دین خدا و راه او استوار و پابرجا نمی شوید، مگر در سایه شمشیر؛ شمشیری که بالای سر شما باشد.

خداوند، سنت های پیشین را بر این مردم قرار داده؛ ولی آنان، سنت ها را تغییر

ص: 192

1- .قیل: «لا یتک بدعه إلا أزالها ولا سنه إلا أحيها»؛ القول المختصر، ص 20.

2- .عن أبي عبد الله عليه السلام: «إذا قام قائمنا سقطت التقية، و جرد السيف، و لم يأخذ من الناس، و لم يعطهم إلا بالسيف». تأويل الآيات الظاهرة، ج 2، ص 540؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 564.

داده، و دین را تحریف کردند. هیچ حکم رایجی در بین مردم نیست، مگر این که از شکل وحی شده اش تحریف گشته است. خدا تو را رحمت کند. به هر چه فراخوانده می شوی، بپذیر تا آن کس که دین را تجدید می کند، فرارسد». (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم ظهور کند، مردم را از نوبه اسلام دعوت می کند و آنان را به سوی (اسلام) هدایت می نماید، در حالی که اسلام کهنه و نابود شده، مردم از آن گمراه گشته اند». (2)

از این روایت فهمیده می شود که امام دین جدیدی را به جهان عرضه نمی کند؛ بلکه چون مردم از اسلام واقعی منحرف شده اند، حضرت دوباره به آن دین دعوت می کند؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و اله به آن دعوت کرد.

امام صادق علیه السلام به برید فرمود: «ای برید! به خدا سوگند، هیچ حریمی برای خداوند نماند، مگر این که آن را دریدند و هرگز به کتاب خدا و سنت پیامبرش در این جهان عمل نشد و از روزی که امیر مؤمنان رحلت کرد، هرگز حدّ خداوند در بین مردم جاری نگشت». آن گاه فرمود: «به خدا سوگند روزها و شب ها به پایان نمی رسد، مگر آن که خداوند مردگان را زنده و زندگان را بمیراند و حق را به صاحبش بازگرداند و آیین خود را - که برای خود و پیامبرش پسندیده است - برپا دارد. بر شما بشارت باد، بشارت باد شما را. به خدا سوگند که حق فقط و فقط در دست شماست». (3)

ص: 193

1- عن أبي عبد الله عليه السلام: في حديث طويل، قال: «عليكم بالتسليم و الردّ إلينا، و انتظار أمرنا و أمرکم. و فرجنا و فرجکم، فلو قد قام قائمنا و تكلّم متكلّمنا، ثم استأنف بكم تعليم القرآن و شرائع الدين و الأحكام و الفرائض، كما أنزله الله على محمّد عليه السلام لأنكم (لأنكر) أهل البصائر فيكم ذلك اليوم إنكارا شديدا، و لم تستقيموا على دين الله، و طريقتة، إلا من تحت حدّ السيف فوق رقابكم، إنّ الناس بعد نبي الله صلي الله عليه و اله و سلّم ركب الله بهم سنّه من كان قبلكم فغيّروا و بدّلوا و حرّفوا زادوا في دين الله و نقصوا منه، فما من شيء عليه الناس اليوم إلاّ - و هو منحرف عمّا نزل به الوحي من عند الله، فأجب - رحمك الله - من حيث تدعى إلى حيث تدعى من يستأنف بكم دين الله استئنافا». كشي، رجال، ص 138؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 560؛ بحار الأنوار، ج 2، ص 246؛ العوالم، ج 3، ص 558.

2- عن الصادق عليه السلام: «إذا قام القائم عليه السلام دعا الناس إلى الإسلام جديدا، و هداهم إلى أمر قد دثر فضلّ عنه الجمهور». مفيد، ارشاد، ص 364؛ روضه الواعظين، ج 2، ص 264؛ اعلام الوری، ص 431؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 30.

3- عن برید بن معاوية، سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «يا برید؛ و الله؛ ما بقيت لله حرمه إلاّ انتهكت، و لا عمل بكتاب الله، و لا سنّه نبيّه في هذا العالم و لا أقيم في هذا الخلق حدّ منذ قبض الله أمير المؤمنين و لا عمل بشيء من الحقّ إلى يوم الناس هذا». ثم قال: «أما و الله لا تذهب الأيام و الليالي حيث يحيى الله الموتى و يميت الأحياء و يرّد الحقّ إلى أهله، و يقيم دينه الذي ارتضاه لنفسه و نبيّه فابشروا ثم ابشروا، فو الله؛ ما الحقّ إلاّ في أيديكم». التهذيب، ج 4، ص 96؛ ملاذ الاخير، ج 6، ص 258.

این روایت نشان می دهد که دگرگونی ها برای غیر شیعه بیش تر چشمگیر است؛ هرچند برخی از موارد برای آنان نیز تازگی دارد.

در این فصل، دگرگونی ها و اصلاحات در روزگار امام زمان عجل الله تعالی فرجه را در سه قسمت:

احکام جدید، اصلاحات و تجدید بناها و قضاوت های تازه بیان می کنیم:

الف) احکام جدید

1. اعدام زناکار و منع کننده از زکات

ابان بن تغلب می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «در اسلام به حکم خدا دو خون حلال است، ولی کسی به آن حکم نمی کند تا این که خداوند، قائم اهل بیت علیهم السلام را بفرستد.

او به حکم خدا حکم خواهد کرد و بیته و شاهی نمی طلبد. حضرت زناکار محصن را (مرد زن دار و زن شوهردار) را سنگسار می کند و کسی که زکات نمی دهد گردنش را می زند». (1)

امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه قیام کند، در سه مورد چنان حکم می کند که کسی پیش از او آن گونه حکم نکرده است. آن حضرت پیر مرد زناکار را اعدام می کند و کسی را که مانع زکات می شود، به قتل می رساند و ارث برادر را به برادر مقامی (که در عالم ذر با هم برادر بودند) می دهد». (2)

علامه حلی درباره حکم اعدام منع کننده زکات می فرماید: در همه عصرها، مسلمانان بر وجوب زکات اتفاق نظر داشته اند و زکات را یکی از پایه های پنج گانه اسلام می دانند.

ص: 194

1 - عن أبان بن تغلب، قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: «دما في الإسلام حلال من الله، لا يقضى فيهما أحد حتى يبعث الله قائمنا أهل البيت، فإذا بعث الله عز وجل قائمنا أهل البيت، حكم فيهما بحكم الله لا يريدهما بيته، الزاني المحصن يرحمه، ومانع الزكاة يضرب عنقه». كافي، ج 3، ص 503؛ الفقيه، ج 2، ص 11؛ كمال الدين، ج 2، ص 671؛ وسائل الشيعه، ج 6، ص 19؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 325.

2 - عن أبي عبد الله عليه السلام و أبي الحسن عليهما السلام: قالوا: «لوقام القائم لحكم بثلاث لم يحكم بها أحد قبله: يقتل الشيخ الزاني، و يقتل مانع الزكاة، و يورث الأخ في الأظله». صدوق، خصال، باب 3، ص 133؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 495.

در نتیجه کسی که واجب بودنش را نپذیرد و مسلمان فطری باشد و بین مسلمانان بزرگ شده باشد، او را بدون توبه دادن اعدام می کنند و اگر این فرد، مسلمان ملی باشد تا سه بار پس از ارتداد، توبه اش می دهند و پس از آن اعدام می شود، این احکام در صورتی است که فرد علم و آگاهی به وجوب آن داشته باشد؛ ولی اگر وجوب آن را نداند، حکم به کفرش نمی شود». (1)

مجلسی اول، در شرح این روایت، ضمن بیان وجوهی می فرماید: شاید مراد این باشد که حضرت در این دو مورد برطبق علم خود حکم و قضاوت می کند و نیازی به شاهد نخواهد داشت؛ چنان که این روش در دیگر قضاوت های حضرت نیز می باشد ولی راز اختصاص دادن به این دو مورد به لحاظ اهمیت آن است. (2)

2. قانون ارث

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «خداوند، ارواح را دو هزار سال پیش از بدن ها آفرید. هر یک از آنها که با دیگری در آسمان ها آشنا شد، در زمین نیز باهم آشنا خواهند بود و هر کدام که از دیگری بیگانه بوده است، در زمین نیز چنان خواهد بود. هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، به برادر دینی ارث می دهد و ارث برادر نسبی را قطع می کند و این است معنای قول خداوند در سوره مؤمنون: فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ؛ (3) پس هنگامی که در شیپور صور دمیده شود، هیچ نسبی بین آنان نخواهد بود و هرگز از علّت آن جو یا نخواهند شد. (4)

ص: 195

1- العلامه الحلی: أجمع المسلمون كآفة على وجوبها في جميع الأعصار، وهي أحد أركان الإسلام الخمسة إذا عرفت هذا، فمن أنكر وجوبها ممن ولد على الفطره، ونشأ بين المسلمين فهو مرتد يقتل من غير أن يستتاب، وإن لم يكن من الفطره، بل أسلم عقيب كفر استتيب- مع علم بوجوبها- ثلاثاً، فإن تاب وإلا فهو مرتد وجب قتله، وإن كان ممن يخفى وجوبها عليه لأنه نشأ بالباديه أو كان قريب العهد بالإسلام عرّف وجوبها ولم يحكم بكفره». تذکره الفقهاء، ج 5، ص 7. کتاب زکات؛ ر. ک: مرآة العقول، ج 16، ص 14.

2- العلامه المجلسی: أو يكون المراد أنه عليه السلام يحكم بعلمه فيهما ولا يحتاج إلى الشهود، كما في سائر قضایاه، ويكون التخصیص للاهتمام». روضه المتقین، ج 3، ص 18.

3- مؤمنون (23) آیه 101.

4- عن جرهم بن أبي جهينه، قال: سمعت أبا الحسن موسى يقول: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَبْدَانِ بِالْفِي عام، ثم خلق الأبدان بعد ذلك، فما تعارف منها في السماء تعارف في الأرض، وما تناكر منها في السماء تناكر في الأرض، فإذا قام القائم ورث الأخ في الدين ولم يورث الأخ في الولاده، وذلك قول الله عزّ وجلّ في كتابه قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ. دلائل الامامه، ص 260؛ تفسير برهان، ج 3، ص 120؛ الشيعة والرجعه، ج 1، ص 402.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند دو هزار سال پیش از آن که پیکرها را بیافریند، بین ارواح برادری برقرار کرد. هنگامی که قائم ما اهل بیت قیام کند، برادرانی که بینشان برادری برقرار شده است، از یک دیگر ارث می برند و برادران نسبی که از یک پدر و مادر هستند از یک دیگر ارث نمی برند». (1)

3. کشتن دروغگویان

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما ظهور کند، نخست به سراغ دروغگویان شیعه می رود و آنان را به قتل می رساند». (2)

احتمال دارد که مراد از این افراد، منافقان یا مدعیان مهدویت و بدعت گذاران در دین باشد که سبب انحراف مردم شدند.

4. پایان حکم جزیه

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «خداوند، دنیا را به پایان نمی رساند، مگر آن که حضرت قائم از ما قیام کند و دشمنان ما را نابود سازد و دیگر جزیه را نپذیرد و صلیب و بت ها را بشکند و دوران جنگ و خونریزی به پایان رسد و مردم را برای دریافت مال و ثروت فراخواند و اموال را در بین آنان یکسان تقسیم کند و در میان مردم به عدالت رفتار نماید». (3)

ص: 196

-
- 1- قال الصادق علیه السلام: «إنَّ اللهَ آخا بين الأرواح في الأظله، قبل أن يخلق الأبدان بألفى عام، فلو قد قام قائمنا أهل البيت لورث الأخ الذي آخا بينها في الأظله، ولم يورث الأخ من الولاده». الفقيه، ج 4، ص 254؛ صدوق، عقايد، ص 76؛ حصيني، هدايه، ص 64، 87؛ مختصر البصائر، ص 159؛ روضه المتقين، ج 11، ص 415؛ بحار الأنوار، ج 6، ص 249 و ج 101، ص 367.
 - 2- عن أبي عبد الله عليه السلام: «لو قد قام قائمنا لبدأ بكذابى الشيعة فقتلهم» كشى، رجال، ص 299؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 561.
 - 3- قال أمير المؤمنين عليه السلام: «... فإنَّ اللهَ لم يذهب بالدنيا حتى يقوم القائم منّا، يقتل مبغضينا. ولا يقبل الجزية، ويكسر الصليب و الأصنام، و تضع الحرب أوزارها، و يدعو إلى أخذ المال و يقسمه بالسويّه، و يعدل في الرعيّه». اثبات الهداه، ج 3، ص 496.

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله درباره شکستن صلیب ها و کشتن خوک ها- که به معنای پایان یافتن دوران مسیحیت و حکم جزیه است- می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به عنوان فرمانروایی دادگر ظهور می کند و صلیب ها را می شکند و خوک ها را می کشد و دستور می دهد، کارگزارانش مال و ثروت را برداشته، در شهرها بگردند تا هرکس نیازمند است، از آن بردارد؛ ولی کسی پیدا نمی شود که اظهار نیازمندی کند» (1).

شاید این حدیث کنایه از پایان دوران مسیحیت و اهل کتاب باشد.

5. انتقام از بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام

هروی می گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! نظرتان درباره این سخن امام صادق علیه السلام که می فرماید: «هرگاه قائم ماقیام کند، بازماندگان از قاتلان امام حسین علیه السلام به کیفر کردار پدرانشان کشته می شوند» چیست؟ حضرت رضا فرمود:

«این سخن صحیح است».

گفتم: پس این آیه قرآن و لا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ (2) گناه کسی را به پای کسی نمی نویسند، چه معنایی دارد؟

فرمود: «آن چه خداوند می فرماید: صحیح است؛ ولی بازماندگان قاتلان امام حسین علیه السلام، به کردار پدرانشان خرسند هستند و به آن افتخار می کنند و هرکس از چیزی خشنود باشد، مانند آن است که آن کار را انجام داده باشد. اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدن او خشنود باشد، نزد خداوند شریک گناه قاتل است».

و حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه که فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را هنگام ظهورش نابود می سازد؛ برای این است که آنان از کردار پدرانشان خشنود هستند».

گفتم: قائم شما از چه طایفه ای شروع می شود؟ فرمود: «از بنی شیبه شروع می کند و

ص: 197

1- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «يخرج المهدي حكما عدلا، فيكسر الصليب، و يقتل الخنزير، و يطاف بالمال في أهل الحواء فلا يوجد أحد يقبله». عقد الدرر، ص 166؛ القول المختصر، ص 14.

2- كهف (18) آیه 9.

دست های آنان را قطع می نماید؛ زیرا آنان دزدان خانه خدا در مکه معظمه هستند». (1)

6. حکم رهن و وثیقه

علی می گوید: پدرم، سالم از امام صادق علیه السلام درباره حدیث «کسی که به رهن و سپردن وثیقه، از برادر مؤمن خود مطمئن تر باشد من از او بیزارم»؛ سؤال کردم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «این مطلب در دوران قائم ما اهل بیت است». (2)

7. سود تجارت

سالم می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: روایتی نقل شده است که سود و بهره گرفتن از مؤمن برای برادر مؤمنش حرام و ریاست؟ حضرت فرمود: «این مطلب در هنگامی است که قائم ما اهل بیت ظهور کند؛ ولی امروز جایز است که شخصی به مؤمن چیزی بفروشد و از او سود بگیرد». (3)

مجلسی اول پس از قوی دانستن سند این روایت، می فرماید: از این روایت به دست می آید، روایاتی که سود گرفتن از مؤمن را مکروه دانسته، آن را ربا می خواند، مبالغه نیست و ممکن است در حال حاضر مکروه باشد، ولی در زمان حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه

ص: 198

1- عن الهروی، قال: قلت لأبي الحسن الرضا عليه السلام: يا ابن رسول الله؛ ما تقول في حديث روى عن الصادق عليه السلام أنه قال: «إذا خرج القائم قتل ذراری قتله الحسين عليه السلام بفعال آبائهم؟» فقال عليه السلام: «هو كذلك». فقلت: وقول الله عزّ وجلّ ولا تزرّ وازرّة وِرْزٍ أُخرى ما معناه؟ قال: «صدق الله في جميع أقواله، ولكن ذراری قتله الحسين عليه السلام يرضون بفعال آبائهم، ويفتخرون بها، و من رضى شيئاً كان كمن أتاه، ولو أنّ رجلاً قتل بالمشرق فرضى بقتله رجل بالمغرب، لكان الراضى عند الله عزّ وجلّ شريك القاتل، وإنّما يقتلهم القائم إذا خرج لرضاهم بفعال آبائهم». قال، قلت له: بأيّ شيء يبدأ القائم منكم إذا قام؟ قال: «يبدأ بنبي شبيهه، فيقطع أيديهم؛ لأنّهم سرق بيت الله عزّ وجلّ». علل الشرائع، ج 1، ص 219؛ عيون أخبار الرضا، ج 1، ص 273؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 313؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 455.

2- علي بن سالم، عن أبيه، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الخبر الذي روى «أنّ من كان بالرهن أوثق منه بأخيه المؤمن، فأنا منه يرى». قال: «ذلك إذا ظهر الحقّ، وقام قائمنا أهل البيت». قلت فالخبر الذي روى «أنّ ربح المؤمن على المؤمن ربا» ما هو؟ فقال: «ذلك إذا ظهر الحقّ، وقام قائمنا أهل البيت، فأما اليوم، فلا بأس أن يبيع من المؤمن و يربح عليه». من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 200؛ التهذيب، ج 7، ص 179؛ وسائل الشيعه، ج 13، ص 123؛ اثبات الهداه ج 3، ص 455؛ ملاذ الاخير، ج 11، ص 315.

3- علي بن سالم، عن أبيه، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الخبر الذي روى «أنّ من كان بالرهن أوثق منه بأخيه المؤمن، فأنا منه يرى». قال: «ذلك إذا ظهر الحقّ، وقام قائمنا أهل البيت». قلت فالخبر الذي روى «أنّ ربح المؤمن على المؤمن ربا» ما هو؟ فقال: «ذلك إذا ظهر الحقّ، وقام قائمنا أهل البيت، فأما اليوم، فلا بأس أن يبيع من المؤمن و يربح عليه». من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 200؛ التهذيب، ج 7، ص 179؛ وسائل الشيعه، ج 13، ص 123؛ اثبات الهداه ج 3، ص 455؛ ملاذ الاخير، ج 11، ص 315.

حرام گردد. (1) ولی مجلسی دوم ضمن مجهول خواندن این روایت می گوید: شاید حرمت در این دو مورد، مقید به زمان قیام حضرت حجت باشد. (2)

8. کمک برادران دینی به یک دیگر

اسحاق می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که آن حضرت از کمک و همکاری با برادران سخن به میان آورد و آن گاه فرمود: «هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه ظهور کند، کمک کردن به برادران واجب می شود و باید آنان را تقویت و کمک کنند». (3)

9. حکم قطایع

امام صادق علیه السلام فرمود: «آن گاه که قائم ما قیام کند، قطایع (و مالکیت اموال غیر منقول) از بین می رود؛ به گونه ای که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود». (4)

قطایع که همان مالکیت های بزرگ مانند روستاها، اراضی بسیار و قلعه هاست و پادشاهان و قدرتمندان آنها را به نام خود ثبت می کنند، همگی در روزگار امام زمان عجل الله تعالی فرجه به آن حضرت تعلق دارد.

10. حکم ثروت ها

معاذ بن کثیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «شیعیان ما در فراخی بوده، آزادند از این که آن چه را به دست می آورند، در راه خیر و نیکی مصرف کنند؛ ولی هنگامی که

ص: 199

-
- 1- قال المجلسی الأول: ... ویدلّ علی أنّ الأخبار المتقدمه فی کراهه الربح علی المؤمن و أنّه ربا لا مبالغه فیها، و یمکن أن یکون فی زمان القائم حراما و الآن مکروها. روضه المتقین، ج 7، ص 375.
 - 2- قال المجلسی الثانی: مجهول... قوله ذاک إذا ظهر الحقّ لعلّ الحرمة فی الموضوعین مقیّده بذلك. ملاذ الاخیار، ج 11، ص 315.
 - 3- عن إسحاق بن عمّار، قال: کنت عند أبی عبد الله علیه السلام، فذکر مواساه الرجل لإخوانه-إلی أن قال-فقال أبو عبد الله علیه السلام: «إنّما ذلک إذا قام القائم وجب علیهم أن یجهّزوا إخوانهم، و أن یقووهم». صدوق، مصادقه لاخوان، ص 20؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 495.
 - 4- عن جعفر علیه السلام: «إذا قام قائمنا، اضمحلت القطائع، فلا قطائع». قرب الاسناد، ص 54، بحار الأنوار، ج 52، ص 309 و ج 97، ص 58؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 584، 523؛ بشاره الاسلام، ص 234.

قائم ما قیام کند، بر هر گنجینه داری، اندوخته اش حرام می شود؛ مگر آن که آن را به خدمت آن حضرت آورد و از آن در جنگ با دشمن، یاری و کمک بگیرد و این است سخن خداوند که می فرماید: وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ (1) کسانی که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، آنان را به عذاب دردناکی بشارت ده. (2)

ب) اصلاحات اجتماعی و تجدید ساختمان مساجد

1. تخریب مسجد کوفه و تعدیل قبله آن

اصبغ بن نباته می گوید: امیر مؤمنان علیه السلام هنگام ورود به مسجد کوفه- که در آن هنگام با خزف و گل پخته ساخته شده بود- فرمود: «وای بر کسی که تو را ویران کرد! وای بر کسی که زمینۀ ویرانی تو را آسان کرد! وای بر آن که تو را با گل و خاک پخته بنا کرد و جهت قبلۀ نوح علیه السلام را تغییر داد!» آن گاه ادامه داد: «خوشا به حال کسی که شاهد ویرانی تو در روزگار حضرت قائم از اهل بیت می باشد! آنان نیکان امت هستند که همراه نیکان عترت می باشند». (3)

هم چنین آن حضرت می فرماید: «بی گمان هنگامی که قائم ما قیام کند، مسجد کوفه را ویران کرده، قبله آن را تعدیل می کند». (4)

ص: 200

- 1- توبه (9) آیه 36.
- 2- عن معاذ بن کثیر، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «موسّع على شيعتنا أن ينفقوا ممّا في أيديهم بالمعروف، فإذا قام قائمنا حرم على كلّ ذي كَنْزٍ كَنْزَهُ حتى يأتيه به فيستعين به على عدوّه وهو قول الله عزّ وجلّ: وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ». کافی، ج 4، ص 61؛ التهذيب، ج 4، ص 143؛ عیاشی، تفسیر، ج 2، ص 87؛ المحجّج، ص 89؛ تفسیر صافی، ج 2، ص 341؛ تفسیر برهان، ج 2، ص 121؛ نور الثقلین، ج 2، ص 213؛ بحار الأنوار، ج 73، ص 143؛ مرآة العقول، ج 16، ص 193.
- 3- عن الأصبغ بن نباته، قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام في حديث له حتى انتهى إلى مسجد الكوفة كان مبنياً بخزف ودنان وطين، فقال: «ويل لمن هدمك، وويل لمن سهّل هدمك، وويل لبانيك بالمطبوخ، المغيّر قبله نوح، طوبى لمن شهد هدمك مع قائم أهل بيتي، أولئك خيار الأمّة مع أرباب العترة». طوسی، غیبه، ص 283؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 516؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 332.
- 4- قال أمير المؤمنين عليه السلام: «اما إنّ قائمنا إذا قام كسره- مسجد الكوفة- و سوّى قبلته...» نعمانی، غیبه، ص 317؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 364؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 369 و ج 12، ص 294.

2. تخریب مساجد در مسیر جاده و مشرف

ابو بصیر می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه ویران می سازد و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد، مگر این که کنگره و اشرف آن را ویران می کند و با حالت سادگی و بدون اشرف، آن را برجای می گذارد و هر مسجدی را که در مسیر جاده قرار گیرد، ویران می سازد». (1)

شاید مراد، چهار مسجدی باشد که سران لشکر یزید، پس از شهادت امام حسین علیه السلام به شکرانه کشتن آن حضرت در کوفه ساختند و بعدها به «مساجد ملعونه» معروف شدند.

هرچند این مساجد اکنون موجود نیست، ولی ممکن است بعدها گروهی از روی دشمنی با اهل بیت، آنها را دوباره بسازند. (2)

امام باقر علیه السلام درباره این مساجد می فرماید: «در کوفه به دلیل شادی از کشتن، حسین علیه السلام چهار مسجد ساخته شد که عبارتند از: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک و مسجد شیبث بن ربیع». (3)

3. ویران کردن مناره ها

ابو هاشم جعفری می گوید: خدمت امام حسن عسکری علیه السلام بودم که ایشان فرمود:

«هنگامی که حضرت قائم قیام کند، دستور می دهد، مناره ها و مقصوره هایی (4) که در مساجد است، ویران شود». با خود گفتم: چرا حضرت چنین می کند؟ امام عسکری علیه السلام رو به من کرد و فرمود: «چون اینها بدعت و نوآوری هایی است که پیامبر و امامی

ص: 201

1- عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام: «إذا قام القائم، دخل الكوفة وأمر بهدم المساجد الأربعة حتى يبلغ أساسها، ويصيرها عريشا كعريش موسى، ويكون المساجد كلها جماء لا شرف لها، كما كان على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم». من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 53؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 333؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 556، 517؛ الشيعة والرجعة، ج 2، ص 400؛ ر.ك: من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 232؛ ارشاد، ص 365؛ روضه الواعظين، ج 2، ص 264.

2- مهدي موعود، ص 941؛ الغارات، ج 2، ص 324، پاورقی.

3- عن الباقر عليه السلام: «جددت أربعة مساجد بالكوفة فرحا بقتل الحسين عليه السلام: مسجد الأشعث، و مسجد جرير، و مسجد سماك، و مسجد ابن ربيع لعنهم الله». بحار الأنوار، ج 45، ص 189.

4- محلی از مسجد که برای خلیفه یا امام جماعت می ساختند تا در حال نماز در آن جا بایستند و از دسترس دشمن دور باشند؛ فرهنگ فارسی عمید.

مرحوم صدوق طبق روایتی می گوید: امیر مؤمنان علیه السلام هنگام گذشتن از مسجدی- که مناره اش بلند بود- دستور داد آن مناره را ویران کنند. (2)

مجلسی اول می فرماید: از این روایات، حرمت ساختن مناره های بلند به دست می آید؛ زیرا اشراف داشتن و مسلط شدن بر خانه های مسلمانان حرام است. ولی اکثر فقها این روایت را بر کراهت حمل کرده اند. (3) به نقل از مسعودی و طبرسی: وی دستور می دهد منبرها را ویران کنند. (4) البته مجلسی دوم (محمد باقر) مطلبی به همین مضمون دارد که در پاورقی سوم آمده است.

4. تخریب سقف مساجد و منبرها

امام باقر علیه السلام می فرماید: «نخستین چیزی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از آن آغاز می کند سقف مساجد است. آنها را ویران می کند و سقف هایی مانند عرش (5) موسی علیه السلام بر آن

ص: 202

1- عن أبي هاشم الجعفری، قال: كنت عند أبي محمد عليه السلام فقال: «إذا قام القائم أمر بهدم المناره و المقاصير التي في المساجد». فقلت في نفسي: لأى معنى هذا؟ فأقبل عليّ، فقال: «معنى هذا أنّها محدثة مبتدعه، لم بينها نبيّ و لا حجّه». طوسی، غیبه، ص 123؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 437؛ اعلام الوری، ص 355؛ كشف الغمّه، ج 3، ص 208؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 412؛ بحار الأنوار، ج 50، ص 215 و ج 52، ص 323؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 379، 384.

2- روى أنّ عليّاً عليه السلام مرّ على مناره طويله فأمر بهدمها، ثم قال: «لا ترفع المناره إلّا مع سطح المسجد». من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 155.

3- قال المجلسی الأول: يفهم منه حرمة بناء المنارات العالیه لحرمة إشراف علی بیوت المسلمین و حملة الأكثر علی الکراهه و إن حکموا بحرمة إشراف. روضه المتّقین، ج 2، ص 109. و قال المجلسی الثانی: المشهور بین الأصحاب کراهه تطویل المناره أزيد من سطح المسجد لئلا يشرف المؤذّنون علی الجیران. و المنارات الطويله من بدع عمر و المراد بالمقاصير: المحاریب الداخلة. بحار الأنوار، ج 80، ص 376.

4- اثبات الوصیه، ص 215؛ اعلام الوری، ص 355.

5- عرش سایبانی است که برای محافظت خود از گرما و آفتاب می سازند و به نقل از طریحی آن را از سعف خرما می سازند و تا پایان فصل خرما، در آن به سر می برند. تخریب آن شاید بدین دلیل است که مساجد پیش از ظهور امام علیه السلام از حالت سادگی بیرون آمده، جنبه تشریفاتی به خود می گیرد. ویرانی منابر نیز به دلیل آن است که دیگر جنبه ارشاد و هدایت مردم را ندارد؛ بلکه به وسیله ای برای تقویت فرمانروایان ستمگر و خائن و توجیهی برای نفوذ دشمنان در سرزمین های اسلامی تبدیل شده است.

این روایت بر استجاب حمل شده است؛ زیرا نبودن مانع و حائل بین نمازگزار و بین آسمان مستحب است و نبودن حایل یکی از اسباب قبولی نماز و استجاب دعاست.

5. بازگرداندن مسجد الحرام و مسجد النبی به اندازه اصلی

امام صادق علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه، ساختمان مسجد الحرام را ویران می کند و آن را به ساختمان نخستین و اندازه اصلی اش بازمی گرداند. مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله را نیز پس از ویران کردن، به اندازه اصلی اش بازمی گرداند و کعبه را در جایگاه اصلی اش می سازد». (2)

هم چنین آن حضرت می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، خانه خدا را به اندازه نخستین آن بازمی گرداند (3) و با مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله و مسجد کوفه نیز چنین می کند».

ج) قضاوت

امام صادق علیه السلام می فرماید: «پس از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، خداوند بادی می فرستد تا در هر سرزمینی ندا کند: این مهدی است که به روش داود و سلیمان قضاوت می کند و بر حکم خود گواهی نمی طلبد». (4)

ص: 203

- 1- قال أبو جعفر: «أول ما يبدأ به قائمنا سقوف المساجد، فيكسرها ويأمر بها، فتجعل عريشا كعريش موسى». من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 153؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 425؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 488؛ روضه المتقين، ج 2، ص 101.
- 2- عن أبي عبد الله عليه السلام: «القائم يهدم المسجد الحرام حتى يرده إلى أساسه و مسجد الرسول صلی الله علیه و اله و سلم إلى أساسه، و يرد البيت إلى موضعه، و أقامه على أساسه». ارشاد، ص 364؛ طوسی، غيبه، ص 297؛ نعمانی، غيبه، ص 171؛ اعلام الوری، ص 431؛ كشف الغمّه، ج 3، ص 255؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 516؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 332.
- 3- حدود آن را مرحوم صدوق و مجلسی بیان کرده اند؛ ر.ک: روضه المتقين، ج 2، ص 94؛ من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 149.
- 4- قال أبو عبد الله عليه السلام: «فبيعث الله تبارك و تعالی ريحا فتنادي بكلّ واد: هذا المهدي، يقضى بقضاء داود و سليمان، و لا يريد عليه بيته». كافي، ج 1، ص 397؛ كمال الدين، ج 2، ص 671؛ مرآة العقول، ج 4، ص 300؛ مجلسی این حدیث را موثق می داند؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 320، 330، 336، 339.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه احکام و قضاوت هایی دارد که حتی برخی از یاران و کسانی که در رکابش شمشیرها زده اند، به آن احکام اعتراض می کنند و آن قضاوت حضرت آدم علیه السلام است و حضرت نیز گردن معترضان را می زند. سپس به روش دیگری قضاوت می کند که قضاوت داود است؛ ولی گروه دیگری از یارانش اعتراض می کنند و حضرت گردن آنان را نیز می زند.

برای بار سوم حضرت به شیوه ابراهیم علیه السلام قضاوت می کند و باز هم گروهی از یارانش - که در رکابش شمشیر زده اند - اعتراض می کنند و حضرت آنان را نیز اعدام می کند.

آن گاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه به روش محمد صلی الله علیه و اله رفتار می کند و دیگر کسی بر حضرت اعتراض نمی کند» (1).

سازمان های بزرگ و باعظمت با نام و نشان های گوناگون و اساسنامه های پرزرق و برق که از حمایت محرومان و حقوق بشر سخن می گویند، در بین بشریت چنان رفتار کرده اند که گویی جز دشمنی با بشریت کار دیگری ندارند.

سرانجام حکومت مهدی وارث جهانی است که در آن ستمگران با همه توان به جنگ و نبرد با بشریت پرداخته، تعداد بسیاری از انسان ها را کشته اند و آنان که زنده مانده اند نیز از حکومت های دیگر ناامید شده، به حکومتی که وعده های خویش را محقق می سازد، پناه می آورند و این حکومت، همان حکومت مهدی آل محمد صلی الله علیه و اله است.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حکومت و دولت ما، آخرین دولت است و هیچ حزب، گروه و خاندانی نمی ماند که دارای حکومت باشد، مگر این که پیش از ما، حکومتشان بر روی کار می آید و این برای آن است که اگر روش و سیاست حکومت ما را دیدند، 9.

ص: 204

1 - عن أبي جعفر عليه السلام قال: «يقضى القائم بقضايا ينكرها بعض أصحابه ممن قد ضرب قدامه بالسيف و هو قضاء آدم عليه السلام، فيقدمهم فيضرب أعناقهم، ثم يقضى الثانية فينكرها قوم آخرون ممن قد ضرب قدامه بالسيف و هو قضاء داود عليه السلام، فيقدمهم فيضرب أعناقهم، ثم يقضى الثالثة فينكرها قوم آخرون ممن قد ضرب قدامه بالسيف و هو قضاء إبراهيم عليه السلام، فيقدمهم فيضرب أعناقهم، ثم يقضى الرابعة و هو قضاء محمد صلي الله عليه و اله و سلم فلا ينكرها عليه أحد». اثبات الهداه، ج 3، ص 585؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 389.

نگویند، ما هم اگر زمامدار امور می شدیم، این چنین رفتار می کردیم و این معنای سخن خداوند است که فرمود: **وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ (1)** و عاقبت کار از آن پرهیزکاران است». **(2)**

د) حکومت عدل

اشاره

عدالت، واژه ای است آشنا که همگان آن را دوست دارند و در پی آنند. عدالت چیزی است که از هرکس صادر شود، نیکو و زیباست و از مسؤولان و فرمانروایان زبینه تر؛ ولی جای تأسف است که در روزگاران بسیاری، جز نام، نشان دیگری از عدالت نمی توان یافت و بشریت جز در روزگاران اندکی - آن هم در حکومت مردان الهی - عدالت را مشاهده نکرده است.

استعمارگران برای استثمار بیش تر و نفوذ حاکمیت خود، به اشکال گوناگون از این واژه مقدس سوء استفاده می کنند و با تبلیغ این شعار جذّاب، گروهی را به دور خود گرد می آورند؛ ولی دیری نمی باید که رسوا شده، ادامه حکومت خود را جز با به کارگیری زور و بی عدالتی نمی بینند.

نظر مرحوم طبرسی

مرحوم طبرسی درباره زنده کردن سنت به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه سخنانی دارد که به ذکر آن می پردازیم:

اگر پرسیده شود همه مسلمانان معتقدند که پس از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و اله دیگر پیامبری نخواهد آمد، ولی شما شیعیان عقیده دارید که چون قائم قیام کند، جزیه را از اهل کتاب نمی پذیرد و هرکس را که بیش از بیست سال داشته باشد و احکام دینش را نداند، به قتل می رساند و مساجد و زیارتگاه های دینی را ویران می سازد و به روش

ص: 205

1- اعراف (7) آیه 127.

2- عن أبي جعفر عليه السلام: «دولتنا آخر الدول، ولن يبقى أهل بيت لهم دولة إلا ملكوا قبلنا لئلا يقولوا: إذا رأوا سيرتنا: إذا ملكنا سرنا مثل سيرة هولاء، وهو قول الله عزّ وجلّ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». ارشاد، ص 344؛ روضه الواعظین، ص 265؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 332. روایت دیگری نیز به همین مضمون وارد شده است.

حضرت داود- که برای صدور حکم شاهد نمی خواست- حکم می کند و مانند اینها که در روایات شما وارد شده است و این عقیده موجب نسخ دیانت و ابطال احکام دینی است و در حقیقت شما با این عقیده، نبوت و پیامبری را پس از خاتم پیامبران اثبات نموده اید؛ هر چند نام آن را پیامبری نگذارید، پاسخ شما چیست؟

می گوئیم: ما از آن چه در این پرسش گفته شده- که قائم، جزیه را از اهل کتاب نمی پذیرد و کسانی را که به سن بیست سالگی برسند و احکام دین خود را نداند، به قتل می رساند- آگاهی نداریم و بر فرض هم که در این خصوص روایتی رسیده باشد، نمی توان آن را به طور قطع پذیرفت. ممکن است منظور از ویران سازی برخی از مساجد و زیارت گاه های دینی، مساجد و زیارت گاه هایی باشد که برخلاف تقوا و دستور خدا ساخته شده است که البته کاری مشروع خواهد بود و پیامبر هم چنین کاری را انجام داد.

این که قائم، مانند فرزندان داود حکم می کند و در صدور حکم شاهد و دلیل نمی خواهد، این هم مطلبی است که نزد ما قطعی و یقینی نیست و اگر درست باشد، آن را بدین گونه باید تأویل کرد که در مواردی که خودش به حقیقت قضایا و ماهیت دعوا علم دارد، طبق علمش حکم می کند؛ زیرا هرگاه امام یا قاضی به مطلبی یقین پیدا کرد، لازم است که موافق با علمش قضاوت کند و دیگر شاهد و دلیلی نمی خواهد و این نکته موجب نسخ دیانت نیست. هم چنین این سخن که گفته اند: قائم جزیه نمی گیرد و گوش به گواهی شاهد و گواه نمی دهد، در صورتی که درست باشد، باعث منسوخ گشتن دیانت نخواهد بود؛ زیرا نسخ آن است که دلیلش متأخر از حکم منسوخ باشد و هم زمان باهم نیاید و اگر هر دو دلیل باهم آمدند، نمی توانند یکی ناسخ دیگری باشد؛ هر چند در معنا مخالف آن باشد؛ مثلاً اگر فرض کردیم که خداوند فرمود: «روز شنبه تا فلان وقت را در خانه به سر برید و پس از آن وقت آزاد هستید». به این سخن نسخ نمی گویند؛ زیرا دلیل رافع، همراه دلیل موجب است.

چون این معنا روشن گشت و دانستیم که پیامبر به آگاهی ما رسانده است که قائم از فرزندان من است و از دستورات او پیروی کنید و هر حکمی می کند بپذیرید، بر ما واجب است از وی پیروی کنیم و هرگونه قائم در میان ما حکم کرد، رفتار نماییم. پس اگر ما

حکم اورا پذیرفتیم-هرچند با برخی از احکام پیشین فرق داشته باشد-احکام دین اسلام را منسوخ ندانسته ایم؛ زیرا چنان که گفتیم نسخ احکام در موضوعی که دلیلش وارد شده باشد، متحقق نمی شود. (1) البته روایات متعددی از عامه به این مضمون وارد شده است. 1.

ص: 207

1- قالوا: إذا حصل الإجماع على أن لا نبى بعد رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم و أنتم قد زعمتم أن القائم إذا قام لم يقبل الجزية من أهل الكتاب، و أنه يقتل من بلغ العشرين و لم يتفقه في الدين، و يأمر بهدم المساجد و المشاهد، و أنه يحكم بحكم داود عليه السلام لا يسأل عن بيته و أشباه ذلك مما ورد في آثاركم، و هذا يكون نسخا للشريعة و إبطالا لأحكامها، فقد أثبتتم معنى النبوة و إن لم تتلفظوا باسمها، فما جوابكم عنها؟. الجواب: إننا لا نعرف ما تضمنه السؤال من أنه عليه السلام لا يقبل الجزية من أهل الكتاب، و أنه يقتل من بلغ العشرين و لم يتفقه في الدين، فإن كان ورد بذلك خبر فهو غير مقطوع به. و أما هدم المساجد و المشاهد: فقد يجوز أن يختص بهدم ما بنى من ذلك على غير تقوى الله تعالى، و على خلاف ما أمر الله سبحانه به، و هذا مشروع قد فعله النبي صلى الله عليه و اله و سلم. و أمّا ما روى من أنه عليه السلام «يحكم بحكم داود لا يسأل عن بيته»: فهذا أيضا غير مقطوع به، و إن صح فتأويله أنه يحكم بعلمه فيما يعلمه، و إذا علم الإمام أو الحاكم أمرا من الأمور فعلية أن يحكم بعلمه و لا يسأل البيته، و ليس في هذا نسخ للشريعة. على أن هذا الذي ذكره من ترك قبول الجزية و استماع البيته، لو صح لم يكن ذلك نسخا للشريعة؛ لأنّ النسخ هو ما تأخر دليله عن الحكم المنسوخ، و لم يكن مصاحبا له. فأما إذا اصطحب الدليلان: فلا يكون أحدهما ناسخا لصاحبه و إن كان يخالفه في الحكم. و لهذا اتفقنا على أن الله سبحانه لو قال: «الزموا السبت الى وقت كذا ثم لا تلزموه». أن ذلك لا يكون نسخا؛ لأنّ الدليل الراجع مصاحب للدليل الموجب. و إذا صحّت هذه الجملة، و كان النبي صلى الله عليه و اله و سلم قد أعلمنا بأنّ القائم من ولده يجب اتباعه و قبول أحكامه، فنحن إذا صرنا إلى ما يحكم به فينا- و إن خالف بعض الأحكام المتقدّمة- غير عاملين بالنسخ؛ لأنّ النسخ لا يدخل فيما يصطحب الدليل. بحار الأنوار، ج 52، ص 383؛ روایاتی هم از اهل سنت به همین مضامین وارد شده است. إعلام الوری، ج 2، ص 311.

بخش سوم: حکومت

اشاره

ص: 209

اداره سرزمینی به گستردگی دنیا، کار دشواری است که تنها با برخورداری از رهبری الهی و کارگزارانی دلسوز و معتقد به نظام الهی و حاکمیت اسلام امکان پذیر است. آری، امام علیه السلام برای اداره سرزمین ها ویرانی را می گمارد که پیشینه مبارزاتی داشته، در تجربه و عمل، پایداری و قاطعیت از خود نشان داده اند.

استاندارانی با شخصیتی قوی، اداره امور استان ها را به عهده می گیرند که جز مصالح کشور اسلامی و خشنودی خداوند، به چیز دیگری نمی اندیشند. روشن است، کشوری که مسئولانش دارای این ویژگی ها باشند، بر دشواری ها پیروز می شود و ویرانی های حکومت های پیشین با موفقیت به آبادانی تبدیل می گردد و وضع به گونه ای دگرگون می شود که زندگان آرزوی زندگی دوباره مردگان را می نمایند.

باید توجه داشت که حضرت علیه السلام هنگامی زمام امور را به دست می گیرد که دنیا وارث انبوهی از نابسامانی هاست و میلیون ها معلول و بیمار جسمی و روانی وجود دارد.

هاله ای از ویرانی بر دنیا سایه افکنده است و ناامنی همه جا را فراگرفته است. شهرها در اثر جنگ و نبرد به ویرانه ای تبدیل گشته است و نابودی کشتزارها در اثر آلودگی محیط زیست، کمبود ارزاق را به دنبال داشته است.

از سویی، مردم جهان، دولت ها، احزاب و سازمان های بسیاری را دیده اند که مدعی بوده اند، اگر زمام امور را به دست گیرند، می توانند به جهان و جهانیان خدمت کنند و آرامش و امنیت و بهبودی وضع اقتصادی را به ارمغان آورند؛ ولی در عمل هرکدام از

دیگری بدتر رفتار کردند و جز فساد و کشتار و ویرانی چیزی به ارمغان نیاوردند.

کمونیسم متلاشی شد، مائوئیسم مغضوب سران خود قرار گرفت و دمکراسی غربی جز شعاری مردم فریب چیزی بیش نبود.

سرانجام روزگاری فرامی رسد که عدل و عدالت به دست توانای مرد الهی در روی زمین مرده از ستم پیاده می شود. او آن چنان در اجرای این شعار «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً؛ زمین را پر از عدل و قسط می کند». جدی و مصمم است که آثار آن در همه جا نمایان می شود.

حضرت، حکومت را به گونه ای سازماندهی می کند و مردم را به گونه ای تربیت می نماید که دیگر واژه ستم از ذهن ها رخت برمی بندد و به تعبیر روایات، دیگر کسی به دیگری ستم نمی کند؛ حتی حیوانات نیز دست از تعدی و ستم برمی دارند و گوسفند همنشین گرگ می گردد.

ام سلمه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه چنان عدالتی در جامعه برپا می کند که زندگان آرزو می کنند، کاش مردگانشان زنده می بودند و از آن عدالت بهره مند می گردیدند». (1)

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ (2) بدانید و آگاه باشید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می کند»، می فرماید: «خداوند زمین را با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه زنده می گرداند. آن حضرت در زمین به عدالت رفتار می کند و زمین را با گسترش عدالت زنده می نماید؛ پس از آن که در اثر گسترش ستم مرده بود». (3)

نیز امام صادق علیه السلام می فرماید: «به خدا سوگند، به طور حتم عدالت مهدی عجل الله تعالی فرجه به درون 4.

ص: 212

1- أم سلمه عن رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «و يظهر من العدل ما يتمنى له الأحياء أمواتهم». مجمع الزوائد، ج 7، ص 315؛ الاذاعه، ص 119؛ احقاق الحق، ج 13، ص 294.

2- بقره (2) آیه 251.

3- عن الباقر عليه السلام: في قوله تعالى: «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قال: «يحيها الله بالقائم، فيعدل فيها، فيحيي الأرض بالعدل بعد موتها بالظلم». كمال الدين، ص 668؛ المحججه، ص 429؛ نور الثقلين، ج 5، ص 242؛ ينابيع الموده، ص 429؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 54.

خانه ها و اتاق های شان نفوذ می کند؛ هم چنان که سرما و گرما در آن وارد می شود». (1)

از این روایت استفاده می شود که با وجود خواسته گروهی و حتی مخالفت آنان، عدالت همه جهان را بدون استثنا دربر می گیرد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...؛ (2) آنان که وقتی در زمین حاکمیتشان بخشیم نماز را بپا می دارند و... می فرماید: «این آیه در شأن مهدی و یارانش فرود آمده است. خداوند به وسیله آنان، دین خود را آشکار می کند و حاکم می گرداند؛ به گونه ای که اثری از ستم و بدعت دیده نمی شود». (3)

امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «آن گاه که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کند، ترازوی عدالت را در جامعه برقرار می کند و از آن پس، کسی به دیگری ستم نمی کند». (4)

نیز امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «حضرتش در میان کشاورزان و مردم به عدالت رفتار می کند». (5)

جابر بن عبد الله می گوید: شخصی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و عرض کرد: این پانصد درهم زکات اموالم را از من تحویل بگیر! امام علیه السلام فرمود: «خودت آن را داشته باش و به همسایگان و بیچارگان و نیازمندان مسلمان بده». پس فرمود: «هنگامی که مهدی ما اهل بیت قیام کند، اموال را یکسان تقسیم می کند و به عدالت با آنان رفتار می نماید. پس هرکس که از او پیروی کند، از خدا پیروی کرده است و کسی که نافرمانی او کند، خدا را سرکشی نموده است و بدین سبب نام حضرتش را مهدی گذارده اند که به امور و مسائلی 6.

ص: 213

1- عن الصادق عليه السلام: «أما والله؛ ليدخلنَّ عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحرّ والقرّ». نعماني، غيبة، ص 159؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 544؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 362.

2- حج (22) آیه 41.

3- عن الباقر عليه السلام: الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ... قال: «نزلت في المهدي وأصحابه... و يظهر الله بهم الدين حتى لا يرى أثر من الظلم والبدع...». تفسیر قمی، ج 2، ص 87؛ المحجّه، ص 143؛ احقاق الحق، ج 13، ص 341.

4- عن الرضا عليه السلام: «فإذا خرج عليه السلام... ووضع ميزان العدل بين الناس، فلا يظلم أحد أحدا». كمال الدين، ص 372؛ كفايه الاثر، ص 270؛ اعلام الوری، ص 408؛ كشف الغمّه، ج 3، ص 314؛ فرائد السمطين، ج 2، ص 336؛ ينابيع المودّه، ص 448؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 321؛ غايه المرام، ص 696؛ احقاق الحق، ج 13، ص 364.

5- عليّ عليه السلام: «...و يعدل في الرعيّه...». اثبات الهداه، ج 3، ص 496.

عدالت در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه چنان فراگیر می شود که حتی اولویت های شرعی رعایت می گردد و کسانی که می خواهند واجبات خود را انجام دهند، بر کسانی که در صدد انجام مستحبات هستند، در بهره گیری از امکاناتی که برای آن منظور است، مقدم هستند. مثلاً در روزگار حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه که اسلام و حکومت الهی در سراسر جهان برقرار می شود، طبیعی است که شعایر الهی نیز با شکوهی وصف ناشدنی برگزار می شود.

حج ابراهیمی یکی از شعایر الهی است که بر اثر گسترش حکومت اسلامی، دیگر مانعی برای رهسپاری به سوی حج برجای نمی ماند و مردم برای انجام حج، مانند سیلی خروشان به سوی کعبه می شتابند و در نتیجه گرداگرد کعبه شلوغ شده، برای همه حج گزاران کفایت نمی کند. امام علیه السلام دستور می دهد که اولویت را به کسانی دهند که حج واجب بر عهده دارند و به سخن امام صادق علیه السلام این نخستین جلوه گاه عدالت مهدی موعود است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «نخستین چیزی که از عدالت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه آشکار می شود، این است که اعلام می کند، کسانی که حج یا مناسک مستحب به جا می آورند و حجر الاسود را استلام می کنند و طواف مستحبی انجام می دهند، آن را به کسانی که حج واجب دارند واگذار کنند». (2)

الف) حکومت بر دل ها

بدیهی است، حکومتی که در مدتی کوتاه، بر دشواری ها چیره گردد و نابسامانی ها را

ص: 214

1- عن جابر بن عبد الله، قال: دخل رجل على أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام فقال له: اقبض مني هذه الخمسمائة درهم؛ فإنها زكاه مالي، فقال له أبو جعفر عليه السلام: «خذها أنت، فضعها في جيرانك من أهل الإسلام، والمسكين من أخوانك المسلمين». ثم قال: «إذا قام مهدينا أهل البيت قسّم بالسويّة، و عدل في الرعيه، فمن أطاعه، فقد أطاع الله و من عصاه فقد عصى الله، و إنما سمّي المهدي، لأنّه يهدى إلى أمر خفيّ». عقد الدرر، ص 39؛ احقاق الحق، ج 13، ص 186.

2- عن أبي عبد الله عليه السلام: «أول ما يظهر القائم من العدل أن ينادى مناديه أن يسلم صاحب النافله لصاحب الفريضة الحجر الأسود و الطواف». كافي، ج 4، ص 427؛ من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 525؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 374.

از بین ببرد و با برچیدن ناامیدی از دل‌ها، بذر امید در آنها بکارد، از پشتیبانی مردمی برخوردار خواهد شد. نظامی که آتش جنگ‌ها را خاموش کند و امنیت و آسایش را چنان به جامعه بازگرداند که حتی حیوانات نیز از آن بهره‌مند شوند، این چنین حکومتی، حکومت بر دل‌ها خواهد بود و آرزوی انسان‌ها این است که در چنان حکومتی زندگی کنند. از این رو، در روایات از پیوند مردم با امام و علاقه آنان به حکومت آن حضرت با سخنان دلپذیری یاد شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌فرماید: «شما را به مهدی، مردی از قریش بشارت می‌دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خوشنودند». (1)

نیز آن حضرت می‌فرماید: «مردی از امت من قیام می‌کند که مردم زمین و آسمان او را دوست می‌دارند». (2)

صبح (3) می‌گوید: در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خردسالان آرزو می‌کنند که ای کاش بزرگ بودند و بزرگسالان آرزوی کودکی و خردسالی می‌نمایند». (4)

شاید برای این آرزوی خردسالی می‌کنند که دوست دارند زمان بیش تری را در حکومت آن حضرت به سر برند و خردسالان آرزوی بزرگسالی دارند، زیرا می‌خواهند مکلف باشند و در اجرای برنامه‌های حکومت الهی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه نقش داشته باشند و به پاداش اخروی دست یابند.

حکومت حضرت چنان تأثیری دارد که حتی مردگان نیز از آن بهره‌مند می‌شوند.

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مردی از فرزندانم ظهور می‌کند که در نتیجهٔ او...»

ص: 215

1- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «ابشروا بالمهدی، رجل من قریش... یرضی لخلافته، ساکن السماء، و ساکن الأرض». ینابیع الموده، ص 431؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 524.

2- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «... فیبعث رجلا من امتی یحبّه ساکن الأرض و ساکن السماء». فردوس الاخبار، ج 4، ص 496؛ اسعاف الراغبین، ص 124؛ احقاق الحق، ج 19، ص 663؛ الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 216.

3- محتمل است صباح بن عبد الرحمن مرسی و یا صباح بن محارب کوفی باشد. سیر اعلام النبلاء، ج 14، ص 12؛ تهذیب الکمال، ج 9، ص 63.

4- عن صباح: یتمتی فی زمن المهدی علیه السلام الصغیر أن یكون کبیرا و الکبیر أن یكون صغیرا. ابن حمّاد، فتن، ص 99؛ الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 78؛ القول المختصر، ص 21؛ متقی هندی، برهان، ص 86؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 70.

ظهور و حکومتش هیچ مرده ای در گور نمی ماند، مگر این که گشایش و برکاتی در گور برایش پدید می آید و آنان به دیدار یکدیگر می روند و قیام قائم را به یک دیگر مژده می دهند». (1)

در کامل الزیارات، (2) «الفرحه» به معنای شادی و خوش حالی آمده است و آوردن واژه میت در روایت، شایسته دقت است؛ زیرا می توان نتیجه گرفت که این گشایش و آسایش همگانی است و ویژه گروه خاصی از ارواح نیست. اگر این روایت را در کنار روایاتی که می فرماید: «روح کافران در بدترین شرایط در زنجیر و زندان به سر می برند» بگذاریم، معنای این روایت روشن می گردد؛ زیرا گویا با ظهور امام، حکم آزادی از عذاب به آنان داده می شود و یا حالت «گشایش و رحمتی که در رفتار فرشتگان عذاب نیست»، دگرگون شده برای مدتی هرچند کوتاه به احترام تشکیل حکومت الهی بر روی زمین، از شکنجه روح کافران و منافقان دست می کشند.

(ب) پایتخت حکومت

ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «ای ابا محمد! گویا می بینم که قائم آل محمد با خانواده اش در مسجد سهله فرود آمده است». گفتیم: آیا خانه او مسجد سهله است؟ فرمود: «آری؛ همان جا که منزلگاه ادریس پیامبر بوده است و هیچ پیامبری برانگیخته نشده، مگر آن که در آن مسجد نماز گزارده است. کسی که در آن اقامت کند، مانند کسی است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و اله بوده است. هیچ مرد و زن مؤمنی نیست، مگر آن که دلش به سوی آن مسجد است. هر شب و روزی که می گذرد، فرشتگان الهی به آن مسجد پناه می برند و خدا را می پرستند. ای ابا محمد! اگر من هم نزدیک شما بودم، هیچ نمازی را جز در آن مسجد به جا نمی آوردم.

ص: 216

- 1- عن أبي جعفر عليه السلام: «قال أمير المؤمنين عليه السلام: يخرج رجل من ولدي... ولا يبقى ميت إلا دخلت عليه الفرحة في قبره، و هم يتزاوون في قبورهم، و يتباشرون بقيام القائم». كمال الدين، ج 2، ص 653؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 328؛ وافى، ج 2، ص 112.
- 2- کامل الزیارات، ص 30.

آن گاه که قائم ما قیام کند، خداوند انتقام رسولش و همه ما را از دشمنان خواهد گرفت». (1)

امام صادق علیه السلام از مسجد سهله یاد کرد و فرمود: «آن خانه صاحب ما (حضرت مهدی) است؛ زمانی که با خاندانش در آن جا سکونت گزینند». (2)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه قیام می کند و به سوی کوفه می رود و منزلش را آن جا قرار می دهد». (3)

نیز آن حضرت می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند و به کوفه برود، هیچ مؤمنی نیست، مگر آن که در آن شهر در کنار مهدی عجل الله تعالی فرجه سکونت می گزیند یا به آن شهر می آید». (4)

حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید: «روزگاری فرارسد که این جا (مسجد کوفه) نمازگاه و مصلاهی مهدی عجل الله تعالی فرجه گردد». (5)

ابو بکر حضرمی می گوید: به امام باقر علیه السلام یا به امام صادق علیه السلام گفتم: کدام سرزمین پس از حرم خدا و حرم پیامبرش با فضیلت تر است؟ فرمود: «ای ابا بکر! سرزمین کوفه که 2.

ص: 217

1- عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام: أنه قال: «يا أبا محمد؛ كأتى أرى نزول القائم في مسجد السهلة بأهله و عياله» قلت: يكون منزله؟ قال: «نعم، هو منزل إدريس عليه السلام، و ما بعث الله نبياً إلا و قد صلى فيه و المقيم فيه كالمقيم في فسطاط رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، و ما من مؤمن و لا مؤمنة إلا و قلبه يحنّ إليه، و ما من يوم و لا ليلة إلا و الملائكة يأوون إلى هذا المسجد، يعبدون الله فيه، يا أبا محمد؛ أما إني لو كنت بالقرب منكم ما صليت صلاة إلا فيه، ثم إذا قام قائمنا انتقم الله لرسوله و لنا أجمعين». و في رواية أخرى عنه: قلت: - جعلت فداك - لا يزال القائم فيه أبداً؟ قال: «نعم». كافي، ج 3، ص 495؛ كامل الزيارات، ص 30؛ راوندی، قصص الانبياء، ص 80؛ التهذيب، ج 6، ص 31؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 583؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 524؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 376، 317؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 414.

2- قال أبو عبد الله عليه السلام - وقد ذكر مسجد السهلة - «أما إني منزل صاحبنا إذا قام بأهله». كافي، ج 3، ص 495؛ ارشاد، ص 362؛ التهذيب، ج 3، ص 252؛ طوسی، غيبه، ص 282؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 532؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 331؛ ملاذ الاخير، ج 5، ص 475.

3- الباقر عليه السلام: «و يخرج المهدي... ثم يقبل إلى الكوفة، فيكون منزله بها». كافي، ج 4، ص 571؛ تهذيب، ج 6، ص 34؛ قصص الانبياء راوندی، ص 80؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 225.

4- عن أبي جعفر عليه السلام: «إذا قام القائم و دخل الكوفة لم يبق مؤمن إلا و هو بها». بحار الأنوار، ج 52، ص 385؛ طوسی، غيبه، ص 275 با اندکی تفاوت.

5- عن عليّ عليه السلام: «يا أهل الكوفة... و ليأتينّ عليه - أي مسجد الكوفة - زمان يكون مصليّ المهدي». روضه الواعظين، ج 2، ص 337؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 452.

جایگاه پاکی است و در آن مسجد سهله قرار دارد و مسجدی که همه پیامبران در آن نماز خوانده اند و از آن جا عدالت الهی پدیدار می گردد و قائم خداوند و قیام کنندگان پس از او از همان جا خواهند بود. آن جا جایگاه پیامبران و جانشینان صالح آنان است». (1)

محمد بن فضیل می گوید: قیامت برپا نمی شود تا این که همه مؤمنان در کوفه گر دآیند. (2)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نه یا ده سال حکومت می کند و خوشبخت ترین مردم نسبت به او مردم کوفه هستند». (3)

از مجموع روایات چنین فهمیده می شود که شهر کوفه پایگاه اصلی فعالیت ها و مرکز فرمانروایی امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. لذا امر به نگه داری خانه و زمین شده و از فروش آن گویا نهی شده باشد. (4) و (5)

ج) کارگزاران دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه

طبیعی است که در حکومتی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه رهبری آن را به عهده دارد، کارگزاران و مسؤولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند. از این رو، می بینیم در روایات ترکیب دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را از پیامبران، جانشینان آنان، تقوای پیشگان و صالحان روزگار و امت های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله بیان می کند که نام برخی از آنان

ص: 218

1- عن الحضرمی عن ابی عبد الله علیه السلام: أو عن ابی جعفر علیه السلام، قال: قلت له: أي بقاع الله أفضل بعد حرم الله عزّ وجلّ و حرم رسوله صلی الله علیه و اله و سلّم؟ فقال: «الكوفه. یا أبا بکر؛ هی الزکیّه الطاهره، فیها قبور النبیّین المرسلین و غیر المرسلین. و الأوصیاء الصادقین. و فیها مسجد سهیل الذی لم یبعث الله نبیّا إلاّ و قد صلیّ فیهِ، و منها یظهر عدل الله، و فیها یكون قائمه و القوام من بعده. و هی منازل النبیّین، و الأوصیاء و الصالحین». کامل الزیارات، ص 30؛ مستدرک الوسائل، ج 3، ص 416.

2- محمّد بن فضیل: «لا تقوم الساعه حتی یجتمع کلّ مومن بالكوفه». طوسی، غیبیه، ص 273؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 330. و عن الصادق علیه السلام: «دار ملکه الکوفه و مجلس حکمه جامعها...» بحار الانوار، ج 13، ص 197.

3- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «یملک المهدی تسعا أو عشرًا، أسعد الناس من أهل الکوفه». فضل الکوفه، ص 25؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 609؛ حلیه الابرار، ج 2، ص 719؛ اعیان الشیعه، ج 2، ص 51.

4- عن سعد بن الأصبع قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: «من کانت له دار بالكوفه فلیتمسک بها». بحار الأنوار، ج 52، ص 386؛ سفینه البحار، ج 7، ص 547.

5- عن سعد، عن ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام قال: «لموضع الرجل فی الکوفه أحبّ إلیّ من دار فی المدینه». سفینه البحار، ج 7، ص 547.

بدین گونه است: حضرت عیسی علیه السلام، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانہ انصاری، مالک اشتر نخعی و قبیلۀ همدان.

از حضرت عیسی علیه السلام در روایات با واژه های گوناگونی مانند وزیر، جانشین، فرمانده و مسؤول در حکومت یاد شده است.

عیسی علیه السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می گوید: همانا من به عنوان وزیر فرستاده شده ام؛ نه امیر و فرمانروا. (1)

حضرت عیسی علیه السلام وزیر حضرت قائم و پرده دار و جانشین آن حضرت است. (2)

... آن گاه عیسی فرود می آید و مسؤول دریافت اموال حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه می شود و اصحاب کهف نیز در پشت سر او خواهند بود. (3)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و اله قیام کند، هفده تن را از پشت کعبه زنده می گرداند که عبارتند از: پنج تن از قوم موسی علیه السلام؛ آنان که به حق قضاوت کرده و با عدالت رفتار می کنند، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانہ انصاری و مالک اشتر». (4)

در روایتی تعداد آنان بیست و هفت نفر گفته شده است و قوم موسی را چهارده نفر بیان می کند (5) و در روایت دیگری از مقدار نام برده شده است. (6)

ص: 219

- 1- عن كعب: «يقول عيسى للقائم: فاتّما بعثت وزيرا ولم أبعث أميراً». ابن طاووس، ملاحم، ص 83؛ ابن حمّاد، فتن، ص 160.
- 2- عن رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «(و هو - أي عيسى - الوزير الأمين للقائم، و حاجبه، و نائبه)». غایه المرام، ص 697؛ حلیه الابرار، ج 2، ص 620.
- 3- عن رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «ينزل عيسى... و يقبض أموال القائم و يمشي خلفه أهل الكهف». حلیه الابرار، ج 2، ص 620؛ غایه المرام، ص 697.
- 4- عن الصادق علیه السلام: «إذا قام قائم آل محمّد استخرج من ظهر الكعبه سبعة عشر رجلا: خمسة من قوم موسى الذين يقضون بالحق، و به يعدلون، و سبعة من أصحاب الكهف، و يوشع وصی موسی، و مؤمن آل فرعون، و سلمان الفارسی، و أبودجانہ الأنصاری و مالک الأشتر». عیاشی، تفسیر، ج 2، ص 32؛ دلائل الامامه، ص 274؛ مجمع البیان، ج 2، ص 489؛ ارشاد، ص 365؛ كشف الغمّة، ج 3، ص 256؛ روضه الواعظین، ج 2، ص 266؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 550؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 346.
- 5- اثبات الهداه، ج 3، ص 573.
- 6- مقدار از یاران پیامبر صلی الله علیه و اله و علی علیه السلام است. در بزرگی شأن او همین بس که طبق یکی از روایات، خداوند به سبب هفت نفر که یکی از آنان مقدار است - به شما رزق و روزی می دهد و به شما یاری می رساند و باران می فرستد. او در موضوع خلافت و امامت امیر المؤمنین علیه السلام پافشاری داشت و کوشش فراوان کرد. پیامبر صلی الله علیه و اله درباره او فرمود: «خداوند مرا فرمان داد تا چهار تن را دوست بدارم: علی علیه السلام، مقداد، ابوذر و سلمان». در روایت دیگر آمده است: «بهشت مشتاق مقدار است». (معجم رجال الحدیث، ج 8، ص 314). او دوبار هجرت کرد و در جنگ های گوناگونی شرکت جست و در جنگ بدر به پیامبر صلی الله

علیه و اله عرض کرد: ما سخن بنی اسرائیل به حضرت موسی را به تو نمی‌گوییم؛ بلکه می‌گوییم در کنار تو و در رکابت با دشمن می‌جنگیم. مقداد در روزگار حکومت امیر علیه السلام جزء شرطه الخمیس بود. سرانجام مقداد در هفتاد سالگی در سرزمینی به نام «جرف» در فاصله سی میلی از مدینه به سرای جاودانه شتافت و پیکرش را مردم بر دوش گرفته و تا بقیع تشیع کردند و در آن جا به خاک سپردند. (تنقیح المقال، ج 2، ص 245؛ اسد الغابه، ج 4، ص 409).

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «...سپاهیان در پیشاپیش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه قرار می گیرند و قبیله همدان (1) وزیران او خواهند بود». (2) 7.

ص: 220

1- همدان قبیله ای بزرگ در یمن است. آنان پس از جنگ تبوک، نمایندگانی را به حضور پیامبر فرستادند و حضرت در سال نهم امیر مؤمنان علیه السلام را به یمن فرستاد تا آنان را به اسلام دعوت کند. پس از قرائت پیام پیامبر صلی الله علیه و اله همه آنان اسلام آوردند. علی علیه السلام در نامه ای خبر اسلام آوردن طایفه همدان را به پیامبر نوشت و در آن نامه سه بار بر همدان درود فرستاد و پیامبر صلی الله علیه و اله پس از خواندن نامه به شکرانه این خبر، سجده شکر به جای آورد. (کامل ابن اثیر، ج 1، ص 26، 29، 30). علی علیه السلام در مدح آنان چنین سروده است: «همدانیان صاحبان دین و اخلاق نیکند، دینشان، شجاعت آنان و قهرشان بر دشمنان به هنگام رویارویی، آنان را زینت بخشیده است. اگر من دربان بهشت می بودم، به همدانیان می گفتم: به سلامت به آن وارد شوید». (عقد الفرید، ج 4، ص 339؛ وقعه صفین، ص 274). آن حضرت در پاسخ به تهدیدات معاویه، توانایی و نیرومندی قبیله همدان را به رخ او کشید و فرمود: «هنگامی که مرگ را مرگی سرخ یافتم، پس طایفه همدان را بسیج کردم و آنان نیز قبیله حمیر را». (وقعه صفین، ص 43). هنگامی که علی علیه السلام مردم را برای جنگ با معاویه بسیج می کرد، فردی به حضرت اعتراض کرد. و چون ممکن بود در گردآوری سپاه اختلال پدید آید شاهدان واقعه با مشت و لگد به زندگانی او پایان دادند و حضرت دیه او را پرداخت. (همان، ص 94، 95). طایفه همدان یکی از سه طایفه ای بود که بالاترین تعداد رزمندگان لشکر حضرت علی علیه السلام را تشکیل می دادند. (همان، ص 290). در یکی از پیکارهای صفین آنان در جناح راست، پایداری بی ماندی از خود نشان دادند؛ به ویژه هشت صد تن از جوانان همدان که تا پای جان پایداری کردند و صد و هشتاد نفر از آنان شهید و زخمی شدند و یازده فرمانده از آنان به شهادت رسید. پرچم از دست هریک از آنان که به زمین می افتاد، دیگری آن را به دست می گرفت و در پیکار با رقیب خود «ازد» و «بجیله» سه هزار از آنان را کشتند. هنگامی که در یکی از شب های جنگ صفین، معاویه با چهار هزار نفر قصد شبیخون زدن به لشکر علی علیه السلام داشت، طایفه همدان از آن آگاهی یافت و تا صبح به صورت آماده باش به نگهبانی پرداخت. (همان، ص 329، 330، 330). روزی معاویه با لشکریانش وارد جنگ با این طایفه شد؛ ولی او نیز با شکستی چشمگیر میدان نبرد را ترک کرد و گریخت. معاویه، طایفه «عک» را به پیکار با آنان فرستاد و همدانیان چنان بر آنان هجوم آوردند که معاویه چاره ای جز دستور عقب نشینی نداشت. علی علیه السلام از آنان خواست تا سپاهیان سرزمین حمص را سرکوب کنند. همدانیان بر آنان یورش بردند و پس از نبردی دلاورانه آنان را شکست داده تا نزدیکی جایگاه و چادر معاویه به عقب راندند. طایفه همدان همیشه فرمانبردار آن حضرت بودند و هنگامی که با برافراشتن قرآن ها بر نیزه در میان لشکریان علی علیه السلام اختلاف نظر پدید آمد، فرمانده این قبیله به حضرت گفت: ما هیچ اعتراضی نداریم و هر دستوری بدهی، اجرا می کنیم. (همان، ص 434، 436، 437، 520).

2- عن علی علیه السلام: «و تقبل الجیوش أمامه، و یكون همدان وزراء». عقد الدرر، ص 97.

باز هم در این باره چنین آمده است: «مردان الهی با مهدی عجل الله تعالی فرجه همراه هستند؛ مردانی که به دعوت او پاسخ گفته اند و او را یاری می کنند. آنان وزیران و دولتمردان اویند که بار سنگین مسؤولیت های حکومت را بر دوش دارند». (1)

ابن عباس می گوید: اصحاب کهف، یاران مهدی هستند. (2)

حلبی می گوید: اصحاب کهف همگی از نژاد غیر عربند و جز به عربی سخن نمی گویند. آنان وزیران مهدی هستند. (3)

از روایات و سخنان بالا- نتیجه می گیریم که بار سنگین حکومت و اداره سرزمین های پهناور اسلامی را نمی توان به دوش هرکس نهاد؛ بلکه افرادی باید این مسؤولیت را بپذیرند که بارها آزمایش شده، شایستگی خود را در آزمایش های گوناگون به اثبات رسانده باشند. از این رو، می بینیم که در رأس وزیران حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه، حضرت عیسی علیه السلام قرار دارد که یکی از پیامبران اولوا العزم است. هم چنین از جمله مسؤولان برجسته حکومتی او سلمان فارسی، مقداد، ابو دجانة و مالک اشتر می باشند که شایستگی سرپرستی کارها را در روزگار پیامبر صلی الله علیه و اله و امیر مؤمنان علیه السلام داشته اند و قبیلۀ همدان که برگ های درخشانی را در تاریخ اسلام و در روزگار حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام به 5.

ص: 221

1- ابن العربی «له رجال إلهيون، یقیمون دعوتہ، و ینصرونہ، هم الوزراء، یحملون أقال المملکة، و یعینونہ علی ما قلّده الله تعالی». نور الابصار، ص 187؛ وافی، ج 2، ص 471، چاپ جدید به نقل از: «فتوحات مکیہ».

2- عن ابن عباس: قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «أصحاب الكهف أعوان المهدی». الدر المنثور، ج 4، ص 215؛ متقی هندی، برهان، ص 150؛ العطر الوردی، ص 70.

3- یقول الحلبي: «إنّ أهل الكهف کلّهم أعجام، و لا- یتکلمون، إلاّ بالعربیة و إنّهم یكونون وزراء المهدی». السیره الحلبيہ، ج 1، ص 22؛ منتخب الاثر، ص 485.

د) مدت حکومت

درباره مدت حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه، روایات گوناگونی از طریق شیعه و اهل سنت وجود دارد. برخی از روایات، روزگار حکومت امام علیه السلام را به هفت سال محدود می کنند.

برخی احادیث دیگر هشت، نه، ده و بیست سال را یادآور می گردند و برخی اخبار، حتی تا هزار سال را نیز یادآور گشته اند. آن چه مسلم است این که حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه کم تر از هفت سال نیست و در برخی احادیث که از ائمه علیهم السلام رسیده است، بر آن تأکید فراوانی شده است.

شاید بتوان گفت: مدت حکومت هفت سال است؛ ولی سالیان آن با سال های روزگار ما متفاوت است؛ چنان که در بعضی از روایات آمده است:

«حکومت حضرت، هفت سال است و هر سالی به مقدار ده سال از سال های شما می باشد. پس سالیان حکومت آن حضرت به اندازه هفتاد سال شما خواهد بود». (1)

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی هفت سال حکومت می کند که هر سال آن روزگار، ده سال شما خواهد بود». (2)

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه از ماست... و هفت سال سرپرستی کارها را به دست می گیرد». (3)

ص: 222

1- عن عبد الكريم الخثعمي، قال، قلت لأبي عبد الله عليه السلام: كم يملك القائم؟ قال «سبع سنين تطول له الأيام والليالي حتى تكون السنه من سنیه بمقدار عشر سنين من سنیکم، فتكون سنیه مقدار سبعین سنه من سنیکم هذه». مفید، ارشاد، ص 363؛ طوسی، غیبیه، ص 283؛ روضه الواعظین، ج 2، ص 264؛ صراط المستقیم، ج 2، ص 251؛ الفصول المهمه، ص 302؛ الايقاظ، ص 249؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 291؛ نور الثقلین، ج 4، ص 101.

2- علی علیه السلام: «فیمکث علی ذلك سبع سنين مقدار كل سنه عشر سنين من سنیکم هذه»؛ عقد الدرر، ص 224، 238؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 624.

3- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «المهدی متا... یملك سبع سنين» الفصول المهمه، ص 302؛ ابن بطریق، عمده، ص 435؛ دلائل الامامه، ص 258؛ حنفی، برهان، ص 99؛ مجمع الزوائد، ج 7، ص 314؛ فرائد السمطین، ج 2، ص 330؛ عقد الدرر، ص 20، 236؛ شافعی، بیان، ص 50؛ حاکم، مستدرک، ج 4، ص 557؛ کنز العمّال، ج 14، ص 264؛ کشف الغمّه، ج 3، ص 262؛ ینابیع المودّه، ص 431؛ غایه المرام، ص 698؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 82.

نیز می فرماید: «آن حضرت هفت سال بر این امت حکومت می کند». (1)

هم چنین آن حضرت می فرماید: «مدت عمر - حکومت - مهدی عجل الله تعالی فرجه هفت سال، اگر کوتاه باشد وگرنه هشت یا نه سال خواهد بود». (2) نیز آمده است: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نه سال در این جهان حکومت می کند». (3)

جابر بن عبد الله از امام باقر علیه السلام پرسید: «امام زمان عجل الله تعالی فرجه چند سال زندگی خواهد کرد؟ حضرت فرمود: «از روز قیام تا هنگام وفات، نوزده سال طول می کشد». (4)

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بیست سال حکومت می کند و گنج ها را از زمین بیرون آورده، سرزمین های شرک را می گشاید». (5)

نیز می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه از فرزندان من است و بیست سال حکومت می کند». (6)

هم چنین آمده است: آن حضرت عجل الله تعالی فرجه ده سال حکومت می کند. (7)

حضرت علی علیه السلام در پاسخ این پرسش که مهدی عجل الله تعالی فرجه چند سال فرمانروایی خواهد کرد؟ فرمود: «سی یا چهل سال فرمانروای مردم خواهد بود». (8)

امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از فرزندان من است و عمری برابر عمر 1.

ص: 223

-
- 1- و عنه: «يعمل سبع سنين على هذه الأمة» عقد الدرر، ص 20؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 82.
 - 2- و عنه صلی الله علیه و اله و سلم: «يكون المهدي عمره إن قصر فسبع، وإلا فثمان و إلا فتسع» ابن طاووس، ملاحم، ص 140؛ كشف الأستار، ج 4، ص 112؛ مجمع الزوائد، ج 7، ص 314.
 - 3- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «يملك المهدي تسع سنين». ابن طاووس، طرائف، ص 177.
 - 4- عن جابر، قلت لأبي جعفر عليه السلام... و كم يقوم القائم في عالمه حتى يموت؟ قال: «تسع عشرة سنة من يوم قيامه إلى يوم موته». عياشي، تفسير، ج 2، ص 326؛ نعماني، غيبه، ص 331؛ اختصاص، ص 257؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 298.
 - 5- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «... يملك عشرين سنة يستخرج الكنوز ويفتح مدائن الشرك». فردوس الاخبار، ج 4، ص 221؛ العلل المتناهيه، ج 2، ص 858؛ دلائل الامامه، ص 233؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 593؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 91؛ ر.ك: طبرانی، معجم، ج 8، ص 120؛ اسد الغابه، ج 4، ص 353؛ فرائد السمطين، ج 2، ص 314؛ مجمع الزوائد، ج 7، ص 318؛ لسان الميزان، ج 4، ص 383.
 - 6- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «المهدي من ولدي...» يملك عشرين سنة». كشف الغمّه، ج 3، ص 271؛ ابن بطريق، عمدته، ص 439؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 1، ابن طاووس، ملاحم، ص 142؛ فردوس الاخبار، ج 4، ص 6؛ دلائل الامامه، ص 233؛ عقد الدرر، ص 239؛ ينابيع الموده، ص 432.
 - 7- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «يملك عشر سنين» نور الابصار، ص 170؛ الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 225؛ ر.ك: فضل

الكوفه، ص 25؛ اعيان الشيعة، ج 2، ص 51؛ ينابيع المودّة، ص 492.

8- .عن على عليه السّلام: «يلى المهدي أمر الناس ثلاثين أو أربعين سنه». ابن حمّاد، فتن، ص 104؛ كنز العمّال، ج 14، ص 591.

ابراهیم خلیل الرحمن خواهد داشت و در هشتاد سالگی ظهور می کند و چهل سال فرمانروایی می نماید». (1)

نیز آن حضرت فرمود: «مدّت فرمانروایی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه نوزده سال و چند ماه است». (2)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه سی صد و نه سال حکومت می کند؛ چنان که اصحاب کهف نیز در غار همین اندازه ماندند». (3)

مرحوم مجلسی رحمه الله می فرماید: روایاتی را که درباره مدّت حکومت امام علیه السلام آمده است باید به احتمالات زیر توجه کرد: برخی روایات بر تمام مدّت حکومت دلالت دارد و برخی بر مدّت ثبات و استقرار حکومت. بعضی بر طبق سال ها و روزهایی است که ما با آن آشناییم و بعضی احادیث دیگر بر طبق سال ها و ماه های روزگار حضرت است که طولانی می باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است. (4)

مرحوم آیه الله طبسی - پدر بزرگوارم - پس از گفتن این روایات، روایت هفت سال را ترجیح می دهد؛ ولی می فرماید: بدین معنا که هر سالی به قدرت خدا، به اندازه ده سال از سالیان ما خواهد بود. (5)

ص: 224

1- عن أبي عبد الله عليه السلام: «القائم من ولدِي، يعمر عمر خليل الرحمن، يقوم في الناس و هو ابن ثمانين سنة، ويملك فيها أربعين سنة». اثبات الهداه، ج 3، ص 574.

2- عن أبي عبد الله عليه السلام: «ملك القائم تسع عشرة سنة وأشهر». نعماني، غيبة، ص 331؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 298 و ج 53، ص 3.

3- عن أبي الجارود، قال أبو جعفر صلّى الله عليه و اله و سلّم: «إنّ القائم يملك ثلاثمائة و تسع سنين، كما لبث أهل الكهف في كهفهم» طوسی، غيبة، ص 283؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 390؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 584.

4- قال المجلسی: الأخبار المختلفه الواردة في أيام ملكه عليه السلام بعضها محمول على جميع مدّه ملكه و بعضها على زمان استقرار دولته، و بعضها على حساب ما عندنا من السنين و الشهور، و بعضها على سنیه و شهوره الطويله، و الله يعلم. بحار الأنوار، ج 52، ص 280.

5- قال المرحوم آیه الله الوالد: و هذه الأقوال بظواهرها متناقضه لا يعتمد على شىء منها. نعم، روايه السبع تكررت في أخبارهم و أخبارنا، و ربّما ترجّح هذا القول على بقيه الروایات؛ لكونها مطابقه لأخبارنا الدالّه بأنّ المراد منها (سبعين) سنة، و أنّه بقدره الله تعالى يعيش بعد ظهوره بهذا العدد، فكان كلّ سنة مقدار عشر سنين من سنينا، و يبيّن ذلك أخبارنا المرويّه على ما ذكره أئمّه الحديث و حفظ علم الدرايه و الروايه. الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 225.

حکومتی که در رأس آن رهبری مانند مهدی عجل الله تعالی فرجه است که درهای دانش بر روی او گشوده است، آن هم نه تنها به اندازه که بر پیامبران و اولیا گشوده بوده است، بلکه بیش از سیزده برابر آن چه آنان از دانش بهره داشته اند، طبعاً از نظر علمی پیشرفتی شگفت انگیز خواهد داشت و دگرگونی چشمگیری در جهان دانش و فرهنگ و صنعت پدید خواهد آورد.

به سخن دیگر، درک دانش و علمی که امام عصر علیه السلام بر روی مردم می گشاید، قابل سنجش با پیشرفتی که بشر از نظر علمی داشته است، نیست و مردم نیز استقبال بیش تری به فراگیری دانش نشان خواهند داد تا جایی که حتی زنان جوان که هنوز سستی از آنان نگذشته است، آن چنان به کتاب خدا و مبانی مذهب آشنا می شوند که به آسانی، حکم خدا را از قرآن کریم استخراج می کنند.

در بعد صنعت و تکنیک نیز پیشرفت شگفت انگیزی انجام خواهد گرفت. هرچند روایات، جزئیات این پیشرفت را بازگو نکرده است، ولی مجموع، روایاتی که در این باره آمده است، نمایانگر دگرگونی شگرفی در این زمینه است. مانند روایاتی که می گوید:

شخصی در مشرق برادرش را در مغرب می بیند، حضرت را به هنگام سخنرانی، همه جهانیان می بینند، یاران حضرت از فاصله دور باهم سخن می گویند و سخن یک دیگر را می شنوند، چوب تعلیمی و بند کفش با انسان سخن می گویند، اشبای درون خانه به انسان گزارش می دهند، برای مسافرت بر روی ابر سوار شده، از این سو به آن سو پرواز می کنند

و نمونه های زیادی از این گونه که هر چند برخی از آنها شاید اشاره به اعجاز داشته باشد، ولی با توجه به همه روایات، آن دگرگونی را می توان دریافت.

روایات، جهان را در روزگار امام عصر علیه السلام جهانی متمدن و در اوج قدرت و پیشرفت علمی معرفی می کند و به طور کلی صنعت در آن روزگار با صنعت کنونی فرسنگ ها فاصله خواهد داشت؛ چنان که صنعت کنونی با قرن های پیشین، تفاوت چشمگیری دارد.

فرق بنیادین پیشرفت در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با جهان کنونی در این است که در روزگار ما پیشرفت علم و صنعت در جهت سقوط فرهنگ و اخلاق جامعه بشری است و هرچه انسان ها از نظر دانش پیشرفت می کنند، از انسانیت بیش تر فاصله می گیرند و به فساد و تباهی و کشتار رومی آورند؛ ولی در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه این شرایط درست بر عکس شرایط کنونی است و بشر در عین این که به بالاترین رشد علمی و صنعتی می رسد، به همان اندازه به تعالی اخلاق و کمال انسانی نزدیک می گردد.

در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه با اجرای برنامه های آسمانی، آن چنان انسان ها از نظر شخصیت پرورش می یابند که گویی آنان غیر از انسان هایی هستند که در گذشته زندگی می کرده اند. آنان که تا دیروز برای درهم و دیناری، خون نزدیک ترین افراد خود را می ریختند، در حکومت آن حضرت پول و ثروت آن چنان در نظرشان بی ارزش و خوار می گردد که درخواست کردن آن را نشانه ای از پستی و دنائت طبع می دانند.

اگر تا دیروز حسد و کینه و دشمنی بر آنان چیره بود، در حکومت آن حضرت، دل ها به هم نزدیک می شود تا جایی که گویی یک جان می گردند که در چند کالبد قرار گرفته است. انسان هایی که بی اراده و سست و ضعیف بودند، دل های شان قوی و محکم تر از آهن سخت می شود.

آری، حکومت آن حضرت باعث رشد و تکامل خردها و اخلاق است و آن روزگار، روز تکامل یافتن استعدادهاست. آن چه تا دیروز رخ می داد، در اثر کوتاه فکری بشر بود و در نظام الهی مهدی عجل الله تعالی فرجه بشریت به نهایت بلوغ خود می رسد و اخلاق، اندیشه، آرزو و... رنگ کمال و رشد به خود می گیرد و این وعده، همان وعده بزرگی است که در

حکومت عدل مهدی عجل الله تعالی فرجه تحقق می یابد. ارمانی که هیچ حکومتی در هیچ روزگاری نتوانسته است که آن را به جامعه بشری هدیه کند.

الف) شکوفایی دانش و صنعت

امام صادق علیه السلام می فرماید: «علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه آن چه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف [با حرف های دیگر] آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ماقیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده، آن را بین مردم نشر و گسترش می دهد. و آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می سازد». (1)

به نقل راوندی در خرائج «جزء ۱» بدل از صرفا می باشد.

از این روایت استفاده می شود که بشر هرچه از نظر علم و دانش پیشرفت کند، در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به یک باره بیش از سیزده برابر رشد و گسترش می یابد و با اندکی دقت درمی یابیم که در روزگار آن حضرت، دانش چه پیشرفت شگفت انگیز و خیره کننده ای خواهد داشت.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «گاهی به کتاب خداوند عز و جل و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله، در قلب مهدی ما می روید؛ چنان که گیاهی در بهترین کیفیت خود رشد می کند. هرکس از شما که تا روزگار ظهور حضرتش باقی بود و او را ملاقات کرد، به هنگام دیدار با ایشان بگوید: سلام بر شما ای خاندان رحمت و نبوت و گنجینه دانش، و جایگاه رسالت!» (2)

نیز آن حضرت می فرماید: «این امر (حکومت جهانی اسلام) در شأن کسی است که

ص: 227

1- عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «العلم سبعة وعشرون حرفاً» فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس، وضم إليها الحرفين حتى يثبتها سبعة وعشرون حرفاً» الجرائح و الخرائج، ج 2، ص 841؛ مختصر بصائر الدرجات، ص 117؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 326.

2- عن أبي جعفر عليه السلام «إنّ العلم بكتاب الله عزّ و جلّ و سنه نبیّه علیه السلام ینبت فی قلب مهدیّنا، كما ینبت الزرع عن أحسن نباته، فمن بقى منكم حتى یلقاه فلیقل حين یراه: السلام علیکم یا أهل بیت الرحمة و النبوه، و معدن العلم و موضع الرساله». کمال الدین، ج 2، ص 653؛ العدد القویه، ص 65؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 491؛ حلیه الابرار، ج 3، ص 639؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 36 و ج 52، ص 317.

سنّ او (به هنگام امامت) از همه ما کم تر و یاد او از همه ما دل نشین تر است. خداوند علم و دانش را به او می دهد و هرگز او را به خودش وانمی گذارد». (1)

آن حضرت در سخن دیگری می فرماید: «امامی که قرآن، دانش و سلاح نزد اوست، از ماست». (2)

در این روایت راز پیشرفت و کمال بشریت گفته شده است؛ زیرا پیشوایی می تواند جامعه را به سوی خوشبختی و کمال رهبری کند که دارای سه چیز باشد: قانونی الهی که بشر را به سوی کمال هدایت کند؛ دانشی که در جهت رفاه زندگی بشر به کار گرفته شود و قدرت و اسلحه ای که مفسدان و موانع تکامل بشریت را از سر راه بردارد و حضرت ولی عصر علیه السلام به این چند چیز مجهز است. بنابراین، بر جهان حکومت می کند و انسان ها را علاوه بر این که به رشد علمی و تکنیکی می رساند، به تکامل اخلاقی و انسانی نیز می رساند.

در این جا به برخی از روایات که نشان دهنده رشد و پیشرفت صنعت و دانش در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است، اشاره می کنیم:

امام صادق علیه السلام پیرامون چگونگی ارتباط در روزگار امام عصر علیه السلام می فرماید: «در روزگار حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه مؤمن در شرق زمین، برادرش را که در غرب زمین است می بیند.

هم چنین مؤمنی که در غرب است، برادرش را که در مشرق است مشاهده می کند». (3)

این روایت با توجه به اختراع تلفن های تصویری، بیش تر قابل درک است؛ روشن نیست که آیا همین روش ارتباطی به گونه ای گسترش می یابد که در همه جهان، مردم بتوانند از آن استفاده کنند یا این که سیستم پیشرفته تری جای آن را می گیرد و یا این که مطلب دیگری فوق همه اینهاست.

نیز آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید: «هنگامی که قائم مایم کند، خداوند، 1.

ص: 228

1- و عنه أيضا: «يكون هذا الأمر في أصغرنا سنًا وأجملنا ذكرًا، يورثه الله علما، ولا يكله إلى نفسه». عقد الدرر، ص 42.

2- و عنه أيضا: «منا الإمام الذي يكون عنده الكتاب والعلم والسلاح» مثالب النواصب، ج 1، ص 222.

3- عن ابن مسكان، قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «إن المؤمن في زمان القائم - وهو بالمشرق - ليري أخاه الذي في المغرب و كذا الذي في المغرب يرى أخاه الذي في المشرق». بحار الأنوار، ج 52، ص 391؛ حق اليقين، ج 1، ص 229؛ بشاره الاسلام، ص 341.

قدرت شنوایی و بینایی شیعیان ما را افزایش می دهد؛ به گونه ای که از فاصله یک برید (چهار فرسنگ) حضرت با شیعیانش سخن می گوید و آنان سخنش را می شنوند و حضرت را می بینند؛ در حالی که حضرت در جایگاه خودش مستقر است». (1)

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام پرسید: در چه بقعه و مکانی حضرت مهدی ظاهر می شود؟

حضرت پاسخ داد: «هیچ بیننده ای نیست که به هنگام ظهور، حضرت را ببیند و دیگران او را نبینند (یعنی به هنگام ظهور همه او را می بینند) و اگر کسی جز این مطلب را ادعا کند، تکذیبش کنید». (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «گویا حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه را می بینیم، در حالی که زره پیامبر صلی الله علیه و اله را بر تن دارد... و اهل سرزمینی نماند، مگر این که حضرت را ببینند؛ به گونه ای که گویی حضرتش با آنان در کشورشان است». (3)

از این روایت دانسته می شود که در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مردم با وسیله ای جز آنچه اکنون وجود دارد، حضرت را می بینند؛ زیرا در روایت آمده است: «مردم به گونه ای او را می بینند که گویی حضرت در میان آنان و در کشورشان به سر می برد» و در این باره دو احتمال وجود دارد: 1. سیستم پخش تصویر سه بعدی در آن روزگار در سراسر جهان گسترش می یابد. 2. سیستم پیشرفته تری جایگزین آن می گردد که به وسیله آن، 0.

ص: 229

1- عن أبي الربيع الشامي، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «إن قائمنا إذا قام مدد الله لشيعتنا في أسمعهم وأبصارهم حتى [لا] يكون بينهم وبين القائم برید يكلمهم، فيسمعون و ينظرون إليه، و هو في مكانه». کافی، ج 8، ص 240؛ الجرائح و الخرائج، ج 2، ص 840؛ مختصر البصائر، ص 117؛ صراط المستقیم، ج 2، ص 262؛ منتخب الأنوار المضيئه، ص 200؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 336. قال المجلسی: ای یکلمهم فی المسافات البعیده بلا رسول و برید، مراه العقول، ج 26، ص 201.

2- قال المفضل: یا سیدی-الصادق علیه السلام-فقی أی بقعه يظهر المهدي؛ قال علیه السلام: «لا تراه عين في وقت ظهوره إلا رآته كل عين، فمن قال لكم غير هذا فكذبوه». بحار الأنوار، ج 53، ص 6.

3- عن أبي عبد الله عليه السلام: «قال: كأتى بالقائم وقد لبس درع رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم لا يبقى أهل بلاد إلا و هم يرون أنه معهم في بلادهم». كامل الزيارات، ص 119؛ نعمانی، غیبه، ص 309؛ کمال الدین، ج 2، ص 671؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 325؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 493؛ نور الثقلین، ج 1، ص 387؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 245؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 370.

حضرت را می بینند یا آن که حدیث اشاره به اعجاز امام دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و اله درباره چگونگی حمل و نقل در آن روزگار می فرماید: «پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای شان طی و پیموده می شود و درهای جهان به روی شان باز می گردد... زمین در کم تر از یک چشم به هم زدن پیموده می گردد؛ به گونه ای که اگر کسی از آنان بخواد شرق تا غرب زمین را در ساعتی بپیمایند، این کار را انجام می دهند». (1)

درباره پیشرفت وسایل اطلاعاتی به هنگام ظهور حضرت و در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه روایاتی آمده است که به ذکر دو روایت بسنده می کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، قیامت برپا نمی شود تا این که کفش یا تازیانه یا عصای شخصی به او خبر دهد که خانواده او پس از خارج شدنش از خانه، چه کاری انجام داده است». (2)

امام باقر علیه السلام درباره اطلاعات در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می فرماید: «آن حضرت بدین سبب مهدی نام گرفت که به امور مخفی هدایت می شود تا جایی که افرادی را گسیل می دارد تا شخصی را - که مردم او را مجرم و گناهکار نمی دانند - به قتل برسانند.

میزان آگاهی حضرت از مردم به اندازه ای است که اگر کسی در خانه خودش سخنی بگوید: بیم آن دارد که مبادا، دیوارهای خانه اش گزارش و شهادت دهند». (3)

این روایت ممکن است به پیشرفت خیره کننده سیستم اطلاعاتی در روزگار حضرت اشاره داشته باشد که البته حکومتی که بر سراسر جهان سیطره دارد، نیاز به تشکیلات و سیستم پیچیده اطلاعاتی نیز دارد. هم چنین ممکن است مراد همان ظاهر عبارت باشد که 5.

ص: 230

1- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «سيكون بعدكم أقوام تطوى لهم الأرض... و تفتح لهم الدنيا... تطوى لهم الأرض في أسرع الطرف، حتى لو شاء أحدهم أن يأتي شرقها أو غربها في ساعه، فعل». فردوس الاخبار، ج 2، ص 449؛ احقاق الحق، ج 13، ص 351.

2- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «و الذي نفسى بيده، لا تقوم الساعه حتى يخرج أحدكم من أهله، فيخبره نعله أو سوطه، أو عصاه بما أحدث أهله بعده». احمد، مسند، ج 3، ص 89؛ فردوس الاخبار، ج 5، ص 98؛ جامع الاصول، ج 11، ص 81.

3- عن أبي جعفر عليه السلام: «إتما سمى المهدي؛ لأنه يهدي إلى أمر خفي، حتى أنه يبعث إلى رجل لا يعلم الناس له ذنبا، فيقتله حتى أن أحدهم يتكلم في بيته فيخاف أن يشهد عليه الجدار». نعماني، غيبه، ص 319؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 365.

اشاره

در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه مردم به گونه بی سابقه ای به اسلام روی می آورند و روزگار خفقان و سرکوب دین داران و ممنوعیت مظاهر اسلامی به سر آمده، در همه جا آوای اسلام طنین انداز است و آثار مذهب تجلی می کند. به تعبیر برخی از روایات، اسلام در هر خانه، کوخ و چادری رخنه می کند؛ چنان که سرما و گرما در آن نفوذ می نماید. چون نفوذ گرما و سرما اختیاری نیست و هر چند از نفوذ آن جلوگیری کنند، باز هم نفوذ کرده و آنان را تحت تأثیر قرار می دهد. اسلام نیز در این روزگار به همه جا، شهر و روستا و دشت و بیابان و با وجود مخالفت قبلی برخی از آنان، رخنه کرده، آنان را تحت تأثیر قرار می دهد و دگرگون می سازد.

در چنین شرایطی طبعاً استقبال و پذیرش مردم به مظاهر و شعارهای دینی، بی سابقه خواهد بود. استقبال مردم از آموزش قرآن، نماز جماعت و نماز جمعه چشمگیر خواهد شد و مساجد کنونی و حتی مساجدی که در آینده ساخته می شود، برطرف کننده نیاز آنان نخواهد بود. آن چه در روایت است مبنی بر این که در یک مسجد دوازده بار نماز جماعت خوانده می شود، خود دلیل روشنی بر اندازه پذیرش مردم نسبت به مظاهر دینی است. این مطلب با توجه به این که به هنگام ظهور امام، جمعیت جهان در اثر کشتار کاهش می یابد، قابل توجه است.

در آن شرایط نقش اداره یا وزارتخانه ای که مسؤولیت امور فرهنگی و دینی را دارد، بسیار بزرگ است و به تناسب جمعیت، مساجدی ساخته می شود و حتی در جایی لازم می شود مسجدهای بسازند که پانصد در داشته باشد و یا در روایت هست که کوچک ترین مساجد کوفه در آن روزگار، همان مسجد کوفه کنونی است که این مسجد اکنون یکی از بزرگ ترین مساجد جهان است.

در این جا به گسترش آموزش قرآن و معارف، مساجد و رشد معنویت و اخلاق کریمانه از دیدگاه روایات در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می پردازیم:

1. آموزش قرآن و معارف اسلامی

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «گویا شیعیانم را می بینم که در مسجد کوفه گرد آمده اند و با برپایی چادرهایی، مردم را به همان ترتیبی که قرآن فرود آمده بود، آموزش می دهند». (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «گویا می بینم که شیعیان علی علیه السلام قرآن ها را در دست دارند و مردم را آموزش می دهند». (2)

اصبغ بن نباته می گوید: از علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: «گویا عجم (نژاد غیر عرب) را می بینم که چادرهای شان در مسجد کوفه برافراشته شده است و به مردم قرآن می آموزند؛ به همان گونه که فرود آمده است». (3)

این روایت، هویت آموزش دهندگان را روشن می کند که از عجم هستند و به گواهی لغت شناسان (4) مراد از عجم در این جا فارس ها و ایرانیان هستند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به اندازه ای به شما حکمت و فهم داده خواهد شد که یک زن در خانه اش، برطبق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و اله قضاوت می کند». (5)

2. ساختن مساجد

حبه عرنی می گوید: امیر مؤمنان به سوی سرزمین «حیره» (6) رهسپار شد و فرمود:

ص: 232

1- قال امیر المؤمنین علیه السلام: «کأنتی أنظر إلى شیعتنا بمسجد الکوفه قد ضربوا الفساطیط، یعلمون الناس القرآن کما أنزل». نعمانی، غیبیه، ص 318؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 364.

2- عن أبی عبد الله علیه السلام: «کأنتی بشیعه علیّ فی أیدیهم المثنائی، یعلمون الناس [المستأنف]». غیبیه نعمانی، ص 318، بحار الأنوار، ج 52، ص 364.

3- عن الأصبغ بن نباته، سمعت علیّاً یقول صلی الله علیه و اله و سلم «کأنتی بالعجم فساطیطهم فی مسجد الکوفه یعلمون الناس القرآن کما أنزل». الارشاد، ص 365؛ کشف الغمّه، ج 3، ص 265؛ نور الثقلین، ج 5، ص 27؛ روضه الواعظین، ج 2، ص 265.

4- مجمع البحرین، ج 6، ص 111.

5- عن أبی جعفر علیه السلام «... و توتون الحکمه فی زمانه حتی أنّ المرأه لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنّه رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم». بحار الأنوار، ج 52، ص 352.

6- حیره، شهری در یک فرسنگی کوفه بود که در زمان ساسانیان در آن جا ملوک لخمی سلطنت داشتند و دست نشاندۀ ایران بودند. خسرو پرویز در سال 602 م. این سلسله را منقرض و حاکم برای آن تعیین کرد. بعد از آن که حیره به دست مسلمانان افتاد، به علت بنای کوفه تنزل یافت و قبل از قرن دهم م. و قرن چهارم ه. به کلی از میان رفت؛ فرهنگ فارسی معین، ج 5، ص 470.

«...به طور حتم، در شهر حیره مسجدی ساخته خواهد شد که پانصد در داشته باشد و دوازده امام جماعت عادل در آن نماز جماعت برگزار کنند. گفتیم: ای امیر المؤمنین! این گونه که توصیف می کنی، آیا مسجد کوفه، گنجایش مردم را خواهد داشت؟ فرمود:

«چهار مسجد در آن جا ساخته می شود که مسجد کوفه (فعلی) از همه آنها کوچک تر خواهد بود. و این مسجد (حیره که پانصد در دارد) و دو مسجد دیگر که در دو سوی شهر کوفه قرار می گیرند، احداث خواهد گشت». آن گاه حضرت (1) به سوی رودخانه بصریین و رودخانه غربیین اشاره کرد.

نیز آن حضرت می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به حرکت خود ادامه می دهد...»

تا این که در قسطنطنیه و نزدیک آن مساجد بسیاری ساخته می شود». (2)

مفضل می گوید: حضرت صادق علیه السلام می فرمود: «هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، در بیرون از شهر کوفه (ظهر الکوفه)، مسجدی خواهد ساخت که هزار در خواهد داشت». (3)

شاید مراد از ظهر الکوفه که در روایت آمده است، شهر نجف اشرف باشد؛ چون دانشمندان از نجف به ظهر الکوفه تعبیر کرده اند. چنانچه در روایت امام باقر علیه السلام به وضوح 7.

ص: 233

1- عن حبه العرنی، قال: خرج أمير المؤمنين عليه السلام إلى الحیره، فقال: «لبنین بالحیره مسجدا له خمسمائه باب، یصلی فیہ خلیفه القائم؛ لأنّ مسجد الکوفه لیضیقنّ علیهم، ویصلینّ فیہ اثنا عشر إماما عدلا» قلت: یا امیر المؤمنین علیه السلام: ویسع مسجد الکوفه هذا الذی تصف الناس یومئذ؟ قال: «تبنی له أربع مساجد، مسجد الکوفه أصغرها، وهذا، و مسجدا فی طرفی الکوفه من هذا الجانب هذا الجانب» وأوماً بیده نحو نهر البصریین و الغریین. التهذیب، ج 3، ص 253؛ کافی، ج 4، ص 427؛ من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 525؛ وسائل الشیعه، ج 9، ص 412؛ مرآه العقول، ج 18، ص 58؛ ملاذ الاخیار، ج 5، ص 478؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 375.

2- عن علی علیه السلام: «یسیر المهدی... حتی تبنی المساجد بالقسطنطنیه و ما دونها» احقاق الحق، ج 13، ص 312.

3- عن المفصّل، قال سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول: «إذا قام قائم آل محمد صلّی الله علیه و اله و سلّم بنی فی ظهر الکوفه مسجدا، له ألف باب». الارشاد، ص 362؛ طوسی، غیبه، ص 295؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 537؛ وافی، ج 2، ص 112؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 330، 337.

آمده است: «سپس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به غری می روند و مسجدی را که هزار در دارد بنا می کند». (1)

3. رشد معنویت و اخلاق

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «مردم در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه به عبادت و دین روی می آورند و نماز را با جماعت برگزار می کنند». (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خانه های کوفه به رودخانه کربلا و حیره متصل می شود؛ به گونه ای که فرد نمازگزار روز جمعه برای شرکت در نماز جمعه سوار بر مرکبی تیزرو می شود، ولی بدان نمی رسد». (3)

شاید این کنایه از افزایش و تراکم جمعیت باشد که مانع شرکت و حضور به هنگام او در نماز جمعه می گردد و این که همه نمازگزاران در یک جا گرد می آیند و بیش از یک نماز جمعه، برگزار نمی شود، شاید بر اثر یکی شدن این سه شهر باشد؛ زیرا از نظر شرعی برگزاری بیش از یک نماز جمعه در یک شهر جایز نیست.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ماقیام کند... کینه های بندگان نسبت به یک دیگر از دل های شان زدوده می گردد». (4)

نیز پیامبر مکرم اسلام در این باره می فرماید: «...در آن روزگار کینه ها و دشمنی ها از دل ها زدوده خواهد گشت». (5)

ص: 234

1- عن أبي جعفر عليه السلام: «...فاذا كانت الجمعة الثانية قال الناس: يابن رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، الصلاة خلفك تضاهي الصلاة خلف رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، و المسجد لا يسعنا، فيقول: أنا مرتاد(أى طالب) لكم، فيخرج إلى الغرى فيخط مسجدا له ألف باب يسع الناس». الغيبة، ص 469، مؤسسه معارف اسلامي قم؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 515؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 330.

2- عن أمير المؤمنين عليه السلام: «فيبعث المهدي... و يقبل الناس على العباده و المشروع، و الديانه و الصلاة في الجماعات» عقد الدرر، ص 159.

3- عن الصادق عليه السلام: و يتصل بيوت الكوفه بنهر كربلاء و بالحيره حتى يخرج رجل يوم الجمعة على بغله سفواء يريده الجمعة فلا يدرکها». طوسی، غيبه، ص 295؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 537؛ وافی، ج 2، ص 112؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 330، 337.

4- عن أمير المؤمنين عليه السلام: «إذا قام قائمنا... لذهبت الشحنة من قلوب العباد». خصال، ج 2، ص 254، ح 1051.

5- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «و يرفع الشحنة و التباض». عبد الرزاق، مصنف، ج 11، ص 402؛ ابن حماد، فتن، ص 162؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 152.

درباره نابودی فساد اخلاقی و انحراف، پیشوای دوم شیعیان می فرماید: «خداوند در آخر الزمان مردی را برمی انگیزد که کسی از منحرفان و فاسدان نمی ماند مگر این که اصلاح گردد». (1)

یکی از ویژگی های روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه این است که حرص و طمع از میان می رود و روح بی نیازی در انسان ها پدیدار می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «زمانی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه قیام کند، خداوند، غنا و بی نیازی را در دل بندگانش می نهد؛ به گونه ای که حضرت اعلام می کند، هرکس به مال و ثروت نیاز دارد، بیاید؛ ولی برای آن، کسی پیشقدم نمی شود». (2)

نکته جالب توجه در این روایت، این است که در حدیث واژه «عباد» به کار رفته است؛ یعنی این دگرگونی روحی به گروه ویژه ای اختصاص ندارد؛ بلکه این دگرگونی درونی در همه انسان ها پدید می آید.

هم چنین آن حضرت می فرماید: «شما را به مهدی عجل الله تعالی فرجه بشارت می دهم که به سوی مردم برانگیخته می گردد؛ درحالی که زلزله ها و اختلاف بر مردم چیره است. آن گاه زمین را پر از عدل و داد می کند؛ چنان که پر از ستم و جور شده است و ساکنان زمین و آسمان از او خشنود می گردند.

خداوند، دل های امت محمد صلی الله علیه و اله را سرشار از بی نیازی می کند؛ به گونه ای که منادی ندا می دهد، هرکس به مالی نیاز دارد؛ بیاید (تا نیازش رفع شود) ولی جز یک نفر کسی نمی آید. آن گاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به او می فرماید: «نزد خزینه دار برو و بگو مهدی دستور داده است که به من مال و ثروت بدهی». خزانه دار می گوید: دودستی پول ها را جمع کن. او نیز پول ها را در دامن خود می ریزد؛ ولی هنوز از آن جا بیرون نرفته است که از رفتار خویش پشیمان می گردد و با خود می گوید: چه شد که من طمعکارترین امت 7.

ص: 235

1- عن الحسن بن علی علیه السلام: «یبعث الله رجلا- فی آخر الزمان... ولا یبقی طالح إلا صلح». من الرحمن، ج 2، ص 42؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 524؛ به نقل از: امیر المؤمنین علیه السلام.

2- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم: «إذا خرج المهدي علیه السلام ألقى الله الغنی فی قلوب العباد حتی یقول المهدي: من یرید المال؟ ولا یأتیه أحد». ابن طاووس، ملاحم، ص 71؛ احقاق الحق، ج 13، ص 186؛ الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 27.

پیامبر صلی الله علیه و اله شدم! آیا کسی که سبب غنا و بی نیازی آنان گشت، از بی نیاز کردن من ناتوان است. آن گاه باز می گردد تا اموال را بازگرداند؛ اما خزانه دار نمی پذیرد و می گوید:

ما چیزی را که بخشیدیم پس نمی گیریم!»، (1)

در روایت جمله یملاً قلوب أمّه محمد به کار رفته است که شایسته دقت است؛ زیرا غنا و بی نیازی مطرح نیست؛ بلکه استغنا و بی نیازی روح مطرح است و ممکن است انسان فقیر باشد، ولی روحی بی نیاز داشته باشد. در این روایت، جمله یملاً قلوب آمده است که می رساند قلب های آنان پر از حس بی نیازی است و افزون بر آن از نظر مالی نیز در وضعیت خوبی به سر می برند.

درباره رشد خرد، کمال اخلاقی و قوت قلب مردم در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه روایاتی رسیده است که به بازگویی چند روایت بسنده می کنیم:

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان خدا می گذارد و خردهای شان را جمع کرده (تمرکز می بخشد و رشد می دهد) اخلاقشان را کامل می کند». (2) در بحار الأنوار «أحلامهم» یعنی آرزوهای شان (3) آمده است.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه چون دستورات اسلامی را به طور کامل اجرا می کند، باعث رشد فکری مردم می شود و هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله که می فرماید: «برای به کمال رساندن اخلاق مردم مبعوث شدم» تحقق می یابد.

رسول خدا صلی الله علیه و اله به حضرت فاطمه علیها السلام می فرماید: «خداوند از نسل این دو (حسن و حسین علیهما السلام) شخصی را برمی انگیزد که دژهای گمراهی را می گشاید و دل های سیاه6.

ص: 236

1- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «أبشركم بالمهدی، یبعث فی أمتی علی اختلاف الناس» (و زلازل، فیملاً الأرض قسطاً و عدلاً، كما ملئت جوراً و ظلماً، و یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الأرض، و یملاً الله قلوب أمّه محمد غنی، فلا یحتاج أحد إلى أحد، فینادی من له فی المال حاجه؟ قال: فیقوم رجل، فیقول: أنا، فیقال له: انت السادن- یعنی الخازن، فقل له: إن المهدی یأمرک أن تعطینی مالا، فیقول له: احث حتی إذا جعله فی حجره و أبرزه، ندم فیقول: كنت أجشع أمّه محمد صلی الله علیه و اله و سلّم نفساً، أو عجز عتی ما وسعهم. قال: فیرده، فلا- یقبل منه، فیقال له: إنا لا نأخذ شیئاً أعطیناه». احمد، مسند، ج 3، ص 52، 37؛ جامع احادیث الشیعه، ج 1، ص 34؛ احقاق الحق، ج 13، ص 146.

2- عن أبی جعفر علیه السلام: «إذا قام قائمنا وضع یدیه علی رؤوس العباد، فجمع به عقولهم، و أكمل به أحلامهم». کافی، ج 1، ص 25؛ الجرائح و الخرائج، ج 2، ص 840؛ کمال الدین، ج 2، ص 675.

3- بحار الأنوار، ج 52، ص 336.

امام باقر علیه السلام می فرماید: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «مردی از فرزندانم ظهور می کند... و دستش را بر سر بندگان خدا می گذارد. آن گاه هیچ مؤمنی نمی ماند، مگر این که، دلش از پاره های بزرگ آهن و سندان محکم تر می شود و توان چهل مرد را دارد». (2)

مردم در روزگار حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه فریبندگی دنیا را باور کرده، همه گرفتاری ها و گناهان را از آن می دانند و از نظر ایمان و تقوا به حدی می رسند که دیگر دنیا مایه فریب آنان نمی شود.

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «زمین بهترین چیزهایی که در دل دارد، بیرون می ریزد؛ مانند پاره های طلا و نقره. آن گاه قاتل می آید و چنین می گوید: برای اینها دست به قتل زدم و کسی که قطع رحم کرده است؛ می گوید: این باعث قطع رحم شده بود. دزد می گوید:

برای این دستم بریده شد. پس همگی طلا را رها می کنند و چیزی از آن بر نمی دارند». (3)

زید زراد می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: بیم آن داریم که از مؤمنان نباشیم.

فرمود: «چرا؟» عرض کردم: چون در میان خود، کسی را نمی یابیم که برادر دینی خود را بر درهم و دینارش برتری دهد و می بینیم که درهم و دینار در نزد ما برتری دارد بر برادر مؤمنی که میان ما و او را دوستی و ولایت امیر مؤمنان علیه السلام پیوند زده است.

حضرت فرمود: «خیر، شما مؤمن هستید؛ ولی ایمانتان کامل نمی گردد، مگر آن که قائم ما ظهور کند. در آن هنگام، خداوند در شما بردباری و شکیبایی پدید می آورد و آن گاه 8.

ص: 237

1 - قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم لفاطمه عليها السلام: «فبيعت الله عند ذلك منهما - حسنين - من يفتح حصون الضلالة و قلوبا غلغا». عقد الدرر، ص 152؛ احقاق الحق، ج 13، ص 116؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 448، 495.

2 - عن أبي جعفر عليه السلام: «قال أمير المؤمنين عليه السلام: «يخرج رجل من ولدي... و وضع يده على رؤوس العباد، فلا يبقى مؤمن إلا صار قلبه أشد من زبر الحديد، و أعطاه الله تعالى قوه أربعين رجلا». كمال الدين، ج 2، ص 653؛ دلائل الامامه، ص 243؛ كامل الزيارات، ص 119.

3 - قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «تقى الأرض أفلاذ كبدها، أمثال الاسطوان من الذهب و الفضة، فيجىء القاتل، فيقول: في هذا قتلت، و يجىء القاطع، فيقول: في هذا قطعت رحمى و يجىء السارق فيقول: في هذا قطعت يدي، ثم يدعونه فلا يأخذون شيئا». مسلم، صحيح، ج 2، ص 701؛ ترمذی، صحيح، ج 34، ص 493؛ ابو يعلى، مسند، ج 11، ص 32؛ جامع الاصول، ج 11، ص 38.

فیض کاشانی از ابن عربی آورده: «هنگامی که قائم ما قیام کند، شخص شب را به صبح می رساند، درحالی که نادان، ترسو و بخیل است و به هنگام صبح، داناترین مردم، شجاع ترین آنان و بخشنده ترین انسان هاست و پیروزی پیشاپیش امام در حرکت خواهد بود». (2) ه.

ص: 238

1- عن زید الزّراد قال: قلت لأبی عبد الله علیه السّلام: نخشی أن لا نكون مؤمنین، قال: «و لم ذاک؟» فقلت: و ذلك أنّا لا نجد فینا من یکون أخوه عنده أثر من درهمه و دیناره و نجد الدینار و الدرهم أثر عندنا من أخ قد جمع بیننا و بینہ موالاه أمير المؤمنین علیه السّلام: فقال: «کلا: إنکم مؤمنون و لکن لا- تکملون إیمانکم حتی یرج قائمنا فعندها یجمع الله أحلا-مکم فتکونون مؤمنین کاملین». الأصول الستة عشر، ص 6؛ بحار الأنوار، ج 67، ص 350.

2- یمسی الرجل فی زمانه جاهلا، بخيلا، جبانا، فیصبح أعلم الناس، أشجع الناس، أكرم الناس، یمشی النصر بین یدیه». وافی، ج 2، ص 470، به نقل از: فتوحات مکّیه.

اشاره

در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شرایط ناامنی بر جهان چیره است، یکی از بنیادی ترین کارهای حضرت، بازگرداندن امنیت به جامعه است. در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با برنامه ریزی دقیقی که انجام می شود، در مدت کوتاهی امنیت در همه زمینها به جامعه باز می گردد و مردم در محیطی پر از امنیت به زندگی خود ادامه می دهند؛ امنیتی که بشر در هیچ روزگاری مانند آن را ندیده است.

راه ها به گونه ای امن می شود که زنان جوان از جایی به جای دیگر، بدون همراه داشتن محرمی، سفر می کنند و از هرگونه تعرض و سوء نظر در امان هستند.

مردم در امنیت کامل قضایی به سر می برند؛ به گونه ای که دیگر کسی از این که ممکن است حقتش پایمال شود، کوچک ترین بیمی ندارد. برنامه ها و قوانین به گونه ای طرح ریزی و اجرا می شود که مردم خود را در امنیت کامل مالی و جانی می بینند. دزدی از جامعه رخت برمی بندد و امنیت مالی تا جایی فراگیر می شود که اگر کسی دست در جیب دیگری ببرد، هرگز احتمال دزدی داده نمی شود و کار او توجیه می گردد.

چنان ناامنی از جامعه رخت برمی بندد و جایش را به امنیت می دهد که حیوانات و جانداران را نیز در برمی گیرد؛ به گونه ای که گوسفند و گرگ در کنار هم زندگی می کنند و کودکان با عقرب و گزندگان همبازی می شوند؛ بدون این که آسیبی ببینند.

الف) امنیت عمومی

رسول خدا صلی الله علیه و اله در این باره می فرماید: «هنگامی که عیسی بن مریم از آسمان به زمین

آید و دجال را به قتل رساند...، چوپان به گوسفندان خود می گوید: برای چرا به فلان مکان بروید و در این ساعت بازگردید! گله گوسفندی میان دو کشتزار می شوند؛ ولی هرگز به خوشه ای از آن تعدی نمی کنند و شاخه ای از آن را با پای خود نمی شکنند». (1)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «... زمین را از عدالت پر می کند تا جایی که مردم به فطرت خویش بازمی گردند. نه خونی به ناحق ریخته می شود و نه خوابیده ای را بیدار می کنند». (2)

ابن عباس درباره گسترش امنیت در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه می گوید: حتی در آن عصر، گرگ، گوسفند را نمی درد و شیر، گاو را از بین نمی برد و مار به انسان آسیبی نمی رساند و موش، انبانی را نمی جود و به آن دستبرد نمی زند. (3)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «هرگاه قائم ماقیام کند، آسمان باران های خود را می بارد و درندگان با چارپایان از در آشتی وارد می شوند و با انسان ها کاری ندارند تا جایی که زنی از عراق به شام می رود؛ بدون این که درنده ای او را نگران سازد و یا از درنده ای بترسد». (4)

نیز آن حضرت می فرماید: «لشکر مهدی عجل الله تعالی فرجه ارتش «أعور دجال» را نابود می سازد زمین را از وجود آن پاک می کند. از آن پس، مهدی فرمانروایی شرق و غرب زمین را به دست می گیرد و از جابلقا تا جابرسا را می گشاید و بر همه کشورهای چیره می شود و 6.

ص: 240

1- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «إذا نزل عيسى بن مريم و قتل الدجال يقول الرجل لغنمه و لدوابه: اذهبوا فارعوا في مكان كذا و كذا و تعالوا في ساعه كذا و كذا، و يرعى الماشيه بين الزرعين، لا تأكل منه سنبله، و لا تكسر بصلفها عودا». ابن طاووس، ملاحم، ص 97.

2- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «... يملأ الارض عدلا كما ملئت جورا. حتى يكون الناس على مثل أمرهم الأول لا يوقظ نائما و لا يهرق دما». ابن حمة، فتن، ص 99؛ متقی هندی، برهان، ص 78؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 70؛ ر.ك: عقد الدرر، ص 156؛ القول المختصر، ص 19؛ سفارینی، لوائح، ج 2، ص 12؛ طوسی، غیبه، ص 274؛ الجرائح و الخرائج، ج 3، ص 1149؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 514؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 290.

3- عن ابن عباس: «حتى يأمن الشاه و الذئب و البقره و الأسد و الإنسان و الحیة و حتی لا تقرض فأره جرابا». بحار الأنوار، ج 1، ص 61؛ بیهقی، سنن، ج 9، ص 180.

4- قال أمير المؤمنين عليه السلام: «... و لو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها... و اصطلحت السباع و البهائم. حتى تمشى المرأه بين العراق إلى الشام و لا يهيجها سبع و لا تخافه». صدوق، خصال، باب 400، ص 255؛ الامامه و التبصره، ص 131؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 494؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 316.

آن حضرت با مردم به عدالت رفتار می کند تا جایی که گوسفند در کنار گرگ به چریدن مشغول است و کودکان با عقرب بازی می کنند؛ بدون این که آسیبی به آنان برسد. بدی ها از بین می رود و نیکی ها برجای می ماند.

در روایتی آمده است: «قیامت برپا نمی شود تا این که حضرت عیسی فرود آید... و گرگ در گله ای از گوسفند، همانند سگ گله باشد و شیر در گله شتر، گویی بچه شتر یا جفت آن است». (2)

حذیفه می گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و اله شنیدم که می فرمود: «به هنگام ظهور حضرت قائم... پرندگان در لانه های خود تخم گذاری می کنند و ماهیان در دریا». (3)

شاید منظور این باشد که آنها احساس امنیت می کنند و بدون دغدغه خاطر در لانه و محل زندگی خود تخم گذاری می کنند.

ابو امامه باهلی می گوید: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و اله برای ما خطبه خواند و در پایان آن فرمود: «پیشوای مردم در آن روزگار مردی صالح است... در آن عصر به گوسفند و گاو تعدی نمی شود و کینه ها از سینه ها زدوده می گردد. افسار را از دهان حیوانات برمی دارند (و حیوانات به حقوق دیگران تجاوز نمی کنند تا چه رسد به این که انسان ها به حقوق یک دیگر تجاوز کنند). کودک دستش را در دهان درنده می گذارد، ولی حیوان آزاری به او نمی رساند. بچه حیوان در جلو شیر و درنده انداخته می شود و به او آسیبی نمی رسد و شیر در میان گله شتر، همانند سگ گله و گرگ در میان گوسفندان، مانند 4.

ص: 241

1- قال امیر المؤمنین علیه السلام: «ثم إن جيش المهدي عليه السلام يقتل جيش الأعور الدجال في مده أربعين يوما من طلوع الشمس إلى غروبها، و يطهر الأرض منهم و بعد ذلك يملك المهدي عليه السلام مشارق الأرض و مغاربها و يفتحها من جابرقا إلى جابرسا، و يفتح جميع الأمصار، و يستقيم، و يستقيم أمره، و يعدل بين الناس حتى ترعى الشاه مع الذئب في موضع واحد، و تلعب الصبيان و العقرب، و لا يضرمهم و يذهب الشر و يبقى الخير...» ينابيع الموده، ص 422؛ المحجبه، ص 425؛ احقاق الحق، ج 13، ص 341.

2- عن أبي هريره: «لا- تقوم الساعة حتى ينزل عيسى... و يكون الذئب في الغنم كأنه كلبها، و يكون الأسد في الإبل كأنه فحلها- عجلها-». عبد الرزاق، مصنف، ج 11، ص 401؛ ر.ك: احمد، مسند، ج 2، ص 437، 438؛ ابن حنّاد، فتن، ص 162.

3- عن حذيفه قال، سمعت رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم يقول صلی الله علیه و اله و سلم: «إذا كان عند خروج القائم... فعند ذلك تفرخ الطيور في أو كارها، و الحيتان في بحارها». الاختصاص، ص 208؛ روضه الواعظين، ص 310؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 304.

شاید این روایت کنایه از امنیّت کامل و پیدایش جوّ اطمینان به یک دیگر باشد.

نیز آن حضرت می فرماید: «روزگاری که عیسی بن مریم به زمین فرود آید و دجال را به قتل رساند، مارها و عقرب ها آشکارند و به کسی آزاری نمی رسانند». (2)

از این احادیث اندازه امنیّت مالی و جانی در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به خوبی روشن می گردد؛ زیرا چوپانی که گله خود را به بیابان می فرستد، از دستبرد انسان ها و تعدی درندگان به آنها آسوده خاطر است. انسانی که به سفر می رود یا در بین جانوران موزی زندگی می کند، از آزار و اذیت آنها در امان است؛ به گونه ای که گویا قانون احترام به حقوق دیگران حتی برای حیوانات درنده و حشرات نیز پذیرفته شده است و همه در برابر آن خاضع و تسلیم هستند. شاید مقداری از امنیّت بدین سبب باشد که در روزگار آن حضرت نعمت های الهی فراوان است و چون همه جانداران نیز از آن نعمت ها بهره مندند و احساس امنیّت می کنند، به کسی آسیب نمی رسانند.

امنیّت عمومی در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه چنان فراگیر می شود که حتی اگر کسی به خواب رود، اطمینان دارد که او را بیدار نمی کنند و مزاحم خواب او نمی گردند.

رسول خدا صلی الله علیه و اله در این باره می فرماید: «امت مهدی به آن حضرت پناه می برند؛ چنان که زنبورهای عسل به ملکه خود پناه می آورند. آن حضرت زمین را پر از عدل و داد می کند؛ چنان که (پیش از آن) پر از ستم و جور شده بود؛ به حدی که مردم به فطرت نخستین خود بازمی گردند. شخص خوابیده را از خوابش بیدار نمی کنند و خون کسی ریخته نمی شود». (3) 4.

ص: 242

1- عن أبي أمامه الباهلي قال: خطبنا رسول الله صَلَّى اللهُ عليه و اله و سلّم ذات يوم خطبه فكان آخر خطبته: «وإمام الناس يومئذ رجل صالح... و لا يسعى على شاه، و لا يبغى بقره و يرفع الشحاء و التباغض، و ينزع حمة كلّ دابة حتى يدخل الوليد يده في فم النخش فلا يضره، و تلقى الوليد الأسد فلا يضرها، و يكون في الإبل كأنه كلبها، و يكون الذئب في الغنم كأنه كلبها». طيالسي، مسند، ج 10، ص 335؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 152.

2- عن النبي صَلَّى اللهُ عليه و اله و سلّم: «إذا نزل عيسى بن مریم قتل الدجال... و الحيات و العقارب ظاهره لا تؤذي أحدا». ابن طاووس، ملاحم، ص 97.

3- عن النبي صَلَّى اللهُ عليه و اله و سلّم: «يأوى إلى المهدي أمته كما يأوى النحل إلى يعسوبها، يملأ الأرض عدلاً، كما ملئت جوراً حتى يكون الناس على مثل أمرهم الأوّل، لا يوقظ نائماً... و لا يهرق دماً». الحاوي للفتاوى، ج 2، ص 77؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 70 و در ص 63، با اندکی تفاوت؛ احقاق الحق، ج 13، ص 154.

درباره امنیت راه ها در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه روایات بسیاری رسیده است که به گفتن چند روایت بسنده می کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه به گونه ای است که دوزن شبانه حرکت کرده، مسافرت می کنند و از بی عدالتی و ستم هراسی ندارند». (1)

نیز آن حضرت می فرماید: «به یقین خداوند، این امر (دین خود) را به پایان می رساند؛ به گونه ای که شخص سواره در شب از صنعا به حضرموت مسافرت می کند و جز خدا، از کسی ترس ندارد». (2)

شاید گفتن نام این دو سرزمین به لحاظ داشتن بیابان های ترسناک باشد که گاهی از آن به مفازه تعبیر شده است و به دلیل تقال زدن به پیروزی و جان سالم به در بردن از آن بیابان ها می باشد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «به خدا سوگند، یاران مهدی آن اندازه می جنگند تا خدا به یگانگی پرستیده شود و به او شرک نوزند و تا آن جا که پیرزنی سالخورده و ناتوان از این سوی جهان به آن سوی رهسپار شود و کسی متعرض او نشود». (3)

شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید: چرا آرزوی ظهور حضرت قائم علیه السلام را داشته باشیم؟ آیا در دوران غیبت مقام والایی داریم؟ حضرت فرمود: «سبحان الله! آیا دوست نداری که امام، عدالت را در جهان بگستراند و امنیت را در راه ها برقرار کند

ص: 243

-
- 1- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «... حتى تسير المرأتان، لا تخشيان جورا». المعجم الكبير، ج 8، ص 179.
 - 2- قال النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «و لیتَمَنَّ الله هذا الأ-مر حتى یسیر الراكب من صنعا إلى حضرموت، لا- یخاف إلا الله». المعجم الكبير، ج 9، ص 180؛ جامع الاصول، ج 7، ص 286؛ بیهقی، السنن الكبرى، ج 9، ص 180.
 - 3- أبو جعفر علیه السلام: «یقاتلون و الله؛ حتی یوحّد الله، و لا یشرک به شیء و حتی تخرج العجوز الضعیفه من المشرق ترید المغرب و لا ینهاها أحد». عیاشی، تفسیر، ج 2، ص 62؛ نعمانی، غیبه، ص 283؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 369؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 345؛ ینابیع المودّه، ص 423؛ الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 380.

و با حکم منصفانه با ستمدیده رفتار نماید و به او یاری رساند؟» (1)

یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: روزی ابو حنیفه نزد امام صادق علیه السلام آمد. حضرت خطاب به او فرمود: «این آیه که می فرماید: سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَ أَيَّامًا آمِنِينَ؛ (2) در زمین شبانه روز سیر کنید در حالی که در امان باشید. درباره چه سرزمینی است؟»

ابو حنیفه گفت: گمان دارم بین مکه و مدینه باشد.

حضرت به یارانش رو کرد و فرمود: «آیا می دانید که مردم در بین این راه، مورد تعرض راهزنان قرار می گیرند و اموال آنان به غارت برده می شود و افراد امنیّت ندارند و کشته می گردند؟»

اصحاب پاسخ دادند: آری، چنین است و ابو حنیفه سکوت کرد.

حضرت بار دیگر از او پرسید: «این آیه که خداوند می فرماید: وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا؛ (3) هرکس در آن وارد شود، در امان خواهد بود. درباره کدام نقطه از زمین است؟»

ابو حنیفه گفت: کعبه است.

امام فرمود: «آیا می دانی که حجاج بن یوسف ثقفی کعبه را برای سرکوبی ابن زبیر به منجنیق بست و او را کشت. آیا او در جای امن بود؟»

ابو حنیفه سکوت کرد و دیگر سخن نگفت.

چون او از جلسه بیرون رفت؛ ابو بکر حضرمی به حضرت عرض کرد: فدایت شوم! پاسخ این دو پرسش چیست؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «ای ابا بکر! مراد از آیه اول، همراهی با قائم ما اهل بیت است. نیز سخن خداوند که فرمود: "هرکس در آن وارد شود در امان است" یعنی کسی که دست بیعت به او دهد و در بیعت حضرتش وارد شود و از یاران و اصحاب حضرتش گردد، 7.

ص: 244

1 - عن رجل، قلت لأبي عبد الله عليه السلام: «... ما تتمنى القائم عليه السلام إذا كان على هذا؟ فقال لي: «سبحان الله، أما تحب أن يظهر العدل و يأمن السبل و ينصف المظلوم...». مفيد، اختصاص، ص 20؛ عياشي، تفسير، ج 1، ص 64؛ نعماني، غيبة، ص 149؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 144؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 557؛ در بحار الأنوار، «ينصر المظلوم» به جای «ينصف المظلوم» آمده است؛ ر.ك: الفائق، ج 4، ص 100.

2 - سبأ (34) آیه 18.

3 - آل عمران (3) آیه 97.

علی بن عقبه از پدرش نقل می کند: روزگاری که حضرت قائم ظهور می کند، به عدالت حکم می نماید و ستم در حکومتش برچیده می شود و به سبب وجود آن حضرت راه ها و جاده ها امن می گردد. (2)

قتاده می گوید: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بهترین انسان هاست... در زمان او زمین از چنان امنیتی برخوردار می گردد که زنی به همراه پنج زن دیگر، بدون همراه داشتن مردی، به حج می روند و از چیزی ترس ندارند. (3)

عدی بن حاتم می گوید: به یقین روزی فرامی رسد که زنی ناتوان، به تنهایی از حیره (در نزدیکی نجف) به زیارت خانه خدا می رود و از کسی جز خدا نمی ترسد. (4)

ج) امنیت قضایی

یکی از اموری که پس از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه مطرح است، مجازات افرادی است که جهان را سراسر ناامن کرده، میلیون ها کشته و زخمی و معلول برجای گذاشته اند و

ص: 245

1- عن بعض أصحاب أبي عبد الله عليه السلام قال: دخل عليه أبو حنيفة، فقال له أبو عبد الله عليه السلام «أخبرني عن قول الله عزّ وجلّ سيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّاماً آمِنِينَ أَيْنَ ذَلِكَ مِنَ الْأَرْضِ؟» قال: أحسبه ما بين مكّه و المدینه، فالنفت أبو عبد الله عليه السلام إلى أصحابه، فقال: «أتعلمون أنّ الناس يقطع عليهم بين المدینه و مكّه، فتؤخذ أموالهم و لا يأمنون على أنفسهم و يقتلون؟». قالو: نعم، قال: فسكت أبو حنيفة. فقال: «يا أبا حنيفة؛ أخبرني عن قول الله عزّ وجلّ: وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا أَيْنَ ذَلِكَ مِنَ الْأَرْضِ؟» قال: الكعبه، قال: «أتعلم أنّ الحجاج بن يوسف حين وضع المنجنيق على ابن الزبير في الكعبه فقتله كان آمناً فيها؟». قال: فسكت، فلمّا خرج، قال أبو بكر الحضرمي: - جعلت فداك - الجواب في المسألتين؟ فقال: «يا ابا بكر؛ سيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّاماً آمِنِينَ فقال: - مع قائمنا أهل البيت. و أمّا قوله: وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فيمن بايعه و دخل معه و مسح على يده، و دخل في عقد أصحابه كان آمناً...». علل الشرائع، ج 1، ص 83؛ نور الثقلين، ج 3، ص 332؛ تفسير برهان، ج 3، ص 212؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 314.

2- روى على بن عقبه عن أبيه: قال «إذا قام القائم حكم بالعدل و ارتفع في أيامه الجور، و أمنت به السبل، و أخرجت الأرض بركاتهما، و ردّ كلّ حق إلى أهله...». بحار الأنوار، ج 52، ص 328؛ اسدي (علی بن عقبه) از موثقین اصحاب امام صادق علیه السلام است. معجم رجال الحديث، ج 12، ص 96.

3- قال قتاده: «المهدي خير الناس... و يأمن الأرض، حتى أنّ المرأة لتحجّ في خمس نسوه، و ما معها رجل، لا - تتقى شيئاً». ابن حمّاد، فتن، ص 98؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 69؛ عقد الدرر، ص 151؛ القول المختصر، ص 21.

4- عدی بن حاتم: «لتخرجنّ الضعیفه من الحیره، حتّى تطوف بهذا البيت، لا تخاف إلاّ الله عزّ و جلّ». فردوس الاخبار، ج 3، ص 491.

نابسامانی های مادی و معنوی را پدید آوردند. آنان جنایتکارانی هستند که جهان را به آن وضعیت اسفبار کشانده اند.

پس از ظهور حضرت، تعقیب، دستگیری و محاکمه آنان امری حتمی است؛ زیرا اجرای حدود الهی، یکی از واجبات مهم به شمار می رود؛ به ویژه در روزگار حضور امام معصوم و حضرت بقیه الله در زمین که طبق کتاب خدا و به دور از هرگونه هواهای نفسانی، حدود اجرا می شود.

در آن عصر برای سرپرستی این وظیفه مهم، از افرادی استفاده می شود که علاوه بر تسلط کامل بر مبانی اسلامی و فقهی، از نظر پیشینه نیز کم ترین ایراد و اشکالی بر آنان وارد نباشد. در روایات به تسلط آنان به کارهای قضایی و پیشینه و ویژگی های فردی آنان اشاره شده است که به بازگویی چند روایت در این زمینه می پردازیم:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و اله قیام کند، از پشت کعبه هفده نفر را بیرون می آورد. پنج نفر از قوم موسی هستند که به حق قضاوت می کنند... و هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابو دجانة و مالک اشتر». (1)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا جز این گروه (سی صد و سیزده نفر) افراد دیگری در پشت کعبه نیستند؟ حضرت فرمود: «آری، مؤمنان دیگری نیز هستند؛ ولی این گروه فقها، نخبگان، حاکمان و قاضیانی خواهند بود که پیش رو (سینه) و پشت سرشان را حضرت دست می گذارد و مسح می کند و در پی آن، هیچ قضاوتی بر آنان دشوار نخواهد بود». (2)

ص: 246

1 - عن أبي عبد الله عليه السلام: «إذا قام قائم آل محمد، استخرج من ظهر الكعبة سبعة عشر رجلاً: خمسة من قوم موسى الذين يقضون بالحقّ و به يعدلون، و سبعة من أصحاب الكهف، و يوشع، و وصي موسى، و مؤمن آل فرعون، و سلمان الفارسي، و أبا دجانة الأنصاري، و مالک الأشر». اثبات الهداه، ج 3، ص 55، به نقل از: تفسیر عیاشی، و به نقل از: روضه الواعظین، ص 266، امام بیست و هفت نفر را از پشت کعبه بیرون می آورد.

2 - قال أبو بصير: - جعلت فداك - ليس على ظهرها مؤمن غير هؤلاء؟ قال: «بلى، و لكن هذه العدة التي يخرج فيها القائم عليه السلام و هم النجباء و الفقهاء، و هم الحكام، و هم القضاة الذين يمسح بطونهم، و ظهورهم، فلا يشكل عليهم حكم». ابن طاووس، ملا-حم، ص 202؛ دلائل الامامة، ص 307، و در آن چنین آمده است «فلا يشتهه عليهم».

در بحار الأنوار آمده است: آنان یاوران مهدی و حاکمان روی زمین خواهند بود. (1)

صادق اهل بیت علیه السلام می فرماید: «آن گاه که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، برای هر مرز و بومی از زمین، فرمانروایی تعیین می کند و به او می فرماید: "برنامه کار تو در دست تو است و چنان چه در هنگام انجام وظیفه، مشکلی پیش آمد که حکم آن را ندانستی، به کف دستت بنگر و برطبق آن چه در آن می یابی، رفتار نما".» (2)

ممکن است فهمیدن حکم مشکلات به وسیله کف دست، کنایه از سرعت ارتباط با حکومت مرکزی و کسب تکلیف برای رفع مشکل باشد یا اشاره به مهارت خیره کننده مسئولان بر کار داشته باشد که با یک نگاه می توانند اظهار نظر کنند و شاید به وسیله معجزه مشکل حل شود که عقل بشر از فهم آن ناتوان است.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «پس از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه هیچ حقی از کسی بر عهده دیگری نمی ماند، مگر آن که حضرت آن را بازمی ستاند و به صاحب حق می دهد.» (3)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و اله قیام کند، به حکم و قضاوت داود پیامبر، قضاوت می کند و به شاهد و برهان نیازی ندارد. خداوند (احکام الهی را) به او الهام می کند و او نیز برطبق دانش خود رفتار می نماید و برطبق آن قضاوت می کند.» (4)

جعفر فرزند سیار شامی می گوید: اندازه و حدود پس گیری حقوق از بین رفته (در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه بدان اندازه است که اگر حقی از کسی در زیر دندان دیگری باشد، حضرت آن را بازمی ستاند و به صاحبش بازمی گرداند. (5) 2.

ص: 247

1- دلایل الامامه، ص 249؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 365.

2- عن جعفر بن محمد علیه السلام عن أبيه عليه السلام «إذا قام القائم، بعث في أقاليم الأرض في كل إقليم رجلا، يقول: عهدك في كفاك، فإذا ورد عليك أمر لا تفهمه - ولا تعرف القضاء فيه، فانظر إلى كفاك و اعمل بما فيها». نعماني، غيبه، ص 319؛ دلایل الامامه، ص 249؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 573؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 365 و ج 53، ص 91.

3- عن أبي جعفر عليه السلام: «ويخرج المهدي... فلا يترك... ولا مظلمه لأحد من الناس إلا ردّها». عياشي، تفسير، ج 1، ص 64؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 224.

4- قال الصادق عليه السلام: «إذا قام قائم آل محمد صلی الله علیه و اله و سلم حكم بين الناس بحكم داود لا يحتاج إلى بيته، يلهمه الله تعالى، فيحكم بعلمه». روضه الواعظين، ص 266؛ بصائر الدرجات، ج 5، ص 259.

5- عن جعفر بن سيار الشامي، قال: يبلغ من ردّ المهدي المظالم. حتى لو كان تحت ضرر إنسان شيء انتزعه حتى يرده». ابن حمّاد، فتن، ص 98؛ عقد الدرر، ص 36؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 68؛ القول المختصر، ص 52.

البته این گونه رفتار کردن با حقوق مردم، شایسته دادگاه هایی است که در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه باشند و قاضیان آن افرادی مانند: سلمان، مالک اشتر، بزرگانی از قوم موسی و... باشند و رهبری دستگاه قضایی نیز با خود حضرت باشد. طبیعی است که دیگر جای نگرانی از نابود شدن حقوق، باقی نمی ماند؛ هم چنان که جمله «اگر زیر دندان دیگری حقی از کسی باشد باز می ستاند»، گویای این حقیقت است.

ص: 248

حکومت اگر پشتوانه ای از سوی خداوند داشت و احکام و مقررات الهی را در جامعه اجرا کرد، مردم نیز به برکت آن دگرگون می گردند و به تقوا و نیکی روی می آورند و در نتیجه نعمت های خداوند، از همه سوی بر بندگان سرازیر می شود.

در قرآن کریم می خوانیم: **وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ؛ (1)** اگر مردم شهر و دیار ایمان آورند و تقوا پیشه سازند، ما درهای برکات زمین و آسمان را بر آنان می گشاییم.

در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه که مردم به اطاعت خداوند روی می آورند و بر فرمان حجّت خدا گردن می نهند، دیگر دلیلی ندارد که زمین و آسمان از برکاتش بر بندگان خدا مضایقه کنند. از این رو، باران های موسمی شروع به باریدن می کند، رودخانه ها پر از آب می شود، زمین ها حاصلخیز می گردد و کشاورزی شکوفا می گردد، باغ ها سرسبز و پر از میوه می شود، بیابان هایی مانند مکه و مدینه که هرگز سبزی را به خود ندیده است، به یک باره به نخلستان تبدیل می گردد و دامداری گسترش می یابد.

اقتصاد جامعه شکوفا گشته، فقر و تنگدستی رخت بر بسته، آبادانی همه جا به چشم می خورد و بازرگانی رونقی شایان توجه می یابد.

در خصوص شکوفایی اقتصادی در روزگار امام عصر علیه السلام روایات بسیاری رسیده است که در هرزمینه به گفتن چند روایت بسنده می کنیم:

ص: 249

اشاره

آن چه از روایات در این زمینه استفاده می شود، این است که در اثر بهبود وضع اقتصادی، فقر و تهیدستی از جامعه بشری ریشه کن می شود و به شخص نیازمند به اندازه ای مال و ثروت داده می شود که توان بردن آن را نداشته باشد و وضعیت عمومی جامعه چنان بهبود می یابد که دارندگان زکات برای رساندن آن به نیازمندان به رنج می افتند.

1. تقسیم اموال و بخشش دارایی ها

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم اهل بیت قیام کند، بیت المال را به گونه ای یکسان در میان مردم قسمت کرده، به عدالت در میان مردم رفتار می کند.

ثروت های روی زمین (مانند خمس و زکات) و ثروت های زیر زمین (مانند گنج ها و معادن) نزد آن حضرت گرد می آید. آن گاه حضرت به مردم خطاب می کند: «بیایید و بگیرید آن چه را که برایش خویشاوندی را قطع می کردید و به خونریزی و گناهان دست می زدید. او چنان اموال می بخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است». (1)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «در آخر الزمان، خلیفه ای ظهور می کند که مال را بدون شمارش می بخشد». (2)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «در روزگار ناامیدی و پیدایش فتنه ها، شخصی به نام مهدی ظهور می کند که بخشش های او بر مردم، گوارا خواهد بود». (3)

ص: 250

1- عن أبي جعفر عليه السلام: «إذا قام قائم أهل البيت -قسّم بالسوية و عدل في الرعيه... و يجمع إليه أموال الدنيا من بطن الأرض و ظهرها، فيقول للناس: تعالوا إلى ما قطعتم فيه الأرحام، و سفكتم فيه الدماء الحرام، و ركبتم فيه ما حرم الله عزّ و جلّ، فيعطى شيئاً لم يعطه أحد كان قبله». علل الشرائع، ص 161؛ نعماني، غيبه، ص 237؛ عقد الدرر، ص 39؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 390؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 497.

2- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلّم: «يخرج في آخر الزمان خليفه، يعطى المال بغير عدد». ابن حمّاد، فتن، ص 98؛ ابن ابی شيبه، مصنّف، ج 15، ص 196؛ احمد، مسند، ج 3، ص 5؛ ابن بطريق، عمدّه، ص 424.

3- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «يكون عند انقطاع من الزمان، و ظهور من الفتن رجل يقال له: المهدي عطاؤه هنيئاً». شافعي، بيان، ص 124، احقاق الحق، ج 13، ص 248؛ الشيعة و الرجعه، ج 1، ص 207.

بخشش مهدی عجل الله تعالی فرجه پدرا نه و بدون منت است. بنابراین، گوارا می باشد. برخلاف بخشش دیگران که به قیمت بندگی، یا دین فروشی یا گرو گذاشتن آبرو تمام می شود.

نیز آن حضرت می فرماید: «شخصی از قریش پدیدار می گردد... و در میان مردم، اموال را تقسیم می کند و به سنت پیامبرشان رفتار می نماید». (1)

در روایتی دیگر می فرماید: «مهدی گنج های زیر زمین را بیرون آورده، اموال را میان مردم تقسیم می کند و اسلام شکوه دوباره خود را بازمی یابد». (2)

هم چنین می فرماید: «در آخرین دوران امت من، خلیفه ای خواهد بود که اموال را مشمت مشمت به مردم می دهد و آن را نمی شمارد». (3)

عبد الله بن سنان می گوید: پدرم به امام صادق علیه السلام گفت: من مقداری از زمین های خراجی را در اختیار دارم و در آنها کشت و زرع کرده ام. حضرت قدری ساکت ماند؛ آن گاه فرمود: «اگر قائم ما قیام کند، سهم تو از زمین بیش از این است». (4)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم اهل بیت قیام کند، بیت المال را به گونه ای یکسان تقسیم می کند و در بین مردم به عدالت رفتار می نماید». (5)

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «آخرین امامان، هم نام من است. او ظاهر می شود و جهان را پر از عدل می کند. در حالی که اموال برهم انباشته شده است، شخصی از او درخواست مال می کند. امام عجل الله تعالی فرجه می فرماید: "خودت از این اموال بردار".» (6)5.

ص: 251

- 1- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم: «ثم ینشأ رجل من قریش... فیقسم المال، و یعمل بسنته نبیهم». ابی داود، سنن، ج 4، ص 108.
- 2- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «إذنه علیه السلام ینسخرج الكنوز، و یقسم المال و یلقى الإسلام بجرانه». ابن طاووس، ملاحم، ص 69.
- 3- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم: «یکون فی آخر امتی خلیفه یحیی المال حثیا و لا یعدّه عددا». عبد الرزاق، مصنف، ج 11 ص 372؛ ابن بطریق، عمدہ، ص 424؛ الصواعق المحرقة، ص 164؛ بغوی، مصابیح السننه، ج 2، ص 139؛ شافعی، بیان، ص 122؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 69.
- 4- عن عبد الله بن سنان، عن ابیه، قال: قلت لأبیه عبد الله علیه السلام إن لی أرض خراج، و قد ضقت بها ذرعا، قال: فسکت هنیئه ثم قال: «إن قائمنا لو قد قام کان نصیبک فی الأرض أكثر منها». کافی، ج 5، ص 285؛ التهذیب، ج 7، ص 149.
- 5- عن الباقر علیه السلام: «إذا قام قائم أهل البيت قسم بالسویة و عدل فی الرعیة». نعمانی، غیبیه، ص 237؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 29.
- 6- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم: «آخرهم اسمه اسمی، ینخرج، فیملا الأرض... یأتیه الرجل و المال کدوس، فیقول: یا مهدی أعطني، فیقول: خذ». ابن طاووس، ملاحم، ص 70؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 379؛ ر.ک: احمد، مسند، ج 3، ص 21؛ احقاق الحق، ج 13، ص 55.

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کند... اموال و زکات ها را در کوچه ها می برند؛ ولی کسی پیدا نمی شود که حاضر به دریافت آنها باشد». (1)

نیز آن حضرت می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه در امت من خواهد بود و در حکومت او مال و ثروت برهم انباشته خواهد شد». (2)

این حدیث کنایه از رفع نیازمندی های جامعه است؛ به گونه ای که اموال از موارد مصرف بیش تر می گردد. به سخن دیگر، دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نه تنها کسری بودجه ندارد، بلکه درآمد آن بر بودجه اش فزونی دارد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند... زمین گنج های خود را بیرون ریخته، آشکار می کند؛ به گونه ای که مردم با چشم خود، آن را بر روی زمین می بینند و دارندگان زکات سراغ کسی می گردند که نیازمند باشد تا زکاتشان را به او بدهند؛ ولی کسی یافت نمی شود و مردم- از فضل و بخشش خداوند- از دیگران بی نیاز می گردند». (3)

علی بن عقبه نقل می کند: در آن روزگار، کسی جایی را برای دادن صدقات و صرف پول در راه نیک نمی یابد؛ زیرا بی نیازی همه مؤمنان را فراگرفته است». (4)

ص: 252

1- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «يخرج المهدي... و يطاف بالمال في أهل الحواء فلا يوجد أحد يقبله». عقد الدرر، ص 166؛ المستجاد، ص 58، در روایت چنین آمده است: «يطاف بالمال في الحواء؛ مال را در خانه های محله می گردانند». حواء- خانه های نزدیک به هم و در یک محله را می گویند.

2- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلّم: «يكون في أمتي المهدي... و المال يومئذ كدوس». حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج 4، ص 558؛ الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 214.

3- عن المفصل بن عمر: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «إن قانمنا إذا قام... تظهر الأرض كنوزها حتى تراها الناس على وجهها، و يطلب الرجل منكم من يصله بماله، و يأخذ منه زكاته لا- يوجد أحد يقبل منه ذلك، استغنى الناس بما رزقهم الله من فضله». مفید، الارشاد، ص 363؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 337.

4- علی بن عقبه: «و لا- يجد الرجل منكم يومئذ موضعا لصدقته، و لا- لبرّه؛ لشمول الغنى جميع المؤمنین». مفید، الارشاد، ص 344؛ المستجاد، ص 509؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 339؛ ر.ک: احمد، مسند، ج 2، ص 313، 272، 53 و ج 3، ص 5؛ مجمع الزوائد، ج 7، ص 314؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 496.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «مردم مالیات خود را بر گردن گذاشته، به سوی مهدی می روند.

خداوند به شیعیان ما در زندگی رفاه و آسایش داده است و آنان در بی نیازی به سر می برند و اگر لطف و سعادت خداوند آنان را دربر نمی گرفت، با آن بی نیازی، سرکشی می کردند». (1)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه سالی دوبار عطایایی به مردم می دهد.

آن حضرت ماهی دوبار حقوق می دهد و بین مردم یکسان رفتار کرده، به گونه ای که فرد نیازمند به زکات، در جامعه یافت نمی شود. دارندگان زکات، سهم فقیران را نزد آنان می آورند؛ ولی آنان نمی پذیرند. به ناچار اموال را در کیسه های مخصوص پول می گذارند و در محله های شیعه می چرخانند؛ ولی آنان می گویند ما را به درهم های شما نیازی نیست». (2)

از روایات بالا دو نکته دانسته می شود: نخست این که مردم در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه چنان از نظر فکری رشد می کنند که بدون زور و فشار به وظایف خود در همه ابعاد عمل می کنند. یکی از آن وظایف، پرداخت مالیات درآمد به دولت اسلامی است.

اگر همه مسلمان ها خمس درآمد و زکات اموال خود را به حکومت اسلامی پرداخت کنند، رقم بزرگی را پدید می آورد و دولت بر هرگونه اقدام اصلاحی و خدمات همگانی قادر می شود.

دوم این که هرچند بخشش آن حضرت در آن روزگار بی حساب است و مردم به شیوه های گوناگونی درآمدهایی دارند که آنان را بی نیاز می کند، ولی آن چه بیش تر نظر را0.

ص: 253

1- الباقر علیه السلام: «و یخرج الناس خراجهم علی رقابهم إلی المهدی، و یوسّع الله علی شیعتنا، و لولا ما یدرکهم من السعاده لبغوا». بحار الأنوار، ج 52، ص 345.

2- عن أبی جعفر علیه السلام: «... و یعطی الناس عطایا مرّتين فی السنه، و یرزقهم فی الشهر رزقین، و یسوی بین الناس حتی لا تری محتاجا إلی الزکاه، و یجیء أصحاب الزکاه بزکاتهم إلی المحاوِج من شیعتہ فلا یقبلونها، فیصرّونها، و یدورون فی دورهم، فیخرجون إلیهم، فیقولون: لا- حاجه لنا فی دراهمکم». نعمانی، غیبیه، ص 238؛ حلیه الابرار، ج 2، ص 642؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 390؛ ر.ک: بحار الأنوار، ج 52، ص 352؛ ابن ابی شیبہ، مصتّف، ج 3، ص 111؛ احمد، مسند، ج 4، ص 306؛ بخاری، صحیح، ج 2، ص 135؛ مسلم، صحیح، ج 2، ص 70.

جلب می کند، بلندطبعی و روح بی نیازی در آنان است؛ زیرا چه بسیارند انسان های ثروتمندی که طبعی گرسنه و روحی آزمند دارند و چه بسا انسان هایی که در عین فقر، از طبعی بزرگ و روحی غنی برخوردارند. مردم در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه از غنای روحی برخوردارند و این همان دگرگونی معنوی است که در آن عصر پدید می آید.

3. رسیدگی به محرومان و مستضعفان

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «...در آن عصر، مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند و او از فرزند این شخص (علی بن ابی طالب علیه السلام) است. خداوند به دست او، دروغ را نابود می کند و روزگار سخت را از بین می برد و ریسمان بردگی و بندگی را از گردن های تان برمی دارد». (1)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «آن گاه که امام زمان عجل الله تعالی فرجه ظهور کند، هیچ برده مسلمان باقی نمی ماند، مگر آن که حضرت او را خریده، در راه خدا آزاد می کند و هیچ بدهکاری نمی ماند، مگر آن که حضرت بدهی او را می پردازد». (2)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وقتی مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور می کند، به سوی شهر مدینه می رود و هرکس از بنی هاشم را که در آن جا زندانی باشد، آزاد می کند». (3) سپس ابن اربطات می گوید: او به کوفه می رود و بنی هاشم را از زندان های آن جا آزاد می سازد.

طاووس یمانی می گوید: ویژگی مهدی عجل الله تعالی فرجه این است که نسبت به فرمانروایان و کارگزاران خود سختگیر است و در بخشش مال دستی باز دارد و نسبت به بیچارگان و

ص: 254

1- قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «فعند ذلك، خروج المهدي و هو رجل من ولد هذا- و أشار بيده إلى علي بن أبي طالب عليه السلام- به يمحق الله الكذب و يذهب الزمان الكلب، و به يخرج ذل الرق من أعناقكم». طوسی، غیبه، ص 114؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 502؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 75.

2- قال أمير المؤمنين عليه السلام: «... فلا يترك- أي المهدي- عبدا مسلما إلا اشتراه و أعتقه، و لا غارما إلا قضى دينه». عیاشی، تفسیر، ج 1، ص 64؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 224.

3- عن أبي أرتاه: «ثم ينزل- أي المهدي- الكوفة حتى يستتقذ من فيها من بنی هاشم». ابن حمّاد، فتن، ص 83؛ الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 67؛ متقی هندی، البرهان، ص 118. أبو جعفر «ثم يخرج المهدي حتى يمرّ بالمدينة فيستتقذ من كان فيها من بنی هاشم». فتن ابن حمّاد، ص 83. و فی ملاحم ابن طاووس، ص 64 «يفتح الله أرض الحجاز، و يستخرج من كان في السجن من بنی هاشم».

بینوایان و مسکین ها مهربان و باعظوفت است. (1)

ابو روثبه می گوید: مهدی به دست خود به بینوایان عطایایی می بخشد. (2)

احتمال دارد منظور این باشد که حضرت در عطا و بخشش، به محرومان و بینوایان توجه ویژه ای دارد و به آنان اموال بیش تری می بخشد و افزون بر حقوقی که هر مسلمان از بیت المال دارد، به آنان هر مقدار که صلاح بدانند، می بخشد.

ب) عمران و آبادانی

هنگامی به عظمت و اهمیت عمران و آبادانی در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه پی می بریم که میزان ویرانی را پیش از ظهور در نظر بگیریم. آری، جهانی که گرفتار جنگی ویرانگر شده، طعمه هواهای نفسانی قدرت طلبان گشته، مدت ها در آتش جنگ سوخته، کشته ها و ویرانی هایی به جای گذاشته است، نیاز بیش تری به آبادانی دارد و حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه به اصلاح آن ویرانی ها می پردازد و عمران و آبادانی را در سراسر جهان چشمگیر می کند.

علی علیه السلام می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه یاران خود را به سرزمین های گوناگون می فرستد.

یارانی را که در آغاز قیام با او عهد و پیمان بستند، به سوی شهرها روانه می سازد و آنان را به عدل و احسان سفارش می نماید. هر یک از آنان فرمانروای سرزمینی می گردد و پس از آن، همه شهرهای جهان با عدل و احسان آباد می گردد». (3)

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «در زمان حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه در روی زمین هیچ ویرانه ای نمی ماند، مگر آن که آباد می گردد». (4)

نیز آن حضرت می فرماید: «پس از آن که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه وارد کوفه می شود...

ص: 255

1- عن طاوس: «علامه المهدی أن یكون شدیداً علی العَمَّال، جوداً بالمال، رحیماً بالمساکین». عقد الدرر، ص 167.

2- عن أبی روثبه: «المهدی یلعق المساکین الزبد». ابن طاووس، ملاحم، ص 68؛ عقد الدرر، ص 227.

3- عن علی علیه السلام: «ثم إنَّ المهدی علیهِ السَّلام یفرِّق أصحابه و هم الذین عاهدوه فی أوَّل خروجه، فیوجِّههم إلی جمیع البلدان، و یأمرهم بالعدل و الإحسان، و کلَّ رجل منهم یحکم علی إقليم من الأرض، و یعمر جمیع مدائن الدنیا بالعدل و الإحسان». الشیعه و الرجعه، ج 1، ص 168.

4- عن أبی جعفر علیهِ السَّلام: «... فلا یبقی فی الأرض خراب إلاَّ عمراً». کمال الدین، ج 1، ص 331؛ الفصول المهمه، ص 284؛ اسعاف الراغبین، ص 152؛ وافی، ج 2، ص 112؛ نور الثقلین، ج 2، ص 212؛ احقاق الحق، ج 13، ص 342.

گروهی را مأمور می کند تا از پشت آرامگاه امام حسین علیه السلام (بیرون شهر کربلا) رودخانه ای به سوی غریین حفر کنند تا آب به سوی شهر نجف سرازیر شود و بر روی آن رودخانه، پل هایی می سازند». (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند...، خانه های کوفه به رودخانه کربلا و حیره متصل می گردد». (2)

این روایت از گسترش آبادانی شهر کوفه خبر می دهد که از یک سو به حیره- که اکنون حدود شصت کیلومتر از کوفه دور است- و از سوی دیگر، به کربلا متصل می شود که آن نیز همین مقدار از کوفه فاصله دارد.

حبه عرنی می گوید: امیر مؤمنان علیه السلام به شهر حیره رفت و در آن جا درحالی که با دستش به کوفه اشاره می کرد، فرمود: «به طور حتم خانه های شهر کوفه به شهر حیره متصل می شود و تا اندازه ای رشد می کند که هر یک ذراع (3) (متر) از زمین این دو شهر به دینارها و قیمت گرانی خرید و فروش می شود». (4)

شاید گسترش کوفه و گرانی زمین آن بدین دلیل باشد که آن جا پایتخت حکومت اسلامی خواهد بود و طبق روایاتی، مؤمنان به آن جا خواهند رفت. 3.

ص: 256

1- عن أبي جعفر عليه السلام: «يدخل المهدي الكوفة... و يبعث فيحفر من خلف قبر الحسين عليه السلام لهم نهرا يجري إلى الغرّيين حتى ينبذ في النجف، و يعمل على فوهته قناطر». مفيد، الإرشاد، ص 362؛ طوسی، غيبة، ص 280؛ روضه الواعظین، ج 2، ص 263؛ صراط المستقیم، ج 2، ص 262؛ اعلام الوری، ص 430؛ المستجاد، ص 580؛ كشف الغمّه، ج 3، ص 253؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 331 و ج 97، ص 385.

2- عن أبي عبد الله عليه السلام: «إنّ قائمنا إذا قام... و يتّصل بيوت الكوفة بنهر كربلاء و بالحيره». طوسی، غيبة، ص 295؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 330، 337 و ج 97، ص 385؛ در ارشاد مفید چنین آمده است: «اتصلت بيوت أهل الكوفة بنهری کربلا»؛ ر.ک: روضه الواعظین، ج 2، ص 264؛ اعلام الوری، ص 434؛ الجرائح و الخرائج، ج 3، ص 1176؛ صراط المستقیم، ج 2، ص 251؛ المحجّه، ص 184.

3- هر ذراع بین پنجاه تا هفتاد سانتیمتر است؛ المنجد.

4- عن حبه العرنی، قال: خرج أمير المؤمنين عليه السلام إلى الحیره، فقال: «ليتصلنّ هذه بهذه- و أوماً بيده إلى الكوفة و الحيره- حتّى يباع الذراع فيما بينهما بدنانير». التهذيب، ج 3، ص 253؛ ملاذ الاخير، ج 5، ص 478؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 374. لذا در روایات تأکید شده کسی که در کوفه خانه و ملکی دارد آن را نگه دارد و از دست ندهد. و شهر قم با تمام عظمت آن در ایام قبل از ظهور امام زمان، از آن در دوران ظهور، به کوفه کوچک تعبیر شده است: «ألا و إن قم الكوفة الصغیره». «عن الصادق عليه السلام: من كانت له دار بالكوفة فليتمسك بها». بحار الأنوار، ج 52، ص 386؛ سفینه البحار، ج 7، ص 543.

هم چنین در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه راه ها و جاده ها گسترش می یابد و مقررات ویژه ای در این زمینه وضع می شود. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

«هنگامی که حضرت قائم قیام کند، به شهر کوفه می رود... آن گاه هیچ مسجدی بر روی زمین نمی ماند که شرفه (ایوان و کنگره داشته باشد یا بر خانه های دیگر مشرف باشد) مگر آن که آن را ویران می سازد و آن را به شکلی قرار می دهد که مشرف نباشد و راه های اصلی را گسترش می دهد».⁽¹⁾

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ماقیام کند، به آگاهی دارندگان مرکب می رساند که از میان جاده و خیابان حرکت کنند؛ چنان که به افراد پیاده دستور می دهد که از دو سوی خیابان حرکت نمایند. پس هر سواره ای که از کنار خیابان حرکت کرد و به کسی آسیب رساند، او را به پرداخت دیه و خون بها ملزم می کند و چنان چه فردی پیاده در میان خیابان حرکت کرد و دچار آسیب شد، حق گرفتن دیه را ندارد».⁽²⁾

از این روایت می فهمیم که شهرها چنان گسترش می یابد و وسائل عبور و مرور چنان فراوان می گردد که نه تنها برای وسائل نقلیه، بلکه برای عابران پیاده نیز قانون وضع می شود.

آری، حکومتی که از دانش و صنعت بهره می گیرد و راه های اصلی را گسترش می دهد و خیابان های پهناور احداث می کند، به یقین در کنار آن برای رانندگی نیز قوانینی با ضمانت اجرایی قوی وضع می کند.

ج) کشاورزی

اشاره

یکی از بخش هایی که در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه دگرگونی شایان توجه پیدا می کند،

ص: 257

1- عن أبي جعفر عليه السلام: «...إذا قام القائم سار إلى الكوفه... ولم يبق مسجد على الأرض له شرف إلا هدمها وجعلها جماء، ووسع الطريق الأعظم». مفید، ارشاد، ص 365؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 339.

2- عن أبي الحسن موسى عليه السلام: «إذا قام قائمنا قال: يا معشر الفرسان؛ سيروا في وسط الطريق، يا معشر الرجال؛ سيروا على جنبى الطريق فأئما فارس أخذ على جنبى الطريق فأصاب رجلا- عيب ألزمناه الديه و أئما رجل أخذ في وسط الطريق فأصابه عيب فلا ديه له». التهذيب، ج 10، ص 314؛ وسائل الشيعه، ج 19، ص 181؛ ملاذ الاخير، ج 16، ص 685؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 455.

بخش کشاورزی و دامداری است. پس از آن که مردم طعم تلخ کمبود باران و خشکسالی های پیاپی و کمبود مواد غذایی و نابودی کشتزارها را چشیده اند و زمانی که از دام و دامپروری خبری نیست و برای تهیه لقمه نانی گاهی باید گران بهاترین چیز یعنی ناموس و آبرو را فدا کرد، دگرگونی شگفت انگیزی در کشاورزی و دامداری پدید می آید و مواد غذایی در جامعه فراوان می گردد.

پیش از ظهور امام اگر گاهی باران می بارید، ولی زمین پذیرای آن نبود و گاهی که زمین پذیرای آن بود، باران نمی بارید و محصولات کشاورزی نابود می گشت و گاهی نیز باران نابه هنگام محصولات را از بین می برد. در زمان حضرت وضعیت بارندگی دگرگون می گردد. نخست بارانی می بارد که مردم در سراسر زندگانی ندیده اند و پس از آن نیز به موقع رحمت الهی بر انسان ها سرازیر می شود و در نتیجه نعمت های خداوند بر انسان ها فراوان می شود؛ به گونه ای که گویی محصول ده ها سال را در یک روز گرد می آورند و در روایات آمده است که از یک من (سه کیلوگرم) گندم، صد من محصول به عمل می آید.

روایات از باریدن بیست و چهار باران خبر می دهند که پس از ظهور فرومی ریزند و در پی آن برکات بسیاری شامل حال مردم می شود. سبزی و خرمی، کوه و دشت و صحرا را فرامی گیرد و بیابان های بایر و همیشه خشک، اثری از خشکی نخواهند داشت و نعمت های الهی آن چنان فراوان می شود که مردم برای مردگان خود آرزوی زندگانی دوباره می کنند.

1. فراوانی باران

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: «آسمان بر آنان باران های فراوانی می بارد». (1)

در روایت دیگری می فرماید: «خداوند برای او (مهدی) برکت را از آسمان فرومی فرستد». (2)

ص: 258

1- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «و ترسل علیهم السماء مدرارا». مجمع الزوائد، ج 7، ص 317؛ احقاق الحق، ج 13، ص 139.

2- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «... و ینزل الله له البرکه من السماء» عقد الدرر، ص 169؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 71 و 141.

نیز می فرماید: «زمین را عدل و داد فرامی گیرد و آسمان بارانی می بارد و در نتیجه، زمین محصول خود را پدیدار می سازد و امت من در حکومت آن حضرت از نعمتی برخوردار می شوند که هرگز مانند آن را ندیده اند». (1)

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «خداوند بزرگ، به سبب وجود ما آفرینش را آغاز کرد و به سبب وجود ما نیز ختم می کند. آن چه را بخواهد، به وسیله ما نابود می گرداند و با ما آن چه را بخواهد، استقرار می بخشد. به وجود ما روزگار سخت را برطرف می سازد و به سبب ما باران فرومی فرستد، پس فریبکاری شما را از راه خدا نفریبد. از روزی که خداوند درهای آسمان را بست، قطره ای باران از آن نیاید و اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران رحمت خود را فرومی فرستد». (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که روزگار ظهور حضرت قائم فرارسد، در جمادی الثانی و ده روز از ماه رجب بارانی می بارد که مردم مانندش را ندیده باشند». (3)

سعید بن جبیر می گوید: در سالی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در آن قیام می کند، بیست و چهار بار باران می بارد که آثار و برکات آن آشکار خواهد بود. (4)

درباره فراوان شدن آب در عصر حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه، رسول گرامی اسلام می فرماید:

«در دولت او (مهدی عجل الله تعالی فرجه) آب ها فراوان می شود و آب رودخانه ها بالا می آید». (5)

ص: 259

1- عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ... فِيمَا لَأَرْضِ قَسَطًا وَعَدْلًا، وَتَمَطَّرَ السَّمَاءُ مَطْرًا، وَتَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَتَنْعَمُ أُمَّتِي فِي وِلَايَتِهِ نِعْمَةً لَمْ تَنْعَمْ بِمِثْلِهَا قَطُّ» المطالب العالیه، ج 4، ص 242؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 139؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 524؛ احقاق الحق، ج 19، ص 655؛ ر.ک: احمد، مسند، ج 2، ص 262؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 345؛ احقاق الحق، ج 19، ص 169، 663.

2- قال أمير المؤمنين عليه السلام: «بنا يفتح الله، و بنا يختم، و بنا يمحو ما يشاء، و بنا يثبت، و بنا يدفع الله الزمان الكلب، و بنا ينزل الغيث، فلا يغرّنكم بالله الغرور، ما أنزلت السماء قطره من ماء منذ حبسه الله عزّ و جلّ، و لو قد قام قائمنا لأنزلت السماء». من الرحمن، ج 2، ص 42.

3- عن أبي عبد الله عليه السلام: «و إذا آن قيامه عليه السلام مطر الناس جمادی الآخرة و عشره أيام من رجب مطرا لم تر الخلائق مثله». بحار الأنوار، ج 52، ص 337؛ وافى، ج 2، ص 113.

4- قال سعید بن جبیر: «السنه التي يقوم فيها المهدي تمطر أربعاً و عشرين مطره، يرى أثرها و برکتها». احقاق الحق، ج 13، ص 169.

5- قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «و تزيد المياه في دولته و تمدّ الأنهار». عقد الدرر، ص 84.

در روایتی دیگر می فرماید: «...رودخانه ها پر از آب می شود و چشمه سارها به جوشش آمده، لب ریز می گردد و زمین چند برابر محصول می دهد». (1)

2. فراوانی محصولات کشاورزی

اشاره

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «خوشا به زندگی، پس از آن دوران که مسیح علیه السلام دجال را می کشد؛ زیرا به آسمان اذن بارش و به زمین اجازه رویدن داده می شود. اگر دانه ای بر روی کوه صفا گذارده شود، حتما خواهد روید. در آن روزگار، کینه و حسادتی نخواهد بود؛ به گونه ای که اگر شخصی از کنار شیری بگذرد به او آسیبی نمی رساند و اگر بر مار پا گذارد، او را نمی گزد». (2)

نیز آن حضرت می فرماید: «امت من در دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه به نعمت هایی می رسند که هرگز مانندش دیده نشده است و هیچ مؤمن یا کافری به چنان نعمتی نرسیده است.

آسمان، بارانش را پی در پی می فرستد و زمین نیز چیزی از گیاهان را در خود نگه نمی دارد؛ بلکه آن را بیرون می فرستد». (3)

رسول خدا صلی الله علیه و اله پیرامون آمادگی زمین در عصر مهدی عجل الله تعالی فرجه می فرماید: «زمین همانند نقره ای که پس از جوشش آرام می گیرد، آماده کشت می شود و گیاهانش را می رویاند؛ هم چنان که در زمان حضرت آدم علیه السلام بود». (4)

نیز آن حضرت درباره برکت محصولات و خوب عمل آمدن آنها می فرماید:

ص: 260

1- قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «إذا كان عند خروج القائم... فعند ذلك تفرخ الطيور... و تمدّ الأنهار، و تفيض العيون، و تثبت الأرض ضعف أكلها». مفيد، اختصاص، ص 208؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 304.

2- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «طوبى لعيش بعد المسيح [دجال] يؤذن للسماء في القطر و للأرض في النبات، فلو بذرت حبه على الصفا لنبتت، و لا تباغض و لا تحاسد حتى يمرّ الرجل على الأسد و لا يضربه و يطأ على الحية فلا تضربه». فردوس الاخبار، ج 3، ص 24.

3- قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «تنعم أمتي في ديناه نعماً لم تنعم مثله قطّ، البرّ منهم و الفاجر، ترسل السماء عليهم مدراراً، و لا تدّخر الأرض شيئاً من نباتها». ابن طاووس، ملاحم، ص 141؛ ر.ك: طوسی، غيبة، ص 115؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 504.

4- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «و تكون الأرض كفاتوره الفضه، تثبت نباتها كما كانت على عهد آدم». ابن طاووس، ملاحم، ص 152؛ ابن ماجه، سنن، ج 2، ص 1359؛ ابن حمّاد، فتن، ص 162؛ عبد الرزاق، مصنف، ج 11، ص 399، با تفاوت.

«... یک دانه انار چندین نفر را سیر می کند (1) و یک خوشه انگور را چندین نفر می خورند (و سیر می گردند)». (2)

علی علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شرق و غرب زمین را تسخیر می کند...

بدی ها و ناراحتی ها را برطرف می سازد و خیر و نیکی جایگزین آن می گردد؛ به طوری که یک کشاورز گندم و جواز هر من (سه کیلوگرم) گندم، صد من محصول به دست می آورد؛ همان گونه که خداوند فرمود: (3) «در هر سنبلی صد دانه به عمل می آید و خداوند برای هرکس که اراده نماید، زیادتر می کند». (4)

نیز می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه کارگزاران خود را در شهرها به عدالت بین مردم سفارش می کند... کشاورز در آن عصر یک مد (5) کشت می کند و هفت صد مد محصول به دست می آورد؛ چنان که خداوند تعالی فرمود و هم چنان خداوند این مقدار را بیش تر می کند». (6)

درباره باروری درختان می فرماید: «در زمان مهدی عجل الله تعالی فرجه درختان بار می گیرند و برکت ها فراوان می گردد». (7)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، آسمان، بارانش را فرومی ریزد».

ص: 261

1- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم: «و یجتمع النفر علی الرمانه فتشبعهم» ابن طاووس، ملاحم، ص 152؛ الدر المنثور، ج 4، ص 255، با تفاوت؛ عبد الرزاق، مصنف، ج 11، ص 401.

2- عن طاووس، عن ابیه یرویه: «و ینکون القطف-عقباد-یاکل منه النفر ذا عدد». ابن طاووس، ملاحم، ص 152؛ الدر المنثور، ج 4، ص 255، با تفاوت؛ عبد الرزاق، مصنف، ج 11، ص 401.

3- بقره (2) آیه 261.

4- قال امیر المؤمنین علیه السلام: «و بعد ذلك ینک المهدی مشارق الأرض و مغاربها... و ینکب الشر و ینکب الخیر، و ینکب الرجل الشعیر و الحنطه، فینکب من کل من مائه من، کما قال الله تعالی: فی کل من مائه مائه حبه و الله یضاعف لمن یشاء، الشیعہ و الرجعه، ج 1، ص 167.

5- مد، پیمانہ ای است که در عراق معادل 18 لیتر؛ فرهنگ فارسی عمید، ص 935.

6- عن امیر المؤمنین علیه السلام «فینکب المهدی علیه السلام إلى أمرائه بسائر الأمصار بالعدل بین الناس... و ینکب الإنسان مدًا ینکب له سبعمائه، کما قال الله عز و جل و یضاعف الله، عقد الدرر، ص 159؛ ابن طاووس، ملاحم، ص 97؛ القول المختصر، ص 20.

7- عن امیر المؤمنین علیه السلام فی قصه المهدی علیه السلام: «و تحمل الأشجار و تتضاعف البرکات». ابن طاووس، ملاحم، ص 125؛ الحاوی، ج 2، ص 61؛ متقی هندی، برهان، ص 117.

و زمین گیاهش را می رویاند؛ به گونه ای که یک زن از عراق پیاده به شام می رود و در سراسر راه جز بر سبزی و بوته گام نمی گذارد». (1)

شاید حضرت این منطقه را به عنوان مثال بیان می فرماید و باید توجه داشت که وضعیت جغرافیایی این منطقه به گونه ای است که اکنون در این مسیر جز خارهای بیابانی چیز دیگری یافت نمی شود. شاید نام بردن از این منطقه برای این باشد که در عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه همه زمین های بایر، تبدیل به زمین های کشاورزی می شود.

در همین رابطه پیامبر خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی در امت من ظاهر می شود، زمین محصول، میوه و گل های خود را می رویاند و آسمان بارانش را فرومی ریزد». (2)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه (مُدْهَامَتَانِ؛ دو برگ سبز) می فرماید: «بین مکه و مدینه را درخت های خرما به هم متصل می کند». (3)

نیز آن حضرت می فرماید: «... به خدا سوگند، پس از خروج دجال، کشاورزی خواهد شد و درخت کاشته می شود». (4)

و به نقل شیخ طوسی در تهذیب «کشاورزی می کنیم و درختان را می کاریم». (5)

%

3. گسترش دام پروری

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «در روزگار پایانی زندگانی امت من، حضرت مهدی

ص: 262

- 1- قال علی علیه السلام: «و لو قد قام قائمنا، لأنزلت السماء قطرها و لأخرجت الأرض نباتها... حتى تمشي المرأة بين العراق إلى الشام لا تضع قدميها إلا على النبات». تحف العقول، ص 115؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 316، 345.
- 2- عن النبي: «إذا ظهر المهدي في أمتي، أخرجت الأرض زهرتها و أمطرت السماء مطرها». المناقب و المثالب، ص 44؛ احقاق الحق، ج 19، ص 677؛ ر. ک. ابن ماجه، سنن، ج 2، ص 1356؛ حاکم، مستدرک، ج 4، ص 492؛ الدر المنثور، ج 2، ص 244.
- 3- تفسیر قمی، ج 2، ص 346؛ بحار الأنوار، ج 51، ص 49، آیه در سوره الرحمن آیه 64 است.
- 4- عن أبي عبد الله عليه السلام «... والله ليزرعنّ الزرع، و ليغرسنّ النخل بعد خروج الدجال». کافی، ج 5، ص 260؛ من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 158؛ وسائل الشیعه، ج 13، ص 193؛ التهذیب، ج 6، ص 384.
- 5- التهذیب، ج 6، ص 384.

ظهور می کند... و دام و گوسفند فراوان می گردد». (1)

نیز می فرماید: «در آن عصر گله های دام وجود دارند و به زندگی ادامه می دهند». (2)

در سخن پیامبر صلی الله علیه و اله نکته ای وجود دارد و آن این که گویا پیش از آن عصر، در اثر کمبود آب و علوفه و گسترش بیماری ها، دام ها نمی توانستند به زندگانی ادامه دهند.

نیز آن حضرت می فرماید: «پس از کشته شدن دجال، خداوند به گله ها برکت می دهد؛ به گونه ای که بچه شتری (که در سن آمادگی برای بارداری است) گروهی از مردم را سیر می کند و گوساله ای، غذای قبیله ای را فراهم می سازد و بزغاله ای، برای سیر کردن گروهی کافی است». (3)

4. بازرگانی

رشد و گسترش بازرگانی در کشور و جامعه، نشانه شکوفایی اقتصادی و ثروتمند بودن آن جامعه می باشد؛ هم چنان که تعطیل شدن بازارها و کساد بازرگانی نشانه فقر جامعه است. از آن جا که در حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه مردم در وضعیت اقتصادی خوبی به سر می برند، بازرگانی رونق می گیرد و بازارها فعال می شوند.

رسول خدا صلی الله علیه و اله در این باره می فرماید: «از نشانه های قیامت (ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه) این است که مال و ثروت همانند سیل در میان مردم به جریان می افتد، علم و دانش ظاهر می شود و بازرگانی گسترش یافته، شکوفا می گردد». (4)

ص: 263

1- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «يخرج في آخر أمتي المهدي، يسقيه الله الغيث و تكثر الماشيه». حاکم، مستدرک، ج 4، ص 558؛ عقد الدرر، ص 144؛ متقی هندی، برهان، ص 84؛ كشف الغمّه، ج 3، ص 260؛ احقاق الحق، ج 13، ص 215، بحار الأنوار، ج 51، ص 81؛ الشيعه و الرجعه، ج 1، ص 214.

2- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: «... و تعيش الماشيه» جامع الاحاديث، ج 8، ص 77؛ احقاق الحق، ج 13، ص 215 و ج 19، ص 681.

3- عن النبي صلی الله علیه و اله و سلم: «بعد الدجال يبارك الله في الرّسل حتى أنّ اللقحه من الإبل لتكفي الفئام من الناس، و اللقحه من البقر لتكفي القبيله من الناس. و اللقحه من الغنم لتكفي النفر من الناس». ابن حمّاد، فتن، ص 148.

4- عن النبي: «من أشرط الساعه أن يفيض المال، و يظهر العلم و يفشو التّجار» ابن قتيبه، عيون الاخبار، ج 1، ص 12.

عبد الله بن سلام می گوید: مردم پس از خروج دجال، چهل سال زندگی می کنند و نخل ها می نشانند و بازارها برپا می گردد. (1)

شاید عدد چهل کنایه سال های متمادی و مدّت های مدید باشد. 3.

ص: 264

1- عبد الله بن سلام: «يمكث الناس بعد خروج الدجال أربعين عاما، ويغرس النخل، و تقوم الأسواق». ابن ابی شیبہ، مصنف، ج 15، ص 142؛ الدر المنثور، ج 5، ص 354؛ متقی هندی، برهان، ص 193.

یکی از مشکلات جامعه، پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه، کاهش بهداشت و درمان است که در نتیجه گسترش بیماری‌هایی واگیر و مرگ‌های ناگهانی را در سراسر جهان در پی دارد. گسترش بیماری‌هایی مانند جذام، طاعون، فلج، کوری، سکت و صدها بیماری خطرناک دیگر آن چنان زندگانی مردم را مورد تهدید قرار می‌دهد که گویی همگان به انتظار مرگ حتمی خود نشسته‌اند و هرگز امیدی به زندگی ندارند. شب که به بستر می‌روند، امید زنده ماندن تا صبح و برخاستن از خواب در آنان نیست و آن‌گاه که از خانه بیرون می‌روند، امیدی به بازگشت خود ندارند.

این اوضاع دلخراش و دردناک، در اثر آلودگی محیط زیست و در نتیجه به کارگیری سلاح‌های شیمیایی، اتمی و میکروبی پدید می‌آید یا افزایش اجساد کشتگان و دفن نشدن آنان و متعفن شدنشان، عامل آن بیماری‌ها می‌شود و یا بر اثر دیگر بیماری‌های روانی و روحی است که از ناامنی و از دست دادن عزیزان پدید می‌آید و شاید نیز معلول همه اینها و چیزهایی است که ما از آن آگاهی نداریم.

حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در آن شرایط، نور امیدی در دل انسان‌های بلازده و دردمند آن عصر، برای نابودی آن وضعیت و به ارمغان آوردن تندرستی برای جامعه بشری است و این درست همان چیزی است که حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آن زمینه انجام می‌دهد.

در این جا به بازگویی چند روایت درباره وضعیت بهداشت و درمان، پیش از ظهور

می پردازیم و آن گاه روایاتی را درباره کوشش های حضرت حجّت علیه السّلام در تأمین بهداشت و درمان جامعه بیان می داریم:

الف) گسترش بیماری ها و مرگ های ناگهانی

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «از نشانه های نزدیک شدن قیامت و رستاخیز این است که یک مرد بدون درد و بیماری می میرد». (1)

در روایتی دیگر می فرماید: «در نزدیکی قیامت (ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه) صاعقه ها (رعد و برق ها که باعث آتش گرفتن و سوختن می شود) فراوان و پیاپی خواهد بود؛ به گونه ای که وقتی شخصی نزد خویشاوندان خود یا گروهی می رود و می پرسد، دیروز چه کسی از شما دچار صاعقه شد و سوخت؟ جواب می شنود: فلانی و فلانی...». (2)

صاعقه به معنای بی هوش شدن و از بین رفتن خرد در اثر شنیدن صدای ترسناک و نیز به معنای آتش گرفتن و سوختن آمده است. از این رو، اشخاصی که دچار صاعقه می شوند یا عقلشان را از دست می دهند یا بر اثر آتش صاعقه، سوخته (3) و تبدیل به خاکستر می شوند. البته ممکن است صاعقه در اثر انفجار گلوله سلاح های پیشرفته آن عصر باشد که هم صدای وحشتناک و هم آتشی سوزنده دارند؛ به گونه ای که هرکس در نزدیکی آن باشد، به خاکستر تبدیل می گردد و آثاری که بر انسان ها به جا می گذارد، جز بیماری نیست و این سه بیماری و بلا تنها از آثار سلاح های ویرانگر می باشد.

حضرت رسول صلی الله علیه و اله در روایتی دیگر می فرماید: «به هنگام نزدیک شدن قیامت و رستاخیز، مرگ های شدید و در پی آن سال های پر زلزله خواهد بود». (4)

امیر مؤمنان علیه السّلام در این باره می فرماید: «پیش از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه دو گونه مرگ فراوان

ص: 266

- 1- عن النبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «من اقترب الساعه أن يموت الرجل بغير وجع» فردوس الاخبار، ج 4، ص 298.
- 2- قال النبی صلی الله علیه و اله و سلّم: «تكثر الصواعق عند اقتراب الساعه حتى يأتي الرجل فيقول: من صعق تلکم الغداه؟ فيقولون: صعق فلان و فلان». احمد، مسند، ج 3، ص 64؛ فردوس الاخبار، ج 5، ص 434.
- 3- فرهنگ عمید، ج 2، ص 688.
- 4- قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم: «... و بین یدی الساعه موتان شدید و بعده سنوات الزلازل». المعجم الكبير، ج 7، ص 59.

می گردد: مرگ سرخ و مرگ سفید که مرگ سفید، همان گسترش طاعون است». (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «از نشانه های قیامت و رستاخیز، گسترش بیماری فلج و مرگ های ناگهانی است». (2)

امام کاظم علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و اله می فرماید: «پیدایش مرگ های ناگهانی، جذام و بواسیر، از نشانه های نزدیک شدن قیامت و رستاخیز است». (3)

در کتاب بیان الاثمه آمده است: از نشانه های نزدیک شدن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه گسترش بیماری وبا و طاعون در سراسر جهان، به ویژه در بغداد و شهرهای پیرامون آن است که در نتیجه گروه بسیاری از مردم نابود می گردند. (4)

ب) بهداشت

شکوفایی شگفت انگیز دانش ها، به ویژه علم بهداشت و درمان در عصر حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه و بهره گیری از آن برای گسترش بهداشت در جامعه و فرونشستن شعله های جنگ و پیدایش آرامش روانی و تأمین بهداشت روحی با اصلاح شدن انسان ها و نیز گسترش کشاورزی و دامداری و تأمین تغذیه در حد مطلوب، از جمله عواملی است که بهداشت را در روزگار امام عصر علیه السلام به حد بالا و ایده آل خود می رساند و چنان می شود که وضعیت جسمی مردم دگرگون می گردد و عمر آنان طولانی می شود؛ به گونه ای که گاهی یک شخص هزار فرزند، نوه و... خود را می بیند و آن گاه چشم از جهان فرومی بندد.

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «هنگامی که عیسی علیه السلام از آسمان فرود آمد و دجال را کشت و

ص: 267

1- قال أمير المؤمنين عليه السلام: «بين يدي القائم موت أحمر و موت أبيض، أمّا الموت الأبيض فالطاعون». مفید، ارشاد، ص 359؛ نعمانی، غیبیه، ص 277؛ طوسی، غیبیه، ص 267؛ اعلام الوری، ص 427؛ الجرائح و الخرائج، ج 3، ص 1152؛ صراط المستقیم، ص 249؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 211؛ الزام الناصب، ج 2، ص 147.

2- عن أبي عبد الله عليه السلام: «من أشرط الساعه أن يفشو الفالج و موت الفجأه». بحار الأنوار، ج 52، ص 313؛ ابن اثیر، نهاییه، ج 1، ص 187.

3- عن موسى بن جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم: ظهور البواسیر، و موت الفجأه، و الجذام، من اقتراب الساعه». بحار الأنوار، ج 52، ص 269، به نقل از: الامامه و التبصره؛ الزام الناصب، ج 2، ص 125.

4- عن كتاب بيان الاثمه «وقوع الوباء و الطاعون في العالم خصوصا في بغداد، و ما يقرب منه من البلاد، فيهلك منه جمع كثير و جم غفير من الناس». بیان الاثمه، ج 1، ص 102.

شب، هنگامی که در صبح آن، خورشید از مغرب طلوع کند (نه از سوی مشرق) تا چهل سال زندگی پربار و آسوده ای خواهید داشت و در این مدت نه کسی می میرد و نه بیمار می شود». (1)

شاید منظور از این سخن، آن باشد که مرگ ها و بیماری هایی که پیش از ظهور حضرت، گسترش یافته، در دوران حضرت به اندازه ای اندک و ناچیز است که می توان آن را در حکم عدم دانست و شاید معنای ظاهری مراد باشد؛ یعنی در این مدت مرگ و بیماری وجود نداشته باشد و آن به دلیل مقدم مبارک حضرت بقیه الله الاعظم است.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه... عمرها طولانی می شود». (2)

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند... مردم در سایه فرمانروایی او، عمری دراز خواهند داشت؛ به گونه ای که برای هر شخص هزار فرزند متولد می شود». (3)

امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند عز و جل، بیماری و بلا را از شیعیان ما دور می سازد و قلب های شان را همانند آهن های محکم قرار می دهد و توان و نیروی هریک از آنان را برابر نیروی چهل مرد می گرداند و آنان فرمانروایان روی زمین و بزرگان آن می شوند». (4)

امام باقر علیه السلام درباره بهداشت محیط زیست در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه می فرماید:

«هنگامی که قائم ما قیام کند... چاه های فاضلاب و ناودان هایی را که در مسیر راه هاست، 7.

ص: 268

1- عن النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «إذا نزل عيسى بن مريم و قتل الدجال تمتعوا، تحيلوا ليله طلوع الشمس من مغربها، و حتى تمنعوا بعد خروج الدجال أربعين سنة، لا يموت أحد و لا يمرض». ابن طاووس، ملاحم، ص 97.

2- عن علي عليه السلام: «فبيعت المهدي عليه السلام إلى أمراءه بسائر الأمصار و... تطول الأعمار». عقد الدرر، ص 159؛ القول المختصر، ص 20.

3- عن المفصل بن عمر، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «إن قائمنا إذا قام... و يعمر الرجل في ملكه حتى يولد له ألف ذكر، لا تولد فيهم أنثى». مفيد، ارشاد، ص 363؛ المستجد، ص 509؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 337؛ وافى، ج 2، ص 113.

4- عن علي بن الحسين عليه السلام: «إذا قام قائمنا، أذهب الله عز و جل عن شيعتنا العاهه و جعل قلوبهم كزبر الحديد، و جعل قوه الرجل منهم قوه أربعين رجلا- و يكونون حكام الأرض و سنامها». نعماني، غيبه، ص 317؛ صدوق، خصال، ج 2، ص 541؛ روضه الواعظين، ج 2، ص 295؛ صراط المستقيم، ج 2، ص 261؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 317.

حفظ بهداشت شهرها و محیط جامعه، از وظایف حکومت هاست. بنابراین، باید از هر عاملی که سبب به خطر افتادن بهداشت محیط زیست می شود، جلوگیری گردد.

ریختن فاضلاب خانه ها در کوچه ها و احداث چاه های توالی و دستشویی در بیرون از خانه ها-چنان چه در برخی از شهرها و روستاها مرسوم است-سبب نابودی بهداشت محیط زیست می شود. از این رو، می بینیم که یکی از کارهای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه جلوگیری از این گونه تخلفات بهداشتی می باشد.

ج) درمان

چون در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بهداشت در حد مطلوب آن وجود دارد، بیماری ها کاهش یافته، تعداد اندکی از افراد به بیماری های گوناگون دچار می شوند؛ ولی دانش پزشکی نیز در آن عصر در اوج پیشرفت خود می باشد و بیماران گوناگون در کوتاه ترین مدت معالجه می شوند. افزون بر این که حضرت با یاری الهی بیماران غیر قابل درمان را نیز خود بهبود می بخشد و می توان گفت: در حکومت حضرت بیماری یافت نمی شود.

امام حسین علیه السلام درباره حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه می فرماید: «هیچ نابینا، زمین گیر و دردمندی بر روی زمین نمی ماند، مگر آن که خداوند درد او را برطرف می سازد». (2)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «...آن گاه قائم ما که پنهان و مخفی است، ظاهر می شود درحالی که جبرئیل پیشاپیش او و کتاب خدا در پیش روی اوست. آن حضرت بیماران پسی و خوره را شفا می بخشد». (3)

ص: 269

1- عن أبي جعفر عليه السلام «إذا قام القائم... وأبطل الكنف والميازيب إلى الطرقات». من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 234؛ مفید، ارشاد، ص 365؛ طوسی، غیبه، ص 283؛ روضه الواعظین، ج 2، ص 264؛ اعلام الوری، ص 432؛ الفصول المهمه، ص 302؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 452؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 333.

2- عن الحسين بن علي عليه السلام: «...لا يبقى على وجه الأرض أعمى، ولا مقعد، ولا مبتلى إلا كشف الله عنه بلاءه بنا أهل البيت». الجرائح الخرائج، ج 2، ص 489؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 62.

3- عن أمير المؤمنين عليه السلام: «فيظهر قائمنا المتعيب، فيقدمه الروح الأمين... ويبرئ الأكمه والأبرص». دوحه الأنوار، ص 133؛ الشيعة والرجعه، ج 1، ص 171.

از این روایت استفاده می شود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خود در درمان بیماری های غیر قابل درمان، نقش اساسی دارد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند بیماری ها را از مؤمنان دور می سازد و تندرستی را به آنان بازمی گرداند». (1)

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «هرکس قائم اهل بیت مرا درک کرد، اگر به بیماری دچار باشد، شفا می یابد و چنان که دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند می گردد». (2)

در کتاب خصال شیخ صدوق آمده است: «روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بیماری برطرف می شود و آنان (مؤمنان) مانند پاره های آهن می گردند». (3)7.

ص: 270

1- عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: «إذا قام القائم أذهب الله عن كل مؤمن العاهه، ورد إليه قوته». نعماني، غيبه، ص 317؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 364؛ اثبات الهداه، ج 3، ص 493.

2- عن أبي جعفر عليه السلام «من أدرك قائم أهل بيتي من ذى عاهه برئ و من ذى ضعف قوى». نعماني، غيبه، ص 317؛ صدوق، خصال، ج 2، ص 541؛ روضه الواعظين، ج 2، ص 295؛ صراط المستقيم، ج 2، ص 261؛ بحار الأنوار، ج 52، ص 335؛ به نقل از: خرائج.

3- وفي الخصال: «ذهب العاهه و هم كزبر الحديد». صدوق، خصال، ص 507.

شهادت یا رحلت امام علیه السلام

درباره شهادت یا رحلت حضرت علیه السلام، روایات گوناگونی رسیده ولی با توجه به سخن امام حسن مجتبی علیه السلام که می فرماید: «هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که مسموم یا شهید می شود». (1) می توان روایاتی را که دلالت بر شهادت حضرت علیه السلام دارد، بر دیگر روایات ترجیح داد.

در این جا تنها به بازگویی چند روایت بسنده می کنیم:

1. امام صادق علیه السلام در دنبال آیه شریفه *ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ* (2) می فرماید: «مقصود زنده شدن دوباره امام حسین علیه السلام و هفتاد نفر از اصحابش در عصر امام زمان است؛ در حالی که کلاه خودهای طلایی بر سر دارند و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسین علیه السلام را اطلاع می دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند.

این در حالی است که حضرت حجّت در میان مردم است. چون معرفت و ایمان به حضرتش در دل های مردم استقرار یافت، مرگ حضرت حجّت علیه السلام فرامی رسد. پس حضرت امام حسین علیه السلام متولّی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد و هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و آماده خاک سپاری نمی کند». (3)

ص: 271

1- کفایه الاثر، ص 226؛ بحار الأنوار، ج 27، ص 217 و ج 44، ص 271. و عن الرضا علیه السلام: «ما منّا الا مقتول»، عیون أخبار الرضا، ج 2، ص 203.

2- اسراء (17) آیه 6.

3- قال الصادق علیه السلام: فی قوله تعالی: - *ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ* خروج الحسین علیه السلام فی سبعین من أصحابه، علیهم البیض المذهب لكلّ بیضه و جهان، المؤدّون إلى الناس أنّ هذا الحسین قد خرج حتی لا یشکّ المؤمنون فیهِ، وإنّه لیس بدجال و لا شیطان، و الحجّه القائم بین أظهرهم، فإذا استقرّت المعرفه فی قلوب المؤمنین أنّه الحسین علیه السلام جاء الحجّه الموت فیکون الذی یغسله و یکفّنه و یحنّطه و یلحده فی حفرته الحسین بن علیّ، و لا یلی الوصیّ إلا الوصیّ». کافی، ج 8، ص 206؛ تأویل الآیات الظاهره، ج 1، ص 278 و ج 2، ص 762، مختصر البصائر، ص 48؛ تفسیر برهان، ج 2، ص 401؛ بحار الأنوار، ج 53، ص 13 و ج 51، ص 56.

زهري می گوید: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه چهارده سال زندگی می کند؛ سپس به مرگ طبیعی به جوار حق می رود. (1)

ارطات می گوید: به من (خبر) رسیده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه چهل سال زندگی می کند؛ سپس به مرگ طبیعی در بستر خود می میرد. (2)

کعب الاحبار می گوید: منصور این امت مهدی است و ساکنان زمین و پرندگان آسمان بر او درود می فرستند.

اوست که در جنگ با روم و جنگ های عظیم مورد آزمایش قرار می گیرد و این آزمایش بیست سال طول می کشد و حضرتش به همراه دو هزار نفر از فرماندهان پرچم دار، به شهادت می رسند؛ سپس هیچ مصیبتی پس از مصیبت فقدان رسول الله صلی الله علیه و اله بر مسلمانان گران تر از شهادت حضرت مهدی علیه السلام نخواهد بود. (3)

البته سخنان زهري و ارطات و کعب از نظر ما مورد اعتماد نیست؛ مگر آن که شاهد صدق داشته باشد.

چگونگی شهادت امام علیه السلام

در الزام الناصب درباره چگونگی شهادت حضرت آمده است: «هنگامی که سال هفتاد به پایان آید و مرگ حضرت فرارسد، زنی به نام سعیده از طایفه بنی تمیم، ایشان را

ص: 272

1- عن الزهري «يعيش المهدي أربع عشرة سنة ثم يموت موتاً». ابن حَمَّاد، فتن، ص 104؛ البدء و التاريخ، ج 2، ص 184؛ متقی هندی، برهان، ص 163.

2- عن أرطاه: «بلغني أن المهدي يعيش أربعين عاماً، ثم يموت على فراشه». ابن حَمَّاد، فتن، ص 99؛ عقد الدرر، ص 147؛ متقی هندی، برهان، ص 157.

3- عن كعب الأحبار، قال: «المنصور المهدي، يصلّي عليه أهل الأرض و طير السماء، يبتلى بقتل الروم و الملاحم عشرين سنة، ثم يقتل شهيداً هو و ألقان معه، كلهم أمير صاحب رايه، فلم يصب المسلمين مصيبه بعد رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم أعظم منها». عقد الدرر، ص 149.

به شهادت می رساند. ویژگی آن زن، این است که همانند مردها محاسن و ریش دارد.

او از بالای بام، به هنگامی که حضرت در حال عبور است، سنگی به سوی ایشان پرتاب می کند و آن حضرت را به شهادت می رساند. چون حضرت رحلت می کند، امام حسین علیه السلام مراسم غسل، کفن و دفن آن حضرت را عهده دار می شود». (1)

البته جز در این کتاب، و قبل از آن در کتاب شرح الزیارة الجامعه از آحسائی در جای دیگری به این مطلب- یعنی چگونگی شهادت- برخورد نکرده ام.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «حسین علیه السلام با اصحابش- که با او شهید شدند- می آیند (2) و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می کنند؛ چنان که همراه حضرت موسی هفتاد نفر فرستاده شدند، آن گاه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه انگشتر را به وی می سپارد و امام حسین علیه السلام غسل، کفن، حنوط، و دفن حضرت قائم را بر عهده می گیرد». (3)

سلام علیه یوم ولد و یوم یظهر و یوم یموت، و یوم بیعت حیّا.

ص: 273

1- عن الحائری: «فإذا تمّت السبعون سنه أتى الحجّه الموت، فتقتله امرأه من بنی تمیم اسمها سعیده، و لها لحيه الرجل، بجاون صخر من فوق سطح، و هو متجاوز فی الطريق، فإذا مات تولّى تجهيزه الحسين عليه السلام». الزام الناصب، ص 190؛ تاریخ ما بعد الظهور، ص 881. و مثله عن الأحسائی: «... إلى أن تمضى إحدى عشرة سنه، تمام مده ملك الحجّه عليه السلام فيقتل، تقتله امرأه من تمیم، لها لحيه كالحيه الرجل، يقال لها: سعیده- لعنّها الله- و ذلك أنّه يتجاوز فی الطريق و هی على سطحها، و تضربه بجاون صخر على أمّ رأسه فتقتله و يتولّى أمر تجهيزه الحسين عليه السلام و يقوم بالأمر بعده إلى أن تمضى ثمان سنين». شرح الزیارة الجامعه، ص 3، ص 53.

2- درباره رجعت امام حسین علیه السلام به کتاب ستاره درخشان نوشته مرحوم آیه الله والد مراجعه شود.

3- عن الصادق عليه السلام: «يقبل الحسين عليه السلام في أصحابه الذين قتلوا معه، و معه سبعون نبيا، كما بعثوا مع موسى بن عمران، فيدفع إليه القائم الخاتم، فيكون الحسين عليه السلام هو الذي يلي غسله و كفنه و حنوطه و إبلاغه حفرته». مختصر بصائر الدرجات، ص

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه.
3. إثبات الوصيه، علی بن حسین مسعودی، ت 346 ه.ق، انتشارات الرضی، قم، 1404 ه.ق.
4. إثبات الهداه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، ت 1104 ه.ق، چاپخانه علمیه، قم.
5. الاحتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، قرن ششم هجری، دار النعمان، نجف اشرف، 1386 ه.ق.
6. إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل، شهید قاضی نور الله حسینی مرعشی تستری، ت 1019 ه.ق. (با تعالیق آیه الله مرعشی نجفی)، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم.
7. الاختصاص، محمد بن محمد بن النعمان، ت 413 ه.ق، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
8. اختیار معرفه الرجال (رجال کشّی)، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبد العزیز کشی، ت 385 ه.ق، تلخیص از ابو جعفر محمد بن الحسن طوسی، دانشگاه مشهد.
9. الإذاعه لما کان و ما یكون بین یدی الساعه، محمد صدیق حسن قنوجی بخاری، 1307 ه.ق، دار الکتب العلمیه، بیروت.
10. الإرشاد، محمد بن محمد بن النعمان، 413 ه.ق، بصیرتی، قم.
11. إرشاد القلوب، ابو محمد الدیلمی، مؤسسه الأعلمی، بیروت.
12. إسعاف الراغبین، محمد بن علی الصبّان، ت 1206 ه.ق، دار الفکر، قاهره.
13. اسد الغابه، ابن الاثیر شیبانی، ت 630 ه.ق، چاپخانه اسلامیّه، تهران.

14. اسرار الامامه، عماد الدين طبري، قرن هفتم، آستانه قدس، مشهد.
15. الاصابه في معرفه الصحابه، ابن حجر عسقلاني، ت 852 ه.ق، دار الكتاب، بيروت.
16. الأصول الستة عشر، تحقيق حسن مصطفوي، تهران، 1371 ش.
17. أعلام المنجد، لويس معلوف اليسوعي، دار المشرق، بيروت.
18. أعلام النساء، عمر رضا كحاله، مؤسسه الرساله، بيروت، 1401 ه.ق.
19. إعلام الوري بأعلام الهدى، ابو علي فضل بن حسن طبرسي، ت 548 ه.ق، دار المعرفه، بيروت.
20. أعيان الشيعة، سيد محسن أمين عاملي، دار التعارف، بيروت.
21. اقبال، رضی الدين أبو القاسم علي بن موسى بن جعفر بن طاووس، ت 664 ه.ق، دار الكتب الاسلاميه، تهران، 1390 ه.ق.
22. الزام الناصب، شيخ علي يزدي حائري، قم، 1404 ه.ق.
23. امالي الشجرى (الأمالى الخميسيه)، يحيى بن حسين شجرى، ت 479 ه.ق، عالم الكتب، بيروت.
24. امالي شيخ طوسى، ابو جعفر محمد بن الحسن طوسى، ت 460 ه.ق، المكتبه الأهليه، بغداد.
25. امالي مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، ت 413 ه.ق، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، قم.
26. الامامه و التبصره، علي بن الحسين بن بابويه قمى، ت 329 ه.ق، مدرسه الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه، قم.
27. الانساب، ابو سعد عبد الكريم تميمي سمعاني، ت 563 ه.ق، مؤسسه الكتب الثقافيه، بيروت، 1408 ه.ق.
28. الايقاظ من الهجعه، محمد بن الحسن حرّ عاملي، ت 1104 ه.ق، دار الكتب العلميه، قم.
29. الايام المكيه، نجم الدين طبسى، دانشكده علوم اسلامى قم.
30. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسي، ت 1111 ه.ق، مؤسسه الوفاء، بيروت.
31. البدء و التاريخ، منسوب به ابو زيد احمد بن سهل بلخي مقدسى، ت 355 ه.ق، كتابخانه اسدى، تهران.
32. البرهان في تفسير القرآن، سيد هاشم بحراني، ت 1107 ه.ق، چاپخانه علميه، قم.
33. البرهان في علامات مهدي آخر الزمان، علاء الدين علي بن حسام الدين، معروف به متقى هندی، ت 975 ه.ق، چاپخانه خيام، قم.
34. برهان قاطع، محمد حسين برهان، ت 1083 ه.ق، نشر خرد، نيما، تهران.

35. بشاره الإسلام، سيد مصطفى آل السيد حيدر كاظمی، ت 1336، کتابخانه نینوی الحدیثه، تهران.

36. بشاره المصطفى، ابو جعفر، محمد بن أبی القاسم طبری، کتابفروشی حیدریه، نجف اشرف.

ص: 276

37. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد، محمد بن الحسن بن فروخ صفّار قمی، ت 290 ه.ق، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم.
38. بهجه الآمال، ملا علی علیاری تبریزی، ت 1327 ه.ق، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، تهران.
39. بیان الائمه، محمد مهدی نجفی، قم، 1408 ه.ق.
40. البیان فی اخبار صاحب الزمان، محمد بن یوسف بن محمد قرشی، گنجی شافعی، ت 658 ه.ق، دار احیاء تراث أهل البيت، تهران.
41. تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی نجفی، قرن ششم، مدرسه الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه، قم.
42. تاریخ الامم و الملوك، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، ت 310 ه.ق، دار المعارف، قاهره.
43. تاریخ بغداد، ابو بکر أحمد بن علی خطیب بغدادی، ت 463 ه.ق، دار الکتب العلمیه، بیروت.
44. تاریخ ما بعد الظهور، سید محمد صادق صدر، دار التعارف للمطبوعات، بیروت.
45. تبصره الولی، سید هاشم بحرانی، ت 1107 ه.ق، مؤسسه الأعلمی، بیروت.
46. تحف العقول عن آل الرسول، ابو محمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبه حرّانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
47. تذکره الفقهاء، علامه حلی، ت 726 ه.ق، مؤسسه آل البيت علیهم السّلام لإحیاء التراث، قم.
48. الترغیب و الترهیب من الحدیث الشریف، عبد العظیم بن عبد القوی المنذری، ت 656 ه.ق، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
49. التصريح بما تواتر فی نزول المسيح، محمد انور شاه کشمیری هندی، ت 1352 ه.ق، دار القرآن الکریم، بیروت.
50. التطبيق بین السفینه و البحار بالطبعه الجدیده، سید جواد مصطفوی، آستان قدس رضوی، مشهد.
- 1403 ه.ق.
51. تفسیر الصافی، فیض کاشانی، ت 1091 ه.ق، مؤسسه الأعلمی، بیروت.
52. تفسیر العسکری علیه السّلام، منسوب به امام حسن عسکری علیه السّلام، مدرسه الامام المهدي علیه السّلام، قم، 1409 ه.ق.
53. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
54. تفسیر فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، کتابفروشی داوری، قم.

55. تفسير قمى، ابو الحسن على بن ابراهيم قمى، اوآخر قرن سوم هجرى قمرى، كتابفروشى الهدى، نجف اشرف.
56. تفسير نور الثقلين، عبد على بن جمعه العروسى الحويزى، ت 1112 ه.ق، چاپخانه علميه، قم.
57. تقريب المعارف، شيخ تقى الدين ابو الصلاح حلبى، ت 447 ه.ق، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، قم، 1404 ه.ق.
58. التقريب و التيسير، ابو زكريا يحيى بن شرف النووى، بيروت.
59. تنقيح المقال فى علم الرجال، شيخ عبد الله بن محمد حسن بن المولى عبد الله المامقانى النجفى، ت 1351 ه.ق.
60. تهذيب الاحكام فى شرح المقنعه، ابو جعفر محمد بن الحسن طوسى، ت 460 ه.ق، دار الكتب الاسلاميه، تهران.
61. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن الحسين بن بابويه، ت 381 ه.ق، كتابخانه آيه الله مرعشى، قم.
62. جامع احاديث الشيعة، سيد حسين بروجردى، ت 1380 ه.ق، مدينه العلم، قم.
63. جامع الاخبار، تاج الدين شعيرى، قرن ششم هجرى قمرى، انتشارات رضى، قم.
64. جامع الاصول من احاديث الرسول، ابو السعادات مبارك بن محمد معروف به ابن الاثير، ت 606 ه.ق، دار إحياء التراث العربى، بيروت.
65. الجامع الصحيح، محمد بن عيسى بن سوره ترمذى، ت 297 ه.ق، دار احياء التراث العربى، بيروت.
66. جمع الجوامع (الجامع الكبير)، جلال الدين عبد الرحمن سيوطى، ت 911 ه.ق، چاپ سنگى.
67. الحاوى للفتاوى، جلال الدين عبد الرحمن سيوطى، ت 911 ه.ق، دار كتب العلميه، بيروت.
68. حق اليقين، محمد باقر مجلسى، ت 1111 ه.ق، جاويدان، تهران.
69. حليه الابرار فى فضائل محمد و آله الاطهار، سيد هاشم بن اسماعيل بحراني، ت 1107 ه.ق، دار الكتب العلميه، قم.
70. حليه الاولياء و طبقات الاصفياء، ابو نعيم اصفهاني احمد بن عبد الله، ت 430 ه.ق، دار الكتاب العربى، بيروت.
71. الخرائج و الجرائح، ابو الحسين سعيد بن هبه الله معروف به قطب الدين راوندى، ت 573 ه.ق، مؤسسه الامام المهدي عليه السلام، قم.

72. الخصال، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسين بن بابويه قمی، ت 381 ه.ق، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
73. خلاصه الاقوال (رجال علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، ت 726 ه.ق، الرضی، قم.
74. درر الاخبار فيما يتعلق بحال الاحتضار، شیخ محمد رضا طبسی نجفی، ت 1405 ه.ق، چاپخانه نعمان، نجف اشرف.
75. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین سیوطی، ت 911 ه.ق، دار المعرفه، بیروت.
76. دلائل الامامه، ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری، کتابفروشی رضی، قم.
77. دلائل النبوه، احمد بن عبد الله، ابو نعیم اصفهانی، ت 430 ه.ق، دار المعرفه، بیروت.
78. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، محب الدین احمد بن عبد الله الطبری، ت 694 ه.ق، کتابفروشی محمدی، قم.
79. الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ طهرانی، ت 1389 ه.ق، کتابفروشی اسلامی، تهران.
80. راموز الاحادیث، ضیاء الدین احمد بن مصطفی استانبولی، ت 1311 ه.ق، چاپ هند.
81. رجال ابن داود، حسن بن علی بن داود حلّی، ت اوایل قرن هشتم، نجف، 1972 م.
82. رجعت از نظر شیعه، نجم الدین طبسی، چاپخانه علمیه، قم، 1400 ه.ق.
83. الرجعه فی احادیث الفریقین، نجم الدین طبسی.
84. راهنمای کتب اربعه، محمد مظفری، چاپخانه علمیه، قم، 1405 ه.ق.
85. روضه المتقین، محمد تقی مجلسی، 1070 ه.ق، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، تهران.
86. روضه الواعظین، محمد بن فتال نيسابوری، ت 508 ه.ق، انتشارات الرضی، قم.
87. ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
88. ستاره درخشان، شیخ محمد رضا طبسی نجفی، ترجمه سید محمد میر شاه ولد، انتشارات محمدی، تهران.
89. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ت 1359 ه.ق، انتشارات اسوه، قم.
90. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، ت 275 ه.ق، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
91. سنن ابی داود، سلیمان بن الأشعث سجستانی، ت 275 ه.ق، دار احیاء السنه النبویه.
92. السنن الکبری، ابو بکر احمد بن الحسين بیهقی، ت 458 ه.ق، دار المعرفه، بیروت.

93. سنن الدارمی، ابو محمد عبد الله دارمی، ت 255 ه.ق، دار الفكر، بيروت.
94. السيره الحلبيه، على بن برهان الدين حلي شافعي، ت 1044 ه.ق، بيروت.
95. شرح نهج البلاغه، عز الدين ابو حامد بن هبه الله بن ابي الحديد مدائني، ت 655 ه.ق، چاپخانه بابي حلي، قاهره.
96. شرح زياره الجامعه، احسائي.
97. الشيعه و الرجعه، شيخ محمد رضا طبسي نجفي، چاپخانه الآداب، نجف اشرف، 1385 ه.ق.
98. صحيح البخاري، اسماعيل بن ابراهيم جعفي بخاري، ت 256 ه.ق، دار احياء التراث العربي، بيروت.
99. صحيح ترمذي، ابو عيسى محمد بن عيسى بن سوره، ت 297 ه.ق، دار احياء التراث العربي، بيروت.
100. صحيح مسلم، ابو الحسين مسلم بن حجاج قشيري نيسابوري، ت 261 ه.ق، دار احياء التراث العربي، بيروت.
101. الصراط المستقيم الى مستحقى التقديم، زين الدين ابو محمد على بن يونس عاملی نباطی، ت 877 ه.ق، كتابفروشي مرتضويه، تهران.
102. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هيثمي، ت 974 ه.ق، كتابخانه قاهره.
103. الطبقات الكبرى، ابو عبد الله محمد بن سعد بن منيع بصري زهري، ت 230 ه.ق، دار صادر، بيروت.
104. الطرائف في معرفه مذاهب الطوائف، على بن موسى معروف به سيد بن طاوس، ت 664 ه.ق، چاپخانه خيام، قم.
105. العدد القويه لدفع المخاوف اليوميه، رضی الدين على بن يوسف بن المطهر حلي، ت 726 ه.ق، كتابخانه آيه الله مرعشي، قم.
106. العطر الوردی، محمد بليسي شافعي، ت 1308 ه.ق، چاپخانه اميريه، بولاق.
107. عقائد صدوق، ابو جعفر محمد بن على بن بابويه قمي، ت 381 ه.ق، چاپ سنگي، 1292 ه.ق.
108. عقد الدرر في اخبار المنتظر، يوسف بن يحيى مقدسي سلمی شافعي، قرن هفتم هجري قمری، عالم الفكر، قاهره.
109. العقد الفريد، ابن عبد ربه اندلسی، ت 327 ه.ق، دار الكتاب العربي، بيروت.
110. علل الشرايع، ابو جعفر محمد بن على بن بابويه، ت 381 ه.ق، كتابفروشي حيدريه، نجف اشرف.
111. العلل المتناهيه، ابو الفرج عبد الرحمن بن الجوزي، ت 597 ه.ق، دار الكتب العلميه، بيروت، 1403 ه.ق.

112. العمده لابن البطريق، يحيى بن الحسن اسدى حلى معروف به ابن البطريق، ت 600 هـ. ق، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين، قم.
113. عوالم العلوم، و المعارف و الاحوال من الآيات و الاخبار و الاقوال، شيخ عبد الله بحراني اصفهاني، مدرسه الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه، قم.
114. عيون الاخبار، عبد الله بن مسلم بن قتيبه دينوري، ت 278 هـ. ق، دار الكتب العلميه، بيروت.
115. عيون أخبار الرضا، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه، ت 381 هـ. ق، نشر توس، قم.
116. الغارات، ابو اسحاق ابراهيم بن محمد ثقفى، ت 283 هـ. ق، انجمن آثار ملي، تهران.
117. غايه المرام فى حجه الخصام عن طريق الخاص و العام، سيد هاشم بن سليمان بحراني، ت 1107 هـ. ق، مؤسسه الاعلمى، بيروت.
118. الغيبه، ابو جعفر، محمد بن الحسن طوسى، ت 460 هـ. ق، كتابفروشى نينوى، تهران.
119. الغيبه، محمد بن ابراهيم نعمانى، ت 360 هـ. ق، كتابفروشى صدوق، تهران.
120. الفائق فى غريب الحديث، جار الله، محمود بن عمر زمخشرى، ت 583 هـ. ق، دار المعرفه، بيروت.
121. الفتاوى الحديثيه، احمد بن حجر هيثمى، ت 974 هـ. ق، التقدم العلميه، مصر.
122. الفتن، ابو عبد الله نعيم بن حماد مروزى، ت 228 هـ. ق، خطى، كتابخانه المتحف، انگلستان.
123. الفتوحات المكيه، محمد بن علي معروف به ابن عربى، ت 638 هـ. ق، دار صادر، بيروت.
124. فراند السمطين فى فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمه من ذريتهم عليهم السلام، ابراهيم بن محمد جوينى خراسانى، ت 730 هـ. ق، مؤسسه المحمودى، بيروت.
125. فراند فوائد الفكر، مرعى بن يوسف بن ابى بكر، قرن يازدهم هجرى قمرى، بنياد معارف اسلامى، قم.
126. فردوس الاخبار، ابو شجاع شيرويه بن شهردار بن شيرويه ديلى، ت 509 هـ. ق، دار الكتب العلميه، بيروت.
127. فرهنگ عميد، حسن عميد، جاويدان، تهران.
128. الفصول المهمه فى معرفه احوال الأئمه، على بن محمد بن احمد مالكي مكى مشهور به ابن صباغ، ت 855 هـ. ق، كتابفروشى دار الكتب، نجف اشرف.
129. فضل الكوفه، و فضل اهلها، محمد بن علي بن الحسن علوى حسيني كوفى، ت 445 هـ. ق، مؤسسه اهل البيت، بيروت.

130. الفقيه (كتاب من لا يحضره الفقيه)، محمد بن علي بن بابويه قمى، ت 381 ه.ق، دار الكتب الاسلاميه، تهران.
131. قرب الاسناد، ابو العباس عبد الله بن جعفر حميرى، ت 310 ه.ق، چاپ سنگى، چاپخانه اسلاميه، تهران.
132. قصص الانبياء، قطب الدين راوندى، ت 573 ه.ق، بنياد پژوهش هاى اسلامى، مشهد، ت 1409 ه.ق.
133. القول المختصر فى علامات المهدي المنتظر، احمد بن حجر هيثمى، ت 974 ه.ق، خطى، كتابخانه امير المؤمنين، نجف اشرف.
134. كامل الزيارات، ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، ت 367 ه.ق، چاپخانه مرتضويه، نجف اشرف، 1356 ه.
135. الكامل فى التاريخ، ابو الحسن على بن ابى المكرم معروف به ابن الاثير، ت 630 ه.ق، دار صادر، بيروت.
136. كشف الاستار، ميرزا حسين نورى، ت 1320 ه.ق، كتابفروشى نينوى، تهران.
137. كشف الحق (الاربعون)، امير محمد صادق خاتون آبادى، ت 1207 ه.ق، بنياد بعثت تهران، 1361 ش.
138. كشف الغمه فى معرفه الأئمه، ابو الحسن على بن عيسى بن ابى الفتح اربلى، ت 692 ه.ق، دار الكتاب الاسلامى، بيروت.
139. الكافى، محمد بن يعقوب كلينى رازى، ت 329 ه.ق، دار الكتب الاسلاميه، تهران.
140. كفايه الأثر فى النص على الأئمه الاثنى عشر، ابو القاسم على بن محمد بن على (الخرزاز)، قرن چهارم هجرى قمرى، نشر بيدار، قم.
141. كمال الدين و تمام النعمه، ابو جعفر محمد على بن بابويه قمى، ت 381 ه.ق، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين، قم.
142. الكنى و الألقاب، شيخ عباس قمى، ت 1359 ه.ق، كتابخانه صدر، تهران.
143. كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، علاء الدين على معروف به متقى هندى، ت 975 ه.ق، مؤسسه الرساله، بيروت.
144. لسان الميزان، احمد بن على بن حجر عسقلانى، ت 852 ه.ق، مؤسسه الاعلمى، بيروت.
145. لوائح الأنوار البهيه، شمس الدين محمد بن احمد سفارينى نابلسى، ت 1188 ه.ق، مجله المنار، مصر.
146. مجمع البحرين، فخر الدين طريحي، ت 1085 ه.ق، كتابفروشى مرتضويه، تهران.
147. مجمع البيان فى تفسير القرآن، فضل بن الحسن طبرسى، ت 548 ه.ق، دار احياء التراث العربى، بيروت.

148. مجمع الرجال، زكى الدين عنايه الله بن مشرف الدين قهبائى، قرن يازدهم هجرى قمرى، چاپخانه ربانى، اصفهان.
149. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نور الدين على بن ابى بكر هيثمى، ت 807 ه.ق، دار الكتاب العربى، بيروت.
150. المحاسن، ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقى، ت 274 ه.ق، دار الكتب الاسلاميه، قم.
151. المحججه فيما نزل فى الحججه، سيد هاشم بحراني، ت 1107 ه.ق، مؤسسه الوفاء، بيروت، ت 1403 ه.ق.
152. مختصر اثبات الرجعه، فضل بن شاذان نيسابورى، مجله تراثنا، شماره 15.
153. مختصر بصائر الدرجات، عز الدين حسن بن سليمان حلى، قرن نهم هجرى قمرى، چاپخانه حيدر يه، نجف اشرف.
154. مدينه المعاجز، سيد هاشم بحراني، ت 1107 ه.ق، چاپ سنگى، تهران.
155. مرآه العقول، محمد باقر مجلسى، 1111 ه.ق، دار الاندلس، بيروت.
156. مروج الذهب، على بن حسين مسعودى، ت 346 ه.ق، دار الاندلس، بيروت.
157. المستجاد من كتاب الارشاد، حسن بن مطهر حلى، ت 726 ه.ق، كتابخانه آيه الله مرعشى.
158. مستدركات علم رجال الحديث، شيخ على نمازى، ت 1405 ه.ق، چاپخانه حيدر يه، تهران.
159. المستدرک على الصحيحين فى الحديث، ابو عبد الله، محمد بن عبد الله معروف به حاكم نيسابورى، ت 405 ه.ق، دار الفكر بيروت.
160. مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نورى طبرسى، ت 1320 ه.ق، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم.
161. المسترشد، ابو جعفر، محمد بن جرير بن رستم الطبرى، قرن چهارم هجرى قمرى، چاپخانه حيدر يه، نجف اشرف.
162. مسند ابو عوانه، يعقوب بن إسحاق اسفرائينى، ت 316 ه.ق، دار المعرفه، بيروت.
163. مسند ابى يعلى الموصلى، احمد بن على بن المثنى التميمى، ت 307 ه.ق، دار المأمون للتراث، دمشق.
164. مسند احمد، احمد بن حنبل، ت 241 ه.ق، دار الفكر، بيروت.
165. مسند ابى داود، سليمان بن داود بن الجارود فارسى بصرى، ت 204 ه.ق، دار المعرفه، بيروت.
166. مصابيح السنه، حسين بن مسعود بن محمد الفراء بغوى، ت 516 ه.ق، دار المعرفه، بيروت.
167. مصادقه الاخوان، ابو جعفر محمد بن على بن بابويه قمى، ت 381 ه.ق، مدرسه الامام المهدي عليه السلام، قم.
168. المصنّف، عبد الرزاق بن همام صنعائى، ت 211 ه.ق، المكتب الاسلامى، بيروت.

169. المصنّف، عبد الله بن محمد بن أبي شيبة، ت 235 هـ. ق، دار السلفيه، بمبئي .
170. المطالب العاليه بزوائد المسانيد الثمانية، احمد بن حجر عسقلاني، ت 852 هـ. ق، دار المعرفه، بيروت .
171. معجم احاديث الإمام المهدي، نجم الدين طيسي با همكاري جمعي از فضلا، نشر معارف اسلامي، قم .
172. معجم البلدان، ابو عبد الله ياقوت بن عبد الله حموي بغدادى، ت 626 هـ. ق، دار التراث العربى، بيروت .
173. معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواه، سيد ابو القاسم خوئى، مدينه العلم، قم .
174. المعجم الصغير، سليمان بن احمد طبرانى، ت 360 هـ. ق، دار الكتب العلميه، بيروت .
175. المعجم الاوسط، سليمان بن احمد طبرانى، ت 360 هـ. ق، كتابفروشى المعارف، رياض .
176. المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبرانى، ت 360 هـ. ق، وزارت اوقاف عراق .
177. الملاحم و الفتن فى ظهور الغائب المنتظر، رضى الدين على بن موسى بن طاووس، ت 664 هـ. ق، مؤسسه الأعلمى، بيروت .
178. ملاذ الأختيار، محمد باقر مجلسى، ت 1111 هـ. ق، كتابخانه آيه الله مرعشى، قم .
179. المنار المنيف فى الصحيح و الضعيف، ابن قيم الجوريه، ت 751 هـ. ق، مكتب المطبوعات الاسلاميه .
180. مناقب آل ابى طالب، ابو جعفر رشيد الدين محمد بن على بن شهر آشوب، ت 588 هـ. ق، انتشارات علامه، قم .
181. منتخب الاثر فى الامام الثانى عشر عليه السلام، شيخ لطف الله صافى، كتابخانه صدر، تهران .
182. منتخب الأنوار المضيئه، سيد على بن عبد الكريم نيلى نجفى، قرن نهم هجرى قمرى، چاپخانه خيام، قم، 1401 هـ .
183. منتخب كنز العمال، علاء الدين متقى هندی، ت 975 هـ. ق، دار الفكر، بيروت .
184. المنجد، لويس معلوف يسوعى، دار المشرق، بيروت .
185. منن الرحمن، محمد بهاء الدين الحارثى، ت 1030 هـ. ق، چاپخانه حيدر يه، نجف اشرف، 1344 هـ .
186. منيه المرید، زين الدين بن على بن احمد عاملى، ت 965 هـ. ق، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، قم، 1368 ش .
187. منهاج الديموع، شيخ على قرنى گلپايگانى، مؤسسهُ مطبوعاتي دين و دانش، قم، 1344 هـ. ق .
188. مهدي موعود، محمد باقر مجلسى، 1111 هـ. ق، ترجمه على دوانى، آخوندى، تهران .
189. المهذب البارع فى شرح المختصر النافع، شيخ جمال الدين ابو العباس، احمد بن فهد حلى اسدى،

841 هـ. ق، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، قم.

190. موارد السجن فى النصوص و الفتاوى، نجم الدين طبسى، دفتر تبليغات اسلامى، قم، 1411 هـ. ق.

191. الموطأ، مالك بن انس، ت 179 هـ. ق، دار احياء التراث العربى، بيروت.

192. الميزان فى تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبايى، ت 1402 هـ. ق، دار الكتب الاسلاميه، تهران.

193. النفى و التغريب، نجم الدين طبسى، مجمع الفكر الاسلامى، قم.

194. نقش زنان مسلمان در جنگ، محمد جواد طبسى نجفى، چاپخانه طلوع آزادى، 1367 ش.

195. نور الابصار، فى مناقب آل النبى المختار صلى الله عليه و اله، شيخ مؤمن بن حسن مؤمن شبلنجى، ت 1290 هـ. ق، دار الفكر، بيروت.

196. النهايه فى غريب الحديث و الاثر، مبارك بن محمد جزرى معروف به ابن الاثير، ت 606 هـ. ق، اسماعيليان، قم.

197. وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، محمد بن الحسن حرّ عاملى، ت 1104 هـ. ق، دار احياء التراث العربى، بيروت.

198. وقعه صفين، نصر بن مزاحم منقرى، ت 212 هـ. ق، كتابخانه آيه الله مرعشى، قم، 1403 هـ. ق.

199. الهدايه الكبرى، حسين بن حمدان حسيني حصيني، ت 344 هـ. ق، مؤسسه البلاغ، 1406 هـ. ق.

200. ينابيع الموده، سليمان بن ابراهيم بن قندوزى حنفى، ت 1294 هـ. ق، كتابفروشى محمدى، قم.

201. يوم الخلاص فى ظل القائم المهدي عليه السلام، كامل سليمان، دار الكتاب اللبنانى، 1402 هـ. ق.

نمايه

اشاره

آيات

روايات

معصومين عليهم السلام

اعلام (اشخاص، مكان ها، كتاب ها)

ص: 287

أَتَى أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ 168

إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ 172

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا 212

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ 213

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ 153

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ 144

أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً 139

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ 271

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أَضَعُ ناصِرًا وَ أَقْلُ عَدَدًا 29

سِيرُوا فِيهَا لِيَالِيٍّ وَأَيَّامًا آمِنِينَ 244 و 245

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ 195

فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ 163

فَأِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ* إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ 189

فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِّائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ 261

لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوَىٰ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ 146

لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا 188

مُدَّهَامَّتَانِ 262

ص: 289

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ 98

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا 200

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ 205

وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ 182

وَقُلْنَا مَنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا 121

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ 195

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ 59 و 58

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ 249

وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا 181

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ 132

وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا 244 و 245

وَمِنَ قَوْمٍ مُوسَىٰ أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ 131

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ سِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ 105

ص: 290

- آخرهم اسمه اسمى، يخرج، فيملاً الأرض 251
- ابشروا بالمهدى، رجل من قريش... يرضى لخلافته 215
- اتق العرب؛ فإن لهم خير سوء، أما إنه لا يخرج مع القائم واحد منهم 129
- إذا ظهر القائم، ظهر برايه رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، و خاتم سليمان و 108
- إذا أوزن الإمام، دعا الله باسمه العبرانى 139
- إذا تشبه الرجال بالنساء، و النساء بالرجال و 37
- إذا خرج القائم خرج من هذا الأمر من كان يرى 187
- إذا خرج القائم عليه السلام لم يبق بين يديه أحد، إلا عرفه 104
- إذا خرج القائم لم يكن بينه و بين العرب و قريش إلا السيف 180
- إذا خرج المهدي عليه السلام ألقى الله الغنى فى قلوب العباد 235
- إذا رأيت الرجل يعبر على إتيان النساء 38
- إذا ظهر القائم و دخل الكوفه، بعث الله تعالى 129
- إذا ظهر المهدي فى أمتى، أخرجت الأرض زهرتها و 262
- إذا قام القائم أذهب الله عن كل مؤمن العاهه و 270
- إذا قام القائم أمر بهدم المنار و المقاصير التى 202
- إذا قام القائم، بعث فى أقاليم الأرض فى كل 247
- إذا قام القائم بمكّه و أراد أن يتوجه إلى الكوفه 108

إذا قام القائم عليه السّلام...ثم يدخل الكوفه،فيقتل بها كلّ منافق 189

إذا قام القائم دخل الكوفه و أمر بهدم المساجد الأربعة حتى 201

إذا قام القائم عليه السّلام دعا الناس إلى الإسلام 193

إذا قام القائم عليه السّلام سار إلى الكوفه،فيخرج منها بضعه عشر 186

إذا قام القائم سار إلى الكوفه فيمكث على ذلك 110

إذا قام القائم سار إلى الكوفه...ولم يبق مسجد 257

إذا قام القائم عليه السّلام سار إلى الكوفه...ويفتح 156

إذا قام القائم عليه السّلام عرض الإيمان على كلّ ناصب،فإن 178

إذا قام القائم من آل محمّد صلّى الله عليه و اله و سلّم أقام خمسمائه من قريش 178

إذا قام القائم عليه السّلام نزلت سيوف القتال،على كل سيف 151

إذا قام القائم...وأبطل الكنف و الميازيب إلى الطرقات 269

إذا قام القائم و دخل الكوفه لم يبق مؤمن إلاّ و هو بها 217

إذا قام القائم...ويبعث جندا إلى 112

...إذا قام القائم...ويبعث جندا إلى القسطنطينيه،فإذا بلغوا 155

إذا قام القائم يأمر الله الملائكه بالسّلام على المؤمنين 169

إذا قام القائم آل محمّد استخرج من ظهر الكعبه سبعة عشر رجلا 130،219،246

إذا قام قائم آل محمّد استخرج من ظهر الكعبه سبعة عشر رجلا 130

إذا قام قائم آل محمد صلّى الله عليه و اله و سلّم بنى فى ظهر الكوفه مسجدا،له ألف باب 233

إذا قام قائم آل محمد صلّى الله عليه و اله و سلّم حكم بين الناس بحكم داود 247

إذا قام قائم آل محمّد عليه السّلام...و يعرف وليّه من عدوّه بالتوسّم 105

إذا قام قائم أهل البيت-قسّم بالسويّه و عدل فى الرّعيه 250،251

إذا قام قائمنا، أذهب الله عزّ وجلّ من شيعتنا العاهه و 146،268

إذا قام قائمنا، أذهب الله عزّ وجلّ من شيعتنا العاهه و 146

إذا قام قائمنا سقطت التقيه، و 192

إذا قام قائمنا قال: يا معشر الفرسان؛ سيروا 257

ص: 292

إذا قام قائمنا...لذهبت الشحنةاء من قلوب العباد 234

إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد،فجمع به عقولهم و 236

إذا كان عند خروج القائم...فعند ذلك تفرخ الطيور 241،260

إذا كنتم كما أوصيناكم و لم تعدوه إلى غيره 150

إذا نادى مناد من السماء...إنّ الحق في 81

إذا نادى مناد من السماء...إنّ الحق في آل محمّد 79

إذا نزل عيسى بن مريم قتل الدجال...والحيّات سو العقارب 242

إذا نزل عيسى بن مريم و قتل الدجال تمتّعوا،تحيلوا ليله طلوع الشمس 268

إذا نزل عيسى بن مريم و قتل الدجال يقول الرجل 240

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ...؛ فهذه-آل محمّد صلّى الله عليه و اله و سلّم إلى آخر الأئمّه 153

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ... قال:«نزلت في المهدي و أصحابه 213

الذي نفسى بيده لا تقوم الساعه حتى يخرج أحدكم من أهله 230

العلم سبعة و عشرون حرفا 227

القائم مئتا منصور بالرعب 165

القائم مئتا...يبلغ سلطانه المشرق و المغرب 154

القائم من ولدى،يعمر عمر خليل الرحمن،يقوم في الناس 224

القائم يهدم المسجد الحرام حتى يرده إلى أساسه و 203

القي الرعب في قلوب شيعتنا من عدونا فإذا وقع 147

المفقودون عن فرشهم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا 135

المهدي أعلم الناس.و أحلم الناس،و أتقى الناس،و 100

المهدي مئتا...يملك سبع سنين 222

اما إن قائمنا إذا قام كسره-مسجد الكوفه-و سوى قبلته 200

إن إبراهيم عليه السلام لما أوقدت له النار، أتاه جبرئيل عليه السلام 103

إن الإسلام يظهره الله على جميع الأديان عند قيام القائم عليه السلام 154

ص: 293

- إنَّ الساعه لا تقوم حتى يدخل الرجل على ذى رحمه 35
- إنَّ العلم بكتاب الله عزَّ وجلَّ و سنه نبيّه عليه السّلام ينبت فى قلب مهديّنا 227
- إنَّ القائم صلوات الله عليه ينادى باسمه ليله ثلاث و 78
- إنَّ القائم يملك ثلاثمائه و تسع سنين 224
- إنَّ الله آخا بين الأرواح فى الأظله قبل أن يخلق الأبدان 196
- إنَّ الله تعالى يبعث لهذه الأّمه على رأس كل 65
- إنَّ الله خيّر ذا القرنين السحابين: الذلول و الصعب 109
- إنَّ الله نزع الخوف من قلوب أعدائنا، و أسكنه 147
- إنَّ الملائكه الذين نصرنا محمّدا صلّى الله عليه و اله و سلّم يوم بدر 168
- إنَّ المؤمن فى زمان القائم-و هو بالمشرق-ليرى أخاه الذى فى المغرب و 228
- إنَّ المهدي عليه السّلام يسير هو و من معه، فينزل قسطنطينيه 156
- إنَّ أرواح المؤمنين يرون آل محمّد فى جبل رضوى 130
- إنَّ ذا القرنين كان عبدا صالحا جعله الله عزَّ وجلَّ حجّه على عباده 155
- إنَّ صاحب هذا الأمر لو قد ظهر، لقى من الناس 186
- إنَّ علىّ بن أبى طالب عليه السّلام كان يلبس ذلك فى زمان 102
- إنَّ قائمنا إذا قام استقبل من جهله الناس أشدّ ممّا 187
- إنَّ قائمنا إذا قام...تظهر الأرض كنوزها حتى 252
- إنَّ قائمنا إذا قام مدّ الله لشيعتنا فى أسماعهم و أبصارهم 229
- إنَّ قائمنا إذا قام...و يتّصل بيوت الكوفه بنهر كربلاء و بالحيره 256
- إنَّ قائمنا إذا قام...و يعمر الرجل فى ملكه حتّى يولد له ألف ذكر 268
- إنَّ قائمنا لو قد قام كان نصيبك فى الأرض أكثر منها 251

إِنَّ قَبْلَ خُرُوجِ الدَّجَالِ ثَلَاثَ سِنَوَاتٍ، يَصِيبُ النَّاسَ 60

إِنَّ قَدَامَ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ 60

إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ وَلَكِنْ لَا تَكْمَلُونَ إِيمَانَكُمْ حَتَّىٰ يَخْرُجَ قَائِمُنَا 238

إِنَّ لِعَلِيِّ قَمِّ مَلِكًا رَفَرَفَ عَلَيْهَا بِجَنَاحِيهِ لَا يَرِيدُهَا جَبَّارٌ 69

ص: 294

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْمَشْرِقِ مَدِينَةً اسْمُهَا جَابَلْقَا 132

إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَدِينَتَيْنِ: مَدِينَةً بِالْمَشْرِقِ وَ مَدِينَةً بِالْمَغْرِبِ، فِيهَا قَوْمٌ 171

إِنَّ لِلَّهِ وَدَائِعَ مُؤْمِنِينَ فِي أَصْلَابِ قَوْمِ كَافِرِينَ وَ 189

إِنَّمَا سَمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِي حَتَّى أَنَّهُ يَبْعَثُ 230

إِنَّمَا سَمِّيَ قَمًّا لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمٍ 70

إِنَّمَا سَمِّيَ قَمًّا لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَ 127

إِنَّ هَذَا - يَعْنِي جَبِيْرَ الْخَابُورِ - فِي جَبَلِ الْأَهْوَازِ 118

إِنَّهُ قَالَ عِنْدَ مَا مَرَّ عَلَى قَتْلِ الْخَوَارِجِ... لَقَدْ صَرَعَكُمْ مِنْ غُرُكُم 185

إِنَّهُ مِنْ وَلَدِي كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَخْرُجُ عِنْدَ 97

إِنَّهُمْ يَمْضُونَ إِلَى الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ مُخْتَفٍ تَحْتَ الْمَنَارَةِ 142

إِنَّهُ يَخْرُجُ... وَ غَمَامَتُهُ السَّحَابُ وَ دَرَعُ رَسُولِ اللَّهِ السَّابِعَةُ 104

إِنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْتَخْرِجُ الْكَنْوُزَ، وَ يَقْسِمُ الْمَالَ وَ يَلْقَى الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ 251

إِنَّهُ - يَعْنِي نَجْمَ بْنَ أَعْيُنَ - مَمَّنْ يَجَاهِدُ فِي الرَّجْعَةِ 133

إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ فِي إِسْمَاعِيلَ أَنْ يَبْقِيَهُ بَعْدِي، فَأَبَى 117

أَبَشَّرَكُمْ بِالْمَهْدِيِّ، يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافِ النَّاسِ 236

أَبَشَّرُوا بِالْمَهْدِيِّ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ، يَظْهَرُ مِنْ جِهَةِ الْمَغْرِبِ 49

أَتَعْلَمُونَ أَنَّ النَّاسَ يَقْطَعُ عَلَيْهِمْ بَيْنَ الْمَدِينَةِ وَ مَكَّةَ، فَتَوْخُذُ 245

أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رِجَالًا 74

أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رِجَالًا أَوْلَادِ الْعِجْمِ 120

أَصْحَابُ الْقَائِمِ: ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ، وَ كُلٌّ وَاحِدٌ يَرَى نَفْسَهُ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ 135

أَصْحَابُ الْكَهْفِ أَعْوَانُ الْمَهْدِيِّ 221

أصحاب المهدي شباب لا كهول فيهم إلا 146

ألا إنه أشبه الناس خلقا و خلقا و حسنا برسول الله صلى الله عليه و اله و سلم 126

ألا أريك قميص القائم الذي يقوم عليه؟ 102

أما إن ذا القرنين قد خير السحابين، فاختار الذلول 109

ص: 295

أَمَا إِنَّ قَائِمَنَا لَوْ قَدْ قَامَ لَقَدْ أَخَذَ بَنِي شَيْبَةَ وَ 179

أَمَا إِنَّهُ مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ 217

أَمَا تَرْضَوْنَ أَنَّ أَعْدَاءَكُمْ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَأَنْتُمْ آمَنُونَ 147

أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ 213

أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ، وَ لَكِنِّي لَسْتُ بِالذِّي أَمْلَأُهَا 100

أَنْزَلْتُ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامَ، إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ، وَالنَّصَارَى، وَالصَّابِئِينَ، وَ 182

أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ يَا جَابِرُ وَ لَمَّا تَكَثَرَ الْقَتْلَى بَيْنَ الْحَيْرَةِ وَ الْكُوفَةِ 53

أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِهِ قَائِمُنَا سَقُوفَ الْمَسَاجِدِ، فَيَكْسِرُهَا وَ 203

أَوَّلُ مَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يَنَادِيَ مَنَادِيَهُ أَنْ يَسْلَمْ 214

أَيُّ بَقَاعِ اللَّهِ أَفْضَلُ بَعْدَ حَرَمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ؟ فَقَالَ: «الْكُوفَةُ 218

بَعْدَ الدَّجَالِ يَبَارِكُ اللَّهُ فِي الرَّسْلِ حَتَّى أَنْ اللَّفْحَةَ مِنْ 263

بَلَاءٍ يَصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً 49

بَلَى وَ لَكِنْ هَذِهِ الْعِدَّةُ الَّتِي يَخْرُجُ فِيهَا الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ 246

بَنَّا يَفْتَحُ اللَّهُ، وَ بَنَّا يَخْتَمُ، وَ بَنَّا يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ 259

بَيْنَا شَبَابُ الشَّيْعَةِ عَلَى ظُهُورِ سَطُوحِهِمْ نِيَامٌ؛ إِذْ 140

بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَبْيَضٌ، فَالْمَوْتُ 53

بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَبْيَضٌ وَ 48

بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَبْيَضٌ وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ 267

تَرْبَهُ قَمِّ مَقْدَسِهِ... أَمَا وَ إِنَّهُمْ أَنْصَارُ قَائِمِنَا وَ دَعَاؤُهُ حَقَّنَا 127

تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ رَأْسِ السَّبْعِينَ، وَ إِمَارَةِ الصَّبِيَّانِ 29

تَقَى الْأَرْضَ أَفْلَاحَ كَبْدِهَا، أَمْثَالَ الْأَسْطُوانِ مِنَ الذَّهَبِ وَ 237

تكثر الصواعق عند اقتراب الساعة حتى يأتي الرجل 266

تمتلئ الأرض ظلماً و جوراً حتى يدخل كل بيت خوف و 26

تملاً الأرض ظلماً و جوراً حتى يدخل كل بيت 26

تنزل الرايات السود-التي تخرج من خراسان-120

ص: 296

تنعم أمتي في ديناه نعماً لم تنعم مثله قطّ، البرّ 260

ثلاثه عشر مدينه و طائفه يحارب القائم أهلها 162

ثم إن المهدي عليه السلام يسير حتى ينزل أو مينيّه الكبرى 160

ثم إن المهدي عليه السلام يفرّق أصحابه و هم الذين عاهدوه 255

ثم إن جيش المهدي عليه السلام يقتل جيش الأعرور الدجال 241

ثم إنه عليه السلام يجعل عيسى خليفته على قتال الأعرور الدجال 116

ثم بعد ذلك يقيم الرايات و يظهر المعجزات 112

ثم يأتي إلى مدينه يقال لها: مقاطع و هي على البحر 160

ثم يأمر المهدي عليه السلام بإنشاء مراكب، فينشأ أربعمائنه سفينه في ساحل عكا 155

ثم يبعث -أي السفيناني- فيجمع الأطفال، و يغلى 44

ثم يتوجه المهدي من مدينه القاطع إلى القدس الشريف 157

ثم يخرج من مكّه هو و من معه الثلاث مائه و 104

ثم يسير المهدي عليه السلام إلى مدينه الزنج الكبرى، و 160

ثم يسير المهدي... ثم يأتي إلى مدينه يقال لها 112

ثم يسير المهدي و من معه من المسلمين، لا يمرّون 111

ثم يسير بالجيوش، حتى يصير بالعراق، و الناس خلفه 118

ثم يظهر المهدي بمكّه. فيفتح الله أرض الحجاز و 82

ثم يظهر بمكّه عند العشاء و معه رايه رسول الله صلى الله عليه و اله و سلّم و 79

ثم يعقد بها القائم ثلاث رايات، لواء إلى 157

... ثم يقبل إلى الكوفه، فيكون منزله بها، و لا يقتل قتيل 150

ثم ينشأ رجل من قريش... فيقسّم المال، و يعمل بسنّه نبينهم 251

جدّدت أربعه مساجد بالكوفه فرحا بقتل الحسين عليه السّلام: 201

...حتّى أنّ الشجره والحجر ينادى: يا روح الله؛ هذا يهودى 183

...حتى تسير المرأتان، لا تخشيان جورا 243

خذها أنت، فضعها في جيرانك من أهل الإسلام و 214

ص: 297

خروج الحسين عليه السلام في سبعين من أصحابه، عليهم البيض المذهب 271

دخل الحسين بن عليّ عليه السلام... فقال: هذا سيّدكم، سمّاه رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلّم 33

دمان في الإسلام حلال من الله لا يقضى فيهما 194

دولتنا آخر الدول، و لن يبقى أهل بيت لهم دوله إلاّ 205

ذلك إذا ظهر الحقّ، و قام قائمنا أهل البيت 198

... رجال كأنّ قلوبهم زبر الحديد، لا يشوبها شكّ في ذات الله 148

... رجال لا ينامون الليل، لهم دوىّ في صلاتهم كدوىّ النحل 144

ستخلو كوفه من المؤمنين، و بأزر عنها العلم 68

ستكون بعدى فتن منها فتن الأَحلاس 51

ستكون بعدى فتن منها فتن الأَحلاس، يكون 15

ستكون فتنه لا يهدأ منها جانب إلاّ جاش 51

ستكون فتنه لا يهدأ منها جانب إلاّ جاش منها جانبان 51

سيأتى زمان على أمّتى... مساجدهم عامره، و 32

سيأتى زمان... فقهاء ذلك الزمان شرّ فقهاء 32

سيأتى على الناس زمان لا يعرفون الله و ما 32

سيأتى على أمّتى لا يبقى من القرآن إلاّ رسمه، و 31

سيأتى في مسجدكم، ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا 136

سيكون بعدكم أقوام تطوى لهم الأرض، و 74

سيكون بعدكم أقوام تطوى لهم الأرض... و تفتح لهم الدنيا 230

سيكون بعدكم أقوام تطوى لهم الأرض و تفتح لهم الدنيا و 140

سيكون من بعدى خلفاء، و من بعد الخلفاء أمراء، و 27

طوبى لعيش بعد المسيح [دجال] يؤذن للسماء 260

ظهور البواسير، و موت الفجأه، و الجذام، من اقتراب الساعه 267

علامته أن يكون شيخ السنّ، شابّ المنظر حتى 100

عليكم بالتسليم و الردّ إلينا، و انتظار أمرنا و أمركم 193

ص: 298

فإذا خرج عليه السّلام، أشرقَت الأرض بنور ربّها و هو الذي 109

فإذا خرج عليه السّلام... و وضع ميزان العدل بين الناس 213

فإذا قام عليه السّلام... ثمّ يتناول قريشاً... فلا يأخذ منها 180

فإذا كانت الجمعه الثانيه قال الناس: يا بن رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلّم، الصلاه 234

... فإنّ الله لم يذهب بالدنيا حتى يقوم القائم منّا 196

فإنّ لله عزّ و جلّ بها كنوزا ليست من ذهب و لا فضّه 128

... فأول ما يبدأ بنى شبيهه، فيقطع أيديهم و يعلّقها 179

فينا صاحب الأمر قد حكم ببعض الأحكام، و تكلم 162

فعند ذلك، خروج المهدي و هو رجل من ولد هذا... و 254

فقال: عساك تسألني عن الحشر و النشر؟... محشر الناس كلّهم 70

فلا الكبير يرحم الصغير، و لا القويّ يرحم الضعيف 35

فلا يبقى في الأرض خراب إلاّ عمّر 255

فلا يترك- أي المهدي- عبدا مسلما إلاّ اشتراه و 254

فبيعت الله تبارك و تعالی ربحا فتنادى بكلّ واد 203

فبيعت الله عند ذلك منهما- حسنين- من يفتح حصون 237

فبيعت المهدي عليه السّلام إلى أمرائه بسائر الأمصار 261، 268

فبيعت المهدي... و يقبل الناس على العباده و المشروع و 234

فبيعت بالبيعه إلى المهدي جنوده إلى الآفاق و 161

فبيعت رجلا من أمّتي يحبّه ساكن الأرض و ساكن السماء 215

فيجتمع إليه كالطير الوارده حتى يجتمع إليه ثلثمائه و 136

في خطبته في الدجال و قتله... و يكون الفرس بدرهومات 164

فيظهر في ثلاثائه و ثلاثة عشر رجلا عدّه أهل بدر 136

فيظهر قائمنا المتغيّب، فيقدمه الروح الأمين و 269

فيفرح به أهل السماء و أهل الأرض و الطير و 81

فيمكث على ذلك سبع سنين مقدار كلّ سنه عشر سنين 222

ص: 299

فيملاً الأرض قسطاً و عدلاً، و تمطر السماء مطراً، و 259

فينزل المهدي على بابها-قسطنطيه-ولها 111

قتل فظيع، و موت سريع، و طاعون شنيع 53

قدّام القائم موتان: موت أحمر و موت أبيض 53

قدّام هذا الأمر قتل بيوح 52

قدّام هذا الأمر قتل بيوح 52

كانت عصا موسى لآدم عليه السّلام فصارت إلى شعيب 113

كأني أنظر إلى القائم على ظهر النجف، فإذا 167

كأني أنظر إلى القائم و أصحابه في نجف الكوفة كأنّ على رؤوسهم الطير 143، 145

كأني أنظر إلى شيعتنا بمسجد الكوفة قد ضربوا الفساطيط 232

كأني بالعجم فساطيطهم في مسجد الكوفة يعلمون الناس 232

كأني بالقائم على منبر الكوفة و قد لبس درع رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلّم 82

كأني بالقائم و قد لبس درع رسول الله صلّى الله عليه و اله و سلّم لا يبقى أهل بلاد 229

كأني بالقائم... و هو يفرق الجنود في البلاد 160

كأني بالقائم يوم عاشورا يوم السبت، قائماً 78

كأني بأصحاب القائم عليه السّلام و قد أحاطوا بما بين الخافقين 148

كأني بحمران بن أعين و ميسر بن عبد العزيز يخبطان الناس 133

كأني بشيعة عليّ في أيديهم المثنائي 232

كأني بعبد الله بن شريك العامري، عليه عمامه سوداء 118

كم يقوم القائم...؟ قال: «تسع عشره سنه من يوم قيامه 223

كم يملك القائم؟ قال «سبع سنين تطول له الأيّام و الليالي 222

كيف أنتم إذا بقيتم بلا إمام هدى و 29

لا بدّ من فتنه صمّاء... فعند ذلك يأتي الناس 81

لا تراه عين في وقت ظهوره إلاّ رأته كلّ عين، فمن قال لكم غير هذا فكذبوه 229

لا ترفع المناره إلاّ مع سطح المسجد 202

ص: 300

لا ترون الذى تنتظرون حتى تكونوا كالمعزى 50

لا تشر من السودان أحدا، فإن كان لا بدّ 132

لا تقوم الساعه حتى أن المرأه لتمرّ بالنعل فترفعها 40

لا تقوم الساعه حتى تقاتلوا اليهود، فيفرّ اليهودى وراء الحجر 183

لا تقوم الساعه حتى تؤخذ المرأه نهارا جهارا 37

لا تقوم الساعه حتى يتبع الرجل قريب من ثلاثين 40

لا تقوم الساعه حتى يتغايرون على الغلام كما 38

لا تقوم الساعه حتى يجتمع كلّ مومن بالكوفه 218

لا تقوم الساعه حتى يحسب أبو الخمسه أنهم أربعة و 38

لا تقوم الساعه حتى يظهر الموت الأبيض 48

لا تقوم الساعه حتى يكون الولد غيظا 39

لا يبقى على وجه الأرض أعمى، ولا مقعد، ولا مبتلى إلاّ 269

لا يخرج المهدي حتى يرفعه الظلمه 26

لا يخرج المهدي حتى يقتل ثلث، ويموت ثلث و يبقى ثلث 53

لا يفتح القسطنطينيه و لا الديلم و لا طبرستان 156

لا يقوم القائم إلاّ على خوف شديد 26

لا يقوم القائم إلاّ على خوف شديد، وطاعون قبل ذلك 48

لا يكون هذا الأمر حتى يذهب تسعه أعشار الناس 54

لا يكون هذا الأمر حتى يذهب ثلثا الناس 54

لتأتيكم بعدى أربع فتن: الأولى: يستحلّ فيها الدماء 50

لتصلنّ هذه بهذه- و أوما بيده إلى الكوفه و الحيره- حتى يباع 256

لقائم آل محمد غيبتان: أحدهما أطول 53

لكأني أنظر إليهم... جبرئيل عن يمينه و 167

لما عرج بي إلى السماء... فقلت يا ربّ؛ هولاء أوصيائي 153

لموضع الرجل في الكوفة أحبّ إليّ من دار في المدينة 218

ص: 301

...لو أنّهم وردوا على ما بين المشرق و المغرب من الخلق 152

لوقام القائم لحكم بثلاث لم يحكم بها أحد قبله 194

لوقام قائمنا أعطاه الله السيماء، فيأمر 105

لوقام قائمنا يعرف أعداءنا بسيماهم فيؤخذ بنواصيهم 179

لو قد قام القائم لأنكره الناس؛ لأنه يرجع إليهم 98

لو قد قام قائمنا لبدأ بكذّابي الشيعة فقتلهم 196

لولا من يبقى بعد غيبه قائمكم عليه السلام من العلماء الداعين إليه 65

لو لم يبق من الدنيا إلا يوم، لبعث الله فيه رجلا 156

لو لم يبق من الدنيا... يردّ الله به الدين و يفتح له فتوحا 154

لو يعلم الناس ما يصنع القائم إذا خرج لأحبّ أكثرهم 178

له... رجال كأنّ قلوبهم زبر الحديد، هم أطوع له 145

...لهم سيوف من حديد، غير هذا الحديد، لو ضرب 151

ليأتينّ على الناس زمان تغبطون فيه الرّجل 39

ليأتينّ عليكم زمان يتمّي الرّجل الموت من غير فقر 46

ليأتينّ على هذه الأمّة يوم يمسون يتسائلون بمن 47

ليبتينّ بالحيرة مسجدا له خمسمائه باب، يصلّي فيه 233

ما بقى بيننا و بين العرب إلاّ الذبح، و أوما بيده إلى حلقة 180

ما تقارب أسواقها؟ قال: كسادها و مطر و لا نبات 59

ما جند بنى مروان؟ قال: فقال له: أقوام حلقوا اللّحي و قتلوا الشوارب 90

ما من معجزه من معجزات الأنبياء إلاّ و 113

ما يستعجلون بخروج القائم؟ فو الله ما لباسه 101

ما يوعدون فى هذه الآيه، القائم المهديّ و 30

مرحبا ياخواننا من أهل قمّ 66

ملك القائم تسع عشره سنه و أشهر 224

منا الإمام الذى يكون عنده الكتاب و العلم و السلاح 228

ص: 302

من اقتراب الساعه أن يموت الرجل بغير وجع 266

من أدرك قائم أهل بيتي من ذى عاهه برئ و من ذى ضعف قوى 270

من أشراط الساعه: الفالج، و موت الفجأه 48

من أشراط الساعه أن يفشو الفالج و موت الفجأه 267

من أشراط الساعه أن يفيض المال، و يظهر العلم و يفشو التجار 263

من أشراط الساعه أن يقلّ الرجل و يكثر النساء حتى 39

من سرّه أن ينظر إلى رجل من أصحاب القائم فليُنظر إلى هذا 134

من كانت له دار بالكوفه فليتمسك بها 218

من يعذرني عن هؤلاء الضياطره، يقبل أحدهم يتقلّب على حشايه 72

موسّع على شيعتنا أن ينفقوا ممّا فى أيديهم بالمعروف 200

و إذا آن قيامه عليه السّلام مطر الناس جمادى الآخره و 259

و الذى نفس محمّد بيده؛ لا تفنى هذه الأّمّه حتى 37

و الذى نفسى بيده لا تذهب الدنيا حتى يأتى على الناس 52

و الذى نفسى بيده؛ لا تذهب الدنيا حتى يأتى على الناس 52

و الذى نفسى بيده لا تذهب الدنيا حتّى يمرّ الرجل 45

... و الشهيد معه- له- شهادتان 150

... و الله أن لو قام قائمنا لجمع الله إليه جميع شيعتنا 140

و الله لأنّا أوثق بهم منكم أو من بعضكم 71

و الله ليزرعنّ الزرع، و ليغرسنّ النخل بعد خروج الدجال 262

و إمام الناس يومئذ رجل صالح... و لا يسعى على شاه 242

و إنّ البلايا مدفوعه عن قمّ و أهله، و 68

و بعد ذلك يملك المهدي مشارق الأرض و مغاربها 261

...و بين يدي الساعة موتان شديد و بعده سنوات الزلازل 266

و تجارات كثيره و ربح قليل، ثم قحط شديد 59

و تحمل الأشجار و تتضاعف البركات 261

ص: 303

و ترسل عليهم السماء مدرارا 258

و تزيد المياه في دولته و تمدّ الأنهار 259

و تسير إليه-أى المهدي-شيعته من أطراف الأرض 140

...و تعيش الماشيه 263

و تقبل الجيوش أمامه، و يكون همدان وزراء 221

و تكون الأرض كفاتوره الفصّه تنبت نباتها 260

...و تؤتون الحكمه في زمانه حتى أنّ المرأه لتقضى في بيتها 232

و خروجه إذا خرج عن اليأس و القنوط 48

و ذلك عند ما يصير الدنيا هرجا و مرجا، و 42

و عند ذلك خروج السفيناني، و يقلّ الطعام 60

و في خراسان كنوز لا ذهب و لا فضّه، و لكن 74

...و في خراسان كنوز لا ذهب و لا فضّه، و لكن رجال 128

...و لا تنشر-الرايه-حتى يخرج المهدي، و يمدّ بثلاثه 168

و لا يبقى من الناس في ذلك الوقت إلاّ ثلثهم 54

و لو قد قام القائم عليه السّلام ما احتاج إلى مساءلتكم عن ذلك 189

و لو قد قام قائمنا، لأنزلت السماء قطرها و لأخرجت 240، 262

و ليتّمّن الله هذا الأمر حتّى يسير الراكب من صنعاء 243

و ليكوننّ من يخلفني في أهل بيتي، و ذلك 49

و ما يخرج إلاّ في أولى قوّه، و ما يكون أولو القوّه أقلّ من عشره آلاف 137

...و من أدرك قائمنا فخرج معه فقتل عدوّنا 150

و هم من خشيه الله مشفقون، يدعون بالشهاده 148

وهو-أى عيسى-الوزير الأمين للقائم، وحاجبه ونائبه 219

ويباع الأحرار للجهد الذى يحلّ بهم، يقرون 47

ويبعث المهدي وهو ما بين الثلاثين إلى الأربعين 98

ويبعث جنوده فى الآفاق 154

ص: 304

و يتّصل بيوت الكوفه بنهر كربلاء و بالحيره حتى يخرج 234

و يجتمع النفر على الرمانه فتشبعهم 261

و يجيء له أصحاب الكهف 119

و يجيء و الله ثلاثمائه و بضعه رجلا 84

ويحا للطالقان؛ فإنّ لله عزّ و جلّ بها كنوزا 74

ويح؛ هذه المرجئه إلى من يلجؤون غدا إذا قام قائمنا؟ 185

و يخرج المهدي... ثم يقبل إلى الكوفه، فيكون منزله بها 217

و يخرج المهدي... و لا مظلمه لأحد من الناس 247

و يخرج الناس خراجهم على رقابهم إلى المهدي و 253

و يرفع الشحناء و التباغض 234

... و يسير الرّعب أمامه شهرا، و خلفه شهرا 166

... و يسير الرعب قدّامها شهرا [و وراءها شهرا] و 166

... و يسير إلى الكوفه، فيخرج منها ستّة عشر ألفا من البتريّه 186

... و يعطى الناس عطايا مرّتين في السنه، و يرزقهم في الشهر 253

... و يكون الثور بكذا و كذا من المال، و يكون الفرس بالدرهيمات 164

و يكون جفاف الأنهار... و يقع القحط 59

و يلحقه هناك ابن عمّه الحسنى في اثني عشر ألف فارس 107

و يل للعرب من شرّ قد اقترب فتنا 34

و يل لمن هدمك و ويل لمن سهّل هدمك و ويل لبانيك بالمطبوخ المغيّر قبله نوح 200

... و ينزل الله له البركه من السماء 258

... و يؤيّده الله بالملائكه و الجنّ و شيعتنا المخلصين 166

...و يؤيده الله بثلاثه أجناد: بالملائكه 166

هو أمرنا يعنى قيام قائمنا آل محمد، أمرنا الله أن 168

هيهات هيهات!! يا زراه؛ ما يسير بسيرته، إن رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم سار فى أمته باللين 176

يا ابن أبى يعفور هل قرأت القرآن...عنها سألتك 163

ص: 305

يا أبا حمزه؛ كأتى بقائم أهل بيتى قد علا نجفكم 80

يا أبا حمزه؛ لا يقوم القائم إلا على خوف شديد و 46

يا أبا محمّد، إن أبى لبس درع رسول الله صلى الله عليه و اله و سلّم فكانت 99

يا أبا محمّد؛ كأتى أرى نزول القائم فى مسجد السهلة بأهله و عياله 217

يا أهل الكوفة... وليأتينّ عليه-أى مسجد الكوفة-زمان يكون مصلى المهدي 217

يا بريد؛ و الله ما بقيت لله حرمه إلا انتهكت 193

يا رشيد، كيف صبرت اذا أرسل إليك دعى بنى أمّيه 92

يا على؛ إن قائمنا إذا خرج... فإذا حان وقت خروجه 103

يا على؛ و ذلك حين تغيرت البلاد، و ضعف 48

يا فاطمه؛ و الذى بعثى بالحق؛ إن منهما 42

يا مفضّل، أنت و أربعه و أربعون رجلا تحشرون 119

يا مفضّل، أنت و أربعه و أربعون رجلا مع القائم 136

...يا ولدى على؛ و الله؛ لا يسكن دمي حتى يبعث الله المهدي 189

يا وهب أتحسب أنه يوم يبعث الله فيه الناس؟ إن الله أنظره 190

يأتى على الناس زمان... فعند ذلك يحرمهم الله 57

ياوى إلى المهدي أمّته كما ياوى النحل إلى يعسوبها 242

يبايع بين الركن و المقام ثلاث مائه و نيف عدّه 129

يبدأ بنى شبيهه فيقطع أيديهم؛ لأنّهم سراق بيت الله عزّ و جلّ 179

يبعث الله رجلا فى آخر الزمان... و لا يبقى طالع إلا صلح 235

يتمسّحون بسرج الإمام عليه السّلام يطلبون بذلك البركه و 145

يتهاجون فى الطريق تهاجج البهائم، ثم يقوم 37

يجفّ ماء بحيره طبريا، ويتوقّف 59

يجمع الله له من أقاصى البلاد على عدّه أهل بدر 145

يخرج القائم فى يوم السبت يوم عاشوراء يوم 78

يخرج المهدي حكما عدلا، فيكسر الصليب، و 197

ص: 306

يخرج المهدي من أمتي، يبعثه الله غياثا للناس 82

يخرج المهدي... ويطاف بالمال في أهل الحواء فلا يوجد أحد يقبله 252

يخرج إليه الأبدال من الشام وأشتاتهم كأن قلوبهم 129

يخرج رجل من ولدي... ولا يبقى ميت إلا دخلت عليه الفرحة في قبره و 216

يخرج رجل من ولدي... ووضع يده على رؤوس العباد 237

يخرج في آخر الزمان خليفه، يعطي المال بغير عدد 250

يخرج في آخر أمتي المهدي يسقيه الله الغيث و تكثر الماشيه 263

يخرج قائمنا أهل البيت يوم الجمعة 77

يخرج من تهامه... وله كنوز لا ذهب ولا فضة إلا خيول مطهيه و 135

يدخل المهدي الكوفه... ويبعث فيحفر من خلف 256

يرد الله به الدين، ويفتح له فتوحا، فلا يبقى على وجه الأرض 153

يسالهم كما سالهم رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم، و يؤدون الجزية عن 184

يسير المهدي... حتى تبنى المساجد بالقسطنطينيه و ما دونها 233

يصبح أحدكم و تحت رأسه صحيفه عليها مكتوب: طاعه معرفه 140

يطيل الله عمره في غيبته، ثم يظهره بقدرته 98

يظهر في آخر الزمان على رأسه غمامه تظله من الشمس 113

يعمل سبع سنين على هذه الأمة 223

يقاتلون و الله؛ حتى يوحد الله، ولا يشرك به شيء و 243

يقبل الحسين عليه السلام في أصحابه الذين قتلوا معه، و 273

يقتل القائم حتى يبلغ السوق-قال-فيقول له رجل 187

يقتل من كل عشره آلاف تسعه آلاف و تسعمائه 55

يقضى القائم بقضايا ينكرها بعض أصحابه ممن قد ضرب 204

يقول القائم لأصحابه: يا قوم إنَّ أهل مكة لا يريدونني ولكنني 181

يقوم عليه السّلام بأمر جديد و سنّه جديده و قضاء جديد 178

يكنّ مع القائم ثلاثة عشر امرأه 84

ص: 307

يكون المهدي عمره إن قصر فسبع و إلا فثمان و إلا فتسع 223

يكون شيعتنا في دوله القائم عليه السلام سنام الأرض و حكامها 146

يكون عند انقطاع من الزمان و ظهور من الفتن 250

يكون في آخر أمّتي خليفه يحثي المال حثيا و لا يعدّه عدّا 251

يكون في أمّتي المهدي... و المال يومئذ كدوس 252

يكون لصاحب هذا الأمر غيبه في بعض الشعاب- ثم أوما 144

يكون هذا الأمر في أصغرنا سنّا و أجملنا ذكرا، يورثه الله علما و 228

يلتقى السفيناني ذا الرايات السود، فيهم شابّ من 116

يلي المهدي أمر الناس ثلاثين أو أربعين سنه 223

... يملأ الأرض عدلا كما ملئت جورا حتى يكون 240

يملاّ الله عزّ و جلّ أياديكم من الأعاجم و يصيرون 120

يملك المهدي تسعا أو عشرا، أسعد الناس من أهل الكوفه 218

يملك المهدي تسع سنين 223

يملك عشر سنين 223

يملك عشرين سنه يستخرج الكنوز و يفتح مدائن الشرك 223

يتميّز الله أولياءه و أصفياه حتى يطهرّ الأرض من 40

ينزل بأمتي في آخر الزمان بلاء شديد من 27

ينزل بأمتي في آخر الزمان بلاء شديد من سلطانهم 49

ينزل على القائم عليه السلام تسعه آلاف ملك و 168

ينزل عيسى بن مريم على ثمانمائه رجل و 84

ينزل عيسى... و يجمع الكتب من أنطاكيه... فيكشف 172

ينزل عيسى...و يقبض أموال القائم ويمشى خلفه أهل الكهف 219

يوشك أن تداعى عليكم الأمم كما تداعى 41

يوم النيروز هو اليوم الذى يظهر فيه قائمنا 78

ص: 308

امام صادق عليه السلام 90,92,93,98,99,101, ، ، 63,64,66,68,77,78,81,84,85,88 ، 29,31,38,44,53,54,58,59 ، 148,151,-140,143,145 ، 128,130,133,134,136,138,139 ، 107,109,112,113,118,119,127 ، 103,104,105 ، 155,162 ، 199,203,212,214,224,-196 ، 194-189,192-183,186,187 ، 165,166,168,169,176,177,180 ، 270,271,273 ,251,252,256,259,262,267,268 ,229,232,233,243,244,246,247 ,227

امام كاظم عليه السلام-امام هفتم عليه السلام 182,194,195,257,267 ,66,67,90,181

امام رضا عليه السلام 140,152,168,177,197,213 ,51,81,89,90,98,100,109

امام جواد عليه السلام 135

امام هادي عليه السلام 64

امام حسن عسكري عليه السلام 201

امام زمان عليه السلام-ولي عصر-حضرت مهدي عليه السلام- حضرت قائم عليه السلام در بيستر صفحات اهل بيت عليهم السلام-ائمه عليهم السلام-معصومين عليهم السلام آل

محمد صلى الله عليه و اله و سلم 247 ,79,100,105,130,153,178,219,246 ,18,19,25,63,66,69,70,73

آدم عليه السلام 78

ابراهيم عليه السلام 78,99,102,151,167,204,224

اسحاق عليه السلام 102

ايوب عليه السلام 44

داود عليه السلام 173,206

سليمان عليه السلام 108,172

شعيب عليه السلام 112

عيسى عليه السلام 242,260,267 ,167,168,172,219,221,239,241 ,18,44,84,115,116,131,162

لوط پیامبر صلى الله عليه و اله و سلم 146

موسى عليه السلام 136,162,172,173,202,219,248,273 ,44,78,86,100,108,112,130

نوح عليه السّلام 200

هارون 172،173

يعقوب عليه السّلام 102،103

يوسف عليه السّلام 102،103

يوشع 130،136،219

يونس عليه السّلام 78

ص: 310

اعلام (اشخاص، مکان ها، کتاب ها)

آبادان 121

آفرنجه 124

آمریکا 33

آمل 121، 123

ابا بکر حضرمی 217، 244

آبادجانه انصاری 137

ابن ابی یغفور 162

آبان بن تغلب 136، 166، 194

ابن اثیر 184

ابن بطائنی 78

ابن جریح 130

ابن حمّاد 84، 99

ابن داود 88

ابن زیاد 91، 92

ابن سیرین 55

ابن شوذب 184

ابن طاووس 101، 122

ابن عباس 44، 59، 71، 72، 131، 240

ابن عربی 238

ابن عمر 26، 46

ابن مسعود 60،164

ابو امامه باهلی 241

ابو بصیر 246، 88،99،137،183،188،201،216

ابو جهل 88

ابو حمزه ثمالی 45،48،80،157،186

ابو حنیفه 244

ابو حیان بجلی 91

ابو خدیجه 117

ابو دجانہ انصاری 219،221،246

ابو رؤبه 255

ابو سعید خدری 95

ابو قبیل 52

ابو محمد 61

ص: 311

ابو هاشم جعفرى 201

ابو هريره 52،61

ابهر 121

اثبات الهداه 128

احبشيه 84

احجاز الزيت 52

احساء 124

احسائي 273

اذرح 124

أذنه 124

أرجيش 124

اردبيل 121،123

اردن 124

ارشاد القلوب 54

ارطات 44،58،99،272

أرمينيه 124،160

ازد 161

اسحاق بن عمّار 199

اسرائيل 33

اسكندريه 124

اسماعيل (فرزند امام صادق عليه السلام) 117

اشعث 72

اشمط 185

اصبغ بن نباته 121،200،232

اصحاب كهف 224،246 ، 119،130،136،219،221

اصفهان 121،123

اصوريه 124

اعلام الوري 60

افرنجه (مغرب زمين) 122

الزام الناصب 272

امام خميني 65

امّ أبيه 93

امّ ايمن 84،87،93

امّ خالد أحمسيه 84،88

امّ خالد جهنمي 84

امّ زياد 94

امّ سعيد حنفيّه 84

امّ سلمه 94،212

امّ سليط 95

امّ سليم 94

امّ سنان اسلميه 94

امّ عطيه 93

امّ عمّاره (نسیبہ) 93

امّیہ دختر قیس 94

انتظار (مجله تخصصی) 180

انس 40

انطاکیه 124، 155، 172

انیسہ 95

اهل فارس - فارسیان - ایرانیان 71، 72، 120،

ص: 312

121،232

اهواز 118،121،122

ایذج (ایذه) 123

ایران 18،26،36،71،122

باسیان 122

باهله 161

بالیس 124

بتریه 185،186

بحار الانوار 17،133،236

بربر 151،170

برجان 123

برقه 124

برکری 124

بروجرد 121

بریل 123

بشم 122

بصره 122،161

بلنجر 157

بنی اسرائیل 78،130،172

بنی امیّه 52،91،161

بنی تمیم 116

بنی شیبہ 179

بنی ضبہ 161

بنی ہاشم 52،116

بیان الأئمہ 267

بیت المقدس 69،116،124،138،152،163

پہلوی، محمد رضا 36

تدمر (از شہرهای شام) 124

ترک 157

تمارین 162

تہذیب 262

جابر بن عبد اللہ انصاری 154،213،223

جابر جعفی 104

جابر سا 132،151،170،240

جابلقا 132،151،170،240

جامدہ 124

جبرئیل 78،86،131،151،167،269

جبیر بن خابور 118

جرجان 121،123،124

حارث (فرماندہ لشکر حضرت) 118

حبابہ والبیہ 84،88،89،90

حبہ عرنی 232،256

حجاج 182،244

حجاز 50،83،116

حذیفه بن یمان 46،120،156،241

حرحس 123

حسن بصری 116

حسن بن ہارون 176

حسینی شاهرودی، سید محمد 20

حضر موت 243

ص: 313

حلب 124

حليه الابرار 54

حمص 124

حمّته 93

حميم 124

حوّاء 78

حيره 53,232,234,256

چين 156

خرائج 227

خراسان 74,117,120,123,127

خصائص فاطميه 85

خصال شيخ صدوق 270

خلاط 124

خمري 124

خوارج 185

خونى، آيه الله سيد ابو القاسم 133

خوى 121

دامغان 121,123

ديبل 124

دجال 263,264,267,94,96,116,164,183,240,242

درياچه طبرستان 58

دلائل الامامه 122

دمشق 124

دمياط 124

دورق 122

دينور 123

ذو القرنين 109،154

ديلم 155،156

رأس عين 124

راوندى 227

ربيعه(دختر معوذ)93

رفيعى،على 20

رقه 124

رمله 124،163

رود نيل 58

روم 97،155،170،272

روميان 151

رى 161

زبيد 124

زبيده(همسر هارون الرشيد)84،85،87

زراره 176

زمخشري 164

زنج کبری 160

زوراء 124

زهري 272

زيد بن علي 88

زيد زراد 63,237

ساج 123

ساحل عگا 155,157

ص: 314

سادات حسنی 107

سازمان تبلیغات 15

ساوه 121،123

سرخس 121

سعید بن حبیر 259

سعید بن مسیب 29

سعیده(زنی از بنی تمیم)272

سفنارس 123

سفیانی 44،116

سلماس 121

سلمان فارسی 18،137،219،221،246،248

سمرقند 123

سمیّه(مادر عمار)84،88

سند 157

سورا 124

سوره(نام شخصی است)109

سوریه 124،129

سوس دور 124

سیراف 123

شام 129،152،161

شبلنجی 117

شرح الزياره الجامعه 273

شعيب بن صالح 116،117

شمسى، سيد محمد كاظم 15

شهر بن حوشب 182

شيخ حرّ عاملى 128،129،138

شيخ صدوق 202

شيخ طوسى 262

شيراز 36،123

شيروان 124

شيطان 189،190

شيعيان 55،64،67،87،205،235،253

صالح بن شعيب 117

صباح 215

صَبَّانَهْ ماشطه 84،85

صبرا 124

صريح 123

صفوان 66

صنعاء 243

صور 124

صَبَّانَه 85،86

صيداء 124

طائف 124

طالقان 74،120،123،128

طاووس يمانی 254

طبرستان 156،172،173

طبرسی 202،205

طبری 122

طبسی، آیه الله (پدر مؤلف) 224

طبسی، محمد جعفر 20

ص: 315

طبسی، محمد جواد 20

طبسی، نجم الدین 15

طرسوس 155

طرطوس 124

طنجه 124

عائر 124

عانه 123

عبد اللہ بن بکیر 181، 182

عبد اللہ بن شریک 117

عبد اللہ بن سلام 264

عبد اللہ بن سلمه 95

عبد اللہ بن سنان 251

عبد اللہ بن عجلان 140

عبد اللہ بن عمر 120

عبد اللہ مغیره 178

عبد الملک بن اعین 147

عثمان 87

عثمان بن حمّاد 101

عجم ها 120، 121

عدن 124

عدی بن حاتم 245

عراز 124

عراق 50،88،118،129،152

عرفات 124

عسقلان 124،157

عسكر مكرم 122

عطاء بن يسار 58

عفان بصرى 70،127

عقيل (فرمانده لشكر حضرت) 118

علاقي 124

علامه حلي 194

علي بن سالم 198

علي بن عقبه 245،252

عمار ياسر 51،88،117

عمان 122

عمران (پسر حصين) 97

عمر بن خطاب 95

عيسى بن عبد الله 69

غايه المرام 172

غزه 124،157

فارس 151،170،232

فارقين 124

فتن 84

فرعون 78،86

فضيل 186

فلسطين 157

فيض كاشانى 238

قاسيه 124

قالقلا 124

قبرس 124

ص: 316

قتاده 245

قراح 123

قريش 180

قزوين 121

قسطنظيه 233, 97, 110, 111, 155, 156, 161

قسوان 124

قصر 124

قطيف 124

قلعه خيبر 93

قم (سرزمين حيل) 120, 127, 63, 65, 67, 68, 69, 70

قنوا (دختر رشيد) 84, 91

قورص 124

قوس 124

القول المختصر 192

قيروان 124

قيمون 124

كابل 157

كازرون 121

كافي 150

كامل الزيارات 216

كرار 124

کربلا 167،256

کردها 151،161

کعب 100،101،110،138

کعب الاحبار 101،163،272

کعبه 244، 18،122،129،136،179،180،214

کمونیسم 212

کوفه 233،255،256،257، 152،185،186،189،201،217،218، 53،66،68،88،129،137،144،145

کوه صفا 141

لاکار 124

لئبیه (طیبه) 95

مائوئیسم 212

مالک اشتر 18،37،219،227،246،248

مامقانی 179

مجدر بن زیاد 95

مجلسی اول (محمد تقی) 202

مجلسی، علامه محمد باقر 195،198،199،202،224، 99،131،188

محمد بن حنفیه 117

محمد بن فضیل 218

محمد بن مسلم 37،54،59،169

محمد بن مسلمه 94

مدینه 161،181،244،249، 25،52،87،93،95،116،124،141

مراغه 121

مرجئه 184

مسجد اشعث 201

مسجد اقصى 86

مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم 203

مسجد جریر 201

مسجد سماک 201

مسجد سهله 183,216,217,218

مسجد شیبث بن ربیع 201

مسجد کوفه 43,190,200,231,232

مسعودی 202

مسند احمد 60

مصر 58,103,129

معاذ بن کثیر 199

معاذة غفاریه 94

معاویہ 220

معاویہ دهنی 105

معجم الاحادیث الامام المهدي عليه السلام 19

معجم رجال الحديث 133

معلی بن خیس 176

مفضل بن عمر 177,229,233,268, 84,102,119,129,136,139

مکه 124،120،116،87،86،83،79،66،179،161،152،141،139،136،135،249،244،198،181

مناز جرد 124

منبح (از شهرهای روم) 124

منتخب البصائر 84

موصل 124

مؤمن آل فرعون 246،219،136

میکائیل 167

ناصریان 188،187،178

نجف 186،166،145،137،129،108،80،233

نجم بن اعین 133

ندلیس 124

نسیبه 95

نشور 124

نصیبین 124

نھاوند 121

نیل 124

واسط 124

وتیره 84

وہابیان 33

وہب بن جمیع 189

هارون 172

هارون الرشيد 87

هجر 126

هروى 179

ص: 318

همدان 121

همسر حزقیل 86

هند 151،170

یزید 201

یعقوب بن شعیب 102

یمامه 126

ینایع المودّه 172

یوسف بن عمر 88

یوشع وصی موسی 136،246

یونس بن ظبیان 134

ص: 319

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

